ایران

• دوشنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۴
• ۲۶ جمادی‌الاول ۱۴۴۷
• ۱۷ نوامبر ۲۰۲۵
• سال سی‌ویکم
• شماره ۸۸۸۸
• ۲۰ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۱۰۰۰۰ تومان

Iran Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

رئیس‌جمهوری در شورای راهبردی وزارت دفاع تأکید کرد

استفاده از ظرفیت نیروهای مسلح برای رفع ناترازی‌ها

۲

دو فعال اقتصاد دیجیتال از نشست با سران قوا گفتند

پزشکیان؛ پل ارتباطی بخش خصوصی با حاکمیت

۲

بخشنامه بودجه ۱۴۰۵ با سه مأموریت بهبود رشد اقتصاد، ثبات و توزیع عادلانه درآمدها منتشر شد

۶ محور اقتصاد ایران در سال آینده

اولین برآورد دولت از قیمت نفت در سال آینده: انتظار می‌رود نفت خام برنت در ۲۰۲۶ به **۵۸ تا ۶۰ دلار** برسد که در برنامه‌ریزی منابع حاصل از صادرات نفت مورد توجه قرار خواهد گرفت

۸

وزیر امور خارجه در کنفرانس بین‌المللی «حقوق بین‌الملل تحت تهاجم: تجاوز و دفاع» عنوان کرد

سیاست ایران دیپلماسی بدون دیکته

- آماده هر دو تجربه جنگ ۱۲ روزه و برجام هستیم
- در اثر ایستادگی و قدرت ایران اکنون درخواست برای مذاکره دوباره آغاز شده است

عکس: ایرنا

۴

استاندار سیستان و بلوچستان در گفت‌وگو با «ایران» از توافق مشترک با افغانستان می‌گوید

چابهار و «میلک» مسیر کم‌هزینه تجارت با شرق

۱۴

جامعه مدنی؛ سپر دفاع ایران

- تقی آزاد ارمکی: جامعه ایران به مفهوم فراگیر ایران بازگشته است
- عمادالدین باقی از نقش جامعه مدنی در صیانت از تمامیت ارضی کشور نوشت

۳

در صفحات «اجتماعی» بخوانید

- پالس امید با اورژانس بانوان
- دانشجویان متأهل دو برابر مجردها وام می‌گیرند
- تغییر الگوی ازدواج میانسالان؛ سن تنها یک عدد است؟
- مجلس مشورتی جوانان تا سه ماه آینده تأسیس می‌شود
- تمایل ۷۰ درصد زنان تحصیلکرده به تلفیق سنت و مدرنیته

۶ ۱۸

با آغاز حمل صادراتی از ایستگاه راه‌آهن هشتگرد به ترکیه رخ داد

پایان رکود صادرات ریلی

مجموع حمل بار بین‌المللی در ۶ ماهه ابتدایی سال رشد ۲۰ درصدی داشته است

۷

مدیر عامل شرکت مخابرات در گفت‌وگو با «ایران»:

رقابت واقعی در سرویس‌دهی است نه ایجاد زیرساخت

۱۵

رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت:

هیچ استعفایی در دولت مطرح نیست

۲

گروه بورس عملکرد صندوق‌های زعفران را بررسی می‌کند

چالش‌های بازار زعفران شوک گرما یا ناکارآمدی؟

۹

معاون سازمان حمایت در گفت‌وگو با «ایران»:

سود تأخیر تحویل خودرو حق خریداران است

در بازار آزاد، خودروی زیر ۵۰۰ میلیون تومان پیدا نمی‌شود

۱۰

یادداشت یک

پیام ایران در اجلاس WTDC-25؛ بازگشت دیپلماسی فناوری به خط مقدم

سیدستار هاشمی
وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات

کنفرانس جهانی توسعه ارتباطات ۲۰۲۵ (WTDC-25) که از روز دوشنبه به میزبانی جمهوری آذربایجان آغاز شده است، برای بسیاری از کشورها رویدادی مستمر و تخصصی محسوب می‌شود که محل تبادل دیدگاه‌های فنی، اشتراک تجربه‌ها و بررسی روندهای توسعه ارتباطات است. اما برای جمهوری اسلامی ایران، امسال این اجلاس معنایی کاملاً متفاوت یافت. پس از جنگ تحمیلی ۱۲روزه که زیرساخت‌های سایبری و حیاتی کشور را هدف قرار داد و ما را در آماج پیچیده‌ترین حملات دیجیتال قرار داد، WTDC-25 اولین صحنه بین‌المللی است که ایران می‌تواند روایت ایستادگی خود را ارائه کند.

ما در این اجلاس صرفاً یک هیأت فنی و تخصصی به نمایندگی ایران نیستیم؛ بلکه حامل روایت تاب‌آوری ملی و نماینده الگوی مقاومت دیجیتال کشورمان هستیم که در اجلاس اصلی و در حاشیه آن، مجموعه‌ای از دیدارهای سطح بالا و فشرده با وزرای ارتباطات کشورهای روسیه، هند، مالزی، الجزایر، پاکستان و جمهوری آذربایجان و نیز در دیدار با دبیرکل و مدیران ارشد اتحادیه جهانی مخابرات (ITU) روایتگر این مهم هستیم.

۱- تاب‌آوری دیجیتال؛ تبدیل بحران به سرمایه راهبردی

در جهان امروز فناوری دیگر در حاشیه اقتصاد، فرهنگ، سیاست و امنیت نیست؛ بلکه در مرکز قدرت ملی قرار دارد. همان‌طور که تحولات اخیر نشان داد، مرزهای سایبری گاه از مرزهای زمینی هم مهم‌تر می‌شوند. جنگ سایبری ۱۲روزه علیه ایران، علاوه بر خسارت‌ها و فشارها، یک واقعیت مهم را آشکار کرد: «جمهوری اسلامی ایران به مرحله‌ای از توانمندی رسیده است که نه‌تنها در برابر حملات وسیع پایدار می‌ماند، بلکه قادر است با تکیه بر زیرساخت‌های بومی، زنجیره ارتباطات کشور را پایدار و بازسازی کند.» این تجربه امروز پشتوانه راهبرد دیپلماسی فناوری ایران شده است و ما با دست پر در باکو حاضر شدیم؛ با تجربه عملی، نه با گفتمان نظری.

۲- دیپلماسی فناوری؛ ضرورت یک ایران قدرتمند در جهان متصل

در جهان به‌هم‌پیوسته امروز، کشورهایی موفق‌ترند که بتوانند در کنار توسعه داخلی، قدرت مذاکره، حضور فعال در زنجیره ارزش فناوری و کسب سهم از بازارهای جهانی را نیز به دست آورند. تحریم‌های فناوری طی سال‌های گذشته تلاش داشته‌اند ایران را از این زنجیره دور نگه دارند، اما نتیجه دقیقاً برعکس شد: «ایران مسیر درون‌زا را با قدرت آغاز کرد و امروز به نقطه‌ای رسیده‌ایم که قادر به صادرات فناوری، خدمات ابری، تجهیزات شبکه، نرم‌افزار و راهکارهای دیجیتال هستیم.»

در چنین شرایطی حضور در رویدادهای بین‌المللی نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت استراتژیک است. WTDC-25 فرصتی بود تا ایران از جایگاه یک بهره‌بردار از نمونه‌های بین‌المللی، خود به یکی از بازیگران تأثیرگذار و الگوی جهانی تبدیل شود.

۳- مذاکرات فشرده با کشورها و هم‌افزایی منطقه‌ای و بین‌المللی

در حاشیه اجلاس، مجموعه‌ای از دیدارهای مهم با وزرای ارتباطات روسیه، هند، مالزی، الجزایر، پاکستان، کنیا و جمهوری آذربایجان و همچنین با دبیرکل و مدیران ارشد اتحادیه جهانی مخابرات (ITU) در دستورکار است.

در تمام این گفت‌وگوها بر یک اصل مشترک تأکید خواهیم کرد: «حفاظت از حقوق ملت‌ها و زیرساخت‌های حیاتی در جنگ‌های نوین و همزمان توسعه همکاری‌های فنی، تجاری و پژوهشی به عنوان یک مسیر قطعی برای ثبات جهانی.»

این دیدارها در راستای بازتعریف فضای جدید منطقه‌ای و بین‌المللی با هدف گسترش بازارهای صادراتی شرکت‌های ایرانی در آسیا و آفریقا، اتصال به شبکه تبادل دانش و نوآوری، ایجاد مسیرهای مشارکت در پروژه‌های منطقه‌ای و تعامل با کشورهایی که خواستار انتقال و استفاده از دستاوردها و تجربیات ایران هستند، صورت می‌گیرد.

این روند باعث شده تا ایران در باکو، نه یک کشور حاضر در اجلاس، بلکه یک کنشگر فعال در عرصه دیپلماسی فناوری باشد.

۴- فناوری؛ حق ملت‌ها، نه ابزار سلطه

تأکید ما در اجلاس مذکور این است که توسعه ارتباطات یک حق بشری است و نباید به ابزار فشار، تحریم یا سلطه تبدیل شود. این دیدگاه تنها یک موضع سیاسی نیست، بلکه تجربه زیسته ما برای دیگر ملت‌هاست. تحریم‌های فناورانه طی سال‌های گذشته تلاش کرده‌اند ظرفیت‌های صنعتی، آموزشی، تجاری و نوآورانه ایران را محدود کنند؛ اما نتیجه، جهش و استقلال‌بخشی به توان داخلی بوده است.

در راستای دیپلماسی فناوری، پیام‌های جمهوری اسلامی ایران به دنیا این است که امروز ایران در حوزه توسعه ارتباطات یک کشور مستقل است، در حوزه شبکه‌های ابری و خدمات دیجیتال دارای ظرفیت صادراتی است و در حوزه امنیت سایبری دارای مدل بومی اثبات‌شده است. این پیام برای ملت‌ها و کشورهای منطقه و بسیاری از کشورهای مستقل، یک پیام الهام‌بخش است.

۵- آغاز مسیر جدید در دیپلماسی فناوری ایران

اما دیپلماسی فناوری در اجلاس باکو پایان یک مأموریت فنی نیست، بلکه آغاز یک فصل تازه و همکاری‌های متقابل با دیگر دولت‌ها و ملت‌ها در عرصه‌های امنیت سایبری، توسعه شبکه‌های هوشمند، اقتصاد دیجیتال درون‌زا و تحول دیجیتال کشورهاست.

اجلاس امسال WTDC-25 برای ایران به فرصت تثبیت دیپلماسی فناوری کشور تبدیل شد. ما با یک روایت تازه وارد باکو شدیم: «روایت کشوری که در سخت‌ترین جنگ سایبری منطقه ایستاد و اکنون آماده است تجربه خود را به اشتراک بگذارد و شریک توسعه ارتباطات جهانی باشد.»

و در پایان، این یادداشت دعوتی است از همه دستگاه‌ها، شرکت‌ها و نهادهای فعال دولتی و خصوصی در حوزه فناوری کشور: «مسیر آینده ایران، تنها مسیر توسعه داخلی نیست؛ مسیر حضور در عرصه‌های بین‌المللی و بازارهای منطقه‌ای و جهانی است و وزارت ارتباطات تسهیل‌گری این مسیر را آغاز کرده است.»

معاون اجرایی رئیس‌جمهور:

پرداخت‌ها باید مبتنی بر عملکرد واقعی باشد

محمدجعفر قائم‌پناه، معاون اجرایی رئیس‌جمهوری در دومین جلسه پیگیری اجرای مدیریت مبتنی بر عملکرد و بودجه‌ریزی عملیاتی، با اشاره به اهمیت هدایت صحیح فرآیندهای ارزیابی اظهارکرد: «من با تحمیل یک نرم‌افزار واحد به کل کشور موافق نیستم. وظیفه شما ارائه شاخص‌هاست و نباید یک نرم‌افزار را برای همه تجویز کنید.»

به گزارش ایرنا، در ادامه، نمایندگان دستگاه‌ها توضیحاتی درباره نرم‌افزار ارزیابی عملکرد ارائه کردند، اما قائم‌پناه با تأکید بر اهمیت شاخص‌های رفتاری و عملکردی گفت: «هر پرداختی باید مبتنی بر عملکرد واقعی باشد. رفتار حرفه‌ای، پذیرش خطا، تعهد، مهارت، یادگیری مستمر و حتی رعایت نظم و حضور به‌موقع باید در ارزیابی‌ها لحاظ شود. اگر فرد عملکرد ضعیف داشته باشد، نمره منفی می‌گیرد و این مستقیماً در پرداخت‌ها اثر می‌گذارد.»

وی با تأکید بر اینکه برای اولین بار فرم‌های ارزیابی عملکرد باید به امضای مدیران و کارکنان برسد، عنوان کرد: «اگر کارمند فرم را امضا نکند، یعنی ارزیابی را نپذیرفته و این در پرداخت‌ها تأثیر دارد. پرداخت مبتنی بر عملکرد یعنی اگر پیشرفت برنامه ۷۰ درصد باشد، پرداخت هم باید ۷۰ درصد باشد. مدیر نیز باید همین نسبت را در پرداخت به نیروهایش رعایت کند.»

سرپرست نهاد ریاست‌جمهوری در ادامه با اشاره به لزوم فرهنگ‌سازی سازمانی اظهار کرد: «اینکه همه دستگاه‌ها مجبور باشند از یک نرم‌افزار واحد استفاده کنند، نیاز به تجدیدنظر دارد. باید شاخص‌ها تعیین شود و هر دستگاه نرم‌افزار خود را با نرم‌افزار مرکزی تطبیق دهد. مانند سیستم حسابداری. این مسأله با بخشنامه حل نمی‌شود، بلکه نیازمند آموزش و باور سازمانی است.»

قائم‌پناه همچنین با انتقاد از ارزیابی‌های غیرواقعی برخی دستگاه‌ها تأکید کرد: «اگر همه کارکنان را بدون توجه به واقعیت‌ها ارزیابی کنیم، نتیجه‌اش تصمیم‌گیری اشتباه است. مدیر آموزش باید بداند برنامه عملیاتی، اکشن‌پلن و جدول گانت چیست. اینها پایه فرهنگ سازمانی است.»

در بخش دیگری از جلسه، پیشنهاد تعیین و تفکیک شاخص‌های نرم‌افزار بودجه‌ریزی عملیاتی، نرم‌افزار پرداخت مبتنی بر عملکرد و نرم‌افزار ارزیابی عملکرد مطرح شد تا دستگاه‌ها ملزم به رعایت این استانداردها شوند.

معاون اجرایی رئیس‌جمهوری در پایان با اشاره به نمونه‌ای از نظرسنجی‌های صورت‌گرفته گفت: «ما بدون پرداخت هزینه یا اعمال فشار، صرفاً نتایج را منتشر کردیم و همه دستگاه‌ها برای اصلاح آن باید اقدام کنند. اگر شاخص‌ها واقعی و نه صوری باشند، نتایج نیز واقعی خواهد شد.»

این جلسه با تأکید بر پیگیری مستمر، آموزش مدیران، اصلاح فرهنگ سازمانی و حرکت به سوی اجرای واقعی پرداخت مبتنی بر عملکرد به پایان رسید.

وزیر اطلاعات: طرح مقابله با نفوذ کمک به دستگاه‌های اطلاعاتی است

حجت‌الاسلام والمسلمین سیداسماعیل خطیب، وزیر اطلاعات در گفت‌وگو با «خانه ملت» با اشاره به اهمیت طرح «مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌ها یا نهادهای بیگانه در کشور» که در حال بررسی در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی است، اظهارکرد: «استکبار و نظام سلطه می‌خواهد مسأله نفوذ را با هجمه و جنگ ترکیبی بر کشورمان تحمیل کند و هدفشان براندازی است.»

خطیب با تأکید بر اینکه نفوذ یکی از ابزارهای کار و فعالیت دشمن محسوب می‌شود، گفت: «در واقع دشمنان این اصل قدیمی را در کشورهای مختلف عملیاتی کرده و بعضاً نیز به نتیجه رساندند که در زمان‌هایی از آن به عنوان انقلاب‌های رنگی یاد می‌شود.»

وزیر اطلاعات افزود: «این مهم در حالی است که موضوع یاد شده به لطف وفاق، انسجام، همراهی، تعصب، اعتقاد و غیرت مردم به کشور ایران و سرزمین‌شان، موفق نبوده و موفق هم نخواهد بود اما دشمن در شرایط و دوره‌های مختلف مانند فتنه ۸۸ تلاش کرده از نفوذ بهره‌برداری کند.»

خطیب با تأکید بر اینکه طرح مذکور می‌تواند در چهارچوبی که برای جامعه قابل مشاهده باشد، کمک و یاور دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی باشد، یادآور شد: «ما در هر طرح و لایحه، سیاست، تصمیم، راهبرد و اقدامی بر حفظ امنیت، انسجام و اتحاد مقدس مورد اشاره رهبر معظم انقلاب، تأکید داریم.»

وزیر کشور مطرح کرد

لزوم تدوین برنامه‌های منسجم برای ساماندهی آسیب‌های اجتماعی

اسکندر مؤمنی وزیر کشور دیروز در یکصد و هفتاد و سومین جلسه شورای اجتماعی کشور، با تأکید بر اینکه بر اساس تکلیف قانون برنامه هفتم پیشرفت، برنامه‌های فوق‌العاده و غیرجاری که نقش مؤثری در کاهش آسیب‌های اجتماعی داشته باشند باید با همکاری سازمان برنامه و بودجه به شکل سالانه به تأیید سازمان امور اجتماعی برسد، اظهار کرد: «اگر نهاد و سازمانی در این زمینه کوتاهی کرده باشد باید پاسخگو باشند.»

برنامه اقدام شبکه مدیریت محله‌محور از دیگر دستورکارهای صد و هفتاد و سومین جلسه شورای اجتماعی کشور بود. مؤمنی درباره این موضوع نیز گفت: «برنامه اقدام محله محور بنا ندارد سازمان و تشکیلات جدیدی ایجاد کند؛ بلکه دستگاه‌ها و نهادهایی که خدمات محله محور ارائه می‌کنند، هماهنگ خواهند شد.»

وزیر کشور هدف اصلی این برنامه را تنظیم‌گری و تسهیل‌گری دانست و افزود: «سلایق مردم متفاوت است و دستگاه‌های شرکت کننده در این طرح بنا نیست که یکسان عمل کنند.»

مؤمنی افزود: «دستگاه‌ها و سازمان‌های مشارکت کننده در این طرح باید به صورت فصلی به رقابت بپردازند تا علاوه بر ارزیابی عملکرد، انگیزه مشارکت افزایش یابد.»

طبق گفته وزیر کشور، «این برنامه هیچ منعی در کار سازمان‌ها و نهادهایی که به شکل محله‌محوری به ارائه خدمات می‌پردازند ایجاد نخواهد کرد و تجمیع گزارش‌های این سازمان‌ها در قالب یک سامانه و ارزیابی خدمات آنها در اولویت قرار دارد، چراکه زمینه‌ساز تحقق عدالت در زمینه ارائه خدمات در محلات مختلف خواهد شد.»

ایران online
www.ion.ir
www.ion.ir
با ایران آنلاین، آنلاین باشید

اخبار

معاون اول رئیس جمهور مطرح کرد

ایران؛ بهترین مسیر ترانزیتی برای کشورهای محصور در خشکی

جلسه ستاد ملی گذر مرز به مرز (ترانزیت) روز گذشته به ریاست معاون اول رئیس جمهور برگزار و سند برنامه ملی گذر و برنامه اعطای مشوق‌ها و حمایت‌های افزایش رقابت‌پذیری گذر از مسیر ایران تصویب شد. به گزارش ایرنا، محمدرضا عارف در این جلسه، با اشاره به توجه جدی قانون برنامه هفتم پیشرفت به موضوع ترانزیت و موقعیت جغرافیایی کشور تأکید کرد: «بخش ترانزیت برای ایران می‌تواند مزایای اقتصادی و تجاری با کشورهای همسایه و حوزه تمدنی مشترک داشته باشد و همچنین ایران برای کشورهای محصور در خشکی که دسترسی به آب‌های آزاد ندارند، بهترین مسیر ترانزیتی خواهد بود.»

معاون اول رئیس جمهور با تأکید بر اینکه «ترانزیت در توسعه روابط گردشگری، فرهنگی و علمی مؤثر است»، ادامه داد: «گسترش و تعمیق روابط ترانزیتی در افزایش همکاری‌های سیاسی و منطقه‌ای تأثیرگذار است.»

عارف با اشاره به فعال شدن ستاد ملی گذر مرز به مرز (ترانزیت) در دولت چهاردهم طبق سند برنامه هفتم پیشرفت تصریح کرد: «برنامه و اقدامات و همچنین همکاری‌های خوب ترانزیتی در این برنامه دیده شده است که البته نیازمند همکاری تمامی دستگاه‌ها است چرا که ترانزیت موضوعی فرابخشی است و نمی‌توان مسئولیت آن را تنها به یک دستگاه و بخش واگذار کرد.» معاون اول رئیس جمهور گفت: «راهبرد ایران توسعه روابط پایدار و حداکثری با کشورهای منطقه و همسایگان در همه بخش‌ها از جمله ترانزیت است.»

عارف امروز به روسیه می‌رود

معاون اول رئیس جمهور، امروز در رأس هیأتی برای شرکت در بیست و چهارمین اجلاس نخست‌وزیران سازمان همکاری شانگهای به روسیه سفر می‌کند. این اجلاس ۲۶ و ۲۷ آبان ماه ۱۴۰۴ در مسکو برگزار می‌شود. عارف علاوه بر سخنرانی در این اجلاس، با برخی از مقامات کشورهای شرکت‌کننده دیدار و گفت‌وگو خواهد کرد.

تکذیب یک خبرسازی درباره معاون اول رئیس جمهور

حضرتی: هیچ استعفایی در دولت مطرح نیست

رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت در واکنش به برخی شایعات درباره استعفای برخی اعضای دولت اظهار کرد: «شایعه استعفای اعضای دولت از آن دست موضوعاتی است که بارها در فضای مجازی منتشر شده است. این شایعات چندین بار در مورد رئیس جمهوری و اخیراً نیز درمورد محمد رضا عارف، معاون اول رئیس جمهور مطرح شده و درگذشته نیز درباره برخی از وزرا، معاونان رئیس جمهور و رئیس کل بانک مرکزی نیز چنین اخباری منتشر شده که هیچ کدام از این موارد صحت ندارد.» به گزارش ایرنا، الیاس حضرتی با تأکید بر اینکه: «هیچ برنامه استعفایی در دولت مطرح نیست»، گفت: «تمام اعضای دولت محکم، هماهنگ و یکدست در تلاش شبانه‌روزی برای حل مشکلات کشور هستند و قطعاً نیز این مشکلات حل خواهد شد. کما اینکه بسیاری از این مشکلات نیز درحال حل شدن است.»

علیرضا خامسیان معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر معاون اول رئیس جمهور نیز در واکنش به انتشار شایعه کناره‌گیری محمدرضا عارف از سمت معاون اولی، در شبکه اجتماعی «ایکس» نوشت: «سفر دکتر عارف به مسکو برای شرکت در اجلاس شانگهای یکی از مهم‌ترین سفرهای دیپلماتیک مقام ارشد دولت بعد از اسنپ بک محسوب می‌شود. حال در آستانه این سفر عده‌ای که درکی از منافع ملی ندارند با خبرسازی به دنبال حاشیه‌سازی برای دولت هستند به چه قیمتی؟ حرمت رسانه و روزنامه‌نگاری را پاس دارید.»

رئیس جمهوری در شورای راهبردی وزارت دفاع تأکید کرد

استفاده از ظرفیت نیروهای مسلح برای رفع ناترازی‌ها

دولت

جلسه دیروز شورای راهبردی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با یک تفاوت نسبت به جلسات پیشین برگزار شد؛ رئیس جمهوری روز گذشته به وزارت دفاع رفت تا در این جلسه شرکت کند. مسعود پزشکیان در بدو ورود به مجموعه وزارت دفاع، ابتدا در یادمان شهدای گمنام حاضر شد تا به مقام والای شهیدان ادای احترام کند. برنامه بعدی او نیز، بازدید از بخشی از تأسیسات تخریب شده وزارت دفاع در اثر حملات تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی در جنگ تحمیلی بود.

نشست دیروز شورای راهبردی وزارت دفاع با رئیس جمهوری بهانه‌ای شد تا امیر سرتیپ عزیز نصیرزاده، وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح کشورمان گزارش مبسوطی از اقدامات و برنامه‌های این وزارتخانه در زمینه ارتقای توانمندی‌های دفاعی کشور و نیز همکاری با بخش‌های دولتی و خصوصی، بویژه همکاری‌های فناورانه و تبادل توانمندی‌ها و فناوری‌ها، به پزشکیان ارائه کند.

امیر نصیرزاده همچنین اقدامات وزارت دفاع در جریان تجاوز رژیم صهیونیستی به کشور و پشتیبانی‌های صورت گرفته از نیروهای مسلح را تشریح کرد.

با توجه دادن به این مقدمات بود که رئیس جمهوری، سخنان خود در نشست دیروز را آغاز کرد. اولین بخش صحبت‌های رئیس جمهوری عرض خسته نباشید و قدردانی از مجموعه نیروهای وزارت دفاع بود. اینجا بود که پزشکیان خطاب به نیروهای حاضر، گفت: «با توجه به مأموریت‌های وزارت دفاع، شما می‌توانید نقش مؤثری در هم‌راستا و هم‌افزا کردن ظرفیت‌های بخش‌های مختلف کشور و هماهنگی برای سرریز شدن توانمندی‌ها و دستاوردهای این وزارتخانه در عرصه‌های عمرانی، فنی و زیربنایی کشور داشته باشید.» بخش بعدی سخنان رئیس جمهوری به موضوع ناترازی در کشور اختصاص داشت تا حامل این پیام باشد که رفع معضل فعلی کشور چقدر برای پزشکیان حائز اهمیت است.

رئیس جمهوری با بیان اینکه «نیروهای مسلح کشور در عرصه نیروی انسانی ظرفیت‌های چشمگیری دارند»، تصریح کرد: «ظرفیت‌ها و توانمندی‌های نیروهای مسلح می‌تواند در زمینه رفع مشکلات و ساماندهی ناترازی‌ها کمک بزرگی برای دولت و کشور باشد.»

> دشمنان به دنبال این هستند که به مشکلات اقتصادی و ناترازی‌ها در زمینه‌های مختلف دامن بزنند تا برخی نارضایتی‌ها را تشدید و بر موج آنها سوار شوند

پزشکیان سخنان خود را با همانندسازی همدلی مردم در دفاع مقدس و وضعیت فعلی کشور ادامه داد، جایی که با اشاره به تجربه اداره جبهه‌ها در دفاع مقدس ۸ ساله تصریح کرد: «در آن مقطع اقشار مختلف کسب و کار خود را تعطیل می‌کردند و برای کمک به کشور در جنگ به میدان می‌آمدند؛ امروز نیز حل مشکلات کشور نیاز به همان مدل مدیریت دارد و باید با مدیریت جهادی در عمل و نه تئوری بر مشکلات غلبه کنیم.» تلاش دشمنان برای ایجاد نارضایتی در جامعه موضوع دیگری بود که رئیس جمهوری در جمع نیروهای وزارت دفاع به آن اشاره کرد. پزشکیان با بیان اینکه «دشمن به خوبی می‌داند که صرفاً با حمله نظامی نمی‌تواند جمهوری اسلامی را از پا درآورد»، هشدار داد که «دشمنان به دنبال این هستند که به مشکلات اقتصادی و ناترازی‌ها در زمینه‌های مختلف دامن بزنند تا برخی نارضایتی‌ها را تشدید و بر موج آنها سوار شوند.»

ساختار اداری فربه کشور و هزینه‌های ناشی از آن نیز از سخنان رئیس جمهوری جا نماند. زمانی که پزشکیان این معضل را از ریشه‌های تحمیل کسری بودجه و ناترازی منابع و هزینه‌ها برشمرد و گفت: «همه تلاش خود را در دولت به کار گرفته‌ایم تا در تنظیم و تدوین بودجه سال ۱۴۰۵، هزینه‌ها را کاهش داده، از ناترازی آن با منابع جلوگیری کرده و بهره‌وری را ارتقا دهیم.»

رئیس جمهوری در بخش دیگری از سخنان خود بر ضرورت ارتقای کارآمدی نظام اداری در کنار افزایش بهره‌وری تأکید و اظهارکرد: «به هیچ وجه‌پذیرفتنی نیست که ما برای نظام اداری بودجه صرف کنیم و به کارکنان آن حقوق بدهیم، اما شاهد نارضایتی مردم از کیفیت خدمات اداری نیز باشیم.»

بخش پایانی صحبت‌های پزشکیان نیز به تشریح اهمیت مقوله وفاق و انسجام ملی گذشت. اینجا بود که رئیس جمهوری وفاق و انسجام را عامل نجاتبخش کشور و غلبه بر مشکلات عنوان و تصریح کرد: «متأسفانه ۴۷ سال است که به جای پرداختن به ریشه‌ها، به دنبال آن بودیم که با تغییر افراد مشکلات را رفع کنیم.» او افزود: «باید اصلاح را از خودمان آغاز کنیم و این مسیری است که در دولت چهاردهم در پیش گرفته‌ایم.»

«ایران» زمینه‌ها و پیامدهای یک کنشگری را بررسی کرد

پزشکیان، پل ارتباطی حاکمیت با بخش خصوصی

گزارش

رئیس جمهوری این روزها چکار می‌کند؟ طرح این سؤال به این دلیل ضروری است که این روزها همه مباحث سیاسی و رسانه‌ای حول یک انتصاب و یک بیانیه سیاسی متمرکز شده است. همه دارند درباره این دو اتفاق موضع می‌گیرند تا جایگاه خود را در قطب‌بندی‌های مرسوم سیاسی برای دیگران روشن کرده باشند. اما نکته‌ای در این میان هست.

این نکته این است که با وجود تأکید بر حق همه مردم و حامیان سیاسی و انتخاباتی برای طرح انتقادات نسبت به دولت، به نظر می‌رسد توقف در این بحث‌ها به معنای نادیده گرفتن اولویت‌ها و دیگر روندهای موجود در حوزه اجرایی و سیاسی کشور نیز باشد. یک توضیح درباره این مباحث، و بالاتر از آن، توضیح درباره اینکه دولت، بیش از همه چیز درحال چه کاری است، در یادداشت روز گذشته عباس عبدی مطرح شد.

این تحلیلگر اصلاح‌طلب در بخشی از این یادداشت، با بیان اینکه «حضور کنونی ما (ما اصلاح‌طلبان در حوزه قدرت اجرایی) برای کمک کردن به جناح مقابل است که خودش آستین را بالا بزند و تغییر خط مشی دهد»، نوشت: «پزشکیان این مسأله را به‌صورت غریزی می‌داند.» به دیگر سخن، می‌توان این بخش از یادداشت عبدی را اینطور تحلیل یا بیان کرد که وظیفه رئیس جمهوری صرفاً انتصاب‌ها و عزل و نصب‌ها نیست، بلکه پیداکردن راه‌های اجرایی برای حل مشکلات یا پیداکردن راه‌هایی برای کمک به حل مشکلات هم هست، آن هم در موقعی که خود دولت و قوه مجریه به تنهایی توان حل مشکلات را نداشته باشد. یک مورد از این تلاش‌های دولت و شخص رئیس جمهوری برای زمینه‌سازی در جهت حل مشکلات گروه‌ها و طیف‌هایی از جامعه ایرانی، شنبه گذشته رقم خورد. شنبه گذشته بعد از نشست سران قوا، سران قوا در نشستی مشترک میزبان جمعی از مدیران شرکت‌های استارتاپی و فعالان حوزه اقتصاد دیجیتال بودند. اما این اتفاق چطور افتاد و چه شد که مسعود پزشکیان، محمدباقر قالیباف و حجت‌الاسلام والمسلمین محسنی اژه‌ای در نشستی مشترک با این قشر دیدار کردند؟ پاسخ این است: رئیس جمهوری ترتیب برگزاری این جلسه را داد. ماجرا از این قرار بود که چهارشنبه ۱۴ آبان ۱۴۰۴، نشست فعالان اقتصاد دیجیتال با رئیس جمهوری در وزارت ارتباطات برگزار شد. در آن نشست، حاضران و فعالان بخش خصوصی مطالباتی را مطرح کردند که نشان داد این مطالبات، بویژه برای حل شدن و رفع موانع، نیازمند کار مشترک دیگر قوا هم هست. به همین منظور رئیس جمهوری به آنان وعده داد بزودی نشست مشترکی با حضور سران دو قوه مجلس و قضایی برای طرح مستقیم مطالبات و درخواست‌های آنان برگزار شود. ۱۰ روز بعد این وعده رئیس جمهوری عملی شد و پزشکیان ترتیبی داد تا پس از برگزاری نشست سران، قالیباف و حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای فرصتی برای شنیدن مطالبات این فعالان اختصاص دهند.

آنطور که دو تن از فعالان اقتصادی در شماره امروز «ایران» عنوان کردند، این نشست بی‌ثمر هم نبوده است و اینطور نبود که وقت جلسه صرفاً به گفت و شنود گذشته باشد. قرار بر برگزاری نشست‌های مشترک در قوه قضائیه یا مجلس گذاشته شد.

از این رویدادها چه می‌توان فهمید؟

طبیعتاً تا اینجا کار خاصی انجام نشده است. به عبارت دیگر، اگر با عینک برخی فعالان سیاسی به این رویدادها نگاه کنیم، کار خاصی رخ نداده و صرفاً دو نشست، حالا در سطح سران قوا برگزار شده است. اما فعالان اقتصاد دیجیتال ایران که در جلسه حضور داشتند و حرف‌های خود را مستقیم به سران قوا زدند و قول همکاری‌ها و نشست‌های دیگری را گرفتند، دقیقاً می‌دانند که این جلسات چقدر اهمیت داشت، چگونه و با چه سازوکاری برگزار شد و پیامدهای آن چه خواهد بود. به بیان دیگر، برخی کارها و مشکلات بود که بیرون از مسئولیت قوه مجریه قرار داشت، اما پزشکیان به جای طرح عمومی این مطالبات و تبدیل این مطالبات صنفی به مسأله‌های عمومی و سیاسی، راه دیگری را انتخاب کرد؛ کمک کرد تا فعالان اقتصاد دیجیتال حرف‌های خود را مستقیم به سران قوا بزنند و قول‌های همکاری داده شد که نشان داد بیان بی‌واسطه و مستقیم این حرف‌ها تا چه حد مؤثر بود.

با توجه به همه این ملاحظات، حالا می‌توان بار دیگر به این سؤال پرداخت که پزشکیان واقعاً دارد چه کار می‌کند؟ و با تکیه بر بخشی از یادداشت عباس عبدی اینطور می‌توان پاسخ داد که «حضور کنونی ما (ما اصلاح‌طلبان در حوزه قدرت اجرایی) برای کمک کردن به جناح مقابل است که خودش آستین را بالا بزند و تغییر خط مشی دهد» و «پزشکیان این مسأله را به‌صورت غریزی می‌داند.»

نیما قاضی، رئیس انجمن تجارت الکترونیک در گفت‌وگو با «ایران»:

ارتباط مستقیم با بالاترین سطوح تصمیم‌گیری برقرار شد

گفت و گو

روز شنبه سران سه قوه نشستی با فعالان حوزه اقتصاد دیجیتال برگزار کردند. چه شد که تصمیم گرفته شد چنین نشستی با این سطح برگزار شود؟

ما در حوزه اقتصاد دیجیتال با موضوعات و چالش‌های متعددی روبه‌رو هستیم. طبیعت این حوزه به‌گونه‌ای است که با دستگاه‌های متعدد اجرایی در ارتباط هستیم و برای حل این چالش‌ها ناچاریم به مراجع مختلف مراجعه کنیم. «کارگروه ویژه اقتصاد دیجیتال» که نهاد قانونی رسیدگی به مسائل این حوزه است، ۱۰ عضو دارد که همگی از وزرای دولت‌اند. اما در عمل، بسیاری از مسائلی که به این کارگروه ارجاع می‌دادیم، یا به نتیجه نمی‌رسید یا بسیار سخت و دیر حل می‌شد. از طرف دیگر، اعضای صنف نیز نکات، دغدغه‌ها و فرصت‌هایی را می‌دیدند که لازم بود مستقیم با مقامات بالادستی مطرح شود. این پیگیری‌ها عمدتاً از طریق وزارت ارتباطات آغاز شد و بعد سازمان برنامه نیز به این روند اضافه شد. این دو نهاد پیگیری کردند که جلسه‌ای با رئیس جمهوری برگزار شود. در نهایت، چهارشنبه هفته گذشته جلسه‌ای با حضور آقای دکتر پزشکیان، رئیس جمهوری برگزار شد. طراحی جلسه شامل زمان‌بندی، نحوه ارائه و محتوای آن به ابتکار وزارت ارتباطات و با همکاری مستقیم اعضای صنف انجام شد. ارائه‌ای بسیار منسجم تهیه شد و هر یک از اعضا موضوعات مربوط به بخش خود را ارائه کرد. جلسه بسیار اثربخش بود و همان‌جا تصمیمات و قول‌هایی مطرح شد. یکی از مهم‌ترین درخواست‌های صنف این بود که به‌صورت رسمی عضو کارگروه ویژه اقتصاد دیجیتال شویم و ۳۰ درصد آرای کارگروه به بخش خصوصی اختصاص یابد. در همان جلسه، رئیس جمهوری قول داد جلسه‌ای دیگر با همین مضمون و با حضور سران سه قوه برگزار شود. ما انتظار نداشتیم این اتفاق سریع بیفتد، اما فقط یک هفته بعد با ما تماس گرفتند و گفتند برای جلسه شنبه با سران سه قوه آماده باشید. این‌گونه شد که نشست اصلی شکل گرفت.

هدف از تشکیل نشست چه بود؟

هدف اصلی این نشست، طرح چالش‌های اساسی اقتصاد دیجیتال و انتقال مستقیم صدای بخش خصوصی و فعالان واقعی این حوزه به سران قوا بود. این شامل چند محور کلیدی بود از جمله هشدار درباره یک «پنجره فرصت». ما در هر دو جلسه تأکید کردیم که اکنون یک پنجره فرصت برای کشور در حوزه اقتصاد دیجیتال ایجاد شده که زمان آن بسیار محدود است؛ اگر بسته شود، به‌سادگی قابل جبران نیست. این پیام به‌طور جدی مورد توجه سران قرار گرفت. موضوع دوم طرح مسائل ساختاری بود ازجمله نبود ارتباط ارگانیک بین صنف و «شورای عالی فضای مجازی» با وجود اینکه اعضای حقیقی در شورا حضور دارند، اما هیچ‌کدام ارتباطی با فعالان واقعی حوزه ندارند. همچنین درخواست برای حضور نمایندگان واقعی بخش خصوصی در شورا. بحث سوم طرح مشکلات بین پلتفرم‌ها و دستگاه‌ها؛ در هر دو جلسه موضوعات متعددی مطرح شد از جمله مشکلات پلتفرم‌ها با تأمین اجتماعی، چالش‌ها با بانک مرکزی، مسائل مربوط به وزارت بهداشت و سازمان غذا و دارو، مسائل مرتبط با وزارت اقتصاد، چالش‌های حوزه حمل‌ونقل و بسیاری موارد دیگر که بخشی از آنها نیازمند جلسات ادامه‌دار بود. ایجاد سازوکارهای مشترک جدید نیز آخرین مبحثی بود که در این جلسه مطرح شد که آقای اژه‌ای قول داد کارگروهی مشترک با حضور نمایندگان صنف و بخش خصوصی برای ارائه نظرات مشورتی در حوزه اقتصاد دیجیتال تشکیل شود. آقای قالیباف نیز قول داد جلسه‌ای مستقل در مرکز پژوهش‌های مجلس برای رسیدگی جدی به مسائل این حوزه برگزار کند. می‌توان گفت هدف این نشست ایجاد ارتباط مستقیم، چابک و اجرایی میان فعالان اقتصاد دیجیتال و بالاترین سطوح تصمیم‌گیری کشور بود.

برای شما، حضور سران قوا به چه معنا بود و نکات مدنظر سران قوا چه بود؟

حضور سران سه قوه به این دلیل بود که مسائل اقتصاد دیجیتال چندبُعدی و فرادستگاهی است. چرا که بخش زیادی از مشکلات ما فقط با دولت حل نمی‌شود و این حوزه درگیر موضوعاتی چون قوانین و مقررات (قوه مقننه)، دعاوی، حقوقی‌سازی‌ها و تنظیم‌گری‌های قضایی (قوه قضائیه) و تصمیمات اجرایی دولت است. بنابراین برای حل این چالش‌ها لازم بود که هر سه قوه در یک سطح مشترک گفت‌وگو کنند.

همچنین دکتر پزشکیان در جلسه اول قول داده بود که جلسه‌ای در حضور سران قوا برای بررسی مشترک موضوعات برگزار کند، تا حل مسائل سرعت بگیرد. بازخوردهای مثبت مانند نظر آقای اژه‌ای که گفت «معمولاً احساس می‌کنم وقتم تلف شده، ولی اینجا حس خوبی داشتم» نشان داد که حضور سران برای خودشان نیز اثرگذار بوده است. اکنون ما در حال جمع‌بندی نتایج دو جلسه، آماده‌سازی نامه‌ها و پیگیری عملی قول‌ها و تصمیماتی هستیم که در این نشست‌ها مطرح شد.

سران قوا به فعالان اقتصاد دیجیتال چه گفتند؟

یادداشت

علی مسعودی
رئیس کمیسیون فاوای اتاق ایران

طی ۱۰ روز گذشته، جلسات مهمی در حوزه اقتصاد دیجیتال کشور رقم خورده است. ۱۰ روز پیش از شنبه گذشته، جلسه اولیه‌ای با حضور رئیس جمهوری در وزارت ارتباطات برگزار شد که فعالان حوزه فناوری، بویژه فعالان استارت‌آپ‌ها، دغدغه‌های خود را به صورت منظم مطرح و به رئیس جمهوری و وزیر ارتباطات ارائه کردند.

این جلسه نزدیک به سه ساعت به طول انجامید و پس از نطق فعالان حوزه فناوری، رئیس جمهوری و سایر اعضای هیأت دولت به بیان دیدگاه‌های خود پرداختند. در نهایت، از سوی رئیس جمهوری پیشنهاد شد جلسه‌ای با حضور سران سه قوه برای بررسی دقیق‌تر این مسائل تشکیل شود تا آنان هم در جریان مباحث و مسائل این حوزه قرار گیرند.

۱۰ روز بعد، جلسه تاریخی سران قوا برگزار شد. ۱۰ تا ۱۲ نفر از بخش خصوصی و ۱۲ نفر از نمایندگان دولتی و نهادهای مختلف شرکت داشتند. این جلسه که قرار بود کوتاه‌تر باشد، عملاً حدود ۲ ساعت به طول انجامید و فعالان اقتصاد دیجیتال دغدغه‌های خود را این بار با تفکیک و درخواست‌های مشخص‌تر مطرح کردند. نکته مهم این بود که بخش خصوصی در مجامع حاکمیتی مانند شورای عالی فضای مجازی، نماینده رسمی ندارد و وعده داده شد که این موضوع مورد بررسی قرار گیرد و راهکارهای قانونی آن پیگیری شود.

مسائل تقنینی ویژه بخش خصوصی نیز از دیگر موضوعات مطرح در این جلسه بود. گرچه اتاق ایران و اتحادیه‌ها معمولاً در جلسات حضور دارند، اما گاه نظر بخش خصوصی پیش از طرح موضوعات گرفته نمی‌شود یا حضور آنها اثرگذار نیست. این بار تأکید بر شکل‌گیری روندی مشخص برای حضور و بررسی مطالبات بخش خصوصی بود. حوزه هوش مصنوعی نیز به دلیل فعالیت همزمان چند نهاد و تصویب در دست اقدام قانون سازمان ملی هوش مصنوعی، دچار مشکلاتی از جمله دوباره‌کاری شده است. دکتر قالیباف پیشنهاد داد در هفته‌های آینده نشستی با حضور نمایندگان منتخب اقتصاد دیجیتال و تشکل‌های بخش خصوصی و دیگر نهادهای مرتبط با مرکز پژوهش‌های مجلس برگزار شود تا پیگیری‌های قانونی در مجلس انجام شود. جدای از این موضوع، حجت‌الاسلام محسنی اژه‌ای نیز پس از شنیدن دغدغه‌های ما، تأکید کردند برای رسیدگی به جرایم حوزه اقتصاد دیجیتال باید نهادهای تخصصی شکل گیرد و نمایندگانی کنار قوه قضائیه باشند تا مشورت حقوقی ارائه کنند. سپس عنوان کردند، گروهی متشکل از چند نفر از سوی این جمع تشکیل شود تا در زمینه حل اختلافات حوزه اقتصاد دیجیتال اقدام کنند و این گروه در کنار قوه قضائیه به فعالیت بپردازند.

این تعاملات، بویژه در بخش اقتصاد دیجیتال که برای برخی تصمیم‌گیران هنوز ملموس نیست، گامی مهم برای شنیده شدن و رفع سوءتفاهم‌ها به شمار می‌رود. همچنین مشکلات برخی فعالان این حوزه با گفت‌وگوها کمرنگ‌تر خواهد شد. اگرچه نتایج این جلسات فوری نیست، اما برگزاری جلسه دوم و دریافت قول‌هایی از دو قوه دیگر نویدبخش گام‌های رو به جلوست.

تشکیل کارگروه‌های مشترک برای حل مسائل این حوزه، پیشرفتی قابل‌توجه به شمار می‌رود. مسأله نیازمند صبر و پیگیری گام به گام است و اولین قدم از سوی بخش خصوصی، دولت و سایر قوای کشور برداشته شده است. در نهایت باید منتظر گام‌های بعدی بود تا بتوان درباره نتایج کلی و قطعی قضاوت کرد. فعلاً زمان بحث دقیق درباره نتایج نیست و روند پیش رو باید به‌دقت رصد شود.

مناقصه عمومی خدمات قرارداد سایت‌های ارتباطی
آبان ۱۴۰۴-۰۵-۰۴۰۸
شرکت خدمات ارتباطی ایرانسل در نظر دارد **خدمات تمدید قرارداد اجاره محل نصب دکل‌های ارتباطی** خود را به پیمانکاران توانمند و دارای صلاحیت واگذار کند.
جزئیات بیشتر و ثبت‌نام در مناقصه:
sourcing.irancell.ir
ارتباط با ما:
hamidreza.fad@mtnirancell.ir
۰۲۱-۲۳۱۹۴۵۹۰
مهلت ارسال اسناد مناقصه:
۲ آذر ۱۴۰۴
ایرانسل MTN

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
پیمان نقلیه (تأمین انواع خودرو سواری، مینی بوس و اتوبوس) شرکت پتروشیمی هنگام
مطابق با شماره HPC-1404-0017
نوبت دوم
شرکت پتروشیمی هنگام (سهامی خاص)
شرکت پتروشیمی هنگام در نظر دارد تأمین انواع خودرو سواری، مینی‌بوس و اتوبوس را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. اسناد مناقصه در روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۴ در تارنمای شرکت پتروشیمی هنگام به آدرس www.hengampc.net در دسترس و قابل دریافت می‌باشد و آخرین مهلت تحویل پاکات تا ساعت ۱۶ بعد ازظهر روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۴ می‌باشد. متقاضیان در صورت دریافت اسناد از طریق تارنمای فوق، لازم است مراتب آمادگی خود را جهت شرکت در مناقصه به‌طور کتبی به commission@hengampc.net اعلام نمایند. در غیر این صورت مناقصه‌گزار مسؤولیتی در ارائه اطلاعات بعدی و تغییر احتمالی در شرایط مناقصه و مواعد زمانی به متقاضی نخواهد داشت.
محل تحویل پیشنهادات به مناقصه‌گزار:
عسلویه، منطقه ویژه پارس جنوبی، فاز ۲ پتروشیمی ها، بعد از پتروشیمی مروارید، شرکت پتروشیمی هنگام کدپستی: ۷۵۱۱۸۱۱۳۶۰، تلفن: ۰۷۷-۹۱۵۷۰۳۳۰، شناسه ملی: ۱۰۱۰۳۵۰۲۸۰۴
تلفن تماس شرکت: ۰۷۷-۹۱۵۷۰۳۳۰ داخلی (۲۸۰۵-۲۸۰۳-۲۸۰۲)
سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه درج شده است. ضمناً هزینه آگهی در جراید، بر عهده برنده مناقصه خواهد بود.

«ایران» ایده‌پردازی‌ها، کنشگری و تولیدات مفهومی ایرانیان پس از جنگ را بررسی کرد

جامعه مدنی همچنان سپر سنگین دفاع از ایران

گزارش

مرتضی گل‌پور
دبیر گروه سیاسی

این روزها تب و تاب و موافقت و مخالفت جریان‌های سیاسی چنان بالا گرفته است که انگار ۵ ماه پیش سرزمین و ملت دیگری بود که از ۱۲روز جنگ تمام‌عیار سربلند بیرون آمد. آن جنگ باعث شده بود که این زدوخوردهای سیاسی به حاشیه بروند و ایران و مسائل بنیادین آن بار دیگر در متن قرار بگیرند. امروز به نظر می‌رسد بسیار زودتر از آنچه پیش‌بینی می‌شد، آن همبستگی ملی فراگیر فراموش شده، همبستگی که هدف قطعی آن دفاع از کلیت سرزمین و میهنی به نام ایران بود.

آنچه باقی و جاری و دائمی است، مسأله ایران است. درست است که جنگ باعث شد تا ایران بار دیگر به متن مسأله‌ها بازگردد، و درست است که امروز ۵ ماه پس از جنگ، بسیاری از صداهای سیاسی می‌خواهند بار دیگر مسأله ایران را از متن به حاشیه برانند، اما این تقلایی نافرجام است. زیرا چه پیش از جنگ، چه هنگام جنگ، و چه امروز بعد از جنگ، حاملان ایده و مفهوم ایران، کار و مسئولیت تاریخی خود را بدون تکیه به حوزه سیاسی و کنشگرانش پیش برده‌اند. منظور از کنشگران سیاسی، آن گروه‌ها یا افرادی هستند که معنای سیاست را صرفاً در مخالف‌خوانی برای این و آن جست‌وجو می‌کنند، نه تولید ایده یا راه برای ایران و مردمش. نشست‌های متعدد پس از جنگ در دانشگاه‌های مختلف ایران بویژه دانشگاه تهران، میزگردها، گفت‌وگوهای رسانه‌ای، دورهمی‌های فرهنگی حین و پس از جنگ، فعالان فرهنگی، خواننده‌ها و نوازنده‌ها، نویسندگان، دانشگاهیان و ورزشکارانی که این روزها پس از کسب هر مدال طلا در رقابت‌های جهانی مقابل پرچم سه‌رنگ ایران سلام نظامی می‌دهند، همه اینها تشکیل‌دهنده مفهومی فراگیر به نام «جامعه مدنی» ایران هستند که بار دیگر درحال بازتولید معنا و ساخت انگاره‌های مکرر در مکرر حول ایده ایران هستند؛ البته بدون این‌که منتظر حوزه سیاسی مانده باشند. زیرا به فراست دریافته‌اند که بعضی از کنشگران حوزه سیاسی درگیر چیزهای دیگری هستند و بهتر آن است که آنان کار خود را بکنند. مفهوم‌سازی کنشگران جامعه مدنی ایران حول ایران، اتفاقی شگرف در تاریخ معاصر ماست که اهمیت آن در مقایسه با دیگر ملت‌های جنگ‌زده منطقه بیشتر دریافت می‌شود. زنان خانه‌دار که با فرزندان خود از ایران می‌گویند، معلمانی که در کلاس‌های درس دفاع از کشور را تدریس می‌کنند، نویسندگان کتاب‌های جدید مدرسه‌ها که از دانش‌آموزان می‌خواهند توضیح دهند چطور راننده کامیون‌ها و نانواها در جنگ به مردم کمک کردند، فعالان مدنی دلسوز خارج از ایران، همه و همه جریان‌هایی هستند که مستقل از حوزه سیاست، همچنان حول مفهوم‌سازی درباره ایران هستند، پس به این ترتیب همچنان درحال دفاع از ایران هستند؛ دفاعی مبتنی بر کلمه، بر واژه، بر ساحت‌های روزمره زندگی‌شان، از ورزش تا مدرسه و نانوایی. حوزه سیاسی و کنشگران مرسوم به این جریان نیاز دارند و نیاز دارند که به اینان بازگردند، نه برعکس.

تقی آزاد ارمکی، استاد جامعه شناسی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «ایران»:

جامعه ایرانی به مفهوم فراگیر «ایران» بازگشته است

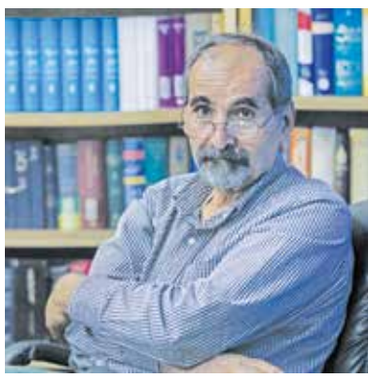

در گفت‌وگوهای خود مفهوم «فَربِگی جامعه ایران» را مطرح می‌کنید؛ جامعه‌ای ترکیب یافته از زنان، مردان، دانشگاهیان، فعالان اقتصادی و فرهنگی و مانند این. همچنین گفته اید جامعه مدنی ایران به دلیل ناتوانی حوزه سیاست در تولید معنا، سعی کرده مفاهیم اجتماعی و زیستی خود را تولید و دنبال کند. منظور از این مقدمه این بود که بعد از جنگ، به نظر می‌رسد جامعه مدنی ایران بیش از هرزمان دیگر وارد میدان شده. فعال شدن جامعه مدنی از طریق تولید معنا و مفاهیم و به واسطه سخنگویان جامعه مدنی قابل فهم است؛ یعنی در نشست‌های متعدد در دانشگاه‌ها و در میزگردهای رسانه ای. این تولید معنا هم حول چیستی جنگ است و هم حول ایران و جامعه ایران و نسبتش با جهان. به عنوان یک جامعه شناس، تلاش و جامعه مدنی ایران برای تولید معنا و مفهوم پس از جنگ را چطور ارزیابی می کنید؟

ابتدا باید مفهوم «فربگی جامعه ایران» را توضیح دهیم. این فربگی را در مقام مقایسه با یک دوگانه مطرح کردم؛ به این معنی که یک وجه فربگی حوزه اجتماعی، بیانگر ضعف حوزه سیاسی است. یعنی به میزانی که حوزه سیاسی ضعیف‌تر شده است، جامعه قوی‌تر شده. این را از این منظر باید بررسی کرد که در تاریخ معاصر همواره یک نوع تزاحم میان حوزه مدنی و سیاسی وجود داشت. به میزانی که حوزه سیاسی عقب رفت و توانایی خود را برای تولید معنا از دست داد، جامعه مدنی بیشتر خود را نشان داد.

نشان دادن جامعه، به چه معناست؟

از طریق شنیدن صدای تغییرخواهی فهمیده می‌شود، و مسأله دیگر ظهور نیروهای اجتماعی جدید است. منظور از ظهور نیروهای جدید اینکه در گذشته اگر گروه‌های اجتماعی فعال حضور داشتند، عمدتاً گفته می‌شد جوانان دنبال تغییر آرام هستند. اما امروز نسل کهنسال هم وارد میدان شده و می‌بینیم این نسل کهنسال با حضور در خیابان‌ها به مسائل مختلف معیشتی و بازنشستگی و اینها اعتراض می‌کند. فارغ از چرایی دلیل حضور این نسل، نفس اعتراض کهنسالان و به میدان آمدن آنان مهم است. این بیانگر کنش مدنی و نیرویی است که در گذشته سخن نمی‌گفت و صرفاً جوانان مدعی تغییرخواهی بودند. در عرصه‌های دیگر جامعه هم چنین تغییراتی دیده می‌شود. مجموعه اینها نشان می‌دهد ما با یک جامعه پر خروش و پر از تکاپو روبه‌رو هستیم که خواست اصلی‌اش بهبود اوضاع است.

اشاره کردید مسأله اصلی این گروه‌ها بهبود است. اما این تغییر را تحت چه رویکرد یا نظام مفهومی دنبال می کنند؟

در جامعه امروز ایران، تقریباً همه سازه‌های مفهومی که در قالب ایدئولوژی‌های رقیب فعال بودند و مردم هم این سازه‌ها را به نوعی تجربه کردند، این سازه‌های مفهومی اقبال خود را از دست دادند. جامعه بی‌طبقه، دموکراسی‌خواهی، عدالت، چپ، راست، لیبرال و مانند این‌ها، سازه‌های مفهومی بود که در گذشته در ایران تجربه کردیم. اما جامعه احساس کرد این سازه‌ها دچار شکست و نابسامانی شده‌اند. به عنوان مثال، دولتی داشتیم که برقراری عدالت را دنبال می‌کرد، دولتی هم خواستار تنش‌زدایی با جهان بود، اما این تجربه‌ها ناکام ماندند و نتوانستند پروژه‌های خود را پیش ببرند. حتی توسعه به همین سرنوشت دچار شد. به همین دلیل، جامعه ایران پس از شکست این سازه‌های مفهومی، با یک تأمل تاریخی به خودش، در درون خود توانست معنایی پیدا کند که این معنا از قدیم هم وجود داشت؛ معنایی تحت مفهوم ایران. به دیگر سخن، ایران به معنای یک سازه نظری یا سازه تمدنی و آنچه امروز بیش از همه دیده می‌شود، همین صورتبندی یا مفهوم‌سازی حول ایده ایران است. این مفهوم و حاملان آن، در جنگ ۱۲ روزه و بعد از آن بیشتر از همه گذشته به میدان آمدند. هنوز هم سازه‌های مفهومی حول عدالت، برابری یا دموکراسی وجود دارد، اما رونق کمتری نسبت به مفهوم ایران دارند. بنابراین، همچنان که امروز اصلاح‌طلبان از دموکراسی حرف می‌زنند یا اعتدالی‌ها از توسعه و اصولگراها از عدالت، در همین میان مفهوم دیگری هم به میدان آمده که یا رقیب این مفاهیم یا فراتر از این مفاهیم است و آن مفهوم «جان ایران» یا «فرهنگ و تاریخ ایران» است. این مفهوم، هم در بردارنده زندگی ایرانی است، هم دولت ایرانی و هم دربرگیرنده دین است. این اتفاق تاریخی مهم و لحظه مهمی است. گروه‌ها و صداهای متعددی این مفهوم را نمایندگی می‌کنند؛ در داخل و خارج، چپ، راست، مذهبی و سکولار، همه حول این مفهوم درحال صورتبندی هستند و دارند معناسازی می‌کنند.

بنابراین شاهد محقق شدن پیش‌بینی برخی نظریه پردازان هستیم مبنی بر اینکه بنا به اقتضای جهان امروز که مبتنی بر دولت-ملت است، چهارچوب فرهنگی ایران دوباره درحال مطرح شدن است. اینطور فکر می کنید؟

به علاوه اینکه برخی نظریه پردازان معتقد هستند به‌طور کلّی به لحاظ تاریخی، جهان دچار فقدان ایدئولوژی نیست و نشده است. اما مسأله این است که ما در ایران تجربه‌های زیادی از سیطره ایدئولوژی‌ها و نزاع‌های ایدئولوژیک داشتیم: مارکسیسم، سوسیالیسم، ملی‌گرایی، لیبرالیسم. از ۸۰ تا ۹۰ سال پیش تا امروز، ایرانیان این ایدئولوژی‌ها را تجربه کردند و حتی نیروهای سیاسی و اجتماعی خود را در چهارچوب این ایدئولوژی‌ها تقسیم‌بندی می‌کردند. اما یک‌باره دیدند آن سازه‌های مفهومی ناکارآمد بودند؛ هرچند همین امروز هم صداهایی در همراهی با لیبرالیسم و مانند این شنیده می‌شود، اما غالب نیست.

اشاره کردید که جامعه بزرگ‌تر از حوزه سیاسی شده. اما آیا می‌شود اینطور توضیح داد که در واقع، این مفهوم ایران است که فراگیری بیشتری نسبت به مفاهیم سیاسی دارد؟

بله و به این دلیل که این مفهوم ایران از بیرون نیامده و مانند برخی از سازه‌های مفهومی دیگر، یک مفهوم عاریتی نیست. به اصطلاح، محصول شرق‌شناسان یا ایران‌شناسان نیست، بلکه در متن زیستِ جامعه شکل گرفته. این‌طور می‌توان توضیح داد که در گذشته معاصر ما، ایرانی‌ها برای رسیدن به زندگی بهتر به ایده‌آل‌ها تن دادند و گفتند می‌خواهیم ایران را بسازیم، اما آن ایده‌آل‌ها به نتایج عجیب و غریب منتهی شدند و شکست خوردند. مفهوم ایران که به صورت پنهانی، یعنی گفت‌وگو نشده، شکل گرفت، رشد خود را مدیون نارسایی ایدئولوژی‌ها و شکست آرمان‌خواهی‌های عاریتی از خارج بود، هرچند ایده ایران به لحاظ تاریخی همیشه وجود داشت و در طول تاریخ آنچه زمینه ساز نجات ایرانیان از بحران‌های سخت شد، همین معنای فرهنگی از ایران بود.

بنابراین می‌توان فهمید چرا پس از جنگ، شاهد تکاپوی تولید مفهوم در جامعه مدنی هستیم، گویی پس از جنگ بدون اینکه فراخوانی باشد، همه به میدان آمدند و در حال تولید معنا حول ایران هستند.

به این دلیل که جنگ شکست ایسم های جنگ‌طلب بود. منشأ جنگ، ایدئولوژی‌هایی چون صهیونیسم، آمریکایی‌گری، جهان‌گرایی و سلطه جهانی بود؛ اما جنگ از همه این ایدئولوژی‌ها عبور کرد و اجازه نداد سلطه غرب در ایران رقم بخورد و نیز از طریق مقاومت تمام‌عیار اجازه نداد فروپاشی که صهیونیست‌ها دنبال آن بودند، محقق شود. پس از آن بود که صدای جامعه شنیده شد.

صدای جامعه چه بود؟ دعوت به چه چیزی؟

دعوت خود جامعه به زیست و این زیست در سرزمین ایران در متن فرهنگ ایران و در گستره تاریخ فرهنگی ایران تعریف می‌شود. این همان سازه مفهومی است که پس از جنگ صورت‌بندی شد. البته قبل‌تر دانشگاهی‌ها این را گفته بودند؛ در هنر و ادبیات ایران به‌طور جدی همین مفهوم بیان شد. شعر ایرانی گویی صد سال است درباره تنهایی میهن و ملت سخن می‌گوید. یا در موسیقی کلاسیک ایرانی نیز مسأله ایران مدام تکرار می‌شود. این مفهوم قبلاً هم وجود داشت و صورت‌بندی هم می‌شد، اما صدایش شنیده نمی‌شد. جنگ باعث شد یکباره این صداها واحد شود، حرف واحد را بزنند و این صدا شنیده شود.

حاملان این صدا چه کسانی یا چه گروه‌هایی هستند؟

یک طیف، بازیگران درون حوزه سیاسی. طیف دوم در حوزه‌های هنر، موسیقی و ادبیات قرار دارند. طیف سوم، روشنفکران هنر و ادبیات که بخشی در داخل و بخشی در خارج هستند که اتفاقاً چون با سرزمین ایران فاصله دارند، صدایشان بلندتر است و در جنگ هم صدایشان بهتر شنیده شد. اینان توانستند علیه استعمار اعتراض بیان کنند و همزمان مشکلات داخلی ایران را نیز برجسته کنند. طیف چهارم، عاملان و فعالان اجتماعی مانند نوجوانان، دانشجویان، کارگران، ورزشکاران و معلمان که مسأله آنان زندگی در ایران، سازگاری با ایران و سرانجام بخشیدن به زیست‌شان در ایران است. در عمل اجتماعی، همین طیف آخری مقام اول را در پیگیری و مفهوم‌سازی این ایده دارد، بعد عاملان نظام سیاسی، سوم فعالان هنر و در نهایت طیف چهارم شامل روشنفکران مستقل.

> جامعه مدنی فرای رسانه‌های رسمی و فرای اینترنشنال قرار دارد، یعنی در متن بزرگ‌تر ایران؛ در مرز و سرزمین فراگیر ایران. این نیرو با وجود سختی جمع شدن و مراوده، اثرساز است، زیرا معنایی یافته که در بحرانی به نام جنگ به این معنا دست یافته است و مهم‌تر اینکه این معنا را بدون دستیابی به قدرت پی می‌گیرد

چرا رتبه اول به طیف چهارم تعلق می‌گیرد؟

به این دلیل که آنان لحظه‌به‌لحظه زیست اجتماعی را درک می‌کنند و تبلورشان مشارکت برای تغییر و اصلاح است، البته اصلاح در چهارچوب وضع موجود. به هیچ وجه دنبال فروپاشی نیستند. به کنش معلمان نگاه کنید، چه می‌خواهند؟ سامان حوزه معلمی و به‌رسمیت شناخته شدن مدنی نیازها. دانشجویان نمی‌خواهند از جامعه عبور کنند یا مهاجرت کنند. دیگر نیروها هم تقلاهایی از همین جنس دارند.

آیا در دیگر کشورهای منطقه هم شاهد این کنش‌های مدنی فراگیر هستیم؟

ما در منطقه کشوری از جنس ایران نداریم. زیرا ایران ویژگی‌های ممتازی دارد. ایران در طول تاریخ همیشه در حال نوجویی فرهنگی بوده و در نوجویی اجتماعی هم میدان‌دار بوده است. اما از آنجا که در منطقه بار این نوجویی را به‌تنهایی به دوش کشیده، همیشه آزار دیده و شکست‌هایی متحمل شده. برای همین، این کشورها عمدتاً در طول تاریخ بهره‌بر از آن چیزی بوده‌اند که در ایران رخ داده.

تقلای مدنی ایران در رسانه‌های غرب هم انعکاس داشته است. این رسانه‌های غربی بارها گزارش دادند جنگ باعث شد جامعه مدنی ایران فعال شود. به نظر شما، صدای جامعه مدنی ایران از بیرون، چطور فهمیده می‌شود؟

قبلاً تصور می‌شد برخی که از ایران رفته‌اند، دچار میرایی فکری و گسست نسبت به جامعه ایران خواهند شد. اما در جنگ مشخص شد این صداها توانی تازه گرفته و یکدیگر را پیدا کرده‌اند. دوم اینکه جنگ باعث شد این صداها حول مفهوم ایران یکدیگر را بشناسند. سوم اینکه این کنشگران جامعه را به تغییرات رادیکال دعوت نمی‌کنند و این نکته مهمی است.

گفته می‌شود رسانه‌های رسمی فرصتی به گروه‌های بیرون از ایران نمی‌دهند تا دیده شوند. اما به نظر می‌رسد این نقد متوجه گروه‌های اصلی سیاسی ایران، اصلاح‌طلبان و اصولگرایان هم هست. یعنی صدای جامعه مدنی که پس از جنگ بلند شد، ناچار شد مستقل حرکت کند.

ببینید! جامعه مدنی فرای رسانه‌های رسمی قرار دارد، یعنی در متن بزرگ‌تر ایران؛ در مرز و سرزمین فراگیر ایران. این نیرو با وجود سختی جمع شدن و مراوده، اثرساز است، زیرا معنایی یافته که در بحرانی به نام جنگ به این معنا دست یافته است و مهم‌تر اینکه این معنا را بدون دستیابی به قدرت پی می‌گیرد. این جریان نافی هر نوع رادیکالیسم است. منتقد سلطنت‌طلبی و ملی‌گرایی افراطی است.

جامعه مدنی و جنگ

یادداشت

عمادالدین باقی
نویسنده و پژوهشگر

از آنجا که بسیاری از مردم ما تاریخ نمی‌دانند یا نمی‌خوانند، کمتر کسی آگاه است که تا پیش از تشکیل سازمان ملل متحد، تمام کشورها و جوامع در سراسر جهان مانند دریاهای مواج دائماً اسیر موج‌های جنگ بودند و زمان‌های کوتاهی پیش می‌آمد که آرامش و صلح برقرار باشد. تمام کشورهای همسایه دائم با هم در رقابت و ستیز بودند و در داخل هم گروه‌های ذینفع و باندهای قدرت پیوسته در نبرد بودند که گاهی این جنگ قدرت داخلی به جنگ‌های بیرونی هم پیوند می‌خورد. اصل تنازع بقا عمومی‌ترین و رایج‌ترین اصل زندگی بشر بود. هر گروهی و کشوری که ضعیف‌تر بود فوراً طعمه می‌شد و برای طعمه نشدن باید قوی می‌شد و خود را گسترش می‌داد و اگر از گسترش باز می‌ایستاد دچار زوال می‌شد. قانون حاکم این بود که یا باید دیگران را ببلعی یا باید بلعیده شوی! جنگ جهانی اول و دوم برآیند چنین وضعیتی بود.

تشکیل سازمان ملل متحد با هدف جلوگیری از تکرار همان جنگ‌های دائمی و بی‌پایان بود. گرچه پس از آن همچنان رقابت و سلطه‌جویی و جنگ و توسعه طلبی وجود دارد، اما قواعد محدود کننده‌ای هم وجود دارند که گاهی مؤثر واقع می‌شوند و گاهی هیچ ارزش و اعتباری ندارند؛ چنان که در جنگ غزه و در رفتارهای دولت کنونی آمریکا (دولت ترامپ و شخص او) آشکارا مشاهده می‌کنیم. اما مهم‌تر از وجود چنین نهادهای بین‌المللی‌ای که برای صلح منفی (یعنی نفی جنگ) به وجود آمده‌اند، وجود نهادهای مدنی است که برای صلح مثبت (یعنی بسترسازی‌هایی برای جلوگیری از جنگ) کارسازند.

در دهه‌های اخیر نقش جامعه مدنی در مقابله با جنگ‌ها از سازمان ملل هم مؤثرتر بوده است. جنبش‌های مدنی ضدنژادپرستی حکومت‌های غربی را مجبور به کنار گذاشتن تبعیض نژادی کرده‌اند که خودش نوعی جنگ بود، هرچند هنوز آثار تبعیض نژادی وجود دارد. جنبش‌های ضد جنگ در آمریکا این کشور را مجبور به عقب‌نشینی از جنگ ویتنام کرد، همان‌طور که جنبش‌های ضد جنگ در ماه‌های اخیر در جهان، آمریکا و اسرائیل را مجبور به آتش‌بس در غزه پس از دو سال نسل کشی و مقاومت افسانه‌ای مردم غزه و جنبش مقاومت کردند. جنبش‌های مدنی در درون جوامع نیز کارکردهای مؤثری در کاهش تنش و خشونت و جنگ دارند. حذف کشمکش‌ها و رقابت‌های داخلی یک رویای فانتزی و ناممکن است، اما نهادهای مدنی آن را قانونمند می‌کنند. بارها می‌گفتیم جامعه مدنی فقط سازوکار مصونیت بخشی به جامعه نیست، بلکه یکی از کارکردهایش ایجاد مصونیت برای نظم سیاسی موجود است.

در جنگ ۱۲ روزه با وجود اینکه جامعه مدنی ایران بسیار ضعیف بود و اجازه رشد و بروز و ظهور نمی‌یافت، اما مواضع و رفتارهای همین جامعه مدنی، نقش مؤثری در ناکام گذاشتن عملیات فوق‌العاده سنگین، پیچیده و برنامه‌ریزی شده ترکیبی از دشمن خارجی و داخلی برای فروپاشی خونین و نصب کودتاور یک گروه از سوی قدرت خارجی داشت. نهادهای مدنی گرچه خود ممکن است منتقد و معترض وضع موجود باشند اما ذاتاً نقش حائل دارند.

در فقدان نهادهای مدنی، بحران‌ها مستقیماً به حوزه سیاست اصابت کرده و موجب تقابل می‌شود. اما نهادهای مدنی به عنوان میانجی عمل کرده و با تبدیل شدن به سخنگوی نارضایتی‌ها و مذاکره و راهگشایی، می‌توانند بحران‌ها را درون خود جذب و حل کنند و به عامل سازنده برای تغییرات و اصلاحات مدنی بدل سازند. نهادهای مدنی مانند «اداپتور» عمل می‌کنند، هرچند تلاش‌هایی برای محروم شدن کشور از نهادهای مدنی دیده می‌شود، گویی ترجیح بر این است که کشور بدون اداپتور باشد یا بماند تا توان تاب‌آوری آن کاهش یابد.

وزیر خارجه در همایش بین المللی «حقوق بین الملل تحت تهاجم: تجاوز و دفاع» اعلام کرد

سیاست ایران؛ دیپلماسی بدون دیکته

هیچ تأسیسات غنی سازی اعلام نشده ای نداریم/ آماده هر دو تجربه جنگ ۱۲ روزه و برجام هستیم

سیاست خارجی

ساختمان نیاوران وزارت امور خارجه روز گذشته میزبان کنفرانس بین‌المللی «حقوق بین‌الملل تحت تهاجم: تجاوز و دفاع» در قالب مجمع گفت‌وگوهای تهران بود؛ نشستی که هدف بازخوانی نظام‌مند بحران جنگ ۱۲ روزه را از منظر تضعیف تدریجی نهادهای بین‌المللی و چالش‌های جدید پیش روی قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل جست‌وجو می‌کرد. در چنین روندی بود که سخنان آغازین سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه معنای ویژه‌ای پیدا کرد. او با این گزاره که «حقوق بین‌الملل امروز هدف یک حمله تمام‌عیار است» حمله یکجانبه اسرائیل به ایران را نشانه‌ای از یک روند ساختاری دانست که طی آن، آمریکا و رژیم صهیونیستی با بهره‌گیری از خلأهای نظارتی و سکوت نهادهای بین‌المللی در حال فرسوده کردن هنجارهای حقوقی‌اند. این گزاره در ادامه با مواضع محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی تقویت شد؛ جایی که او حمله به تأسیسات هسته‌ای ثبت شده و تحت نظارت آژانس را اولین نمونه نقض یک قاعده تثبیت شده در تاریخ توصیف کرد که نشان می‌دهد حتی بخش‌های سخت حقوقی نظام عدم اشاعه نیز از روند بی‌ثبات‌سازی مصون نمانده‌اند. تحلیل سعید خطیب‌زاده، معاون وزیر خارجه وجه دیگری به این تصویر افزود. او با توصیف تلاش آمریکا برای بازگشت به گفت‌وگو به‌عنوان «دیپلماسی مبتنی بر تهدید و نمایش»، مفهوم «مذاکره مسلح» را پیش کشید؛ مفهومی که از واقعیت‌گذار از دیپلماسی کلاسیک به الگوی تعاملات بین‌المللی در شرایط اختلال ساختاری حکایت می‌کند.

کنفرانس بین‌المللی «حقوق بین‌الملل تحت تهاجم: تجاوز و دفاع» دیروز یکشنبه ۲۵ آبان در تهران برگزار شد و سید عباس عراقچی وزیر امور خارجه به همراه معاونان فعلی و دیپلمات‌های بلندپایه پیشین و بیش از ۳۵۰ میهمان داخلی و خارجی شامل هیأت‌های دیپلماتیک، استادان و تحلیلگران روابط و حقوق بین‌الملل از اروپا، آسیا و منطقه در این نشست شرکت کردند. این کنفرانس که در چهارچوب مجمع گفت‌وگوهای تهران برگزار شد، با هدف بررسی چالش‌های فزاینده علیه اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و پیامدهای روند رو به رشد تضعیف نهادهای بین‌المللی بویژه در اثر حمله تجاوزکارانی آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران برگزار شد.

از همان ابتدای برنامه مشخص بود که همه منتظر سخنرانی عراقچی بودند. او که در هفته های اخیر در برابر برخی انتقادها راهبرد سکوت را اختیار کرده است، دیروز در موضعی مقتدر، تمام قد از وزارت خارجه و تلاش‌های دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران دفاع کرد.

دیپلماسی هدف بمب های امریکایی

عراقچی سخنانش را با این جمله آغاز کرد که «حقوق بین‌الملل امروز هدف یک حمله تمام‌عیار است.» همین جمله کافی بود تا بفهمیم قرار است لحن و محتوای صحبت‌هایش صریح و بی‌پرده باشد. او آمریکا و متحدان غربی‌اش را متهم کرد که پشت شعار «نظم بین‌المللی قاعده‌محور» پنهان می‌شوند، اما در واقع به دنبال ساخت یک نظم «زورپایه» هستند؛ نظمی که به تعبیر خودش بازگشت آشکار به «قانون جنگل» است. جمله‌ای که بعد از صحبت‌های عراقچی تقریباً به کلیدواژه سخنرانی اکثر حاضران در کنفرانس تبدیل شد و حتی کمال خرازی وزیر خارجه اسبق و رئیس کنونی شورای راهبردی روابط خارجی نیز در سخنرانی خود صراحتاً عنوان کرد که «به‌رغم برخی از تلاش‌ها، در حال حاضر در عرصه بین‌الملل قانون‌مداری تبدیل به زورمداری شده است.» عراقچی در بخش دیگر سخنان خود به حمله اسرائیل و آمریکا به خاک ایران و تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای اشاره کرد و گفت: «آن تأسیسات زیر نظر آژانس بودند. این حمله نه فقط نقض منشور ملل متحد، بلکه نمونه کامل «تجاوز مسلحانه» و ضربه‌ای مستقیم به رژیم پادمان و عدم‌اشاعه است. تأکید او بر اینکه در جریان تجاوز ماه ژوئن به ایران «اولین بمب‌ها به سمت دیپلماسی شلیک شد» در فضای سالن طنین خاصی داشت و تأیید حاضران را برانگیخت.

رئیس دستگاه دیپلماسی همچنین با دفاع از قدرت نظامی و توان موشکی کشور، درباره پاسخ ایران به این تجاوز آشکار توضیح داد و گفت که عملیات دفاعی کشور کاملاً مطابق ماده ۵۱ منشور ملل متحد انجام شده؛ با رعایت ضرورت، تناسب و بدون هدف‌گیری غیرنظامیان، و این یعنی ایران حتی در دل جنگ هم حقوق بین‌الملل بشردوستانه را رعایت کرده است؛ نکته‌ای که به عنوان تفاوت رفتاری ایران و اسرائیل برجسته شد.

عراقچی نقبی به برجام و عهد شکنی آمریکا هم زد و یادآوری کرد که ایران برخلاف آمریکا به تعهداتش پایبند بوده؛ چه در NPT و چه در زمان اجرای کامل برجام. و از همین جا وارد بحث دو «گفتمان» شد؛ یکی گفتمان زور و هژمونی، و دیگری گفتمان صلح، قانون و گفت‌وگو. به‌گفته او، ایران بی‌تردید راه دوم را انتخاب کرده و هدفش ساختن منطقه‌ای قوی و امن بر پایه همکاری و اعتماد است.

درخواست برای مذاکره با ایران متأثر از مقاومت ملت

بعد از سخنرانی رسمی، عراقچی در همان سالن روبه‌روی محمدکاظم سجادپور استاد روابط بین‌الملل دانشکده وزارت امور خارجه نشست و در یک گفت‌وگو تخصصی و دقیق، از بارقه‌های امید و چشم‌انداز روشن کشور گفت. او از همان ابتدا آینده ایران را «امیدبخش و مثبت» توصیف کرد و گفت که کشور یکی از سخت‌ترین جنگ‌های اخیر را «با موفقیت کامل» پشت سر گذاشته است. او توضیح داد که هدف مهاجمان آمریکا، رژیم صهیونیستی و برخی همپیمان‌هایشان در جنگ ۱۲ روزه محقق نشد و ایران ظرف چند ساعت آماده دفاع شده و «روزبه‌روز قوی‌تر» شده است. جمله‌اش درباره اینکه «آسمان ایران در معرض هواپیماهای دشمن بود، اما آسمان رژیم اسرائیل در تیررس موشک‌های دقیق ایران قرار داشت» کنایه ظریفی بود به آنها که قدرت نظامی و دفاعی کشور را در این مدت در معرض انتقاد قرار داده بودند و زحمات مدافعان ایران را کم اثر جلوه داده بودند. وزیر امور خارجه در ادامه به تأثیر قدرت موشکی ایران در تغییر رفتار تهاجمی طرف متجاوز پرداخت و گفت: «درخواست تسلیم بدون قید و شرط» در روزهای اول جنگ، تنها ۹ روز بعد تبدیل شده بود به «درخواست فوری آتش‌بس بدون قید و شرط» و این یعنی قدرت نظامی ایران انکار ناپذیر و بازدارنده است و اکنون در اثر اقدامات صورت گرفته در داخل و عرصه دیپلماسی توان دفاعی ایران از قبلِ ۲۳ خرداد به‌مراتب قوی‌تر است. عراقچی بعد از این توضیحات در جمله‌ای کوتاه امضای خود را پای این گفت‌وگوی تخصصی گذاشت و گفت: «در اثر ایستادگی و قدرت ایران است که اکنون درخواست برای مذاکره مجدد آغاز شده و اگر چهارچوب عادلانه شکل بگیرد، جمهوری اسلامی مشکلی با مذاکره ندارد.»

او سخنان خود را با این جملات به پایان رساند که «تحریم‌های ۴۰ ساله با وجود هزینه‌های غیر قابل انکار، نتوانسته مسیر توسعه ایران را متوقف کند. دنیا اکنون دو تجربه نسبت به ما دارد و ما برای هر دو آماده‌ایم؛ تجربه جنگ ۱۲ روزه و تجربه برجام.»

> تحریم‌های ۴۰ ساله با وجود هزینه‌های غیر قابل انکار، نتوانسته مسیر توسعه ایران را متوقف کند. دنیا اکنون دو تجربه نسبت به ما دارد و ما برای هر دو آماده‌ایم؛ تجربه جنگ ۱۲ روزه و تجربه برجام

مذاکره دیکته شده پذیرفتنی نیست

وزیر خارجه ساعاتی بعد با حضور در جمع خبرنگاران در برابر پرسشگران با لحنی آرام از اقدامات و تلاش‌های مجموعه همکارانش در وزارت خارجه دفاع کرد و گفت: «وزارت خارجه هیچ وقت در میانه جنگ ۱۲روزه هم از وظایفش عقب ننشسته و در موضوعاتی چون اسنپ‌بک موفقیت‌های مهمی داشته است.» او در پاسخ به سؤالی درباره وجود تأسیسات هسته‌ای اعلام نشده در ایران صراحتاً پاسخ داد: «هیچ تأسیسات غنی‌سازی اعلام نشده‌ای در ایران وجود ندارد. تمام تأسیسات زیر نظارت آژانس هستند.» وی اضافه کرد: «در حال حاضر غنی‌سازی در ایران انجام نمی‌شود، چون تأسیسات مربوطه مورد حمله قرار گرفته‌اند.» پیام مستتر در این جمله برای مخاطبان خاص این سخن روشن بود؛ حق ایران برای غنی‌سازی و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای به شمول خودِ غنی‌سازی «غیرقابل انکار» است و کشور به تلاش برای برخورداری از این حق ادامه خواهد داد. او چندبار تأکید کرد که این حق باید از سوی جامعه جهانی، حتی آمریکا، به رسمیت شناخته شود و ایران هیچ‌گاه از این حق دست نخواهد کشید. وزیر امور خارجه در پاسخ به پرسش‌های دیگر هم گفت که ایران ابتکاراتی برای مذاکره دارد، اما فقط در چهارچوبی که حقوق ملت حفظ شود؛ و اینکه مذاکرات دیکته شده و مبتنی بر خواسته‌های حداکثری آمریکا از نظر ایران پذیرفتنی نیست. او صراحتاً گفت که «سیاست ما روشن است: نه به سلطه‌طلبی، آری به دیپلماسی». عراقچی در پایان تأکید کرد، گفت‌وگو با آژانس ادامه دارد و ایران آماده همکاری است اگر قواعد حرفه‌ای و توافق شده رعایت شود؛ نکته‌ای که محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی نیز بر آن صحه گذاشت و از لزوم طرح‌ریزی مدالیته جدید برای همکاری ایران با آژانس صحبت کرد.

عکس: ایرنا

برش

رئیس سازمان انرژی اتمی

همکاری با آژانس نیازمند مدالیته‌ای متناسب با شرایط جنگی است

محمد اسلامی، رئیس سازمان انرژی اتمی، در نشست «حقوق بین‌الملل تحت تهاجم» گفت: «حملات آمریکا و اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز ایران اقدامی بی‌سابقه و لطمه‌ای جدی به اعتبار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی است.» او توضیح داد که در روز حمله، قرار بود بازرسان آژانس ساعت ۸:۳۰ صبح از همان مراکز بازدید کنند، اما همان نقاط در همان زمان مورد اصابت قرار گرفت؛ از جمله کارخانه تولید سوخت صفحه‌ای راکتور تحقیقاتی تهران که نقشی مهم در تولید رادیودارو دارد. اسلامی تأکید کرد: «ایران همواره به تعهدات برجامی پایبند بوده، اما خروج آمریکا از برجام و حملات نظامی دوباره فضای تنش را ایجاد کرده است.» او با انتقاد از سکوت شورای حکام و شورای امنیت، خواستار تدوین «مدالیته‌ای متناسب با شرایط جنگی» شد و گفت تا شکل‌گیری این سازوکار، ایران فقط در چهارچوب پادمان عمل خواهد کرد. او هشدار داد که برخی کشورها از آژانس سوءاستفاده می‌کنند؛ حتی آمریکا اجازه طرح پیشنهاد ایران برای ممنوعیت حمله به تأسیسات هسته‌ای تحت نظارت آژانس را در وین نداده است. اسلامی گفت: «وقتی مراکز تجهیزشده با همکاری آژانس هدف قرار می‌گیرند، نگرانی درباره «سوءاستفاده از اطلاعات محرمانه» جدی است.» وی همچنین به حجم گسترده فعالیت مراکز مطالعاتی غرب علیه برنامه هسته‌ای ایران اشاره کرد و گفت: «اگر ادعا می‌شود ظرفیت‌ها نابود شده، این میزان تهدید چه معنایی دارد؟ هدف اصلی، نابودی توان توسعه‌ای ایران است.» اسلامی افزود: «با اینکه تنها سه درصد ظرفیت هسته‌ای جهان در ایران است، حدود ۲۵ درصد بازرسی‌ها و ۸۰ درصد هزینه‌های پادمانی مربوط به ایران می‌شود؛ وضعیتی که هیچ کشور دیگری تجربه نکرده است.» به گفته او، تداوم استانداردهای دوگانه، خطر سوءاستفاده از نهادهای بین‌المللی را برای همه کشورها افزایش می‌دهد. وی در ادامه گفت: «سیاست ایران پس از پایان عمر قطعنامه ۲۲۳۱ در اکتبر ۲۰۲۵ روشن است: آژانس باید فقط در چهارچوب پادمان بر برنامه هسته‌ای ایران نظارت کند.»

نماینده ایران به تحرکات جدید اروپایی‌ها در آژانس برای تصویب قطعنامه جدید هشدار داد

بازگشت فشارهای تکراری از نیویورک به وین

سیاست خارجی

شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بار دیگر در فضایی سنگین از فشارهای سیاسی، نشست فصلی خود را آغاز می‌کند؛ نشستی که از چهارشنبه ۲۸ آبان (۱۷ نوامبر) آغاز می‌شود و پرونده هسته‌ای ایران همچنان در صدر دستورکار آن قرار دارد. این بار نیز همان سناریوی تکراری احیای فشارهای سیاسی با پوشش حقوقی و تلاش برخی کشورها برای بازآرایی فضایی که طی ماه‌های گذشته علیه تهران ناکام مانده بود، در حال تکرار است.

همزمان با شکل‌گیری چنین فضایی است که رضا نجفی، نماینده دائم ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در آستانه نشست شورای حکام نسبت به ارائه پیش‌نویس قطعنامه‌ای جدید علیه برنامه هسته‌ای ایران هشدار داده و تأکید کرده است که این اقدام فاقد توجیه حقوقی و در ادامه همان مسیر فشارسازی است که آمریکا و سه کشور اروپایی در شورای امنیت دنبال کردند و به نتیجه نرسیدند؛ مسیری که اکنون تلاش می‌کنند از کانال وین جبران کنند. شبکه المیادین پیش‌تر گزارشی منتشر کرده بود که بر اساس آن، پیش‌نویس قطعنامه تازه اروپا، ایران را به تعلیق تمامی فعالیت‌های غنی‌سازی و بازفرآوری از جمله پژوهش و توسعه ملزم می‌کند؛ خواسته‌ای که عملاً بازگشت به سیاست‌های متعلق به سال‌های پیش از برجام است، یعنی زمانی که رویکرد فشار حداکثری به جای تعدیل تنش به تشدید بحران منجر می‌شد. در این پیش‌نویس همچنین از ایران خواسته شده مطابق مفاد پروتکل الحاقی رفتار کند. این درحالی است که طرف‌های اروپایی دقیقاً همان طرف‌های توافق هستند که با عدم اجرای تعهدات خود در برجام، بستر تعلیق داوطلبانه اجرای پروتکل از سوی ایران را فراهم کردند. اروپایی‌ها در این سند ادعا کرده‌اند که ایران طی پنج ماه گذشته اطلاعات به‌روزی درباره ذخایر اورانیوم خود ارائه نکرده است؛ ادعایی که به گفته کارشناسان فنی نتیجه فضای اعتمادزدایی پس از حملات نظامی و سیاسی اخیر است که مراکز هسته‌ای ایران را هدف قرار داد و تهران را ناگزیر کرد چهارچوب جدیدی برای بازرسی‌ها تعریف کند.

> رضا نجفی، نماینده دائم ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در آستانه نشست شورای حکام نسبت به ارائه پیش‌نویس قطعنامه‌ای جدید علیه برنامه هسته‌ای ایران هشدار داده و تأکید کرده است که این اقدام فاقد توجیه حقوقی و در ادامه همان مسیر فشارسازی است که آمریکا و سه کشور اروپایی در شورای امنیت دنبال کردند و به نتیجه نرسیدند؛ مسیری که اکنون تلاش می‌کنند از کانال وین جبران کنند

سفیر ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با اشاره به این تحرکات تصریح کرده، آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان با تکیه بر اکثریت عددی خود در شورای حکام می‌کوشند از فضای فنی آژانس برای پیشبرد اهداف سیاسی خود سوءاستفاده کنند؛ اهدافی که طی دو دهه اخیر بارها در قالب قطعنامه‌سازی و پرونده‌سازی پیگیری شده است اما هیچ گاه نتوانسته مسیر واقعی انحراف یا خطر در برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران را اثبات کند. نجفی هشدار داده است که تحمیل گزارش‌دهی بر مدیرکل، آن هم بر اساس قطعنامه‌هایی که مدت‌هاست منقضی شده‌اند، اقدامی غیرقانونی و کاملاً سیاسی است که اگر تصویب شود به پیچیدگی‌های موجود خواهد افزود و ضربه‌ای تازه به دیپلماسی وارد می‌آورد.

بازگشت قطعنامه‌های منقضی شده

سه کشور اروپایی آلمان، انگلیس و فرانسه طی ماه‌های گذشته در اقدامی جنجالی تلاش کردند بازگشت تحریم‌های شورای امنیت و قطعنامه‌های مربوط به گذشته را فعال کنند. ایران همراه با چین و روسیه صریحاً اعلام کرده است که این بازگشت را به رسمیت نمی‌شناسد زیرا «سازوکار ماشه» زمانی قابل استناد است که طرف فعال‌کننده خود به تعهدات توافق پایبند بوده باشد؛ امری که درباره آمریکا و اروپا کاملاً برعکس است. با این حال دبیرخانه شورای امنیت، بدون اجماع و برخلاف نظر بخش بزرگی از حقوقدانان اعلام کرد، قطعنامه‌های پیشین دوباره فعال شده‌اند که خود به یک چالش حقوقی در نظام ملل متحد تبدیل شده است.

پس از حملات اسرائیل و آمریکا به برخی تأسیسات هسته‌ای ایران، تهران در مذاکراتی با میانجی‌گری مصر به یک چهارچوب توافق فنی با آژانس دست یافت که بر اساس آن بازرسی‌ها از مراکزی که هدف حمله قرار نگرفته بودند مانند رآکتور تهران و نیروگاه بوشهر ادامه یافت. اما با اقدام آمریکا و اروپا برای احیای قطعنامه‌های شورای امنیت، ایران این توافق را متوقف کرد؛ چه از منظر مقام‌های ایرانی نمی‌توان در حالی که طرف مقابل با تکیه بر قطعنامه‌های منقضی شده در پی اعمال فشار سیاسی است، انتظار داشت روند اعتمادسازی یک‌طرفه ادامه پیدا کند. ایران در تمام این مدت تأکید کرده که به تعهدات خود ذیل معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی پایبند است و همچنان همکاری‌های فنی با آژانس را در چهارچوب‌های پذیرفته شده پیش می‌برد. با این حال، آژانس خواستار ارتقای فوری همکاری شده است؛ درخواستی که بدون حل‌وفصل فشارهای سیاسی عملاً تحقق‌پذیر نخواهد بود. بنابراین نشست این هفته شورای حکام آزمونی تازه برای استقلال آژانس و میزان تاب‌آوری آن در برابر فشارهای سیاسی است. تصمیمی که در روزهای آینده گرفته خواهد شد، می‌تواند یا بستر بازگشت به دیپلماسی را هموار کند یا شکاف‌ها را عمیق‌تر سازد و اعتماد شکننده موجود را از میان ببرد. ایران با صراحت اعلام کرده آماده همکاری سازنده است اما نه در فضایی که ابزارهای فنی به اهرم فشار سیاسی تبدیل می‌شود.

غریب‌آبادی در واکنش به دستور کار ضد ایرانی شورای حکام:

ایران به تصویب قطعنامه جدید پاسخ خواهد داد

معاون حقوقی و بین‌الملل وزیر امور خارجه در پاسخ به پرسشی درباره تلاش تروئیکای اروپایی برای تصویب قطعنامه جدید علیه ایران در نشست شورای حکام گفت: «امیدوارم آنها عقلانیت نشان داده و قطعنامه را به صورت رسمی مطرح نکنند اما اگر این کار را هم انجام دادند قطعاً ایران بازنگری‌های اساسی در سیاست‌های خود انجام خواهد داد. غریب آبادی با اشاره به اینکه این بازنگری صرفاً محدود به حوزه تعامل با آژانس نخواهد بود، گفت: «پس از اسنپ‌بک، تفاهم قاهره کاملاً کنار رفت یعنی ما در چهارچوب تفاهم قاهره با آژانس کار نکردیم و بحث من تفاهم قاهره نیست، ایران باید بررسی مجددی در سیاست‌های خود در حوزه تعامل با آژانس و مسائل مرتبط با معاهده عدم اشاعه انجام دهد.»

آگهی مزایده عمومی
همزمان با ارزیابی کیفی (یکپارچه)
شماره ۱۱۷-۱۴۰۴/۸ ت
نوبت دوم
IMPASCO
شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران
شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران در نظردارد مزایده عمومی با موضوع "انجام سرمایه‌گذاری به‌منظور اجرای کلیه مراحل اکتشاف و اخذ مجوزهای قانونی لازم (گواهی کشف و پروانه بهره‌برداری به‌نام شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران) با امکان تداوم فعالیت در قالب قرارداد استخراج و فروش ماده معدنی در محدوده اکتشافی رشک‌ها واقع در شهرستان کوهبنان استان کرمان" را از طریق مزایده عمومی و با تضمین شرکت در مزایده به مبلغ ۳۱،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ریال (سی و یک میلیارد ریال)(واریز نقدی یا ضمانت‌نامه بانکی) را اجرا نماید؛ لذا بدین‌وسیله از علاقه‌مندان دعوت به‌عمل می‌آید جهت کسب اطلاعات بیشتر و تهیه اسناد مزایده از تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۴ و حداکثر تا ساعت ۱۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۸ با در دست داشتن معرفی‌نامه و اصل فیش واریزی به مبلغ چهار میلیون ریال به‌حساب ۴۰۰۱۰۵۳۴۰۴۰۲۸۳۶۷ با عنوان تمرکز وجوه شرکت‌های دولتی- شرکت تهیه و تولید مواد معدنی ایران به‌شماره شبا IR ۳۵۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۵۳۴۰۴۰۲۸۳۶۷ و شناسه واریز ۳۰ رقمی به‌شماره ۳۸۸۰۵۳۴۸۲۲۳۰۱۷۰۷۱۱۰۱۰۲۷۶۲۴۷۱۹۸ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، به آدرس: تهران بالاتر از میدان ولیعصر - روبه‌روی سینما استقلال - شماره ۱۷۱۳ برج جنوبی- طبقه نهم - مدیریت امور حقوقی و قراردادها- دفتر امور اسناد مناقصه و مزایده مراجعه نمایند.
ضمناً مهلت ارائه پیشنهادات حداکثر تا ساعت ۱۷ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۲می باشد و جلسه بازگشایی پاکات صبح روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۳ برگزار می‌گردد.

آگهی مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی غرب (سهامی خاص)
شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی غرب در نظر دارد تهیه مصالح و حمل و اجرای لکه‌گیری و آسفالت محوطه شرکت خود را به مقدار ۲۳۰۰ تن، از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای توسط پیمانکار واجدالشرایط با گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکاری رشته راه یا ابنیه پایه حداقل ۵ از سازمان برنامه و بودجه کشور اقدام نماید. از متقاضیان دعوت می‌گردد جهت دریافت اسناد مناقصه تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۲ با در دست داشتن معرفی‌نامه مکتوب به آدرس تهران-کیلومتر۱۰ بزرگراه فتح - روبه‌روی شهرک دریا - بلوار شهید سامانی‌پور - شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی غرب، واحد فنی مهندسی مراجعه و اسناد مناقصه را دریافت نمایند.
سپرده تضمین شرکت در مناقصه به مبلغ ۸/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی معتبر به مدت ۲ ماه شمسی به‌نام شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی غرب با شناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۰۹۲۸۸ یا اصل فیش واریز نقدی به‌حساب سپرده شماره ۰۲۰۲۲۴۲۲۱۰۰۰۱بانک ملی کد ۱۳۴۵ارائه گردد.
محل و مهلت تسلیم پیشنهادات استان تهران-کیلومتر۱۰ بزرگراه فتح - روبه‌روی شهرک دریا - بلوار شهید سامانی‌پور - شرکت انبارهای عمومی و خدمات گمرکی غرب، واحد حراست تا پایان ساعات اداری تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۰ می‌باشد.
● مناقصه‌گزار در رد یا قبول هریک یا تمامی پیشنهادات مختار است.
● سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.
شماره تماس: ۰۲۱-۶۶۱۸۴۳۲۹ / داخلی ۳۱۱-۲۹۹

فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
همزمان با ارزیابی (یکپارچه) به‌شماره ۴۰۴/۰۹
مربوط به پروژه تعمیر و مرمت جاده ارتباطی سه‌راهی تنگ بیجار به نفت شهر
شماره فراخوان: ۲۰۰۴۰۹۱۸۶۳۰۰۰۰۳۴
نوبت دوم
شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت مناطق مرکزی ایران
شرکت بهره‌برداری نفت و گاز غرب
شرکت بهره‌برداری نفت و گاز غرب در نظر دارد فراخوان ارزیابی کیفی جهت برگزاری مناقصه عمومی پروژه تعمیر و مرمت جاده ارتباطی سه‌راهی تنگ بیجار به نفت شهر به‌شرح مندرج در کتابچه را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید. کلیه مراحل برگزاری فراخوان ارزیابی کیفی از دریافت و تحویل اسناد استعلام ارزیابی کیفی و سایر مراحل مناقصه، از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.
لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه و بارگذاری اسناد مناقصه محقق سازند.
همچنین بارگذاری اسناد مناقصه می‌بایست از طریق نرم‌افزار امضای دیجیتال سامانه ستاد صورت گیرد. اطلاعات و اسناد مناقصه عمومی همزمان با فرآیند ارزیابی کیفی و این فراخوان از طریق سامانه ستاد به مناقصه‌گران ارسال خواهد شد.
۱ مهلت دریافت اسناد استعلام ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه: تا ساعت ۰۸:۳۰ روز سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۷
۲ مهلت ارسال پاسخ استعلام ارزیابی کیفی و پاکات پیشنهاد: تا ساعت ۰۸:۳۰ روز سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۱. پاکات ارزیابی کیفی در زمان فوق در محل سالن جلسات کمیسیون در ستاد کرمانشاه و از طریق سامانه ستاد گشایش خواهد شد. لازم به ذکر است که پاکت پیشنهاد مناقصه‌گرانی که حداقل امتیاز ارزیابی کیفی را کسب نمایند در تاریخی که کمیسیون تعیین می‌کند مفتوح خواهد شد.
۳ بازدید از محل انجام خدمات روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۸ ساعت ۱۰:۰۰ در منطقه عملیاتی به آدرس مندرج در کتابچه انجام خواهد شد.
۴ جلسه توضیح اسناد مناقصه روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۱ ساعت ۱۰:۰۰ در ستاد کرمانشاه انجام خواهد شد.
۵ مبلغ برآورد اولیه و تقریبی مناقصه و محل تامین اعتبار: ۱،۱۹۳،۹۵۰،۸۸۳،۰۳۶ ریال منابع داخلی _ سرمایه‌ای
۶ نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: یکی از تضامین معتبر مطابق با آیین‌نامه تضمین در معاملات دولتی به مبلغ ۴۰،۹۷۹،۰۱۷،۶۹۱ ریال
۷ نوع، کیفیت و کمیت خدمات: به‌شرح مندرج در کتابچه شامل عملیاتی از قبیل: احداث دیوار حائل با سنگ لاشه، احداث دستک‌های ورودی و خروجی پل‌ها و سنگ ریزی پشت کوله و دستک‌ها (درنازل)، بنایی با سنگ لاشه و ملات ماسه سیمان جهت ترمیم شانه راه در نقاط آب شسته شده، تیغ‌زنی، تسطیح، آب پاشی و کوبش و اجرای اساس مسیر جهت تعویض و اصلاح بستر جاده، تراشیدن سطح آسفالت موجود با استفاده از دستگاه‌های آسفالت تراش به‌صورت غیرپیوسته و در عرض‌های متفاوت در طول مسیر با مساحت و ضخامت مشخص مطابق مشخصات فنی مندرج در شرح کار، اجرای قیر نفوذی، اجرای قیراندود سطحی در طول مسیر و مطابق مشخصات فنی مندرج در شرح کار، اجرای لایه‌های بیندر و توپکا، آسفالت در طول مسیر و مطابق مشخصات فنی مندرج در شرح کار، اجرای خط کشی منقطع و متناوب روی مسیر، احداث قنو و ریزش‌برداری، نصب علایم و تجهیزات ایمنی در طول مسیر و سایر موارد مندرج در شرح کار و اسناد مناقصه
۸ محل و مدت اجرای خدمات: مناطق عملیاتی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز غرب _ محدوده تنگ بیجار (در ۷۵ کیلومتری شهر ایلام) به نفت شهر (در ۱۳۰ کیلومتری شهر ایلام) _ به مدت ۲۲ماه شمسی
۹ پیش پرداخت: به میزان ۱۵ درصد نرخ پیشنهادی پیمانکار برنده در مقابل ارائه ضمانت‌نامه معتبر بانکی مطابق با نبصره ۱ بند ب ماده ۶ آیین‌نامه تضمین در معاملات دولتی
۱۰ مدارک و مستندات الزامی جهت ورود به فرآیند ارزیابی کیفی (در صورت عدم بارگذاری هر یک از مدارک ذیل مناقصه‌گر از فرآیند ارزیابی کیفی کنار گذاشته می‌شود)
۱-۱۰_ بارگذاری گواهی تعیین صلاحیت معتبر و مرتبط با موضوع مناقصه (رتبه ۴ راه و ترابری از سازمان برنامه و بودجه)
۲-۱۰_ بارگذاری مدارک حقوقی شرکت شامل: کد اقتصادی، شناسه ملی، اساسنامه، آگهی تأسیس و آگهی معتبر آخرین تغییرات هیأت‌مدیره
۳-۱۰_ بارگذاری صورت‌های مالی حسابرسی شده معتبر همراه با گزارش حسابرس مستقل و حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی یا جامعه حسابداران رسمی منتهی پایان به سال ۱۴۰۲ (با قابل رؤیت در سامانه جام / پردیس)
۴-۱۰_ بارگذاری فرم استعلام ارزیابی کیفی تکمیل شده و مدارک و مستندات مربوطه
تذکر۱: در صورتی که مدارک مذکور از طریق سامانه‌های مربوطه قابل استعلام باشند، مورد قبول قرار خواهند گرفت.
تذکر۲: کلیه ضمانت‌نامه‌های صادره از بانک‌های پاسارگاد و سپه مورد قبول قرار نخواهند گرفت.
۱۱ اطلاعات تماس دستگاه مناقصه‌گزار:
آدرس: کرمانشاه _ میدان نفت _ بلوار زن _ پلاک ۴۲ _ کدپستی ۶۷۱۴۶۷۷۷۴۵ _ دبیر خانه کمیسیون مناقصات
مرکز تلفن ۰۸۳۳۳۱۱۰۰۰۰ / دبیر خانه کمیسیون مناقصات داخلی (۲۵۱۵)
اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس: ۰۲۱۴۱۹۳۴ / دفتر ثبت‌نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸
روابط عمومی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز غرب
نوبت اول ۱۴۰۴/۰۸/۲۴ - نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۲۶
شنبه ۳۰۴۹۲۱۲

دوشنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۴ شماره ۸۸۸۸
irannewspaper irannewspapper

رابطه ترکیه و اسرائیل به سمت منطق «حاصل جمع صفر» میل پیدا کرده است

آنکارا-تل‌آویو در مارپیچ تنش؟

خاورمیانه

علیرضا حجتی
دبیر گروه بین‌الملل

آنکارا-تل آویو را از همکاری به رقابت و سپس به خصومت تغییر داده است. پس از اتفاقات سوریه و سقوط دولت بشار اسد، شام به میدانی برای تقابل فزاینده اردوغان و نتانیاهو تبدیل شد، دو بازیگری که در سوریه سیاست‌های حداکثری و توسعه طلبانه را دنبال کرده و حاضر به واگذاری نقش خود در این کشور نیستند. حملات بی‌امان ارتش اشغالگر به زیرساخت‌های سوریه، تحرکات اسرائیل برای تغییر ژئوپلیتیک سوریه با نقش آفرینی در سویدا، رقابت ترکیه و رژیم صهیونیستی را به منطق «حاصل جمع صفر» سوق داد و این دو بازیگر را تا مرز باریک درگیری رساند. در چنین شرایطی غزه و قبرس، دو میدان جدید تعریف شده‌ای هستند که اسرائیل و ترکیه تلاش می‌کنند با استفاده از اهرم ژئوپلیتیکی آنها، همدیگر را تحت فشار قرار دهند. ترکیه از طریق تلاش‌های خود برای نقش آفرینی در طرح صلح ترامپ و نزدیک شدن به حماس، تحت عنوان نیروی تثبیت کننده صلح در فلسطین جای پای خود را در نزدیکی مرزهای اشغالی محکم می‌کند.

در سوی دیگر، رژیم صهیونیستی با راهبرد جدید خود که حضور در قبرس است، مرزهای ترکیه را تحت تأثیر قرار داده است. تحلیلی که در روزنامه قبرسی-یونانی «سایپروس میل» منتشر شده، نگرانی‌های قابل توجهی را در مورد گسترش حضور نظامی و اقتصادی اسرائیل در قبرس مطرح کرده و هشدار داده است که این جزیره در معرض خطر درگیر شدن در درگیری‌های منطقه‌ای گسترده‌تر قرار دارد. این ارزیابی با اشاره به نگرانی‌های موجود ترکیه در مورد مواضع سازش‌ناپذیر قبرسی-یونانی و حضور منطقه‌ای رو به رشد اسرائیل، این سؤال را مطرح می‌کند که آیا اسرائیل نماینده متحدی است که دولت قبرسی-یونانی در نظر دارد، یا در درجه اول به دنبال جای پای استراتژیک در مدیترانه شرقی است. المانیتور در گزارشی به بررسی تلاش‌های آنکارا برای نفوذ در آینده غزه و موانعی که در این راه وجود دارد پرداخته است.

با تلاش‌های ترکیه برای پیوستن به نیروی تثبیت‌کننده غزه و گسترش نفوذ در این منطقه فلسطینی، اسرائیل در حال افزایش فشار بر این کشور است.

رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه که مدت‌هاست تلاش کرده ترکیه را به عنوان میانجی اصلی در امور سیاسی غزه قرار دهد در ماه اکتبر، نقش مستقیمی در اجرایی شدن طرح آتش‌بس ۲۰ ماده‌ای دونالد ترامپ بر عهده گرفت و از آن زمان تاکنون برای گسترش نفوذ خود در طول روند آتش‌بس تلاش کرده است.

بعید است که اسرائیل نقش قابل توجه ترکیه در غزه را تأیید کند، زیرا آنکارا فضای کمی برای نرم کردن موضع خود در قبال بنیامین نتانیاهو دارد. با این حال، ترکیه آماده است تا از طریق ارسال کمک و تعامل سیاسی با حماس، حضور خود را گسترش دهد - مسیری که احتمالاً با عمیق‌تر شدن بی‌اعتمادی، به اصطکاک میان تل آویو-آنکارا دامن خواهد زد.

ماه گذشته، ترکیه یک تیم جست‌وجو و نجات را به امید ورود به غزه برای کمک به بازیابی اجساد اسرای اسرائیلی به مصر اعزام کرد. هاکان فیدان، وزیر خارجه ترکیه همچنین آمادگی آنکارا را برای مشارکت در نیروی بین‌المللی تثبیت‌کننده (ISF) تحت نظارت سازمان ملل در آینده که بر خروج مرحله‌ای اسرائیل از غزه نظارت خواهد داشت، اعلام کرد. اما تلاش‌های ترکیه برای ایجاد جای پایی در غزه با مقاومت شدید اسرائیل روبه‌رو شده است. دولت نتانیاهو مانع ورود این تیم شد و همواره هرگونه استقرار نیروهای ترکیه را رد کرده است.

> بعید است که اسرائیل نقش قابل توجه ترکیه در غزه را تأیید کند، زیرا آنکارا فضای کمی برای نرم کردن موضع خود در قبال نتانیاهو دارد. با این حال، ترکیه آماده است تا از طریق ارسال کمک و تعامل سیاسی با حماس، حضور خود را گسترش دهد - مسیری که احتمالاً با عمیق‌تر شدن بی‌اعتمادی، به اصطکاک میان تل آویو-آنکارا دامن خواهد زد

گیدئون ساعر، وزیر خارجه رژیم اسرائیل، در ۲۷ اکتبر گفت: «کشورهایی که می‌خواهند یا آماده اعزام نیروهای مسلح هستند، باید حداقل با اسرائیل منصف باشند.»

مایکل هراری، سفیر بازنشسته اسرائیل به المانیتور گفت: «بعید است اسرائیل از اعتراض خود به دخالت ترکیه در غزه عقب‌نشینی کند.»

حراری گفت اسرائیل نگران است که نقش ترکیه در غزه به آنکارا اجازه دهد تا بر دولت آینده غزه تأثیر گذاشته و روابط اسرائیل و فلسطین را شکل دهد.

تنش‌ها در ۷ نوامبر، زمانی که دادستان کل استانبول حکم بازداشت نتانیاهو و ۳۶ مقام ارشد اسرائیلی را به اتهام نسل‌کشی در غزه صادر کرد، دوباره شعله‌ور شد. این احکام نمادین، تکرار احکامی است که پس از حمله به کشتی ماوی مرمره در سال ۲۰۱۰ صادر شد و نشان می‌دهد که موضع کنونی ترکیه جایی برای تماس دیپلماتیک باقی نمی‌گذارد.

وزیر دفاع اسرائیل، یسرائیل کاتز، در تاریخ ۹ نوامبر در پلتفرم ایکس نوشت: «این احکام بازداشت مسخره را بردارید و از اینجا گم شوید. شما فقط می‌توانید غزه را از طریق دوربین دوچشمی ببینید.»

گالیا لیندن‌اشتراوس از مؤسسه مطالعات امنیت ملی اسرائیل گفت که این احکام که با هدف منزوی کردن نتانیاهو صادر شده‌اند، مخالفت اسرائیل با مشارکت ترکیه در نیروی ایجاد ثبات را تشدید کرده‌اند. او افزود: «مشخص نیست که آیا دولت ترامپ می‌تواند اسرائیل را مجبور به تغییر نظر خود کند یا خیر.»

فضای اندک برای انعطاف پذیری

هرگونه تغییر در موضع ترکیه در قبال اسرائیل به انتظارات داخلی محدود می‌شود. پایگاه اسلام‌گرای اردوغان خواستار سرسختی است و احزاب مخالف چپ‌گرا، دولت را به عدم مقابله با اسرائیل به دلیل رفتارش در غزه متهم می‌کنند.

هر دو کشور اندکی پس از جنگ غزه در اکتبر ۲۰۲۳، سفرای خود را فراخواندند، اما روابط دیپلماتیک خود را کاهش ندادند. سال گذشته، ترکیه ادعا کرد روابط تجاری خود را با رژیم قطع کرده، حریم هوایی خود را به روی پروازهای خصوصی مقامات اسرائیلی مسدود و از مشارکت اسرائیل در رزمایش‌های ناتو جلوگیری کرد.

به گفته اوزگور اونلوهیسارچیکلی از صندوق مارشال آلمان، افکار عمومی ترکیه نسبت به اسرائیل در مورد جنگ غزه نسبت به درگیری‌های قبلی سرسخت‌تر شده است.

او گفت: «در گذشته، رئیس جمهوری اردوغان موضع انتقادی دولت نسبت به اسرائیل را هدایت می‌کرد. امروز، او نمی‌تواند انتظارات عمومی در واکنشی قوی‌تر علیه اسرائیل را به طور کامل نادیده بگیرد.»

یک نظرسنجی مرکز تحقیقات پیو در سال ۲۰۲۵ نشان داد که تقریباً سه چهارم مردم ترکیه دیدگاه‌های نامطلوبی نسبت به اسرائیل دارند.

این کارشناس ترک گفت: «در این شرایط، برای دولت اردوغان تقریباً غیرممکن است که روابط با نتانیاهو را عادی‌سازی کند.»

آنکارا حتی بدون تأیید اسرائیل، از طریق تعامل سیاسی با حماس، نفوذ خود را در غزه به طور پیوسته افزایش داده است. ماه گذشته، ترکیه محمد گول‌اوغلو را به عنوان هماهنگ‌کننده کمک‌های بشردوستانه منصوب کرد. از آن زمان، گول‌اوغلو، مرتباً از بندر العریش مصر بازدید کرده تا بر تحویل کمک‌های ترکیه نظارت داشته و نیازهای فلسطینیان را ارزیابی کند.

لیندن‌اشتراوس با اشاره به اینکه به محض بازگشایی گذرگاه رفح، سازمان‌های مردم‌نهاد و کمک‌های ترکیه به غزه سرازیر خواهند شد، گفت: «اسرائیل بدون شک با نفوذ فزاینده ترکیه در منطقه مواجه خواهد شد.»

منبع: Al Monitor

برش

ورود آمریکا به مناقشه دو رقیب

به گفته یک منبع آگاه، با میانجیگری آمریکا، تنش‌های ناشی از نقش فزاینده ترکیه در غزه احتمالاً مهار خواهد شد. فیدان پس از دیدار روز دوشنبه در کاخ سفید گفت که «بسیاری از مسائل مربوط به پرونده فلسطین را به تفصیل با استیو ویتکاف، فرستاده ترامپ به خاورمیانه و تام باراک مورد بحث قرار داده است.»

یک منبع به المانیتور گفت که دولت ترامپ با جدیت تمام تلاش می‌کند بی‌اعتمادی عمیق بین ترکیه و اسرائیل را از بین ببرد. به باور این منبع، بعید است میانجیگری ایالات متحده در کوتاه مدت موافقت اسرائیل را برای استقرار نیروهای ترکیه جلب کند، اما می‌تواند به مدیریت اختلافات کمک کند.

این منبع گفت مقامات آمریکایی «هر کاری از دستشان بربیاید با هر دو طرف انجام می‌دهند تا اطمینان حاصل شود که محدودیت‌هایی» برای خصومت‌ها وجود دارد.

در گفت و گو با آرشین ادیب مقدم مطرح شد

روایت‌های متقاطع ایران و غرب

گفت‌وگو

دکتر آرشین ادیب‌مقدم استاد اندیشه جهانی و فلسفه‌های تطبیقی در دانشگاه SOAS لندن است. ادیب‌مقدم در گفت‌وگویی با عسگر قهرمانپور سردبیر روزنامه انگلیسی‌زبان ایران دیلی، به پرسش‌هایی درباره روایت‌های شکل‌گرفته از ایران در غرب و متقابلاً برداشت‌های ایرانی از جهان غرب پاسخ داده است. او در این گفت‌وگو، با نقد تصویر قالبی و سیاسی‌شده ایران در رسانه‌ها و محافل دانشگاهی غرب، بر ضرورت بازسازی پل‌های فرهنگی و گفتمانی میان دو جهان تأکید می‌کند. ادیب‌مقدم آثار متعددی درباره هویت، ناسیونالیسم و سیاست در خاورمیانه نوشته است. به باور او، اگر نسل‌های جوان‌تر بتوانند با واقعیت‌های این شکاف آشنا شوند، زمینه برای گفت‌وگویی متوازن‌تر میان ایران و غرب فراهم خواهد شد.

تا چه اندازه باور دارید برداشت‌های غرب از جامعه ایران بر پایه درک واقعی فرهنگی و تاریخی است، و تا چه اندازه تحت‌تأثیر روایت‌های سیاسی یا امنیت‌محور شکل گرفته است؟

من ابتدا باید بگویم که در واقع چیزی به نام «روایت منسجم غربی» از ایران وجود ندارد. بازنمایی‌هایی وجود دارد که نه‌تنها با یکدیگر متفاوت‌اند، بلکه گاه کاملاً متناقض‌اند. هر چه به کانون‌های حقیقت نزدیک‌تر شویم - یعنی شاعران، هنرمندان و روشنفکران - تصویر ایران واقعی‌تر می‌شود. اما هر چه به مراکز قدرت (در غرب)، بویژه دولت‌ها و نیز اندیشکده‌های مشکوکی که در خدمت دستورکارهای ایدئولوژیک‌اند، نزدیک‌تر شویم، روایت‌ها آلوده‌تر می‌شوند. با این حال، من افرادی را هم دیده‌ام که درون ساختار دولت بوده‌اند ولی درک عمیقی از ایران در تمام ابعاد آن داشته‌اند. برای نمونه، «جک استراو» وزیر خارجه پیشین بریتانیا و نیز روزنامه‌نگاران بینش‌مند بسیاری که با آنها در تماس بوده‌ام، مانند «جان اسنو»، «لیندزی هیلسام» یا «ماه‌رُخ علی» در نروژ.

چرا ایران در گفتمان‌های دانشگاهی و رسانه‌ای غرب، اغلب از دریچه تهدید، انقلاب یا ایدئولوژی بازنمایی می‌شود، نه به‌عنوان جامعه‌ای پیچیده و متنوع با پویایی‌های فرهنگی غنی؟

ما مجموعه‌ای از پژوهشگران برجسته در حوزه مطالعات ایران داریم که عمر خود را صرف پژوهش‌های درخشان درباره ایران کرده‌اند.

دلیل اینکه تصویر ایران پراکنده به نظر می‌رسد، دقیقاً آن است که هیچ‌کس نتوانسته است تفسیرهای گوناگون از کشور را وارد گفت‌وگویی انتقادی و سازنده کند. در واقع، شاید به این دلیل که جامعه ایرانی - چه در داخل و چه در بیرون کشور - هماهنگ نیست. وقتی گفتمان پراکنده است، مردم هم پراکنده‌اند.

کدام نهادها یا بازیگران در غرب بیشترین نقش را در شکل‌دادن به تصویر غالب از ایران داشته‌اند؟

بی‌تردید، دولت‌های جمهوری‌خواه در ایالات متحده بارها در شکل‌دادن به روایت «تهدید ایران» دست بالا را داشته‌اند. این دولت‌ها پیوند نزدیکی با مجموعه‌ای از اندیشکده‌های راست‌گرای اسرائیلی همچون «آیپک» دارند که توانسته‌اند به‌خوبی به راهروهای قدرت در واشنگتن نفوذ کنند. این موضوع در آثار همکاران دانشگاهی من، از جمله در پژوهش‌های «هگای رَم» و نیز کتاب معروف «لابی اسرائیل» نوشته «جان مرشایمر» و «استیون والت» به‌خوبی مستند شده است.

در عصر جهانی‌شدن دیجیتال و رسانه‌های اجتماعی، آیا روایت غرب از ایران از چهارچوب جنگ سرد فراتر رفته، یا هنوز بازتاب الگوهای کهنه «دیگری‌سازی» و تقابل است؟

در هر روایت متمرکزی، همیشه «دیگری» وجود دارد، چه در روایت غربی و چه در روایت شرقی. این بدان سبب است که «خودِ» غربی یا شرقی مفهومی نسبی است که تنها در تقابل با دیگری دوتایی معنا پیدا می‌کند. در سنت فکری ایرانی-اسلامی، بویژه در فلسفه فارابی و ابن‌سینا و در شعر خیام، سعدی و مولوی، ما به دستگاه دانشی عمیق و انسانی دسترسی داریم که از دوگانگی‌ها فراتر می‌رود. این گنجینه فکری شگرف می‌تواند ابزاری نیرومند برای مقابله با دوگانه‌سازی‌های فرهنگی و اجتماعی باشد و تاکنون کمتر از آن برای سیاست فرهنگی فراگیر و مثبت بهره گرفته شده است.

> بسیاری از جوانان نسل جدید در ایران باور دارند «غرب» نوعی پارک تفریحی دیزنی‌لند است که در آن همه شاد و راضی‌اند؛ تصویری که از طریق شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای منتقل می‌شود و هیچ نسبتی با واقعیت جوامع موسوم به غربی ندارد

در گفتمان ایرانی، روایت‌های متعددی درباره «غرب» وجود دارد- از دیدگاه‌های ضدامپریالیستی تا خوانش‌های مدرن‌گرا. به‌نظر شما کدام‌یک به درک متعادل‌تر و واقع‌بینانه‌تری نزدیک‌تر است؟

بازنمایی ایران در داخل کشور همواره کارکردی سیاسی داشته؛ بنابراین، موضوع ما - ایرانِ باشکوه - از چهارچوبی که بر آن اعمال شده می‌گریزد، تا توان مردم برای دیدن جهان فراتر از مِهِ مصنوعی محدودکننده را باز یابد. به‌همین دلیل است که بسیاری از جوانان نسل جدید در ایران باور دارند «غرب» نوعی پارک تفریحی دیزنی‌لند است که در آن همه شاد و راضی‌اند؛ تصویری که از طریق شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای منتقل می‌شود و هیچ نسبتی با واقعیت جوامع موسوم به غربی ندارد. درک بهتر از جهان و از «غرب» به‌عنوان بخشی از آن، تنها از رهگذر علوم اجتماعی و انسانی آزاد، رسانه آزاد، و آزادی دیدن بدون محدودیت حاصل می‌شود. در آن صورت، روایت اصلی ایران از سوی خود ایرانیان در داخل کشور ارائه خواهد شد.

آیا جامعه معاصر ایران هنوز غرب را بیشتر به‌عنوان الگوی پیشرفت می‌بیند یا بیشتر به‌عنوان چالشی فرهنگی و اخلاقی؟

واقعیت آن است که خودِ ایران بخشی از «مغرب‌زمین» است و از زمان «هرودوت»، ایران نقشی محوری در تخیل و تصور غرب داشته است.

بااین‌حال، تحلیل هویت‌ها باید دیالکتیکی باشد؛ کافی نیست تنها به میراث غربی عمیق ایران اشاره کنیم، بلکه باید اثرگذاری پارسی بر غرب را نیز بازشناسی کنیم. ایران (یا پارس) عاملی سازنده در شکل‌گیری «خودِ غربی» بوده است. جریان‌های نوینی چون «تاریخ جهانی» و «تفکر جهانی» به این پیوندهای فراگیر میان ملت‌ها اشاره دارند و تاریخ‌هایی می‌نویسند که بر ارتباطات تأکید دارند، نه بر دوگانگی‌ها. این رویکرد به‌خوبی با جهان‌بینی شاعران و فیلسوفان ایرانی همساز است - و ما در این مسیر گام برمی‌داریم. همین دیدگاه محور کتاب من با عنوان «ایران چیست؟» است.

در عصر رسانه‌های اجتماعی نسل‌های جوان‌تر ایرانی چگونه با جوامع غربی مواجه دارند؟

هنگامی که مردم فاصله میان بازنمایی و واقعیتِ زیستن در «غرب» را می‌پیمایند، به‌ندرت با مشارکتی سازنده به زادگاه خود بازمی‌گردند. در چنین مواردی، میراث عظیمی که ما در اختیار داریم - یعنی ایران/پارس - به مقصد گردشگری برای دیدار خانواده و دوستان فروکاسته می‌شود، بی‌آنکه سود فرهنگی یا اجتماعی واقعی برای کشور داشته باشد، در حالی که ظرفیت ایرانیان در سراسر جهان می‌تواند به‌راستی شگرف باشد. پل‌های فرهنگی به معماری ظریف و پیچیده‌ای نیاز دارند تا بتوانند وزن سنگین روایت ایرانی را بر دوش بکشند.

از دیدگاه نظری، تا چه اندازه سیاست و جامعه در روابط بین‌الملل از یکدیگر متمایزند؟ در نهایت، چه کسی قدرت بازسازی برداشت‌ها را در اختیار دارد؟

برش

این پرسش‌ها به مسأله دیرپای رابطه «ساختار و عاملیت» مربوط می‌شوند. آیا ما صرفاً تابع نظام‌های سیاسی و اقتصادی هستیم، یا توان کنش آزادانه را داریم؟ آیا می‌توانیم آزادی خود را به‌عنوان افراد بالفعل کنیم؟ حقیقت در میانه این دو قرار دارد، زیرا ساختار و عاملیت همواره در رابطه‌ای دیالکتیکی‌اند: ما هم از نظام‌ها شکل می‌گیریم و هم نظام‌ها را شکل می‌دهیم.

مسئولیت هر فرد آن است که آزادی خود را تا حد امکان فراتر از وضعیت تثبیت‌شده نظامی گسترش دهد. پرورش ذهن و بدن - چنان‌که پهلوانان ایرانی در زورخانه انجام می‌دادند - می‌تواند سپری در برابر جذب و تسلیم‌شدن در برابر نظام‌های ناعادلانه بین‌المللی باشد. این تمرینی روزمره است برای آنکه بیاموزی در جامعه آزاد بیندیشی و آزاد عمل کنی؛ و این همان پیش‌زمینه همه آن چیزهایی است که با انسان بودن پیوند دارد؛ از معنویت تا عدالت سیاسی.

A History of the Modern Middle East

تاریخ خاورمیانه مدرن (۲۲)

ویلیام کلیولند
ترجمه: عسگر قهرمانپور

نیروی پیاده‌نظام ینی چری

دو شاخه اصلی قوای مسلح عثمانی از ریشه‌هایی کاملاً متفاوت شکل گرفته بودند. برجسته‌ترین و کارآمدترین یگان نظامی این امپراطوری، نیروی پیاده‌نظام دائمی و حرفه‌ای موسوم به «ینی چری» بود؛ سپاهی برده‌زاد که در اوج اقتدارش در سده‌های پانزدهم و شانزدهم، نام‌آورترین واحد رزمی سراسر اروپا به شمار می‌آمد. ینی چریان به دلیل انضباط آهنین، روحیه استوار و حرفه‌ای‌گری مثال‌زدنی شهرت داشتند. آنان حقوقی معین و منظم دریافت می‌کردند و همواره در آمادگی کامل برای خدمت نظامی بودند. قانون آنان را از ازدواج و ورود به حرفه بازرگانی منع می‌کرد و در پادگان‌ها اسکان داده می‌شدند. در روزگاری که شمشیر در نیام و توپ بر چرخ آرام می‌گرفت، این سپاهیان بارها برای پاسداری از نظم و قانون به دورترین نقاط قلمرو اعزام می‌شدند. در عهد پادشاهی سلیمان قانونی، شمار ینی چریان به نزدیک چهل هزار نفر رسید و این نیروی پیاده‌نظام با گسترش توان رزمی خود، واحدهایی ماهر در به‌کارگیری توپخانه را نیز دربرگرفت.

سواره‌نظام سپاهی

بخش عمده قوای عثمانی را سواران ایالتی، موسوم به «سپاهیان» و همراهان جنگی آنان تشکیل می‌دادند. اینان که همگی مسلمانان آزاد بودند، دو وظیفه هم‌زمان بر عهده داشتند: یکی اداری و دیگری نظامی. برای حفظ ارتشی انبوه بدون فشار سنگین بر خزانه، سلاطین حق بهره‌برداری از عواید اراضی کشاورزی، موسوم به «تیمار» را به سپاهیان واگذار می‌کردند. هر سپاهی تیماری ویژه داشت و مجاز بود مالیات‌های آن را که به‌عنوان مواجب وی محسوب می‌شد، جمع‌آوری کند. در برابر این امتیاز، موظف بود نظم و امنیت منطقه خود را حفظ کند، هنگام احضار در صفوف لشکر حاضر شود و بر اساس وسعت درآمدش، شماری از سواران مسلح را همراه بیاورد. این شیوه بیشتر در ایالات اروپایی و آناتولی رواج داشت و در سرزمین‌های عربی معمول نبود.

دستگاه اداری

به عنوان دولتی متمرکز و مقتدر، امپراطوری عثمانی به دیوان‌سالاری گسترده و پیچیده شهرت داشت. این دستگاه عظیم، ریشه در آمیزه‌ای از سنن اداری بیزانسی، ایرانی و عربی داشت و ساختاری ویژه و متمایز ایجاد کرده بود؛ ساختاری که در آن لشکری از نویسندگان و دبیران، با دقتی ستودنی، سرشماری‌ها را ثبت می‌کردند، حساب‌های خزانه را می‌نگاشتند، انتصاب‌های رسمی را ضبط می‌کردند و قوانین و مقررات دولت را محفوظ می‌داشتند. بیشتر مدیران بلندپایه از طریق نظام دوشیرمه به خدمت فراخوانده می‌شدند، در حالی که کارمندان میان‌رتبه مسلمانان آزادی بودند که در طول خدمت، آموزش‌های عملی را به سان شاگردان کارآزموده در وزارتخانه‌های گوناگون فرا می‌گرفتند. این کارگزاران، ستون‌های پنهان قصر دیوان، نقش خطیری در کارآمدی و انتظام امور دولت ایفا می‌کردند.

نهاد دینی

در کنار نخبگان دیوانسالار و سپاهی، علمای دین سومین ستون استوار طبقه حاکمه عثمانی را تشکیل می‌دادند. بر پایه روحیه «غازی»، همان شور و انگیزه‌ای که از اولین سال‌های جهاد مرزی علیه بیزانس، سلاطین و مجاهدان عثمانی را الهام می‌بخشید، پادشاهان این دولت جایگاهی بس رفیع برای اهل علم و شرع قائل بودند.

خبر

نتانیاهو و کاتس:
همچنان با تشکیل کشور فلسطین مخالفیم

نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی مجدداً مخالفت خود را با تشکیل کشور فلسطین اعلام کرد.

«بنیامین نتانیاهو» نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی روز یکشنبه در جلسه کابینه گفت: «منطقه‌ای که حماس در غزه کنترل آن را در دست دارد خلع سلاح خواهد شد و این مسأله یا به راحتی یا به سختی اتفاق خواهد افتاد.»

طبق گزارش الجزیره، نتانیاهو گفت: «ما همچنان با تشکیل کشور فلسطین در منطقه غرب رود اردن مخالف هستیم و موضع ما به هیچ وجه تغییر نکرده است.»

درحالی که کرانه باختری هر روز شاهد تجاوزات شهرک‌نشینان صهیونیست با حمایت پلیس رژیم صهیونیستی است، نتانیاهو گفت: «ما با اقدامات آشوبگرانه علیه مسئولان منتخب توسط تعداد بسیار اندکی که نماینده تمام حریدی‌ها نیستند، مخالف هستیم. اقلیتی که نماینده شهرک نشینان نیستند، دست به اقدامات آشوبگرانه در کرانه باختری زدند و ما با آشوب چه علیه سربازان ارتش و چه فلسطینی‌ها مخالف هستیم.»

همچنین پیش از این «گیدئون ساعر» وزیر خارجه رژیم صهیونیستی گفت: «ما هرگز تشکیل کشور فلسطینی در مرکز اسرائیل و در مسافت صفر با ساکنان خود را نمی‌پذیریم.»

پیش از این «یسرائیل کاتس» وزیر جنگ رژیم صهیونیستی نیز مدعی شده بود که غزه خلع سلاح خواهد شد. وی گفت که سیاست رژیم صهیونیستی واضح است و اجازه تشکیل کشور فلسطین را نمی‌دهد.

به گزارش الجزیره، مقامات اسرائیلی نگرانی خود را در مورد آنچه که آنها نزدیکی بین دولت ایالات متحده و جنبش مقاومت اسلامی (حماس) می‌نامند، ابراز کرده‌اند. وبسایت صهیونیستی والا به نقل از مقامات این رژیم نوشت که نزدیکی استیو ویتکوف، فرستاده ویژه آمریکا در امور خاورمیانه، با حماس «نگران‌کننده» است.

نیویورک تایمز به نقل از دو منبع آگاه گزارش داد که ویتکوف قصد دارد به‌زودی با خلیل الحیه از رهبران ارشد حماس دیدار کند.

در همین راستا، یسرائیل کاتس، وزیر دفاع رژیم تهدید کرد که نوار غزه تا آخرین تونل خلع سلاح خواهد شد. او طی پستی در پلتفرم ایکس نوشت که سیاست اسرائیل واضح است: «هیچ کشور فلسطینی وجود نخواهد داشت.»

گزارش خبری

غزل رضایی‌ثانی
گروه اجتماعی

معاون امور دانشجویان صندوق رفاه دانشجویی

دانشجویان متأهل ۲ برابر مجردها وام می‌گیرند

ثبت‌نام وام دانشجویی از شنبه هفته گذشته با مبلغ سال گذشته شروع شده، اما نرخ‌ها هرچه که باشد برای متأهل‌ها دوبرابر است. به گفته معاون امور دانشجویان صندوق رفاه دانشجویی، وام‌های دانشجویی سال آینده افزایش خواهد داشت و به دلیل کمبود اعتبار امسال میزان وام دانشجویی افزایش نداشته اما همه وام‌ها برای متأهلان دوبرابر خواهد بود. صمد حاج جباری در گفت‌وگو با «ایران» درباره جزئیات وام و تسهیلات سال تحصیلی ۱۴۰۵-۱۴۰۴ توضیح می‌دهد: «ثبت نام وام دانشجویی از تاریخ ۱۷ آبان آغاز شده که طی دو مرحله انجام می‌شود. مرحله اول مربوط به وام تحصیلی و وام ودیعه مسکن است که تا دوازدهم آذرماه مهلت دارد.»

او درباره میزان وام هر مقطع می‌گوید: «وام مقطع کاردانی و کارشناسی در هر ترم مبلغ ۵ میلیون تومان، کارشناسی ارشد پیوسته و دکترای حرفه‌ای ۷.۵ میلیون و دکترای تخصصی اعم از پیوسته، ناپیوسته، دکترای مستقیم و دستیاری ۱۰ میلیون تومان در نظر گرفته شده است. این وام‌ها برای دانشجویان متأهل دو برابر خواهد بود. وام‌های مذکور در صورتی به دانشجویان داده می‌شود که مدارک دانشجویان کامل باشد و دانشگاه آن را تأیید کند.»

معاون امور دانشجویان صندوق رفاه دانشجویی درباره روند ثبت درخواست وام می‌گوید: «درخواست وام دانشجویان در وهله اول در سامانه صندوق رفاه دانشجویان ثبت و بعد به صورت سیستمی به دانشگاه‌ها ارسال می‌شود. سپس این مدارک توسط کاربران دانشگاه کنترل شده و در صورت تأیید، وام به دانشجویان تعلق می‌گیرد. اما اولویت دریافت وام با دانشجویان مستعد کم بضاعت است. چون دانشجویان در دانشگاه‌ها پراکنده هستند، این وظیفه دانشگاه است که وضعیت دانشجویان به لحاظ اولویت‌بندی وام دانشجویی را بررسی کند.»

حاج‌جباری درباره اینکه مرحله دوم وام‌های دانشجویی چه زمانی پرداخت می‌شود، می‌گوید: «بخش دوم وام‌های دانشجویی، وام ضروری و شهریه است که ثبت‌نام آن از ۱۳ آذر ماه آغاز و تا ۲۷ آذر یعنی حدود دو هفته ادامه خواهد داشت. مطابق قانون، دانشجویانی شامل دریافت وام می‌شوند که شاغل نباشند و هیچ نوع مستمری دریافت نکنند؛ با توجه به آیین‌نامه و دستورالعملی که به دانشگاه‌ها ارسال شده دانشجویان می‌توانند ثبت‌نام خود را کامل کنند و وام بگیرند.»

به گفته او وام‌های ودیعه مسکن در شهرهایی با جمعیت ۵۰۰ هزار نفر و کمتر ۱۰۰ میلیون تومان، برای شهرهای بالای ۵۰۰ هزار نفر جمعیت ۱۵۰ میلیون و برای کلانشهر تهران ۲۰۰ میلیون تومان است. دریافت این وام نیازمند مستنداتی از جمله اجاره نامه و ضامن است. کارمندان رسمی، قراردادی و پیمانی می‌توانند ضامن باشند و ارائه گواهی کسر از حقوق هم ضرورت دارد.

حاج جباری در پاسخ به این سؤال که دانشجویان تا چه زمانی وقت دارند وام خود را تسویه کنند، می‌گوید: «دانشجویان تا پایان دوره سنوات رفاهی خود می‌توانند وام‌ها را تسویه کنند. دوره سنوات رفاهی برای دوره کارشناسی ۴ سال، کارشناسی ارشد و کاردانی ۲ سال و برای دوره دکتری هم ۴ سال است. بعد از اتمام سنوات رفاهی، دانشجو باید برای تعیین وضعیت بدهی خود مراجعه کند. البته این به معنی بازپرداخت وام نیست، بلکه به این معنی است که دانشجو ۹ ماه زمان دارد تا برای تعیین تکلیف وام، بدهی و دفترچه اقساط خود مراجعه کند. دانشجویانی که مشمول خدمت شده‌اند هم می‌توانند بعد از دوره سربازی بازپرداخت خود را انجام دهند.»

معاون امور دانشجویان صندوق رفاه دانشجویی درباره مشکلات بازپرداخت وام‌های دانشجویی می‌گوید: «پرداخت اقساط وام دانشجویی به هر حال انجام می‌شود، اما مشکل اصلی این است که زمان بازپرداخت وام‌ها بازه زمانی طولانی را شامل می‌شود. مثلاً یک دانشجوی کارشناسی با احتساب خدمت سربازی تا هفت سال زمان دارد وام خود را تسویه کند. اگر هم بخواهد مقطع بالاتر درس بخواند بدهی او به مقطع بالاتر منتقل می‌شود، بعد از این سال‌ها طبیعتاً ارزش پول پایین می‌آید. اکثر دانشجویان ما سعی می‌کنند وام خود را پرداخت کنند، اما در عین حال درصد قابل توجهی هم هستند که وام‌های معوق دارند.»

وام ضروری ۱۰ میلیون تومانی

دانشجویان در شرایط اضطراری هم می‌توانند وام بگیرند. حاج‌جباری درباره وام ضروری می‌گوید: «ما یک وام ضروری برای خرید لپ‌تاپ و گوشی داریم که ممکن است مبلغ آن برای خرید لپ‌تاپ و گوشی مناسب نباشد ولی می‌تواند کمک کننده باشد. این مبلغ در حال حاضر ده میلیون تومان است. هر دانشجو در طول مقطع تحصیلی خود ۲ بار می‌تواند از وام ضروری استفاده کند. البته هر ترم می‌توانند وام تحصیلی را دریافت کنند، یعنی یک دانشجوی کارشناسی می‌تواند هر ترم ۵ میلیون تومان وام بگیرد. البته ممکن است که سال آینده نیز میزان وام تغییر و افزایش یابد. امسال به دلیل کمبود اعتبار و مشکلات مالی وام دانشجویی افزایش پیدا نکرد، اما تلاش می‌کنیم برای سال آینده میزان وام دانشجویی در سطوح مختلف را افزایش دهیم.»

عکس: ایرنا

معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان قول حداکثر سه ماهه داد

مجلس مشورتی جوانان تأسیس می‌شود

گزارش

مهسا قوی‌قلب
گروه اجتماعی

معاونت امور جوانان وزارت ورزش و جوانان، پیگیری مستمر تکالیف بانک‌ها و دستگاه‌های مرتبط را در اولویت قرار داده است. دکتر علیرضا رحیمی با اشاره به پرداخت نزدیک به ۲۹۱ هزار و ۸۵۸ فقره وام به ارزش ۹۸ همت در شش‌ماهه اول امسال و تلاش برای کاهش صف ۵۴۱ هزار و ۲۱۵ نفری، در نشستی خبری در خصوص ارائه عملکرد یکساله این معاونت تأکید کرد که حمایت از حقوق جوانان و تسریع روند پرداخت‌ها با جدیت دنبال می‌شود.

به گفته او، بخشی از صف موجود به دلیل کمبود منابع بانکی است و بخشی دیگر به دلیل تفاوت عملکرد بانک‌ها شکل گرفته است. بر اساس آمارهای موجود به طور میانگین در شش ماهه اول سال جاری ۴۰ درصد متقاضیان موفق به دریافت وام شده‌اند. استان‌هایی مانند ایلام، اصفهان، مرکزی، تهران و آذربایجان شرقی با پرداخت ۴۸ تا ۵۱ درصدی وام به متقاضیان، بهترین عملکرد و استان‌های سیستان‌وبلوچستان، خوزستان، خراسان جنوبی، هرمزگان و آذربایجان غربی با حدود ۲۸ تا ۳۳ درصد کمترین میزان پرداخت را داشته‌اند.

رحیمی درباره دلایل سرعت پایین پرداخت وام توضیح داد: «با وجود نقش نظارتی این معاونت، ساختارهای محدود و منابع ناکافی باعث شده بخش قابل‌توجهی از مطالبه جوانان بی‌پاسخ بماند؛ اما دولت با طرح‌هایی مثل بانک مجازی جوانان، کارت رفاهی جهیزیه، رصدخانه اجتماعی و مدل‌های جدید اشتغال‌زایی درصدد جبران آن است. تازه‌ترین آمارهای معاونت امور جوانان وزارت ورزش و جوانان نشان می‌دهد صف متقاضیان وام ازدواج همچنان طولانی‌تر از ظرفیت پرداخت بانک‌هاست.»

رحیمی در پاسخ به سؤال خبرنگار «ایران» درباره اینکه رقم پرداختی به چه میزان بوده است، گفت: «در نیمه اول سال جاری ۲۹۱ هزار و ۸۵۸ وام به ارزش ۹۸همت پرداخت شده، اما تا پایان شهریور ۵۴۱ هزار و ۲۱۵ نفر همچنان در صف انتظار باقی مانده‌اند. البته عملکرد ناهمگون استان‌ها و بانک‌ها در این حوزه وجود دارد. معاونت امور جوانان مسئول مستقیم پرداخت وام نیست. نقش ما نظارتی و پیگیری تکالیف دستگاه‌ها بویژه بانک‌هاست. برخی بانک‌ها به نسبت منابع تکالیف بیشتری دارند. در میان بانک‌ها، بانک ملت و بانک ملی بیشترین صف انتظار را دارند، هرچند عملکردشان بالاست، اما منابع مالی آنها محدود است.»

رحیمی درباره اثرگذاری وام ازدواج گفت: «اینکه وام واقعاً مشوق ازدواج باشد یا نه، نیازمند ارزیابی اجتماعی است. ما باور داریم روش‌های جایگزین مؤثرتری برای افزایش تمایل به ازدواج وجود دارد. با این حال همین شیوه فعلی را هم می‌توان با ابزارهای نوین بهبود داد.»

ثبت ۱۹۴ هزار طلاق در سال گذشته

بر اساس داده‌های ارائه شده توسط معاونت جوانان وزارت ورزش و جوانان، میانگین سن طلاق مردان در سال ۱۴۰۳به میزان ۳۹ سال و میانگین سن طلاق زنان ۳۴.۳ سال است. همچنین در سال گذشته تعداد طلاق‌های ثبت شده به ۱۹۴هزار و ۷۸ مورد رسیده. بالاترین میانگین سن طلاق نیز مربوط به استان‌های تهران، البرز، اصفهان و گیلان هم در مردان و هم در زنان است و پایین‌ترین میانگین سن طلاق مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، خراسان شمالی و گلستان است.

رحیمی درباره آخرین آمار ازدواج نیز توضیح داد: «میانگین سن ازدواج در کشور در سال گذشته ۲۸.۳ سال برای مردان و ۲۴.۱ سال برای زنان بود. بالاترین میانگین سن ازدواج اول در استان‌های تهران، ایلام، کهگیلویه و البرز بوده است و پایین‌ترین سن ازدواج اول هم در استان‌های سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، شمالی و رضوی ثبت شده است. تعداد ازدواج‌ها در کل کشور در سال ۱۴۰۳ تعداد ۴۷۰هزار و ۳۷۲ فقره بود که در مقایسه با سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ روند کاهشی داشته است. همچنین در آخرین آمارهای سال گذشته، ازدواج مردان بالای ۷۵ سال، ۲۲۴۹ مورد بوده و ۱۶۹۱ طلاق نیز برای همین مردان ثبت شده است. در مقابل اما ازدواج زنان بالای ۷۵ سال تنها ۸۰ مورد ثبت شده و ۱۲۷مورد طلاق نیز برای زنان در این رده سنی ثبت شده است.»

> اینکه وام واقعاً مشوق ازدواج باشد یا نه، نیازمند ارزیابی اجتماعی است. ما باور داریم روش‌های جایگزین مؤثرتری برای افزایش تمایل به ازدواج وجود دارد. با این حال همین شیوه فعلی را هم می‌توان با ابزارهای نوین بهبود داد

بانک مجازی جوانان به‌زودی تأسیس می‌شود

برنامه جدید این معاونت تأسیس بانک مجازی جوانان (جی‌بانک) است، او درباره این بانک گفت: «این بانک مجازی، بستری را با همکاری نئوبانک‌ها و حذف حضور فیزیکی آماده می‌کند و قرار است فرآیند وام‌های مختلف ویژه جوانان را تسهیل کند. این طرح اکنون به نتیجه نزدیک شده و مستندات آماری آن با تکیه بر داده‌های بانک مرکزی در حال نهایی شدن است.»

رحیمی با بیان اینکه احیای سازمان ملی جوانان نیز به جدیت در حال پیگیری است، گفت: «سهم معاونت از بودجه وزارت ورزش و جوانان در سال ۱۴۰۳ فقط ۷.۱ درصد بوده و امسال هم به حدود ۵ درصد کاهش یافته است، با این ساختار و بودجه، هیچ دولتی با هر گرایش سیاسی نمی‌تواند پاسخگوی کامل نیازهای جوانان باشد. با این اوصاف احیای سازمان ملی جوانان ذیل وزارت ورزش و جوانان با تأکید رئیس‌جمهوری در حال نهایی شدن است. از سویی دیگر اما برای پیگیری مطالبات جوانان باید ساختار اداری متحول شود و همزمان جایگاهی لازم است تا دستگاه‌های دیگر موظف به پاسخگویی باشند.»

رحیمی ایجاد رصدخانه اجتماعی جوانان ایران را از اقدامات مهم این سازمان دانست و گفت: «۹۸ موضوع محوری احصا و ۶۷۰۰ لایه اطلاعاتی در سامانه ثبت شده است. داده‌ها بر اساس گروه‌های جمعیتی و مکانی تفکیک می‌شوند و حتی نسبت سن، تجرد، خودکشی و سایر شاخص‌ها قابل تحلیل است. همچنین اتاق وضعیت برای رصد برخط داده‌ها و استفاده از خروجی شبکه‌های اجتماعی راه‌اندازی شده است. در عین حال احساس مشکلاتی چون خودکشی، بیکاری و اعتیاد نسبت به ۱۰ سال پیش به دلیل حضور در شبکه‌های اجتماعی بیشتر شده، هرچند بخشی از مشکلات واقعی است اما افزایش احساس مشکلات، خودش عامل افزایش ناامیدی می‌شود.»

تأسیس مجلس مشورتی جوانان تا دهه فجر

مجلس مشورتی جوانان ایران تا دهه فجر آغاز به کار می‌کند. به گفته رحیمی این مجلس، مدلی شبیه مجلس شورای اسلامی اما ویژه جوانان ۱۵ تا ۳۵ سال است و جوانان این بازه سنی می‌توانند کاندیدا شوند و همچنین رأی‌دهندگان هم در این گروه سنی هستند. مجلس جوانان با حضور نهادهای نظارتی و بدون نیاز به بودجه جدید است و تا دهه فجر آغاز به کار می‌کند و بازوی مشورتی شورای عالی نوجوانان و جوانان خواهد بود.

کمترین و بیشترین رقم وام اشتغال

برش

یکی از طرح‌های مهم سال آینده برنامه اشتغال‌زایی برای ۵۰ هزار نفر است. به گفته رحیمی، این طرح با مدل مدیریتی جدید در شورای عالی اشتغال تصویب شده است. در طرح سرباز ماهر، سربازان وظیفه در شش‌ماهه پایانی خدمت آموزش فنی‌وحرفه‌ای می‌بینند، هزینه‌ها توسط معاونت پرداخت می‌شود و سمن‌ها موظف به اشتغال‌زایی هستند و به ازای اشتغال جوانان بودجه می‌گیرند.

او توضیح داد: « در بخش تسهیلات اشتغال جوانان، تاکنون ۱۲۹۰میلیارد تومان جذب شده و با بانک توسعه تعاون قرارداد منعقد شده است. بانک موظف است دوبرابر این رقم را اضافه کند. تاکنون ۸۴ میلیارد تومان پرداخت شده و ۴۴۶۰ پرونده ورودی ثبت شده است. وام‌ها بین ۵۰۰ میلیون تا یک میلیارد تومان است و شرط دریافت، اشتغال‌زایی برای جوانان ۱۸ تا ۳۵ سال و بیمه‌کردن آنان برای اولین‌بار است.»

در نشست «زنان و آینده پیشرفت ایران» مطرح شد

تمایل ۷۰ درصد زنان تحصیلکرده به تلفیق سنت و مدرنیته

گزارش

سمیه افشین‌فر
گروه اجتماعی

زنان به‌عنوان یکی از عوامل پیشرفت کشور باید دیده شوند. این موضوعی بود که در هفتمین نشست از سلسله مباحث «مبانی ایران‌شناختی پیشرفت» که در مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و با همکاری اندیشکده امور اجتماعی، جمعیت و نیروی انسانی برگزار شد، مورد بررسی قرار گرفت. در این نشست، بیشتر از آنکه بر عدد و آمار تأکید شود، به مفاهیم بنیادین ایران‌شناختی، هویتی، تمدنی و راهبردی پرداخته شد. مهم‌ترین محور تحلیل‌ها هم این بود که زنان نه صرفاً به‌عنوان یکی از اقشار جامعه، بلکه باید به‌عنوان «عامل پیشرفت ایران» دیده شوند. در این جلسه، دکتر سهیلا صادقی‌فسایی، عضو اندیشکده امور اجتماعی و استاد دانشگاه تهران و دکتر افسانه توسلی، دانشیار گروه مطالعات زنان دانشگاه الزهرا به موضوع نقش زنان در آینده پیشرفت پرداختند.

بحث درباره زن و آینده پیشرفت ایران، بویژه در افق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، موضوعی پیچیده و چندلایه است که نمی‌توان آن را صرفاً در قالب شاخص‌های کمی یا فعالیت‌های محدود اقتصادی و آموزشی بررسی کرد. دکتر سهیلا صادقی‌فسایی، استاد دانشگاه تهران و عضو اندیشکده امور اجتماعی، جمعیت و نیروی انسانی با بیان مطالب فوق گفت:«باید با نگرشی تاریخی و آینده‌پژوهانه به این موضوع نگاه کرد. زن نه به‌عنوان یک سوژه منفعل، بلکه یک عامل فعال و تأثیرگذار تمدنی، نقشی اساسی در شکل‌دهی به آینده ایران ایفا می‌کند.» صادقی‌فسایی با بیان اینکه عنوان نشست «زن و آینده پیشرفت ایران» می‌تواند ذهن مخاطب را به اشتباه بیندازد، گفت:«انگار زن یک مقوله یکپارچه و تعریف شده است و می‌توان درباره او با قطعیت سخن گفت. اما واقعیت این است که زنان در ایران دارای تبار تاریخی، فرهنگی و اجتماعی متنوعی هستند و پیش‌بینی آینده آنها، بدون توجه به این زمینه‌ها ممکن نیست.»

او با تأکید بر اینکه مفهوم پیشرفت، در پیش‌نویس سند الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، با نگاه‌های رایج غربی تفاوت دارد، به مواردی در این سند اشاره کرد:«در سند، رشد کمی و شاخص‌های صرف اقتصادی محور نیستند؛ بلکه انسان به‌عنوان موجودی متوازن و متعالی با عقلانیت، معنویت و عدالت مدنظر است. از این منظر، زنان به‌عنوان نیمی از جامعه، نقش اساسی در تحقق اهداف تمدن ایران دارند. در بند ۲۸ تدابیر پیشرفت در پیش‌نویس سند، بر بالندگی و فراهم کردن امکانات برای زنان تأکید شده است. همچنین نگاه جنسیتی منفعل به زنان در پیش‌نویس وجود ندارد و آنها به‌عنوان سوژه‌های تأثیرگذار در توسعه کشور دیده شده‌اند. سه اصل محوری در سند، شامل تلفیق نقش‌های سنتی و مدرن، حفظ توازن نقش‌ها و تبدیل ظرفیت زنانه به سرمایه تمدنی، به وضوح جایگاه زنان را در جامعه مشخص می‌کند.» به نظر این استاد دانشگاه، مطالعات انضمامی مرکز پژوهش‌های مجلس و تحقیقات دانشگاه تهران نشان می‌دهد بیش از ۷۰ درصد زنان تحصیل‌کرده ایرانی، تمایل دارند نقش‌های سنتی و مدرن خود را تلفیق کنند، به طوری که هم در فضای خصوصی خانواده و هم در عرصه عمومی نقش‌آفرینی داشته باشند.

نگاه تاریخی به زنان ایرانی

صادقی‌فسایی برای درک جایگاه زنان در آینده به بررسی تاریخی نقش آنها پرداخت و گفت:« زنان در دوره قاجار در خانه‌ها حضور داشتند و فقط تعداد محدودی می‌توانستند در عرصه عمومی و سیاسی فعالیت کنند. در دوران پهلوی هم با وجود آزادی ظاهری زنان، تحولات اجتماعی و حضور آنها در آموزش عالی و برخی فعالیت‌های عمومی، هنوز زنان به‌عنوان سوژه‌های فعال مستقل در تصمیم‌گیری‌ها حضور نداشتند و بسیاری از تحولات به صورت اجباری و نمایشی به آنها تحمیل می‌شد. کشف حجاب اجباری، نمونه‌ای از محدودیت و فشار اجتماعی بر زنان بود.» به اعتقاد این استاد دانشگاه تهران، تولد واقعی زنان با انقلاب اسلامی آغاز شد. زنان در همه عرصه‌ها به‌عنوان موجودی فعال و تأثیرگذار حضور داشتند. دستاوردهای انقلاب اسلامی در حوزه آموزش، پژوهش، اشتغال و علوم بویژه علوم هسته‌ای، نشان‌دهنده تغییرات عمیق در جایگاه زنان است، به طوری که سهم زنان در آموزش عالی از کمتر از ۶ درصد به بیش از ۵۸ درصد افزایش یافت و نرخ باسوادی آنان از ۳۵ درصد به ۹۰ درصد رسید.

عضو اندیشکده امور اجتماعی با تأکید بر اینکه با وجود پیشرفت‌های چشمگیر، زنان همچنان با تبعیض‌های جدی مواجه‌اند، به نابرابری دستمزدی، تقسیم ناعادلانه کار خانگی و محدودیت‌های مدیریتی اشاره کرد و گفت:«حتی زنان شاغل در خانه در مقایسه با مردان، نزدیک به سه برابر، زمان بیشتری صرف کارهای خانگی می‌کنند. مشاغل زنان بیشتر در بخش‌های کم‌درآمد یا موسوم به مشاغل صورتی است و فاقد حمایت‌های ساختاری و نهادی مناسب هستند. یکی دیگر از چالش‌های جدی، نسل دیجیتالی زنان است که در دنیای واقعی، مجازی و نمادین همزمان زندگی می‌کنند. این وضعیت باعث پراکندگی هویتی، بحران معنا و امکان ازخودبیگانگی می‌شود.» صادقی‌فسایی هشدار داد که اگر سیاست‌گذاران برنامه منسجم و مدونی برای مدیریت فضای دیجیتال و حفاظت از هویت زنان ارائه ندهند، این بحران‌ها تشدید خواهد شد.

فرصت‌های اقتصادی و نقش زنان در پیشرفت

صادقی‌فسایی با بیان اینکه با وجود چالش‌ها، آینده اقتصادی زنان روشن است، چهار تیپ زن ایرانی را برای آینده معرفی کرد و گفت:«زن سنتی خودمحصور، زنی است که محدود به نقش‌های سنتی و خانواده است و در ساختارهای مردسالارانه باقی می‌ماند. نوع دوم، زن تکنولوژی‌مدرن، زنی که هویت خود را در فضای دیجیتال و الگوریتم‌های مردانه شکل می‌دهد و ممکن است دچار ازخودبیگانگی شود. سومین تیپ، زن تمدن‌ساز دین‌گراست، زنی که با ایمان و باورهای دینی، میان خانه و جامعه پل زده و می‌تواند پیشرفت واقعی را تضمین کند. آخرین مدل هم زن چندعهدی است؛ یعنی زنی که هم سنت و هم مدرنیته را می‌پذیرد و تلاش می‌کند بین این دو گفتمان متعارض توافق ایجاد کند، اما با هویتی دوپاره و چالش‌های ارزشی مواجه است.» به نظر صادقی‌فسایی، فقط زن تمدن‌ساز دین‌گرا می‌تواند پیشرفت پایدار و واقعی ایران را تضمین کند. او برای تحقق این اهداف، چند راهبرد کلیدی ارائه داد:«بازاندیشی در نهادها برای تثبیت دستاوردهای انقلاب اسلامی، ایجاد نهادهای میان‌دستگاهی برای رصد سیاست‌های جنسیتی، بازخوانی فقهی با رویکرد عدالت جنسیتی، حمایت از کارآفرینی زنان و حفاظت از داده‌ها و هویت دیجیتال آنها از جمله راهبردهای مطرح شده است.» او با تأکید بر اهمیت نقش زنان در پیش‌نویس الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت گفت:«بدون زنان، پیشرفت کشور امکان‌پذیر نیست و آینده باید به مثابه زن تعریف شود. زنان باید فرصت‌ها و چالش‌های خود را شناسایی کرده، نهادها باید از آنها حمایت کنند و جامعه باید مسیر پیشرفت و توسعه را به گونه‌ای طراحی کند که زنان در آن نقش فعال و مؤثر داشته باشند.»

> بیش از ۷۰ درصد زنان تحصیل‌کرده ایرانی، تمایل دارند نقش‌های سنتی و مدرن خود را تلفیق کنند به طوری که هم در فضای خصوصی خانواده و هم در عرصه عمومی نقش‌آفرینی داشته باشند

زنان؛ کلید توسعه انسانی و پیشرفت ایران

«زنان در پیشرفت و توسعه نقشی حیاتی دارند.» دکتر افسانه توسلی، دانشیار و استاد گروه مطالعات زنان و خانواده دانشگاه الزهرا نیز با بیان مطلب فوق با نگاهی تاریخی، اجتماعی و تحلیلی، فرصت‌ها و موانع پیشرفت زنان را تشریح کرد. او با تأکید بر اینکه پیشرفت واقعی کشور بدون توجه به جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی امکان‌پذیر نیست، اشاره کرد:«اغلب پیشرفت را معادل رشد اقتصادی یا صنعتی می‌دانند، در حالی که پیشرفت واقعی چندبعدی است و افزایش ظرفیت‌های انسانی، سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی نیز از ارکان آن به شمار می‌رود.» به نظر او، زنان ایران به عنوان سوژه‌ای اجتماعی و تاریخی، باید در ارزیابی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان مورد توجه قرار گیرند، چرا که پیشرفت کلان کشور بدون لحاظ کردن پیشرفت جنسیتی ناقص است.

توسلی با اشاره به مسیر تاریخی زنان در یک قرن گذشته توضیح داد:«زنان از حاشیه جامعه به کنشگری فعال رسیده‌اند و تغییر مکان و پایگاه اجتماعی آنها نیازمند تطبیق سیاست‌ها و قوانین با این تحولات است. زنی که میان سنت و مدرنیته، ارزش‌های خانوادگی و حقوق اجتماعی در کش و قوس است، توسعه انسانی را رقم می‌زند و بدون در نظر گرفتن آن، سیاست‌گذاری‌ها ناقص خواهند بود.»

به عقیده توسلی، پس از انقلاب اسلامی هویت زن ایرانی بازتعریف شد، اما سیاست‌ها بیشتر مبتنی بر نقش‌های خانوادگی بود. توسلی گفت:«از دهه ۷۰ شاهد حضور فزاینده زنان در آموزش عالی، رسانه‌ها و عرصه‌های اجتماعی بوده‌ایم؛ به طوری که زنان امروز نیمی از دانشجویان دانشگاه‌های کشور را تشکیل می‌دهند و این تحولات نشانگر گذار جامعه از الگوی سنتی به الگوی بازتابی مدرن است.»

این استاد دانشگاه به شاخص‌های توسعه انسانی و نقش زنان پرداخت و چهار محور اصلی آموزش، سلامت، اقتصاد و مشارکت سیاسی را برجسته کرد و توضیح داد:«ایران در حوزه آموزش توانسته است شکاف جنسیتی را به صفر برساند و دسترسی زنان به تحصیلات ابتدایی، متوسطه و دانشگاه با مردان برابر شده است. ایران در طول تاریخ، تلاش‌های گسترده‌ای برای کاهش مرگ و میر مادران انجام داده و امروز شکاف جنسیتی در سلامت به حداقل رسیده است.» توسلی در مورد فرصت‌های پیشرفت زنان گفت:«در حوزه آموزش و تحصیلات عالی، دسترسی برابر زنان به آموزش و دانشگاه، زمینه‌ساز توانمندی‌های فردی و اجتماعی آنها شده است. در فرهنگ و رسانه با فعالیت زنان در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی، امکان بازنمایی هویت زنانه و مطالبه‌گری ایجاد شده است. افزایش سواد، مهارت‌های مدیریتی و توانمندی‌های فرهنگی زنان، پایه‌ای برای توسعه انسانی و اجتماعی فراهم کرده است. صنایع دستی، مشاغل خانگی و تجارت آنلاین زمینه توانمندسازی اقتصادی زنان شده و امکان ایجاد سیاست‌های حمایتی را به وجود آورده است.» او همچنین ارزش‌های سنتی و فرهنگی بازمانده از دوران پیشین، خشونت نمادین و بازتولید نابرابری‌ها، کمبود فرصت‌های اقتصادی رسمی، محدودیت در مشارکت سیاسی و چالش نقش‌های متعدد زنان را موانع پیشرفت آنان دانست و گفت:«برای پیشرفت واقعی، زنان باید به‌عنوان سوژه‌ای مستقل دیده شوند و سیاست‌گذاری‌ها به گونه‌ای باشد که موانع کاهش پیدا کند.»

عکس: علی محمدی/ایران

با آغاز حمل صادراتی از ایستگاه راه‌آهن هشتگرد به ترکیه رخ داد

پایان رکود صادرات ریلی

مجموع حمل بار بین‌المللی در ۶ ماهه ابتدایی سال رشد ۲۰ درصدی داشته است

گزارش

سهیلا یادگاری
گروه اقتصادی

همزمان با ابلاغ «قانون موافقتنامه چهارچوب همکاری در زمینه حمل‌ونقل راه‌آهن (ریلی) بین وزارت راه و شهرسازی دولت جمهوری اسلامی ایران و وزارت حمل‌ونقل و زیرساخت دولت جمهوری ترکیه» توسط رئیس‌جمهوری، در راستای تحقق سیاست‌های دولت مبنی بر توسعه دیپلماسی اقتصادی با تکیه بر توسعه حمل‌ونقل بین‌المللی، گسترش ترانزیت و تقویت نقش شبکه ریلی در اقتصاد ملی، برای اولین‌بار عملیات حمل صادراتی «کلینکر» از ایستگاه هشتگرد (کارخانه سیمان آبیک) به‌منظور انتقال به ایستگاه مرزی رازی و سپس ارسال به کشور ترکیه آغاز شد. محموله صادراتی از کارخانه سیمان آبیک به مقصد ترکیه، شامل ۲۷ واگن باری با مجموع وزن هزار و ۵۰۰ تن است که روز گذشته به‌طور رسمی بارگیری و اعزام شد، این مرحله به‌عنوان نمونه آغازین (سمپل) اجرا شده و در صورت توجیه‌پذیری تعرفه، سیر مطلوب و مبادله مناسب مرزی، پیش‌بینی می‌شود روند صادرات با ظرفیت ماهیانه حدود ۲۰ هزار تن ادامه یابد. بر اساس این گزارش، حمل بار صادراتی ریلی به مقصد ترکیه، علاوه بر ایجاد درآمد ارزی، زمینه‌ساز رونق حمل‌ونقل صادراتی در سطح اداره‌کل راه‌آهن تهران و کل شبکه ریلی کشور خواهد بود. «دیپلماسی ریل‌پایه» و توافقات چندجانبه در کریدورهای شرقی-غربی و شمالی-جنوبی در یک سال اخیر، رونق گرفته و توافق چهارجانبه ایران، روسیه، قزاقستان و ترکمنستان برای راه‌اندازی کریدور ریلی، در همین چهارچوب ارزیابی شده است.

پایان رکود

تزریق منابع مالی در دولت چهاردهم باعث شده جریان «بار» که در سال‌های گذشته روندی نزولی داشت، تغییر مسیر داده و روند صعودی بگیرد. بر این اساس، آماده‌به‌کاری لکوموتیوها که در مرداد سال گذشته به پایین‌ترین حد یعنی ۴۸۹ دستگاه رسیده بود، با رشد ۱۷ درصدی به ۵۷۴ دستگاه افزایش یافته است. این اقدام موجب رشد ۱۲ درصدی تناژ بار و رشد ۶٫۴ درصدی تن-کیلومتر در شش‌ماهه اول امسال نسبت به سال قبل شده است؛ روندی که به گزارش راه‌آهن نشان‌دهنده پایان دوره افول و آغاز رشد دو رقمی در حمل‌ونقل ریلی بار است. رشد حمل‌ونقل ریلی بر اساس آمار شرکت راه‌آهن جمهوری اسلامی، در بخش بین‌الملل نیز تکرار شده است. حمل بار بین‌المللی در نیمه اول سال ۱۴۰۳ به رقم ۲٫۱۸۷ میلیون تن رسید و در نیمه دوم همان سال با جهش ۳۳ درصدی به ۲٫۹۱۱ میلیون تن افزایش یافت؛ رقمی که رکورد بی‌سابقه توصیف می‌شود. همچنین مجموع بارهای بین‌المللی در شش‌ماهه اول امسال نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲۰ درصد رشد داشته است. بر اساس این گزارش، طی هفت سال پیش از دولت چهاردهم، تنها ۷ قطار باری از چین وارد ایران شد، اما در دوره جدید ۳۱ قطار از چین و ۴۷ قطار از روسیه به کشور وارد شده است. مرز ریلی ایران-افغانستان نیز که در مدت اخیر، بسته مانده بود، بازگشایی شده و ۳۵۰ هزار تن محموله طی ۸ ماه اخیر از آن مبادله شده است.

> تزریق منابع مالی در دولت چهاردهم موجب رشد ۱۲ درصدی تناژ بار و رشد ۶٫۴ درصدی تن-کیلومتر در شش‌ماهه اول امسال نسبت به سال قبل شده است؛ روندی که به گزارش راه‌آهن نشان‌دهنده پایان دوره افول و آغاز رشد دو رقمی در حمل‌ونقل ریلی بار است

تکمیل کریدورها

همزمان با رونق دیپلماسی حمل‌ونقلی، تکمیل کریدورهای مهم ترانزیتی مانند راه‌آهن رشت-آستارا و چابهار-زاهدان در دستور کار قرار گرفته است. بر این اساس قرارداد ساخت راه‌آهن رشت -آستارا با مشارکت روسیه بزودی امضا می‌شود که امضای آن عملیات اجرایی را سرعت می‌بخشد. همچنین اتمام پروژه چابهار-زاهدان به دلیل موقعیت استراتژیک و اتصال بندر چابهار به خطوط اصلی و کریدورهای ریلی کشور اهمیت ویژه‌ای دارد که در اولویت پروژه‌های زیرساختی کشور قرار گرفته است. فرزانه صادق، وزیر راه و شهرسازی اعلام کرده که «ساخت این مسیر نه تنها برای ایران بلکه برای کشورهای همسایه از جمله هند و پاکستان نیز مورد توجه است.»
به گفته وزیر راه و شهرسازی «پیمانکار این پروژه توانسته رکوردهای قابل توجهی در ریل‌گذاری ثبت کند و زیرسازی باقی‌مانده به طول ۱۳۰ کیلومتر نیز طبق برنامه تا پایان آذرماه تکمیل خواهد شد.»

کاهش زمان سیر مسافری

علاوه بر رشد حمل‌ونقل باری ریلی، حمل مسافری نیز در حال رشد بوده و همزمان کاهش زمان سیر در این بخش مورد نظر است. طبق این گزارش، مسیر تهران-مشهد پس از پنج سال وقفه دوباره در مسیر کاهش زمان سیر به ۸ ساعت قرار گرفته و در فاز اول حدود یک ساعت کاهش زمان سفر حاصل شده است.

برش

کاهش سوانح

آمار سوانح فنی (راه‌آهنی) در ۸ ماهه امسال نسبت به سال گذشته کاهش داشته است؛ آن هم در شرایطی که بارگیری، حمل‌ونقل، جابه‌جایی و سرعت قطارها افزایش یافته است. همچنین طی سال گذشته ۲۷ گذرگاه همسطح ایمن‌سازی، ۱۹ زیرگذر احداث و ۵ کیلومتر دیوار حفاظتی در حاشیه خطوط ریلی ساخته شده است.

جزئیات توافق اتاق ایران و گمرک اعلام شد

تسهیل واردات برای تجار خوشنام

گزارش خبری

گروه اقتصادی

نشست هیأت نمایندگان اتاق بازرگانی ایران با تشریح جزئیات توافقات گمرکی اتاق ایران و گمرک همراه بود. به گفته صمد حسن‌زاده، پیشنهاد اتاق ایران برای افزایش سقف زمانی معافیت از «تعیین ماهیت کالا» برای واردکنندگان خوشنام پذیرفته و مقرر شد مصوبات لازم در این زمینه دریافت شود.
حسن‌زاده با اشاره به وعده رئیس کل گمرک در زمینه تسهیل در زمینه «تعیین ماهیت» کالای وارداتی، گفت: «یک واردکننده در صورتی که یک کالا یا ماشین‌آلات را یک بار در گمرک تعیین ماهیت کرده باشد، در صورتی که بخواهد همان کالا را به دفعات وارد کند، رئیس کل گمرک قول داد که تا شش ماه نیاز به انجام پروسه تعیین ماهیت آن کالا نیست.
همچنین در پی پیشنهاد اتاق ایران به منظور افزایش این سقف شش ماهه، رئیس کل گمرک وعده داد که مصوبات لازم برای افزایش این بازه زمانی شش ماهه به ۹ ماه، برای فعالان اقتصادی خوشنام و واحدهای نمونه ملی و سطح یک کشور اخذ شود. به این ترتیب یکی از موضوعاتی که در فرآیند ترخیص کالا، توقف ایجاد می‌کرد، به میزان خوبی تعدیل می‌شود.»
حسن‌زاده درباره نتیجه گفت‌وگوهای هیأت رئیسه اتاق ایران و رؤسای اتاق‌های سراسر کشور با رئیس کل گمرک بیان کرد: «قرار شد رئیس کل گمرک با استفاده از ظرفیت‌های قانونی و اختیارات قانونی خود تمهیدی بیندیشد تا اگر کالایی یک بار «استاندارد اجباری» گرفته باشد، چنانچه واردکننده بخواهد دوباره آن را وارد کند، دیگر نیازی به اخذ استاندارد اجباری نباشد.»
او ترخیص کالا بدون پرداخت فوری حقوق و عوارض گمرکی را از دیگر سازوکارهایی نام برد که در صورت اجرای درست می‌تواند از رسوب کالا در گمرکات جلوگیری کند و افزود: «در این سازوکار، ۶۰ درصد از محموله ترخیص می‌شود و ۴۰ درصد به‌عنوان وثیقه نزد گمرک باقی می‌ماند. پس از پرداخت حقوق ورودی و مالیات، مابقی کالا نیز از گمرک آزاد می‌شود.»
حسن‌زاده از اعلام آمادگی گمرک به منظور «ترخیص اضطراری کالا» خبر داد و گفت: «ترخیص اضطراری برای واحدهای تولیدی زیرمجموعه وزارت صمت، وزارت جهاد کشاورزی و همچنین برای شرکت‌های دانش‌بنیان به این صورت است که چنانچه وزیر مربوطه یا معاون علمی و فناوری رئیس جمهوری، اضطراری بودن یک کالا برای یک بخش تولیدی را تأیید کند، رئیس کل گمرک نیز دستور ترخیص این کالای اضطراری را صادر می‌کند.»
رئیس اتاق ایران با بیان اینکه گمرک در دوره جاری دارای اراده لازم برای ترخیص بدون ثبت سفارش با لحاظ شرایطی خاص نیز هست، بیان کرد: «رئیس کل گمرک اعلام کرد که قطعات و مواد اولیه تولید برای تست که جنبه تجاری ندارند را بدون رعایت سقف ارزش و بدون ثبت سفارش، ترخیص می‌کنیم. همچنین براساس یک سری مصوبات برای پروژه‌های راهبردی، امکان ترخیص کالا بدون ثبت سفارش ایجاد شده است. این شرایط خوبی است صاحبان واحدهای تولیدی بتوانند در اولین فرصت و بدون ثبت سفارش و بدون رعایت سقف ارزش نسبت به کالای حیاتی و ضروری خود اقدام کنند.»
حسن‌زاده در ادامه به طرح پیشنهادهای اتاق ایران در زمینه کاهش زمان توقف و رسوب کالا در گمرک پرداخت و به محورهایی نظیر تلاش برای ایجاد وحدت رویه در گمرکات سراسر کشور و جلوگیری از سلیقه‌گرایی در گمرکات، پذیرش نتایج آزمون‌ها و گواهینامه‌های معتبر بین‌المللی از سوی گمرک و تقویت ظرفیت حضور کارشناسان سازمان استاندارد در گمرکات کشور اشاره کرد.
او خواستار ارائه مشوق‌های ویژه به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری جهت ایجاد آزمایشگاه‌های همکار شد و گفت: «همچنین قرار شد یک کمیته مشترک بین گمرک و اتاق ایران تشکیل شود تا امکان اصلاح فوری رویه‌های ناکارآمد فراهم آید. علاوه بر این انتظار داریم برای مواد اولیه ضروری برای تولید، امکان ویژه‌ای دیده شود تا ثبت سفارش و بارگذاری اسناد مربوطه، پس از ترخیص کالا میسر باشد یا امکان ترخیص بخشی از محموله مواد اولیه تولید تا زمان صدور ثبت سفارش نهایی فراهم شود.»

> پیشنهاد اتاق ایران برای افزایش سقف زمانی معافیت از «تعیین ماهیت کالا» برای واردکنندگان خوشنام پذیرفته و مقرر شد مصوبات لازم در این زمینه دریافت شود

آگهی مناقصه عمومی صنایع خودروسازی شهید شاهمرادی اصفهان
شماره مناقصه ۸۸-۱۴۰۴/۱۰۰
این صنایع در نظر دارد اقلام ذیل را از طریق مناقصه از تأمین‌کنندگان واجد شرایط خریداری نماید. لذا کلیه شرکت‌هایی که در این زمینه دارای تجربه، تخصص و توانایی لازم می‌باشند می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ۱۰ روز ضمن هماهنگی با شماره تلفن ۰۳۱۵۲۳۲۲۷۴۳ و تلفکس ۰۳۱۵۲۳۲۲۹۹۲ جهت دریافت فرم پیشنهاد قیمت و شرکت در مناقصه ارتباط حاصل نمایند.
۱- خرید مجموعه تریم تزئینات خودرو
۲- خرید لباس کار تولیدی و ستادی
هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.
روابط عمومی صنایع شهید شاهمرادی زرین خودرو (اصفهان)

آگهی مناقصه عمومی صنایع خودروسازی شهید شاهمرادی اصفهان
شماره مناقصه ۸۹-۱۴۰۴/۱۰۰
این صنایع در نظر دارد اقلام ذیل را از طریق مناقصه از تأمین‌کنندگان واجد شرایط خریداری نماید. لذا کلیه شرکت‌هایی که در این زمینه دارای تجربه، تخصص و توانایی لازم می‌باشند می‌توانند از تاریخ انتشار آگهی ظرف مدت ۱۰ روز ضمن هماهنگی با شماره تلفن ۰۳۱۵۲۳۲۲۷۴۳ و تلفکس ۰۳۱۵۲۳۲۲۹۹۲ جهت دریافت فرم پیشنهاد قیمت و شرکت در مناقصه ارتباط حاصل نمایند.
۱- خرید کفش ایمنی و کفش کار
۲- خرید مجموعه گلوی باک خودرو و متعلقات
هزینه درج آگهی بر عهده برنده مناقصه می‌باشد.
روابط عمومی صنایع شهید شاهمرادی زرین خودرو (اصفهان)

آگهی مناقصه عمومی هم‌زمان با ارزیابی (یکپارچه) دو مرحله‌ای شماره ۵ت ۱۴۰۵ نوبت دوم
جمهوری اسلامی ایران
وزارت راه و شهرسازی
شرکت سهامی
آزمایشگاه فنی و مکانیک خاک
۱-نام و نشانی مناقصه‌گزار: شرکت آزمایشگاه فنی ومکانیک خاک وزارت راه وشهرسازی به نشانی: تهران_خیابان کارگر شمالی_بالاتر از تقاطع بزرگراه جلال آل احمد_جنب کوی دانشگاه تهران_ پلاک ۱۴۶۴
۲-موضوع مناقصه: طراحی و پیاده‌سازی سامانه ملی پایش و کنترل کیفی پروژه‌های عمرانی(NCQMS) به‌شماره فراخوان (سیستمی) ۲۰۰۴۰۰۱۰۵۰۰۰۰۰۰۷
۳-مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه: یک میلیارد و پانصد میلیون ریال براساس اسناد مناقصه
۴-شرایط: کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسنادمناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد)به نشانی www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
۵- محل و مهلت دریافت اسناد مناقصه: سامانه ستاد به آدرس ذکر شده در بند"۴" از ساعت ۱۲:۰۰ روز دوشنبه مورخ۱۴۰۴/۰۸/۲۶تاساعت ۱۴:۰۰روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۶
۶-محل، زمان و مهلت تحویل اسناد مناقصه: مناقصه‌گران پس از دریافت اسناد و تکمیل آنها باید مدارک، مستندات و قیمت پیشنهادی خود را حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۲در سامانه ستاد به نشانی ذکر شده در بند "۴"بارگذاری و اصل پاکت الف (ضمانت‌نامه) را تحویل مدیریت حراست به نشانی بند"۱"نمایند.
۷-محل و زمان بازگشایی پاکت‌های حاوی اسناد مناقصه: کمیسیون مناقصه رأس ساعت۹:۰۰ صبح روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۳ درمحل سالن کنفرانس شرکت به نشانی بند"۱"جهت بازگشایی پاکت‌های دریافتی تشکیل می‌گردد.
۸-هزینه درج آگهی به‌عهده برنده مناقصه خواهد بود.

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای نوبت اول
شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران
۱- مناقصه‌گزار: شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران به نشانی تهران میدان جهاد شماره ۱۲ به‌شماره ثبت: ۲۵۵۲۰ و شناسه: ۱۰۱۰۰۷۰۹۸۲۶
۲- موضوع مناقصه: تخلیه و بارگیری کالای اساسی کیسه‌ای در استان تهران
۳- برآورد مناقصه: ۵۶۸,۷۳۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۴- زمان، مهلت و نشانی دریافت اسناد: متقاضیان می‌توانند اسناد مناقصه را از تاریخ بارگذاری و همچنین انتشار آگهی تا مورخ ۱۴۰۴/۹/۴ از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir دریافت نمایند.
۵- هزینه تهیه اسناد: واریز مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال به‌حساب بانک مرکزی به‌شماره شبا IR ۷۵۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۰۵۸۲۰۴۰۰۵۹۱۱ و شناسه ۳۹۷۰۵۸۲۸۲۲۹۴۲۱۰۰۵۵۹۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰ قابل واریز در کلیه شعب بانک‌ها به‌صورت پایا.
۶- مدت اعتبار پیشنهادها: سه ماه از تاریخ بازگشایی پیشنهاد مالی می‌باشد.
۷- مبلغ و نوع تضمین شرکت در مناقصه: واریز وجه نقد به مبلغ ۲۸,۴۳۶,۵۰۰,۰۰۰ ریال به‌عنوان سپرده شرکت در مناقصه به‌حساب شماره IR ۳۹۰۱۰۰۰۰ ۴۰۰۱۰۵۸۲۰۶۳۷۳۷۴۷ خزانه نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به‌نام شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران و یا ضمانت‌نامه بانکی بلاقید و شرط ۳ ماهه با تمدید اعتبار ۳ ماه دیگر.
۸- زمان و محل گشایش پیشنهادها: ساعت ۱۰ روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۹/۱۶ در محل شرکت به نشانی: تهران- خیابان فاطمی- نبش حجاب- شماره ۲۲۵- شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران (ساختمان شماره ۲)- طبقه دوم سالن جلسات خواهد بود.
۹- نحوه تکمیل و تنظیم پاکات مناقصه: مناقصه‌گران می‌بایست بر طبق شرایط و دستورالعمل شرکت در مناقصه نسبت به تکمیل و تنظیم و ارسال پاکات اقدام نمایند.
۱۰- زمان و نحوه ارسال پاکات مناقصه: مناقصه‌گران می‌بایست اسناد مناقصه شامل پاکات الف و ب و ج را تا پایان وقت اداری روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۹/۱۵ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir بارگذاری نمایند و در عین حال فیزیک پاکت الف را تا تاریخ فوق به نشانی تهران- میدان جهاد- شماره ۱۲- شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران - طبقه هفتم - دبیرخانه محرمانه تحویل و رسید دریافت نمایند.
۱۱- مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) می‌بایست مراحل ثبت‌نام در سایت www.setadiran.ir را انجام و گواهی امضای الکترونیکی دریافت نمایند.
۱۲- متقاضیان شرکت در مناقصه درصورت نیاز به‌اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره تلفن ۸۴۳۹۹۷۴۲ تماس حاصل نمایند. ضمناً اطلاعات تماس سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه به‌شرح زیر می‌باشد.
مرکز تماس: ۴۱۹۳۴-۰۲۱ - دفتر ثبت‌نام: ۸۸۹۶۹۷۳۷ و ۸۵۱۹۳۷۶۸ - اطلاعات تماس دفاتر ثبت‌نام سایر استان‌ها، در سایت سامانه بخش «ثبت‌نام/ پروفایل تأمین‌کننده / مناقصه‌گر» موجود است.
شرکت مادر تخصصی بازرگانی دولتی ایران

STPC نوبت دوم
فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
توأم با ارزیابی کیفی مناقصه شماره ۱۴۰۴/۱۰۰
شرکت پتروشیمی شهید تندگویان (سهامی عام)
شرکت پتروشیمی شهید تندگویان به آدرس بندر امام خمینی، منطقه ویژه اقتصادی، سایت اداری پشتیبانی، امورحقوقی و پیمان‌ها، تلفن ۰۶۱۵۲۱۷۲۷۸۴ درنظر دارد مناقصه باشرایط ذیل راازطریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای توأم با ارزیابی کیفی به پیمانکار واجد شرایط و دارای صلاحیت واگذار نماید.
۱-موضوع مناقصه: نگهداری و تعمیرات مجتمع
۲- مدت اجرای موضوع مناقصه: ۲۴ ماه
۳- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می‌باشد.
۴- تضمین‌های معتبر برای شرکت در مناقصه: ضمانت‌نامه بانکی، واریز وجه به‌حساب اعلام شده در اسناد مناقصه
۵- مناقصه‌گران جهت دریافت اسناد مناقصه به آدرس https://tender.stpc.ir مراجعه و ثبت‌نام نمایند.
- مهلت توزیع اسناد مناقصه: از مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۵ تا ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۱
۶- ارائه گواهی‌نامه‌های ذیل از سوی مناقصه‌گران در زمان دریافت اسناد مناقصه الزامی است:
۶-۱) ارائه آگهی تأسیس شرکت یا آگهی تغییرات جهت کنترل موضوع شرکت با موضوع مناقصه
۶-۲) گواهی‌نامه صلاحیت پیمانکاری
۶-۳) گواهی‌نامه تأیید صلاحیت ایمنی از سوی اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی(به استناد دستورالعمل اجرایی آیین‌نامه‌ایمنی امور پیمانکاری، اخذ تأییدیه اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان خوزستان جهت شرکت‌هایی که مرجع صادرکننده گواهی نامه تأیید صلاحیت ایمنی آن‌ها خارج از استان باشد، در زمان دریافت اسناد مناقصه الزامی است.)
۷- محل و مهلت تحویل پاکات پیشنهادی: آدرس فوق کمیسیون معاملات- تا ساعت ۱۲ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۱
۸- محل و تاریخ جلسه گشایش پاکات قیمت: آدرس فوق، کمیسیون معاملات، ساعت ۱۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۳ می‌باشد.
تذکر۱: پاکت پیشنهادی مناقصه‌گری گشوده خواهد شد که حد نصاب امتیاز ارزیابی کیفی را کسب نماید.
تذکر۲: به‌پیشنهادهایی که‌فاقد سپرده یا امضای مشروط، مخدوش و سپرده‌های کمتراز میزان مقرر، چک شخصی و نظایرآن‌و پیشنهادهایی که‌پس‌از انقضاء مدت‌مقرر در آگهی واصل شود مطلقا ترتیب اثر داده نخواهد شد.
تذکر۳: سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج می‌باشد.
تذکر۴: ارائه کپی مصدق قراردادهای مشابه انجام شده و مفاصاحساب‌های ذیربط که در یکی از مراجع ذیصلاح (دفترخانه اسناد رسمی یا دادگاه یا امور حقوقی کارفرمای طرف قرارداد)گواهی شده است، جهت بررسی مدارک ارزیابی کیفی مناقصه‌گران، الزامی است.
روابط عمومی و امور بین الملل شرکت پتروشیمی شهید تندگویان (سهامی عام)

نگاهی به بخشنامه بودجه ۱۴۰۵ که روز گذشته جزئیات آن منتشر شد

۶ محور اقتصاد ایران در سال آینده

بهبود رشد اقتصاد، کمک به برقراری ثبات و بهبود توزیع درآمد سه وظیفه مهم بودجه است

عکس: ایرنا

گزارش

گروه اقتصادی

سازمان برنامه و بودجه جزئیات بخشنامه بودجه سال آینده را اعلام کرد. یک نگاه کلی به بخشنامه تهیه و تنظیم لایحه بودجه ۱۴۰۵، که از سوی رئیس‌جمهوری به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شده است، نشان می‌دهد دولت قصد دارد با رویکردی واقع‌بینانه و با تکیه بر ۶ محور اصلی، بودجه‌ای متوازن، شفاف و مسئولانه به مجلس ارائه دهد. سازمان برنامه و بودجه در مقدمه این بخشنامه به شرایط سخت اقتصاد ایران اشاره کرده و سه وظیفه مهم برای بودجه در نظر گرفته است: اول بهبود رشد اقتصادی، دوم کمک به برقراری ثبات در اقتصاد و در آخر بهبود توزیع درآمد. بنابراین با توجه به تحولات اقتصاد ملی و بر اساس تکالیف و احکام بالادستی و سیاست‌های دولت، رویکردها و سیاست‌های کلان بودجه که در تنظیم لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ باید مورد توجه دستگاه‌های اجرایی قرار گیرد در قالب ۶ محور ارائه شده است.

محور اول: هدفمندی به جای شعار

دولت در بودجه ۱۴۰۵ بر «تأمین معیشت حداقلی و امنیت غذایی» تأکید ویژه دارد. اما رویکرد جدید، خروج از حمایت‌های کلی و غیرمؤثر است. بر اساس این سند، دولت قصد دارد با «شناسایی دقیق وضعیت اقتصادی خانوارها» و «بازطراحی نحوه حمایت‌ها»، اطمینان حاصل کند که کمک‌ها به واقع به دهک‌های کم‌درآمد و آسیب‌پذیر می‌رسد. این به معنای حرکت به سمت هدفمندی دقیق‌تر یارانه‌ها و احتمالاً بازنگری در توزیع یارانه نقدی و کالابرگ الکترونیکی است. این تغییر رویکرد، پاسخی است به کاهش قدرت خرید خانوارهای متوسط و کم‌درآمد در سال‌های اخیر که تحت تأثیر تورم و رشد کم درآمد سرانه قرار گرفته‌اند. موفقیت در این محور، مستلزم داشتن داده‌های دقیق و نظام شناسایی کارآمد است تا مانع از خروج حمایت‌ها از مسیر صحیح شود.

> دولت قصد دارد با «نظم‌دهی به مصارف بودجه» و «درج ارقام واقعی منابع و مصارف»، ناترازی بودجه را کاهش دهد. این یعنی پایان پیش‌بینی‌های غیرواقعی از درآمدها و پرهیز از درج ردیف‌های درآمدی مبهم و غیرقابل اتکا

محور دوم: شفافیت به جای ابهام

شاید یکی از جسورانه‌ترین بخش‌های این بخشنامه، تأکید بر «توازن و انضباط در بودجه و درآمدهای مالیاتی» باشد. دولت قصد دارد با «نظم‌دهی به مصارف بودجه» و «درج ارقام واقعی منابع و مصارف»، ناترازی بودجه را کاهش دهد. این یعنی پایان پیش‌بینی‌های غیرواقعی از درآمدها و پرهیز از درج ردیف‌های درآمدی مبهم و غیرقابل اتکا. برای افزایش درآمدهای مالیاتی، بر «هوشمندسازی نظام مالیاتی»، «اجرای کامل قانون پایانه‌های فروشگاهی» و «عملیاتی‌سازی پایه مالیاتی عایدی سرمایه» تأکید شده است. این اقدامات هدف دوگانه دارد: اول، افزایش درآمد دولت برای کاهش کسری بودجه و دوم، ایجاد عدالت مالیاتی با هدف‌گیری سوداگری و فرار مالیاتی.

علاوه بر این، دولت قصد دارد با «کاهش ردیف‌های بودجه‌ای» و حرکت به سمت «بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد»، منابع را متمرکز کرده و بهره‌وری هزینه‌ها را افزایش دهد. در این مدل، اعتبارات نه بر اساس عادت تاریخی، بلکه بر اساس میزان و کیفیت خدمات دستگاه‌ها تخصیص می‌یابد.

محور سوم: عبور از بحران ملی ناترازی‌ها

بحران انرژی و آب به عنوان یک تهدید جدی برای رشد اقتصادی و معیشت مردم در بودجه ۱۴۰۵ مورد توجه ویژه قرار گرفته است. سازمان برنامه و بودجه در بخشنامه بودجه ۱۴۰۵ صراحتاً اعلام می‌کند که «مداخله دولت در بازار انرژی در ایران در طولانی‌مدت فاقد منطق اقتصادی است» و «شدت انرژی بالا و بهره‌وری پایین» را پیامد همین رویکرد می‌داند. راهکار پیشنهادی، مجموعه‌ای از «اقدامات قیمتی معتدل» به همراه «دریافت قیمت پلکانی برای مصارف بالاتر از الگو» است. نکته کلیدی اینجاست که دولت قصد دارد درآمدهای حاصل از این اصلاحات را به «بهبود کیفیت وسایل سرمایشی، گرمایشی و ماشین‌آلات» و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر اختصاص دهد. این یک بسته جامع است، نه یک شوک قیمتی محض. در بخش آب نیز با توجه به شرایط اقلیمی، «بهبود حکمرانی آب» و «بهره‌برداری مؤثرتر از ظرفیت‌های موجود» در اولویت قرار دارد. اولویت تخصیص اعتبارات عمرانی نیز به طرح‌های آب و فاضلاب در شهرهای دارای تنش آبی و طرح‌های حوزه انرژی داده شده است.

محور چهارم: مدیریت بدهی و تعهدات

مدیریت «کسری بودجه، بدهی‌ها و تعهدات دولت» یکی دیگر از ارکان اصلی این بودجه است. دولت برای کنترل هزینه‌ها، قصد دارد «بازنگری اعتبارات نهادها و سازمان‌های فاقد اثربخشی»، «بهینه‌سازی تشکیلات و حذف مشاغل مدیریتی غیرضرور» و «به کارگیری شیوه دورکاری» در دستگاه‌های غیرخدمات‌رسان مستقیم را در دستور کار قرار دهد. همچنین، برای جلوگیری از تصویب مصوبات بدون پشتوانه مالی، مکانیزمی طراحی شده که بر اساس آن، مراجع تصمیم‌گیرنده موظفند پیش از ابلاغ هر مصوبه، «بار مالی دقیق» آن را ارائه و «شناسه یکتا» از سازمان برنامه و بودجه دریافت کنند. این اقدام می‌تواند مانع از انباشت تعهدات غیرقابل پرداخت دولت شود. برای تأمین مالی طرح‌های عمرانی نیز بر «تقویت مشارکت عمومی-خصوصی» و «ایجاد ظرفیت‌های نوین تأمین مالی» تأکید شده است.

محور پنجم: درس‌گیری از تجربیات

تأکید بر «تقویت پدافند غیرعامل و مقاوم‌سازی» پاسخی است به تهدیدات خارجی و بلایای طبیعی سال‌های اخیر. هدف، «افزایش بازدارندگی و کاهش آسیب‌پذیری» در برابر تهدیدات، بویژه در «شبکه‌های ارتباطی، اطلاعاتی، مالی، تأسیسات تأمین انرژی و آب» و مراکز حساسی مانند بیمارستان‌ها و نانوایی‌ها است. دستگاه‌های اجرایی موظف به برنامه‌ریزی و پیش‌بینی منابع برای ایجاد «سیستم‌های پشتیبان» برای سیستم‌های اصلی هستند. این محور نشان می‌دهد که امنیت اقتصادی و تاب‌آوری زیرساخت‌های کشور به یک اولویت تبدیل شده است.

محور ششم: نقشه راه الزام‌آور

تمامی محاسبات و سیاست‌های بودجه‌ای سال ۱۴۰۵ باید در چهارچوب «اجرای احکام قانون برنامه هفتم پیشرفت» قرار گیرد. دستگاه‌ها موظفند بودجه خود را منطبق بر برنامه عملیاتی این قانون ارائه کرده و فعالیت‌های غیرضرور و موازی را حذف یا ادغام کنند. این امر نشان می‌دهد دولت قصد دارد بودجه را از حالت سنتی و سلیقه‌ای خارج کرده و به سندی تحقق‌بخش به اهداف بلندمدت کشور تبدیل کند.

بودجه در مسیر اصلاحات بزرگ؟

لایحه بودجه ۱۴۰۵ را می‌توان تلاشی جدی و ساختاریافته برای عبور از اقتصاد بحران‌زده کنونی دانست. رویکرد دولت، ترکیبی از «واقع‌بینی» در پیش‌بینی درآمدها، «مسئولیت‌پذیری» در مدیریت هزینه‌ها (در قالب بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد) و «جسارت» در آغاز اصلاحات ساختاری دردناک اما ضروری است. موفقیت این بودجه منوط به همراهی مجلس، اجرای دقیق توسط دستگاه‌ها و مهم‌تر از همه، همراهی اجتماعی است. دولت باید بتواند با شفافیت و ارتباط مؤثر، ضرورت این اصلاحات را برای مردم تبیین کند و با طراحی مکانیزم‌های حمایتی دقیق، بار این‌گذار را بر دوش قشرهای آسیب‌پذیر نیندازد.

گزارش

نکات کلیدی در تدوین بودجه سال آینده

لایحه بودجه سال ۱۴۰۵ در شرایط حساس و پیچیده اقتصادی تهیه می‌شود. سازمان برنامه و بودجه در بخشنامه اخیر خود، با تأکید بر تأثیر متغیرهای کلان اقتصاد جهانی و بازار نفت، برآورد کرده که متوسط قیمت نفت خام برنت در سال ۲۰۲۵ حدود ۶۶ تا ۶۷ دلار و در سال ۲۰۲۶ حدود ۵۸ تا ۶۰ دلار در هر بشکه خواهد بود که در کنار احتمال افزایش محدودیت‌های تحریمی، در برنامه‌ریزی منابع حاصل از صادرات نفت خام کشور مورد توجه قرار خواهد گرفت.

محورهای کلیدی که قرار است در لایحه بودجه ۱۴۰۵ رعایت شود؛ به شرح زیر است:

- **اصلاح نظام یارانه و تخصیص ارز ترجیحی:** بازبینی در اختصاص ارز ترجیحی به کالاهای اساسی و مصارف ارزی مانند بنزین، با هدف هدفمندسازی و کاهش بار مالی آن بر دوش دولت.
- **افزایش درآمدهای مالیاتی:** از طریق هوشمندسازی نظام مالیاتی، اجرای کامل قانون پایانه‌های فروشگاهی، عملیاتی‌سازی مالیات بر عایدی سرمایه و بازنگری در فرآیندهای وصول مالیات برای جلوگیری از کاهش ارزش واقعی آنها به دلیل تورم.
- **بهبود و شفاف‌سازی درآمدهای گمرکی:** بازبینی در نرخ ارز مبنای ارزش گمرکی، بهینه‌سازی فرآیند ترخیص کالا و کاهش کم‌اظهاری در صادرات.
- **بهینه‌سازی مصارف و ساختار دولت:** بازنگری در اعتبارات نهادهای کم‌اثر یا غیرضروری، بهینه‌سازی تشکیلات با تقویت مشاغل کارشناسی و حذف پست‌های مدیریتی مازاد و ترویج دورکاری در دستگاه‌های غیرخدمات‌رسان مستقیم.
- **استقرار بودجه‌ریزی نتیجه‌محور:** الزام دستگاه‌های اجرایی به ارائه برنامه‌های اجرایی سالانه به همراه شاخص‌های عملکرد قابل سنجش.
- **مدیریت ناترازی‌های انرژی:** رفع شکاف بین عرضه و تقاضای انرژی با رویکرد دوگانه «افزایش تولید و مدیریت مصرف» از طریق ابزارهای قیمتی و غیرقیمتی، با هدف تأمین پایدار انرژی برای بخش صنعت و اقتصاد.
- **تغییر روش‌ها در مالیات ستانی:** افزایش نسبت مالیات به تولید ناخالص داخلی ارتقای عدالت و کارایی مالیاتی از طریق هوشمندسازی نظام مالیاتی و شفافیت مخارج مالیاتی دولت.
- **بهره روی و روش‌های ارتقای آن:** پیاده‌سازی برنامه ارتقای بهره‌وری در بخش‌های مختلف اقتصادی از طریق واحدهای فناور شرکت‌های خصوصی و دانش‌بنیان و برقراری نظام پرداخت عمومی متناسب با بهره‌وری و اثرگذاری در جامعه.
- **حمایت از بازنشستگان و ارتقای خدمات درمانی بیمه پایه و تکمیلی و معیشتی آنها:** تداوم حمایت از معیشت طبقات پایین جامعه از طریق یارانه نقدی و یا کالابرگ الکترونیکی با رویکرد بازآرایی مزایای اجتماعی پایدارسازی تأمین مالی و اعطای یارانه‌های مستقیم و غیر مستقیم.

وزارت راه و شهرسازی
شرکت عمران شهر جدید پردیس

تجدید آگهی فراخوان مناقصه

کد: ۱۶-۴۰۴-۲۰۰۰ر — نوبت: اول

شرکت عمران شهر جدید پردیس در نظر دارد براساس بند ۵ صورتجلسه شماره ۱۰۶۷/۲۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۱۸ هیأت‌مدیره شرکت عمران شهر جدید پردیس نسبت به انتخاب پیمانکار واجد شرایط اقدام نماید. لذا از پیمانکاران و شرکت‌های واجد شرایط دعوت می‌گردد جهت دریافت، تکمیل و بارگذاری اسناد به‌شرح ذیل اقدام نمایند:

۱- موضوع: اتمام عملیات باقیمانده در معابر و دیوارهای حائل و شبکه جمع‌آوری فاضلاب و شبکه آبرسانی پروژه‌های ۵۲۰واحدی شایان عمران آهوان و ۳۰۹ واحدی سازه کاران یکم و ۵۸۰ واحدی نگاران کندلوس (پروژه ایراالبرز سابق)

نوع مناقصه: عمومی هم‌زمان با ارزیابی (یکپارچه) یک‌مرحله‌ای

۲- شماره ثبت در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) ۲۰۰۴۰۰۱۰۹۸۰۰۰۰۲۷ است. کلیه مراحل مناقصه از دریافت و بارگذاری اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه و بازگشایی پاکت‌ها از طریق سامانه ستاد (www.setadiran.ir) انجام می‌شود.

۳- نام و نشانی دستگاه مناقصه‌گزار: شهر جدید پردیس، فاز یک، ضلع شمال میدان عدالت، خیابان عمران، شرکت عمران شهر جدید پردیس. تلفن: ۷۴۹۰۲، داخلی ۷۲۵۳

۴- مدت پیمان: ۱۲ ماه شمسی

۵- مبلغ برآورد اولیه: مبلغ برآورد اولیه کار برابر ۵۱۳٫۶۱۲٫۸۵۲٫۰۵۵ (پانصد و سیزده میلیارد و ششصد و دوازده میلیون و هشت‌صد و پنجاه و دو هزار و پنجاه و پنج) ریال خواهد بود، به‌صورت تهاتر و سایر منابع.

۶- تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: مطابق جدول ۴ از بند «الف» ماده ۶ آیین‌نامه تضمین معاملات دولتی به‌شماره ۱۲۳۴۰۲/ت ۵۰۶۵۹ هـ مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۲۲ به‌مبلغ ۲۵٫۷۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ (بیست‌و پنج میلیارد و هفتصد میلیون) ریال.

۷- مجوز فعالیت: گواهی‌نامه معتبر، حداقل رتبه ۵ در رشته آب، ابنیه و راه به‌صورت توأم از سازمان برنامه و بودجه کشور (دارای ظرفیت کاری و ریالی مجاز).

۸- آخرین صورت‌های مالی حسابرسی‌شده (سال ۱۴۰۳ یا ۱۴۰۲) در اجرای ماده ۲ آیین‌نامه راهکارهای افزایش ضمانت اجرایی و تقویت حسابرسی و سنجش توان مالی مناقصه‌گر، ارائه صورت‌های مالی حسابرسی‌شده سال ۱۴۰۲ یا ۱۴۰۳ در پاکت "اسناد استعلام ارزیابی کیفی" الزامی‌است. درصورت عدم ارائه مدارک مربوط به‌حسابرسی، مناقصه‌گر از فرآیند مناقصه حذف می‌گردد.

۹- دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه از سامانه ستاد: از ساعت ۰۸:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۷ تا ساعت ۱۶:۳۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۴

۱۰- تحویل پاکت اسناد ارزیابی کیفی و پاکت اسناد مناقصه "پاکت‌های الف، ب و ج":

۱-۱۰- به‌صورت الکترونیکی تا ساعت ۱۴:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۹ در سامانه ستاد بارگذاری شود.

۲-۱۰- به‌صورت فیزیکی (فقط پاکت "الف") تا ساعت ۱۴:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۹ به‌دبیرخانه شرکت عمران شهر جدید پردیس تحویل شود.

۱۱- زمان و محل بازگشایی پاکت اسناد ارزیابی کیفی: ساعت ۱۰:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۲، در سالن اجتماعات شرکت عمران شهر جدید پردیس.

۱۲- زمان و محل بازگشایی پاکت اسناد مناقصه "پاکت‌های الف، ب و ج": ساعت ۱۰:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۶، در سالن اجتماعات شرکت عمران شهر جدید پردیس.

۱۳- مناقصه‌گران ابتدا ارزیابی کیفی شده و پس از کسب حداقل امتیاز ۶۰ در فرآیند ارزیابی کیفی در مراحل بعدی مناقصه شرکت می‌نمایند.

۱۴- هزینه خرید اسناد مناقصه از سامانه ستاد ۲٫۰۰۰٫۰۰۰ (دو میلیون) ریال است

۱۵- سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه مندرج است.

روابط عمومی شرکت عمران شهر جدید پردیس

صندوق قرض‌الحسنه امداد ولایت — نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی (یک مرحله‌ای) شماره ۰۱-۴۰۴

مناقصه‌گزار: مؤسسه غیر تجاری صندوق قرض الحسنه امداد ولایت

موضوع مناقصه: خرید فایروال و لایسنس آنلاین به‌همراه فعالسازی

مهلت دریافت اسناد مناقصه: از روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۶ لغایت روز شنبه ۱۴۰۴/۰۹/۰۸ (از ساعت ۸ الی ۱۶) غیر از ایام تعطیل رسمی، می‌باشد. لذا مناقصه‌گران می‌توانند جهت دریافت اسناد مناقصه به‌صورت حضوری و با همراه داشتن مدارک ذیل به نشانی مناقصه‌گزار مراجعه نمایند.

۱- معرفی‌نامه کتبی به‌همراه کارت شناسایی معتبر

۲- تصویر گواهی نامه افنا دارای اعتبار درزمینه امن‌سازی و مقاوم‌سازی سامانه‌ها، زیرساخت‌ها و یا مجوز معتبر افنا در زمینه نصب و پشتیبانی محصولات فنا

۳- تصویر گواهی‌نامه نظام صنفی رایانه‌ای

۴- تصویر گواهی شورای عالی انفورماتیک (رتبه ۱ و ۲) در رشته‌های الف) شبکه داده‌های رایانه‌ای و مخابراتی ب) امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات ج) خدمات پشتیبانی د) تولید و ارائه رایانه‌های غیر main frame

مهلت تحویل پاکات: روز شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۸ تا ساعت ۱۶

زمان بازگشایی پاکات: روز یک‌شنبه ۱۴۰۴/۰۹/۰۹ ساعت ۱۰ صبح - حضور مناقصه‌گران در جلسه بازگشایی پاکات اختیاری می‌باشد. (درصورت حضور مناقصه‌گران در جلسه بازگشایی پاکات، داشتن معرفی‌نامه کتبی الزامی است.)

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ هشت میلیارد و پانصد میلیون (۸٫۵۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰) ریال به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی به نفع مناقصه‌گزار و یا واریز وجه نقد.

نشانی جهت تحویل اسناد مناقصه: تهران، میدان آزادی، ابتدای بزرگراه شهید لشگری، ساختمان کمیته امداد امام خمینی(ره)، طبقه سوم، صندوق قرض‌الحسنه امداد ولایت، اداره پشتیبانی و تدارکات کدپستی ۱۳۹۱۷۱۵۱۱۴

تلفن ۰۲۱-۲۳۹۰۲۷۷۷

هزینه چاپ و درج این آگهی از برنده یا برندگان مناقصه دریافت خواهد شد

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای شماره ۱۴۰۴/۰۸

شرکت توسعه فناوری رفاه پردیس در نظر دارد نسبت به خرید تعداد ۱۰٫۰۰۰ دستگاه پایانه فروش ثابت و به‌همراه نرم‌افزارها و متعلقات مربوطه از طریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید. داوطلبان شرکت در مناقصه می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا ساعت ۱۵ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۵ با در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی مشتمل بر درج شماره شناسه ملی (اشخاص حقوقی) به‌همراه کد ملی (اشخاص حقیقی) و یک فقره فیش بانکی به مبلغ ۵۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال واریز شده به‌حساب شماره ۱۶۰۰۰۰۱۴ به‌نام شرکت توسعه فناوری رفاه پردیس نزد بانک رفاه کارگران در ساعات اداری (روزهای شنبه تا چهارشنبه ۰۸:۰۰ الی ۱۵:۰۰) به شرکت توسعه فناوری رفاه پردیس واحد بازرگانی، به آدرس: تهران، خیابان ستارخان، خیابان دوم، پلاک ۱، طبقه دوم و کدپستی: ۱۴۵۱۶۹۵۶۶۳ مراجعه و اوراق مناقصه را دریافت نمایند. شایان ذکر است سپرده شرکت در مناقصه ۵۰٫۰۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال (پنجاه میلیارد ریال) می‌باشد که می‌بایست به‌صورت وجه نقد واریزی به‌حساب فوق یا ضمانت‌نامه بانکی (غیر از بانک رفاه کارگران) مطابق شرایط اعلامی در اسناد مناقصه ارائه گردد. شرکت‌کنندگان در مناقصه بایستی نسبت به تحویل ۳ دستگاه از پایانه فروش موضوع مناقصه به‌عنوان نمونه پیشنهادی، اسناد مناقصه و پیشنهادهای خود در پاکت‌های لاک و مهر شده شامل تضمین (پاکت الف)، پیشنهاد فنی-بازرگانی (پاکت ب به‌صورت فیزیکی و لوح فشرده) و پیشنهاد قیمت (پاکت ج) گذاشته و همه پاکت‌ها را در لفاف مناسب، لاک و مهر شده و مجزا قرار داده و حداکثر تا ساعت ۱۵ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۲ تحویل محل اعلامی در اسناد مناقصه نمایند. به هیچ عنوان بعد از زمان مذکور پذیرش اسناد صورت نخواهد پذیرفت. مبنای ارائه اسناد به متقاضیان محترم، ساعت کارسازی مبلغ خرید اسناد در حساب شرکت توسعه فناوری رفاه پردیس می‌باشد.

ضمنا پاکت‌های «الف» و «ب» مناقصه در ساعت ۹:۰۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ توسط اعضای محترم کمیسیون معاملات شرکت در سالن جلسات واقع در تهران، خیابان ستارخان، خیابان دوم، پلاک ۱، طبقه دوم مفتوح خواهد گردید.

شرکت توسعه فناوری رفاه پردیس

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای شماره ۱۴۰۴/۰۶

شرکت توسعه فناوری رفاه پردیس در نظر دارد نسبت به خرید تعداد ۴۰٫۰۰۰ دستگاه پایانه فروش اندروید و به‌همراه نرم‌افزارها و متعلقات مربوطه از طریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید. داوطلبان شرکت در مناقصه می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا ساعت ۱۵ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۵ با در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی مشتمل بر درج شماره شناسه ملی (اشخاص حقوقی) به‌همراه کد ملی (اشخاص حقیقی) و یک فقره فیش بانکی به مبلغ ۵۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال واریز شده به‌حساب شماره ۱۶۰۰۰۰۱۴ به‌نام شرکت توسعه فناوری رفاه پردیس نزد بانک رفاه کارگران در ساعات اداری (روزهای شنبه تا چهارشنبه ۰۸:۰۰ الی ۱۵:۰۰) به شرکت توسعه فناوری رفاه پردیس واحد بازرگانی، به آدرس: تهران، خیابان ستارخان، خیابان دوم، پلاک ۱، طبقه دوم و کدپستی: ۱۴۵۱۶۹۵۶۶۳ مراجعه و اوراق مناقصه را دریافت نمایند. شایان ذکر است سپرده شرکت در مناقصه ۲۴۰٫۰۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال (دویست و چهل میلیارد ریال) می‌باشد که می‌بایست به‌صورت وجه نقد واریزی به‌حساب فوق یا ضمانت‌نامه بانکی (غیر از بانک رفاه کارگران) طبق شرایط اعلامی در اسناد مناقصه ارائه گردد. شرکت‌کنندگان در مناقصه بایستی نسبت به تحویل ۳ دستگاه از پایانه فروش موضوع مناقصه به عنوان نمونه پیشنهادی، اسناد مناقصه و پیشنهادهای خود در پاکت‌های لاک و مهر شده شامل تضمین (پاکت الف)، پیشنهاد فنی-بازرگانی (پاکت ب به‌صورت فیزیکی و لوح فشرده) و پیشنهاد قیمت (پاکت ج) گذاشته و همه پاکت‌ها را در لفاف مناسب لاک و مهر شده و مجزا قرار داده و حداکثر تا ساعت ۱۵ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۲ تحویل محل اعلامی در اسناد نمایند. به هیچ عنوان بعد از زمان مذکور پذیرش اسناد صورت نخواهد پذیرفت. مبنای ارائه اسناد به متقاضیان محترم ساعت کارسازی مبلغ خرید اسناد در حساب شرکت توسعه فناوری رفاه پردیس می‌باشد.

ضمنا پاکت‌های «الف» و «ب» مناقصه در ساعت ۹:۰۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ توسط اعضای محترم کمیسیون معاملات شرکت در سالن جلسات واقع در تهران خیابان ستارخان، خیابان دوم پلاک ۱ طبقه دوم مفتوح خواهد گردید.

شرکت توسعه فناوری رفاه پردیس

نوبت اول

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای شماره ۱۴۰۴/۰۷

شرکت توسعه فناوری رفاه پردیس در نظر دارد نسبت به خرید تعداد ۲۰٫۰۰۰ دستگاه پایانه فروش سیار و به‌همراه نرم‌افزارها و متعلقات مربوطه از طریق برگزاری مناقصه عمومی اقدام نماید. داوطلبان شرکت در مناقصه می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا ساعت ۱۵ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۵ با در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی مشتمل بر درج شماره شناسه ملی (اشخاص حقوقی) به‌همراه کد ملی (اشخاص حقیقی) و یک فقره فیش بانکی به مبلغ ۵۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال واریز شده به‌حساب شماره ۱۶۰۰۰۰۱۴ به‌نام شرکت توسعه فناوری رفاه پردیس نزد بانک رفاه کارگران در ساعات اداری (روزهای شنبه تا چهارشنبه ۰۸:۰۰ الی ۱۵:۰۰) به شرکت توسعه فناوری رفاه پردیس واحد بازرگانی، به آدرس: تهران، خیابان ستارخان، خیابان دوم، پلاک ۱، طبقه دوم و کدپستی: ۱۴۵۱۶۹۵۶۶۳ مراجعه و اوراق مناقصه را دریافت نمایند. شایان ذکر است سپرده شرکت در مناقصه ۱۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰٫۰۰۰ ریال (یکصد میلیارد ریال) می‌باشد که می‌بایست به‌صورت وجه نقد واریزی به‌حساب فوق یا ضمانت‌نامه بانکی (غیر از بانک رفاه کارگران) مطابق شرایط اعلامی در اسناد مناقصه ارائه گردد. شرکت‌کنندگان در مناقصه بایستی نسبت به تحویل ۳ دستگاه از پایانه فروش موضوع مناقصه به عنوان نمونه پیشنهادی، اسناد مناقصه و پیشنهادهای خود در پاکت‌های لاک و مهر شده شامل تضمین (پاکت الف)، پیشنهاد فنی-بازرگانی (پاکت ب به‌صورت فیزیکی و لوح فشرده) و پیشنهاد قیمت (پاکت ج) گذاشته و همه پاکت‌ها را در لفاف مناسب لاک و مهر شده و مجزا قرار داده و حداکثر تا ساعت ۱۵ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۲ تحویل محل اعلامی در اسناد نمایند. به هیچ عنوان بعد از زمان مذکور پذیرش اسناد صورت نخواهد پذیرفت. مبنای ارائه اسناد به متقاضیان محترم ساعت کارسازی مبلغ خرید اسناد در حساب شرکت توسعه فناوری رفاه پردیس می‌باشد.

ضمنا پاکت‌های «الف» و «ب» مناقصه در ساعت ۹:۰۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ توسط اعضای محترم کمیسیون معاملات شرکت در سالن جلسات واقع در تهران خیابان ستارخان، خیابان دوم پلاک ۱ طبقه دوم مفتوح خواهد گردید.

شرکت توسعه فناوری رفاه پردیس

«ایران» عملکرد صندوق‌های کالایی طلای سرخ را بررسی می‌کند

چالش‌های بازار زعفران شوک گرما یا ناکارآمدی؟

گزارش

حبیب‌آرین
گروه بورس

بازار سرمایه ایران در سال‌های اخیر مسیرهای تازه‌ای برای ورود سرمایه‌گذاران به عرصه کالاهای اساسی گشوده است. در میان این ابزارها، صندوق‌های کالایی زعفران جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده‌اند؛ ابزاری که به سرمایه‌گذاران خرد امکان مشارکت در بازار بزرگ‌ترین محصول صادراتی غیرنفتی کشور را می‌دهد و از سوی دیگر قرار است به‌عنوان یک شاخص شفاف، رفتار واقعی این کالای استراتژیک را منعکس کند.

اما ماه گذشته، همزمان با یکی از جهش‌های کم‌سابقه بازار زعفران، این صندوق‌ها در مرکز یک موج کم‌نظیر از انتقادها قرار گرفتند. نام دو صندوق «نهال» و «سحرخیز» بارها و بارها در شبکه‌های اجتماعی تکرار شد و بسیاری از سرمایه‌گذاران پرسش مشترکی را مطرح کردند: چرا وقتی بازار زعفران اوج گرفت، صندوق‌ها عقب ماندند؟

این اختلاف عملکرد در حالی رخ داد که ارزش دارایی این صندوق‌ها اکنون از مرز ۳۰۰ میلیارد تومان فراتر رفته و سهم بزرگی از بازار صندوق‌های کالایی را در اختیار دارند.

گلایه‌هایی که از شبکه‌های اجتماعی آغاز شد

در روزهای پایانی مهر و اوایل آبان، بازار گواهی‌های سپرده زعفران در بورس کالا شاهد صف‌های خرید ممتدی بود که عملاً معامله را برای بسیاری از سرمایه‌گذاران غیرممکن کرده بود. در چنین شرایطی، دارندگان واحد صندوق‌های زعفران انتظار داشتند صندوق‌ها به دلیل ماهیت کالایی خود، در خط مقدم رشد قرار بگیرند و بازدهی چشمگیری نصیب آنها شود.

اما چنین نشد. با افزایش فاصله میان رشد بازار زعفران و رشد ارزش واحدهای صندوق‌ها، اعتراض‌ها شدت گرفت. برخی سرمایه‌گذاران می‌گفتند که صندوق‌ها رفتاری شبیه اوراق با درآمد ثابت پیدا کرده‌اند؛ برخی دیگر مدعی بودند که صدور واحدهای جدید در حجم بالا، عملاً بازدهی دارندگان قدیمی را رقیق کرده است.

این گلایه‌ها در ابتدا بیشتر احساسی بود، اما رفته‌رفته تحلیلگران بازار سرمایه وارد بحث شدند و تلاش کردند برای این اختلاف عملکرد، توضیح فنی ارائه کنند.

> به دلیل گرمای هوا، برداشت زعفران با تأخیر شروع شد و ورودی انبارها تقریباً به صفر رسیده بود. گواهی قدیمی هم بخش عمده‌اش دست خود صندوق‌ها بود و امکان خرید تازه وجود نداشت. این‌طور نبود که صندوق تعلل کند یا فرصت را از دست بدهد

صدورهای سنگین و تغییر ترکیب دارایی؛ روایت اول تحلیلگران

هادی میرعلمی، کارشناس بازار سرمایه، در گفت‌وگو با «ایران» روایت دقیقی از آنچه در هفته‌های ابتدایی آبان رخ داده ارائه می‌دهد. او معتقد است نقطه اصلی اختلاف عملکرد صندوق‌ها در همین چند روز رقم خورده است.

به گفته میرعلمی، دو صندوق اصلی بازار- نهال و سحرخیز- در روزهایی که بازار زعفران در حال جهش کم‌سابقه بود، اقدام به صدور گسترده واحدهای جدید کردند. این صدور، به دلیل حجم بسیار بالا نسبت به اندازه صندوق‌ها، ترکیب دارایی آنها را از ریتم بازار خارج کرد و سهم گواهی‌های سپرده زعفران در پرتفوی صندوق‌ها کاهش یافت.

او توضیح می‌دهد: «وقتی بازار با شتاب بالا رشد می‌کرد، صندوق‌ها تنها با بخش کوچکی از دارایی‌شان در این رشد حاضر بودند. نتیجه طبیعی چنین وضعیتی این شد که بازدهی صندوق‌ها بسیار کمتر از انتظارات سرمایه‌گذاران شد.»

میرعلمی تأکید می‌کند، پرسش مهم‌تر این است که چرا رشد اندازه صندوق، بر محافظت از بازدهی دارندگان فعلی مقدم شده است؛ پرسشی که به باور او می‌تواند اعتماد عمومی به صندوق‌های کالایی را تحت فشار قرار دهد.

اما صندوق‌ها چه می‌گویند؟ محدودیت‌های واقعی بازار

نادر بولحسنی، مدیرعامل صندوق نویرا، در گفت‌وگو با «ایران»، تصویر متفاوتی از آنچه در ماه گذشته رخ داده ارائه می‌کند؛ تصویری که بر «محدودیت‌های عرضه» و «شرایط ویژه برداشت امسال» تأکید دارد.

بولحسنی یادآور می‌شود که صندوق‌های زعفران سابقه چندساله دارند و در این مدت، الگوی رفتاری سرمایه‌گذاران تقریباً ثابت بوده است. اما امسال اوضاع متفاوت بود: به دلیل گرمای هوا، برداشت زعفران با تأخیر شروع شد و ورودی انبارها تقریباً به صفر رسیده بود. گواهی قدیمی هم بخش عمده‌اش دست خود صندوق‌ها بود و امکان خرید تازه وجود نداشت. ما حقوقی‌ها را تا جایی که می‌شد کنترل کردیم؛ شاید هزار و چندصد میلیارد تومان می‌توانست وارد شود، اما مانع شدیم تا صندوق بزرگ‌تر از حد نشود.

به گفته او، مسأله اصلی این بود که عملاً «چیزی برای خرید وجود نداشت». صندوق‌ها ناچار بودند منتظر بازشدن انبارهای جدید بمانند: «گواهی جدید تازه دوشنبه هفته گذشته باز شد و آن هم با حجمی بسیار محدود. صندوقی مثل ما که اندازه بزرگی دارد، باید تناژ قابل‌توجهی در انبارها باشد تا خرید را شروع کند.»

او افزود که در این دوره، پول صندوق «بیکار نماند» و بخشی در سپرده روزشمار قرار گرفت و بخشی دیگر در گواهی‌های سپرده مس سرمایه‌گذاری شد تا بازدهی صندوق حفظ شود: «کار دیگری واقعاً نمی‌شد کرد. امکان خرید وجود نداشت. این‌طور نبود که صندوق تعلل کند یا فرصت را از دست بدهد.»

روایت بولحسنی، هرچند به نحوی نگاه سرمایه‌گذاران ناراضی در خصوص ترکیب صندوق‌های زعفران را تأیید می‌کند، اما نکته‌ای مهم را یادآوری می‌کند: بازار زعفران در روزهای آغاز فصل برداشت، با کمبود واقعی کالا روبه‌رو بوده است؛ کمبودی که حتی صندوق‌های بزرگ نیز قادر به دور زدن آن نبوده‌اند.

تصویر بزرگ‌تر بازار؛ از نقش دلار تا وضعیت تولید

مبین ناظمی، تحلیلگر بازارهای پایه، نیز بر این نکته تأکید می‌کند که نباید رفتار صندوق‌ها را صرفاً با یک عامل توضیح داد. به باور او، بازار زعفران بازاری چندعاملی است و تحت تأثیر نرخ ارز، هزینه‌های تولید، وضعیت صادرات، رفتار کشاورزان و حتی شوک‌های آب‌وهوایی قرار دارد.

او می‌گوید: «زعفران با دلار همبستگی دارد، اما نه همیشه و نه همزمان. تأثیر دلار با وقفه وارد قیمت می‌شود؛ اما طرف عرضه هم در این یک سال با نوسانات زیادی مواجه بوده است.»

به گفته او، کاهش بارندگی و افزایش هزینه‌های تولید باعث شده بود برداشت امسال دیرتر شروع شود و همین عامل، بخشی از شکاف رفتاری میان بازار و صندوق‌ها را توضیح می‌دهد.

بازار پس از هیجان؛ شکل‌گیری حباب منفی

با فروکش‌کردن تب رشد، بازار گواهی‌های زعفران اکنون به نقطه تعادل نسبی رسیده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد ارزش خالص دارایی صندوق‌ها بالاتر از قیمت معاملاتی آنهاست و واحدهای صندوق‌ها با «حباب منفی» معامله می‌شوند؛ وضعیتی که برخی آن را فرصتی جذاب و برخی دیگر نشانه‌ای از تردید سرمایه‌گذاران می‌دانند.

> وقتی بازار با شتاب بالا رشد می‌کرد، صندوق‌ها تنها با بخش کوچکی از دارایی‌شان در این رشد حاضر بودند. نتیجه طبیعی چنین وضعیتی این شد که بازدهی صندوق‌ها بسیار کمتر از انتظارات سرمایه‌گذاران شد

جمع‌بندی؛ تجربه‌ای که می‌تواند آینده صندوق‌های کالایی را تغییر دهد

برش

اتفاقات ماه گذشته نشان داد که صندوق‌های کالایی زعفران به‌رغم نقش مهم‌شان، هنوز نیازمند بلوغ بیشتری هستند. از یک‌سو، تحلیلگران هشدار می‌دهند که صدورهای سنگین می‌تواند ترکیب دارایی صندوق‌ها را از کالای پایه دور کند و بازدهی را کاهش دهد. از سوی دیگر، مدیران صندوق‌ها تأکید می‌کنند که در برخی دوره‌ها، محدودیت عرضه و شرایط برداشت عملاً امکان خرید را از آنها می‌گیرد.

درس کلیدی این است که صندوق‌های کالایی نه فقط نیازمند مدیریت دقیق صدور و خرید هستند، بلکه باید سازوکاری شفاف برای دوره‌های کمبود کالا داشته باشند؛ سازوکاری که مانع ایجاد شکاف انتظارات شود و اعتماد سرمایه‌گذاران را حفظ کند.

بازار زعفران یکی از پرپتانسیل‌ترین بازارهای کالایی کشور است و صندوق‌های زعفران همچنان می‌توانند ابزار مؤثری برای مدیریت ریسک، جذب سرمایه خرد و توسعه زنجیره ارزش باشند- مشروط بر آن‌که تجربه اخیر، به چشم یک هشدار سازنده و نه یک بحران مقطعی دیده شود.

آگهی مناقصه (نوبت دوم)
دعوت به شرکت در مناقصه اخذ پیمانکار عمومی جهت انجام امور مربوط به فعالیت‌های عمومی عمرانی و ساختمانی جاری پالایشگاه
نفت پارس

شرکت نفت پارس در نظر دارد انجام خدمات پیمانکار عمومی مربوط به فعالیت‌های عمومی عمرانی و ساختمانی جاری پالایشگاه خود را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط واگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان محترم دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه به وب‌سایت رسمی شرکت به آدرس: http://www.parsoilco/fa/tender.html مراجعه فرمایند.
مهلت ارسال پاکات پیشنهاد: تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۶
تذکرات مهم:
• واگذاری موضوع مناقصه منوط به احراز شرایط قانونی و بر اساس مفاد اسناد مناقصه خواهد بود.
• به پیشنهادهای مشروط، فاقد امضا، یا مهر، مبهم، فاقد تضمین/ سپرده شرکت در مناقصه و یا پیشنهادهایی که پس از مهلت مقرر در اسناد مناقصه ارسال شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
• این آگهی صرفاً به منزله دعوت به مناقصه بوده و هیچ‌گونه تعهدی برای شرکت نفت پارس در پذیرش تمام یا بخشی از پیشنهادها ایجاد نمی‌نماید.
• شرکت در رد یا قبول پیشنهادها مختار است.

آگهی مناقصه (نوبت اول)
دعوت به شرکت در مناقصه
خرید ۵ دستگاه لیفتراک برقی ۳ تن
نفت پارس

شرکت نفت پارس در نظر دارد ۵ دستگاه لیفتراک برقی ۳ تن را از طریق مناقصه عمومی از شرکت‌های واجد شرایط خریداری نماید. لذا از کلیه متقاضیان محترم دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه به وب‌سایت رسمی شرکت به آدرس: http://www.parsoilco/fa/tender.html مراجعه فرمایند.
مهلت ارسال پاکات پیشنهاد:
تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۹
تذکرات مهم:
واگذاری موضوع مناقصه منوط به احراز شرایط قانونی و بر اساس مفاد اسناد مناقصه خواهد بود.
به پیشنهادهای مشروط، فاقد امضا، یا مهر، مبهم، فاقد تضمین سپرده شرکت در مناقصه و یا پیشنهادهایی که پس از مهلت مقرر در اسناد مناقصه ارسال شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
این آگهی صرفاً به منزله دعوت به مناقصه بوده و هیچ‌گونه تعهدی برای شرکت نفت پارس در پذیرش تمام یا بخشی از پیشنهادها ایجاد نمی‌نماید. شرکت در رد یا قبول پیشنهادها مختار است.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه
کانون بازنشستگان سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور (نوبت اول و دوم)

بدین‌وسیله به‌اطلاع کلیه اعضاء محترم کانون بازنشستگان می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت اول کانون رأس ساعت ۱۰ صبح دوشنبه ۱۴۰۴/۰۹/۱۷ در محل آمفی‌تاتر سازمان (میدان آزادی - خیابان معراج - سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور) تشکیل می‌گردد. لذا از عموم اعضاء محترم با در دست داشتن کارت شناسایی دعوت می‌شود تا در ساعت مقرر در محل مذکور حضور به‌هم رسانند.
تذکر: چنانچه در تاریخ مذکور تعداد شرکت‌کنندگان در مجمع به حد نصاب قانونی نرسد جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت دوم رأس ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۰۸ در محل مذکور برگزار خواهد شد. در ضمن کسانی که مایل به کاندیدای هیأت مدیره یا بازرس هستند خواهشمند است با مراجعه به کانون بازنشستگان سازمان نسبت به تکمیل فرم ثبت‌نام اقدام نمایند.
دستور جلسه:
۱- گزارش عملکرد هیأت‌مدیره و بازرس ۲- تصویب تراز نامه و صورت‌های مالی
۳- انتخاب هیأت‌مدیره اصلی و علی‌البدل ۴- انتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل
۵- تعیین خط مشی و برنامه‌های آینده کانون ۶- تعیین روزنامه کثیرالانتشار
هیأت‌مدیره کانون بازنشستگان سازمان زمین شناسی و اکتشافات معدنی کشور
تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۰۸/۲۶

بانک ملت
آگهی مناقصه عمومی
شماره ۱۴۰۴/۱۳۲
الف: مناقصه‌گزار: بانک ملت
ب: موضوع مناقصه: خرید تعداد ۱۰۰,۰۰۰ بسته کاغذ A4
ج: تضامین لازم برای شرکت در مناقصه: ضمانت‌نامه بانکی بدون قید و شرط شرکت در مناقصه (غیر از بانک ملت) و یا ارائه چک بانکی/بین بانکی غیر از چک عادی مشتریان به مبلغ ۱۴,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال یا فیش واریز نقدی مبلغ فوق به‌حساب جاری جام به‌شماره ۲۰۲۴۰۱۳۵۹۵ به شناسه واریز ۱۴۰۴۱۷۵۰۰۱۰۱۳۲۱۳۷ (قابل پرداخت درکلیه شعب بانک ملت)
د: مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد مناقصه: ارائه معرفی‌نامه و فیش واریز مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال به‌حساب جاری جام شماره ۲۰۲۴۰۱۰۲۶۵ با شناسه ۱۴۰۴۱۷۵۰۰۱۰۱۳۲۲۲۶ قابل پرداخت درکلیه شعب بانک ملت.
هـ: محل دریافت اسناد مناقصه: تهران - خیابان طالقانی- مقابل ساختمان وزارت نفت- ساختمان شماره ۳۸۰ - طبقه ششم - واحد معاملات و قراردادها.
شماره تماس: ۰۲۱-۶۴۸۲۱۳۳۸ / ۰۲۱-۶۴۸۲۱۰۵۰

جدول زمانی انجام مناقصه	
آغاز توزیع اسناد مناقصه	ساعت ۰۸:۰۰ صبح مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۶
مهلت ارسال مدارک مناقصه	تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۹
تاریخ بازگشایی پاکت‌ها	رأس ساعت ۰۸:۴۵ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۰

اداره کل تدارکات - واحد معاملات و قراردادها

نوبت اول
مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
فراخوان مناقصه پروژه عملیات احداث زمین فوتبال چمن مصنوعی روستای جیتو
دهیاری جیتو در نظر دارد فراخوان پروژه عملیات احداث زمین فوتبال چمن مصنوعی روستای جیتو به‌شماره ۲۰۰۴۰۹۴۰۵۴۰۰۰۰۰۱ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.
متقاضیان شرکت در فراخوان درصورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به‌صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به‌عمل آورند.
مواعد زمانی:
- تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۴/۰۸/۲۶
- مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۴/۰۹/۰۶
- مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۴/۰۹/۱۷
- زمان بازگشایی پاکت‌ها: ۱۴۰۴/۰۹/۱۸
نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: مبلغ ۲,۳۲۱,۶۳۲,۱۶۲ ریال (دو میلیارد و سیصد و بیست و یک میلیون و ششصدو سی و دو هزار و صدو شصت و دو ریال) که باید به یکی از صورت‌های مشروحه زیر در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد)به نشانی www.setadiran.ir بارگذاری و اصل آن در پاکتی تحت عنوان پاکت الف در زمان مقرر برای تسلیم پیشنهادها به دستگاه مناقصه‌گزار تسلیم شود.
اطلاعات تماس و آدرس دستگاه: بخش مرکزی شهرستان پاکدشت، روستای جیتو، خیابان بهشتی، پلاک ۵۰، دهیاری جیتو
شماره تلفن: ۳۶۰۴۶۱۴۸ کدپستی: ۳۳۹۹۱۸۵۷۴۳
شناسه ملی: ۱۴۰۰۶۲۴۹۷۷۸

آگهی مزایده عمومی فروش سهام
شرکت پتروشیمی تبریز
شماره ۱۴۰۴/۰۲
نوبت اول
توسعه

شرکت سرمایه‌گذاری توسعه پیشرو رفاه پردیس در نظر دارد نسبت به‌فروش ۴,۵ درصد از سهام شرکت پتروشیمی تبریز به تعداد ۲۲۴,۲۵۲,۴۴۳ سهم به ارزش ۱۶,۸۱۸,۹۳۳,۲۲۵,۰۰۰ ریال از طریق برگزاری مزایده عمومی به اشخاص حقیقی و حقوقی ذیصلاح اقدام نماید. متقاضیان خرید سهام مزبور می‌توانند از تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۵ با در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی مشتمل بر درج شماره شناسه ملی (اشخاص حقوقی) به‌همراه کد ملی (اشخاص حقیقی) در ساعات اداری به شرکت سرمایه‌گذاری توسعه پیشرو رفاه پردیس، به آدرس: تهران، میدان شیخ بهایی، خیابان اوستا، خیابان ده ونک، ساختمان سینا، پلاک ۳، طبقه ۶ مراجعه و اسناد مزایده را دریافت نمایند (شماره‌های تماس: ۰۲۱۸۸۶۲۱۴۴۸-۰۲۱۸۸۶۲۹۰۰۱).
شرایط شرکت در مزایده:
۱- ارزش پایه معامله و شرایط پرداخت ثمن معامله به‌شرح جدول ذیل به‌اطلاع متقاضیان می‌رسد.
مبالغ به ریال

نام شرکت	پتروشیمی تبریز(سهامی عام)
سرمایه ثبت شده	۴,۹۸۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
تعداد سهام قابل واگذاری	۲۲۴,۲۵۲,۴۴۳
قیمت پایه کل سهام قابل واگذاری	۱۶,۸۱۸,۹۳۳,۲۲۵,۰۰۰
مبلغ سپرده شرکت در مزایده	۱,۳۴۵,۵۱۴,۶۵۸,۰۰۰
شرایط واگذاری[1]	نقد و اقساط به‌صورت ۸۰ درصد نقد و الباقی اقساط ۳ ماهه طی ۳ سال با نرخ سود ۲۳ درصد سالیانه

[1] قیمت اعلامی، قیمت پایه بوده و اولویت واگذاری به ترتیب:
۱- با خریدارانی است که متقاضی خرید نقدی بوده و قیمتی بالاتر از قیمت پایه را پیشنهاد نمایند.
۲- با خریدارانی است که حصه نقدی بیشتر و قیمتی بالاتر از قیمت پایه را پیشنهاد نمایند.
۲- سپرده شرکت در مزایده معادل ۱۰ درصد ارزش حصه نقدی ثمن معامله می‌باشد که می‌بایستی به‌صورت وجه نقد واریزی به‌حساب شماره ۲۹۹۱۲۶۲۰ به‌نام شرکت سرمایه‌گذاری توسعه پیشرو رفاه پردیس نزد بانک رفاه کارگران شعبه دادمان یا ضمانت‌نامه بانکی معتبر، غیر از بانک رفاه کارگران با اعتبار سه ماهه به‌صورت عندالمطالبه قابل تمدید و بی‌قید و شرط ارائه گردد. حق فروشنده جهت بررسی، قبول یا رد و درخواست اصلاح متن ضمانت‌نامه در مهلت محدود، محفوظ و متقاضی مکلف به رعایت آن است.
۳- متقاضیان می‌بایست پیشنهادات خود را نسبت به کل سهام عرضه شده، حداکثر تا پایان وقت اداری روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۹ به نشانی اعلام شده فوق تحویل و رسید دریافت نمایند. بدیهی است به پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر واصل گردد ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۴- شرکت در مزایده به معنی اطلاع و آگاهی کامل متقاضی نسبت به شرایط شرکت بوده و خریدار با شرکت در مزایده کلیه اختیارات خصوصاً خیار غبن ولو فاحش را از سوی خود سلب و اسقاط می‌نماید.
۵- چنانچه برنده مزایده ظرف مهلت مقرر از تاریخ ابلاغ توسط مزایده‌گزار نسبت به امضای قرارداد تدوین شده توسط حوزه حقوقی شرکت و پرداخت بخش نقدی ثمن معامله و ارائه اسناد تضمین اقدام ننماید، هیچ‌گونه ادعایی نسبت به سپرده شرکت در مزایده نخواهد داشت و مزایده‌گزار می‌تواند ضمانت‌نامه بانکی ارائه شده را به نفع خود ضبط نماید.
۶- پاکت‌های مزایده در ساعت ۱۰:۰۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۲ در سالن جلسات شرکت سرمایه‌گذاری توسعه پیشرو رفاه پردیس در آدرس مذکور مفتوح خواهد گردید. حضور پیشنهاد دهندگان یا نماینده قانونی آنان در جلسه با ارائه مدارک شناسایی یا معرفی‌نامه معتبر، مجاز می‌باشد. در جلسه مزبور صرفاً خریداران حائز رتبه‌های اول و دوم معرفی گردیده و برنده نهایی متعاقباً اعلام خواهد شد.
۷- استرداد سپرده شرکت در مزایده برنده دوم(وجه نقد/ضمانت‌نامه بانکی معتبر - وفق بند ۲) منوط به انعقاد قرارداد و تسویه کامل بخش نقدی ثمن معامله و دریافت اسناد تضمین از برنده اول مزایده می‌باشد. سپرده شرکت در مزایده سایر مزایده‌گران پس از برگزاری جلسه مزایده مسترد می‌گردد.
۸- فروشنده در رد یا قبول هر یک از/ کلیه پیشنهادات واصله مختار است.

خبر روز

وزارت صمت مسئول تعیین قیمت خودروهای وارداتی شد

گمرک ایران درباره چگونگی تعیین ارزش و تغییرات تعرفه‌ای خودروهای سواری و سنگین وارداتی توضیحاتی ارائه داد. بر اساس تبصره (۶) قانون خودرو مصوب سال ۱۳۷۱ که به موجب ماده (۱۲) قانون الحاق موادی به قانون خودرو اصلاح شده است تعیین ارزش کالاهای مشمول قانون خودرو بر عهده وزارت صنعت، معدن و تجارت و با هماهنگی گمرک جمهوری اسلامی ایران است. بر اساس این گزارش، به همین منظور کارگروهی تخصصی در وزارت صمت تشکیل می‌شود که شامل ۵ عضو است؛ ۴ عضو از کارشناسان آن وزارتخانه و یک عضو از گمرک ایران. این کارگروه پس از بررسی و تعیین ارزش خودروها، صورت‌جلسه مربوط را تنظیم و نتیجه را در نامه‌ای رسمی برای ایجاد شناسه ارزش به گمرک ایران اعلام می‌کند. گمرک ایران نیز بلافاصله پس از دریافت اعلام ارزش از طرف وزارت صمت، نسبت به ایجاد شناسه در بانک اطلاعات ارزش گمرکی اقدام می‌نماید. سپس تمامی گمرکات اجرایی کشور بر اساس همین ارزش تعیین‌شده و مطابق با حقوق ورودی، عوارض و مالیات مصوب مجلس شورای اسلامی و هیأت محترم دولت، نسبت به وصول مبالغ قانونی اقدام می‌نمایند. به این ترتیب، قیمت نهایی خودروهای وارداتی بر پایه ارزش اعلام‌شده از سوی وزارت صمت و طبق فرمول قانونی شامل حقوق ورودی، عوارض، مالیات‌ها و سایر تکالیف مصوب مجلس و دولت محاسبه می‌شود. گمرک تأکید کرده است که در این فرآیند، نقش آن صرفاً اجرایی است و هیچ اختیاری در افزایش یا کاهش ارزش خودرو ندارد.

شرایط فروش

عرضه تویوتا BZ4X با قیمت قطعی

عرضه رسمی کراس‌اوور تمام‌برقی تویوتا BZ4X مدل ۲۰۲۵ آغاز شد. این محصول با قیمت قطعی ۴ میلیارد و ۴۹۰ میلیون تومان و تحویل مدت‌دار عرضه می‌شود و ثبت‌نام تنها از طریق سامانه فروش و به روش قرعه‌کشی انجام خواهد شد. متقاضیان باید برای شرکت در قرعه‌کشی مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان را در یکی از بانک‌های عامل به‌صورت وکالتی مسدود کنند. مهلت ثبت‌نام تا ۲۶ آبان ۱۴۰۴ تعیین شده است. در این طرح، سود انصراف ۱۰ درصد لحاظ شده اما جریمه تأخیر پیش‌بینی نشده است. همچنین در صورت انصراف تا ۲۰ روز کاری، وجه پرداختی بازگردانده می‌شود. تویوتا BZ4X از یک موتور الکتریکی سنکرون دائم بهره می‌برد که ۱۵۰ کیلووات (۲۰۱ اسب‌بخار) قدرت و ۲۶۶ نیوتن‌متر گشتاور تولید می‌کند.

بازار خودرو

رکود معاملات و جهش قیمت‌ها

بازار خودرو در دومین روز هفته روند صعودی خود را حفظ کرد. با این حال، فعالان بازار تأکید می‌کنند که حجم معاملات بشدت پایین است و بیشتر رشد قیمت‌ها ناشی از نوسانات نرخ ارز و افزایش قیمت‌ها در سایت‌های خرید و فروش آنلاین است. کارشناسان می‌گویند کمبود عرضه و عدم فاکتور برخی خودروها نیز عامل دیگری برای افزایش قیمت‌ها محسوب می‌شود و در صورت عرضه کافی، قیمت‌ها احتمالاً کاهش خواهند یافت. در بخش خودروهای داخلی، دناپلاس EF75 دنده ساده با رشد ۲۰ میلیون تومانی، به یک میلیارد و ۱۲۰ میلیون تومان رسید. در بازار خودروهای مونتاژی و وارداتی، تغییرات گسترده‌تری مشاهده شد؛ به طوری که، ام وی‌ام X55 PROIE با افزایش ۳۵ میلیون تومانی به ۲ میلیارد و ۱۵۰ میلیون تومان رسید. کی‌ام سی SR3 با کاهش ۳۰ میلیون تومانی به یک میلیارد و ۷۱۰ میلیون تومان کاهش یافت. اما مزدا۳ وارداتی افزایش ۳۰۰ میلیون تومانی را تجربه کرد و به ۴ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان رسید. سوزوکی جیمنی ۵ در نیز با ۴۰۰ میلیون تومان افزایش، به ۳ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان رسید. در مقابل، تویوتا کمری هیبریدی با کاهش ۱۵۰ میلیون تومانی، از ۷ میلیارد و ۵۰ میلیون تومان به ۶ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان عقب‌نشینی کرد.

معاون بازرسی و نظارت بر کالاهای سرمایه‌ای سازمان حمایت در گفت‌وگو با «ایران»:

سود تأخیر تحویل، حق قانونی خریداران است

بیشترین میزان شکایت خریداران خودرو، عدم تحویل بموقع خودرو است

گفت‌وگو

یاسمن صادق شیرازی
گروه خودرو

تأخیرهای طولانی در تحویل خودرو به یکی از جدی‌ترین چالش‌های بازار تبدیل شده است. تا جایی که برخی خریداران ماه‌ها و حتی بیش از یک سال است تکمیل وجه کرده‌اند؛ اما هنوز پشت فرمان خودروی ثبت‌نامی‌شان ننشسته‌اند. مراجعه‌های پی‌درپی به نمایندگی‌ها، تجمع مقابل شرکت‌ها و حتی پهن کردن زیلو مقابل یک نمایندگی برای دریافت خودرو، تصویری از بحران اعتماد میان مصرف‌کننده و عرضه‌کنندگان خودرو را نشان می‌دهد. در همین بین گلایه‌هایی از بازگرداندن اصل پول بدون پرداخت سود دیرکرد از سوی برخی خریداران مطرح می‌شود. سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان به‌عنوان متولی و حامی مصرف‌کنندگان یکی از سازمان‌هایی است که در جریان تأخیر تحویل خودروسازان و واردکنندگان است. برای همین به سراغ احمد شانیان، معاون بازرسی و نظارت بر کالاهای سرمایه‌ای رفتیم تا درباره نحوه شکایت از خودروسازان و پیگیری حقوق خریداران سؤال کنیم که به شرح زیر است.

در روزهای اخیر، تجمع‌هایی مقابل وزارت صمت مشاهده شده است. برخی از خریداران محصولات شرکت‌های خصوصی و دولتی مدعی هستند خودروهای‌شان تحویل داده نشده و افزایش قیمت‌ها نیز اعمال شده است. مردم در چنین شرایطی چه از خودروسازان دولتی، چه خصوصی و مونتاژی هنگام بروز مشکلات و نارضایتی، به کدام نهادها یا مراجع رسمی برای شکایت باید مراجعه کنند؟

بر اساس دستورالعمل رسیدگی به شکایات مصرف‌کنندگان خودرو، مشتریان ابتدا باید موضوع را از طریق واحد ارتباط با مشتریان همان شرکت پیگیری کنند. اگر پاسخ مناسب دریافت نشد، می‌توانند به اداره صنعت، معدن و تجارت استان محل سکونت یا سازمان حمایت درخواست کتبی ارائه دهند. در این مرحله، اعتراض به شرکت تولیدی یا وارداتی منعکس می‌شود و اگر پاسخ قانع‌کننده ارائه نشود، طبق دستورالعمل، برای طرح شکایت به مراجع قضایی راهنمایی خواهند شد. البته خریدار می‌تواند از ابتدا نیز شکایت را مستقیماً در دستگاه قضایی ثبت کند. همچنین بر اساس رأی وحدت‌رویه دیوان عدالت اداری، عدم پرداخت خسارت تأخیر تحویل خودرو قابل رسیدگی در تعزیرات نیست و فقط باید از طریق محاکم قضایی دنبال شود.

بنابراین در حال حاضر مرجع رسیدگی به شکایات، دستگاه قضایی است؟

بله. رسیدگی نهایی به شکایات مربوط به تحویل خودرو و عدم ایفای تعهدات بر عهده دستگاه قضایی است. مسیر قانونی این گونه طراحی شده که ابتدا مصرف‌کننده به شرکت مراجعه کند و اگر نتیجه نگرفت، ادارات صمت وارد رسیدگی شوند. اما براساس رأی وحدت‌رویه، موضوع ایفای تعهدات از جمله تحویل خودرو و خسارت تأخیر در صلاحیت تعزیرات نیست و مرجع رسیدگی فقط قوه قضائیه است. به همین دلیل، ما نیز شکایت‌کنندگان را برای پیگیری نهایی به مرجع قضایی هدایت می‌کنیم. البته توصیه ما به خریداران این است که ابتدا این مورد را از شرکت پیگیری کنند و بعد اگر پاسخی دریافت نکردند وارد مراحل قضایی شوند.

بسیاری از شرکت‌ها حتی پس از تأخیر در تحویل خودروها حاضر به پرداخت سود تأخیر خریداران نیستند. مشتریان چگونه می‌توانند این حق را مطالبه کنند؟

همان‌طور که در بالا اشاره کردم در این مورد هم مصرف‌کننده ابتدا باید شکایت خود را در واحد امور مشتریان شرکت ثبت و کد رهگیری دریافت کند. اگر شرکت پاسخگو نبود، موضوع را در اداره صمت استان مطرح می‌کند. باوجود این، طبق رأی وحدت‌رویه، مرجع اصلی رسیدگی همچنان دادگاه است. قانون، شرکت‌های خودروسازی و واردکننده را موظف به پرداخت سود تأخیر می‌داند و زمانی که پرونده در دستگاه قضا بررسی می‌شود، دادگاه از ما استعلام می‌گیرد و بر اساس آیین‌نامه حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو اعلام می‌کنیم که پرداخت خسارت تأخیر الزامی است.

> طبق قانون، خودروسازان و شرکت‌ها ملزم به پرداخت خسارت تأخیر در تحویل خودروها هستند و این مسئولیت قانونی آنهاست

برخی از شرکت‌ها تأخیر زیادی در تحویل خودروها دارند و به دلیل بالا بودن رقم خسارت، از پرداخت آن سرباز می‌زنند. در چنین مواردی تکلیف خریداری که خودرو را دیرتر از موعد دریافت کرده و شرکت زیر بار پرداخت خسارت تأخیر تحویل نمی‌رود؛ چیست؟

طبق آیین‌نامه، شرکت‌ها ملزم به پرداخت خسارت تأخیر هستند و این مسئولیت قانونی آنها است. مشتری ابتدا می‌تواند به‌صورت مستقیم این حق را مطالبه کند. اگر شرکت پرداخت نکند، مشتری حق دارد به دستگاه قضایی مراجعه کند. درنهایت بر اساس قانون، خودروسازان موظف هستند میزان خسارت را نیز بر اساس تعداد روزهای تأخیر محاسبه و تعیین کنند.

بیشترین موضوعات شکایت در بازار خودرو مربوط به چه مواردی است؟

بیشترین شکایات مربوط به عدم ایفای تعهدات شامل تأخیر در تحویل خودرو، عدم تحویل به‌موقع و همچنین درخواست خسارت‌های تأخیر و مشارکت است. البته مواردی از گران‌فروشی نیز وجود دارد، اما اغلب سهم کمتری دارد. بر اساس مفاد مندرج در دستورالعمل تنظیم بازار خودروی سواری مصوب شورای رقابت، این سازمان صرفاً دستگاه محاسب بوده و متولی ابلاغ قیمت خودرو، وزارت صمت است. بنابراین هرگونه افزایش سرخود در میزان قیمت غیرقانونی است و باید از وزارت صمت پیگیری شود.

آیا میزان شکایات نسبت به سال گذشته افزایش یافته است؟

تعداد شکایات نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش نداشته است. با این حال، از ابتدای سال جاری، اکثر شکایت‌ها به موضوعاتی مانند عدم تحویل خودرو، اختصاص داشته است.

بیشترین موضوع شکایت از خودروسازان

بیشترین شکایات مربوط به عدم ایفای تعهدات شامل تأخیر در تحویل خودرو، عدم تحویل به‌موقع و همچنین درخواست خسارت‌های تأخیر و مشارکت است.

برش

نیم کلاچ

با خودروهای اقتصادی خداحافظی کنید

در بازار آزاد خودروی زیر ۵۰۰ میلیون تومان پیدا نخواهید کرد

سارا غضنفری
دبیر گروه خودرو

افزایش قیمت خودروها از درِ کارخانه حالا کار را به جایی رسانده است که شاهد افزایش قیمت خودروها در بازار آزاد نیز هستیم، به‌طوری‌که دیگر خبری از خودروی اقتصادی یا زیر ۵۰۰ میلیون تومان در این بازار نیست و قدرت خرید قشر متوسط جامعه هم تحت شعاع قرار گرفته است. کوئیک و اطلس که قرار بود برای قشر متوسط جامعه باشد حالا قیمت‌های ۶۰۰ و ۷۰۰ میلیون تومانی دارد. قیمت کارخانه این خودروها شاید کمتر است اما خرید خودرو از درِ کارخانه هفت‌خان رستم را در پی دارد. اما چرا خودروهای اقتصادی در حال حذف شدن از بازار هستند؟

در سال‌های اخیر، بازار خودروی ایران با تحولاتی روبه‌رو شده که نتیجه آن کاهش حضور خودروهای اقتصادی و زیر ۵۰۰ میلیون تومان است. این تغییر بیش از آن‌که به یک عامل مشخص مرتبط باشد، حاصل مجموعه‌ای از شرایط اقتصادی، صنعتی و تکنولوژیک است که به‌تدریج قیمت تمام‌شده خودروها را تحت‌تأثیر قرار داده و ساختار بازار را دگرگون کرده است.

نخستین عامل، تورم ساختاری و افزایش مستمر هزینه‌های تولید در کشور است. رشد قیمت مواد اولیه، قطعات، انرژی، دستمزد و هزینه‌های حمل‌ونقل، باعث شده بهای تمام‌شده خودرو نسبت به سال‌های گذشته افزایش پیدا کند. از آنجا که صنعت خودرو نیز مانند تمام بخش‌های تولیدی تحت‌تأثیر همین روند قرار دارد، عرضه محصول با قیمت‌های پایین سابق به گفته خودروسازان دشوار شده است. بنابراین خودروهایی که پیش‌تر اقتصادی محسوب می‌شدند، امروز در رده قیمتی بالاتری قرار گرفته‌اند.

عامل دوم، ضرورت ارتقا و به‌روزرسانی پلتفرم‌ها و فناوری‌های تولید است. بسیاری از خودروهای اقتصادی در جهان بر پایه پلتفرم‌های ساده اما مدرن ساخته می‌شوند که هزینه تولید پایینی دارند. اما در ایران، با توجه به محدودیت‌های تکنولوژیک، شرایط تأمین قطعات و نیاز به رعایت استانداردهای جدید، تولید خودروهای کاملاً اقتصادی با قیمت بسیار پایین امکان‌پذیر نیست. بویژه اینکه ارتقای خطوط تولید و بهره‌گیری از فناوری‌های جدید برای افزایش ایمنی، کاهش مصرف سوخت و بهبود کیفیت، هزینه‌هایی به همراه دارد که بر قیمت نهایی اثر می‌گذارد.

عامل سوم، ساختار خاص بازار خودرو و محدودیت‌های رقابتی است. به دلیل شرایط ویژه واردات و تمرکز بازار بر تولید داخلی، تنوع انتخاب در بازه‌های قیمتی پایین کمتر است. این ویژگی باعث شده خودروسازان به‌جای توسعه گسترده محصولات ارزان‌قیمت، بیشتر به سمت مدل‌هایی با امکانات و فناوری‌های بالاتر حرکت کنند؛ محصولاتی که به‌طور طبیعی هزینه تولید بیشتری دارند و در نتیجه در محدوده قیمتی بالاتری عرضه می‌شوند.

در کنار این عوامل، کاهش قدرت خرید واقعی خانوارها نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. با رشد هزینه‌های زندگی، مرز «قیمت قابل‌دسترس» برای بسیاری از کالاها تغییر کرده و نگاه مصرف‌کنندگان نسبت به ارزان یا گران بودن محصولات نیز متفاوت شده است. حتی خودروهایی که از نگاه تولیدکننده در رده محصولات اقتصادی قرار می‌گیرند، ممکن است برای بخشی از جامعه همچنان گران به نظر برسند. مجموعه این شرایط باعث شده خودروهای زیر ۵۰۰ میلیون تومان که سال‌ها بخش مهمی از تقاضای بازار را تشکیل می‌دادند، اکنون کمتر دیده شوند. این روند بیش از آن‌که نشانه یک مشکل خاص باشد، بازتابی از تغییر ساختار هزینه‌ها، فناوری‌ها، استانداردها و شرایط عمومی اقتصاد است.

دور تازه‌ای از رقابت در فناوری باتری‌های ایمن‌تر شروع شد

MG4 آنکسین؛ اولین خودروی تولیدی با باتری نیمه‌جامد

ترجمه

گروه خودرو

برند ام‌جی (MG) وابسته به گروه خودروسازی سایک (SAIC) قصد دارد در نمایشگاه خودروی گوانگ‌ژو که ۲۱ نوامبر برگزار می‌شود، نسخه «آن‌شین» MG4 را معرفی کند؛ مدلی که به عنوان یکی از اولین خودروهای سواری تولید انبوه مجهز به باتری نیمه‌جامد روی صحنه می‌آید. به گزارش سایت carnewschina، باتری نیمه‌جامد نوعی فناوری لیتیومی است که در آن بخش زیادی از مایعات داخل باتری با مواد جامد جایگزین می‌شود؛ اتفاقی که علاوه بر افزایش ایمنی و پایداری در برابر دما، امکان ذخیره انرژی بیشتر را هم فراهم می‌کند. این نسخه از ام‌جی ۴ با بسته باتری منگنزمحور مشترک با شرکت QingTao عرضه می‌شود و می‌تواند در استاندارد چینی CLTC تا حدود ۵۳۰ کیلومتر طی مسیر کند. قیمت فعلی خانواده MG4 نیز بین ۶۸ هزار و ۸۰۰ تا ۱۰۲ هزار و ۸۰۰ یوان در بازار چین قرار دارد.

فناوری جدید با چهره‌ای آشنا

هرچند نسخه نهایی ام‌جی ۴ آن‌شین هنوز رسماً نمایش داده نشده، اما اطلاعات ثبت‌شده نشان می‌دهد ظاهر خودرو همچنان همان الگوی شناخته‌شده ام‌جی ۴ را حفظ کرده است: بدنه هاچ‌بک عریض، چهره الهام‌گرفته از مدل سایبرستر و لوگوی نورانی که حالا به امضای طراحی این برند تبدیل شده. ابعاد خودرو هم بدون تغییر باقی مانده و همان تناسبات نسخه فعلی طول ۴۳۹۵ میلی‌متر، عرض ۱۸۴۲ میلی‌متر و ارتفاع ۱۵۵۱ میلی‌متر در این مدل نیز دیده می‌شود. در بخش عقب نیز نوار نور یک‌تکه در امتداد عرض خودرو حضور دارد و فرم چراغ‌ها همچنان طرح پیکانی شکل خانواده ام‌جی ۴ را دنبال می‌کند.

بازطراحی آرام کابین؛ نمایشگر بزرگ‌تر، دکمه‌های کمتر

تغییرات اصلی درون کابین اتفاق افتاده است. ام‌جی نمایشگر مرکزی را از ۱۲.۳ به ۱۵.۶ اینچ افزایش داده و بسیاری از دکمه‌های فیزیکی زیر نمایشگر را حذف کرده است تا فضای داخلی ظاهر یکپارچه‌تری پیدا کند. دسته‌دنده چرخشی سنتی نیز کنار گذاشته شده و یک انتخاب‌گر جدید روی ستون فرمان جایگزین آن شده است. به این مجموعه باید شارژر بی‌سیم ۵۰ واتی و سیستم هوشمند مشترک ام‌جی و اُپو که بر پایه پردازنده Snapdragon 8155 کار می‌کند را اضافه کرد؛ پردازنده‌ای که معمولاً در خودروهای رده‌بالا دیده می‌شود.

باتری جدید، وزن بیشتر؛ عملکرد تقریباً مشابه

ظرفیت باتری نسخه آن‌شین ۵۳.۹۵ کیلووات‌ساعت اعلام شده؛ رقمی برابر با نسخه استاندارد ام‌جی ۴ با باتری LFP (باتری‌های مبتنی بر فسفات‌آهن‌لیتیوم، که دوام بالا و قیمت کمتری دارند). با این حال استفاده از ساختار نیمه‌جامد باعث شده وزن خودرو حدود ۱۵ کیلوگرم افزایش یابد و به ۱۵۰۰ کیلوگرم برسد. این نسخه همچنان از یک موتور جلو با قدرت ۱۲۰ کیلووات و گشتاور ۲۵۰ نیوتن‌متر استفاده می‌کند و بنا بر اعلام سازنده، شتاب ۰ تا ۵۰ کیلومتر بر ساعت آن حدود سه ثانیه است. طبق آمار، فروش ام‌جی ۴ در ماه اکتبر به ۱۱ هزار و ۴۸۰ دستگاه رسیده و قرار است نسخه آن‌شین پس از آغاز تولید رسمی، به‌عنوان یک گزینه تازه در کنار نسخه‌های فعلی به بازار اضافه شود.

> هرچند نسخه نهایی ام‌جی ۴ آن‌شین هنوز رسماً نمایش داده نشده، اما اطلاعات ثبت‌شده نشان می‌دهد ظاهر خودرو همچنان همان الگوی شناخته‌شده ام‌جی ۴ را حفظ کرده است

باتری نیمه‌جامد چیست و چرا اهمیت دارد؟

باتری‌های نیمه‌جامد ساختاری دارند که بخش عمده الکترولیت آنها بیش از ۹۰ درصد از مواد جامد تشکیل شده و تنها بخش کمی از الکترولیت مایع در آن باقی می‌ماند. در باتری‌های رایج، همین الکترولیت مایع نقش انتقال یون‌ها را بازی می‌کند، اما می‌تواند در شرایط خاص خطر نشت یا آتش‌سوزی ایجاد کند. ساختار نیمه‌جامد علاوه بر ایمنی بیشتر، چگالی انرژی بالاتری فراهم می‌کند و مهم‌تر اینکه با خطوط تولید فعلی هم سازگار است؛ بنابراین خودروسازان می‌توانند بدون سرمایه‌گذاری عظیم در کارخانه‌های جدید، به این فناوری مهاجرت کنند. در همین حال، نهادهای نظارتی چین در حال تدوین اصطلاحات استاندارد برای این حوزه هستند و بناست واژه «باتری جامد-مایع» جایگزین «نیمه‌جامد» شود تا مرزبندی فنی میان این فناوری و باتری‌های کاملاً جامد که هنوز در مرحله توسعه‌اند، شفاف‌تر شود.

آگهی فروش سهام

گروه مالی سبه سهامی خاص

شرکت گروه مالی سبه در نظر دارد سهام شرکت کارگزاری بانک انصار را با شرایط ذیل از طریق مزایده عمومی واگذار نماید.

نام شرکت	روش واگذاری	تعداد سهام قابل عرضه: سهام قابل واگذاری	تعداد سهام قابل عرضه: درصد کل	سرمایه ثبت شده شرکت (میلیون ریال)	ارزش پایه کل سهام عرضه شده (میلیون ریال)	سپرده شرکت در مزایده (میلیون ریال)	شرایط پرداخت	ترکیب سهامداران شرکت	موضوع فعالیت شرکت
شرکت کارگزاری بانک انصار	مزایده	۱,۱۱۹,۵۰۰,۰۰۰	٪۱۰۰	۱,۱۱۹,۵۰۰	۳,۹۶۱,۳۷۰	۳۹۶,۱۳۷	نقد/ نقد و اقساط	● شرکت گروه مالی سبه (سهامی خاص) ● شرکت مهندسین مشاور توسعه راه‌آهن (سهامی خاص) ● شرکت تحلیلگران هوشمند فن‌آوری اطلاعات امید (سهامی خاص) ● شرکت لیزینگ انصار ● شرکت ایرانیان اطلس	مطابق ماده ۳ اساسنامه شرکت می‌تواند به هر یک از فعالیت‌های زیر مبادرت ورزد مشروط به اینکه مجوز مربوط به هر یک از آنها را از سازمان بورس و اوراق بهادار دریافت دارد: الف- خدمات کارگزاری، کارگزار/ معامله گری و بازارگردانی ب- خدمات مالی و مشاوره‌ای

۱- از کلیه متقاضیان خرید دعوت می‌شود از روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۷ تا روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ از ساعت ۸:۰۰ الی ۱۵:۰۰ (به‌جز روزهای پنج‌شنبه و تعطیل) ضمن معرفی نماینده خود به‌صورت مکتوب، اسناد مزایده را از دبیرخانه گروه مالی سبه به نشانی تهران، خیابان پاسداران، نیستان سوم، بلوار شیدایی، بعد از خیابان فیروزکوه، پلاک ۱۵، طبقه اول، تلفن: ۰۲۱-۲۲۷۷۲۳۹۷ داخلی ۱۰۰ دریافت نمایند.
۲- شرایط پرداخت ثمن معامله در صورت نقد و اقساط- برنده مزایده موظف است ۲۰ درصد از ثمن معامله را به‌صورت نقد و هم‌زمان با امضای قرارداد پرداخت نماید و مابقی ثمن معامله را طی ۴ قسط مساوی با فواصل زمانی شش ماهه با نرخ سود دوران تقسیط برابر نرخ مصوب شورای عالی پول و اعتبار سال ۱۴۰۴ تسویه نماید. تضامین و سایر موارد مرتبط در اسناد مزایده درج شده است.
۳- اولویت واگذاری با پیشنهادهای پرداخت نقدی است.
۴- هزینه خرید اسناد مزایده ۶۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال است که لازم است متقاضیان وجه مزبور را به شماره حساب IR۴۱۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۲۰۰۱۷۳۵۹۷ نزد بانک تجارت شعبه آفریقا-ظفر به‌نام شرکت گروه مالی سبه واریز نمایند و اصل رسید مربوط را برای تحویل گرفتن اسناد به دبیرخانه ارائه دهند.
۵- شرکت‌کنندگان در مزایده باید حداکثر تا ساعت ۱۵:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ مدارک مربوط را تکمیل و پیشنهاد قیمت خود را به‌صورت روشن و مشخص در پاکت در بسته و ممهور به مهر شخص حقوقی/ امضا شخص حقیقی، تحویل دبیرخانه نموده و رسید دریافت نمایند.
۶- گشایش پاکت‌ها روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ ساعت ۱۶:۰۰ در محل شرکت گروه مالی سبه به نشانی فوق خواهد بود. حضور شرکت‌کنندگان و یا نمایندگان تام الاختیار آنها با ارائه معرفی‌نامه در جلسه گشایش پاکت‌ها اختیاری است.
۷- به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش، ناقص، کمتر از قیمت پایه و پیشنهادهایی که پس از ساعت ۱۵:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ واصل گردد، مطلقاً ترتیب اثر داده نمی‌شود.
۸- سپرده تضمین شرکت در مزایده "معادل ۱۰٪ قیمت پایه مورد مزایده" به‌صورت چک بانکی تضمین شده و یا پرداخت نقدی به‌شماره حساب IR۴۱۰۱۸۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۲۰۰۱۷۳۵۹۷ نزد بانک تجارت شعبه آفریقا-ظفر به‌نام شرکت گروه مالی سبه قابل واریز خواهد بود.
۹- به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک‌های شخصی و نظایر آنها ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۱۰- شرکت در مزایده و دادن پیشنهاد تحت هیچ شرایطی حقی برای شرکت‌کننده ایجاد نخواهد کرد و شرکت گروه مالی سبه در رد یا قبول یک یا تمام پیشنهادها مختار است.
۱۱- برنده مزایده می‌بایست ظرف مدت بیست روز کاری پس از ابلاغ نتیجه مزایده نسبت به امضای قرارداد به محل شرکت گروه مالی سبه به نشانی فوق مراجعه نماید.
۱۲- برنده مزایده موظف است ظرف مهلت ۶ ماه از تاریخ انعقاد قرارداد، نسبت به اخذ مجوزهای لازم از سازمان بورس و اوراق بهادار اقدام نماید، بدیهی است نقل و انتقال سهام منوط به اخذ مجوزهای یادشده خواهد بود.
۱۳- سایر جزئیات و اطلاعات در اسناد مزایده درج شده است.

متهم در دادگاه:

مقتول مزاحم زن عمویم شده بود

گروه حوادث: کامران علمدهی/ مرد جوان که در یک درگیری خیابانی با ضربات مشت باعث قتل مزاحم زن عمویش شده بود در دادگاه از خود دفاع کرد.

به گزارش «ایران»، سال گذشته گزارش مرگ مردی جوان در یکی از بیمارستان های تهران به پلیس اعلام شد. بررسی‌ها نشان داد مرد جوان از ۱۰ روز قبل به خاطر ایراد ضربه شدید به سرش در بیمارستان بستری بوده و بر اثر ضربه مغزی جان باخته است.

در ادامه تحقیقات خانواده وی مدعی شدند مردی به نام فرزاد با ضربات مشت به سر مقتول باعث این حادثه شده است.

پسر مقتول نیز به پلیس گفت: «من دیدم که فرزاد پدرم را زد و وقتی من رسیدم با او درگیر شدم که بلافاصله فرار کرد.»

پس از آن پلیس ردیابی فرزاد را در دستور کارش قرار داد تا اینکه چند هفته بعد متهم دستگیر شد و به درگیری منجر به قتل اعتراف کرد و در توضیح ماجرا گفت: «اختلاف من و خانواده‌ام با مقتول از مدت‌ها قبل شروع شده بود. او در محله برای زن عمویم مزاحمت ایجاد و عمویم نیز از وی شکایت کرده بود اما بعد از شکایت عمویم ، مقتول هر روز ما را تهدید می کرد و با حرف ها و ناسزاهایی که به ما می گفت آزارمان می داد.»

وی در تشریح ماجرای درگیری گفت: «آن روز در حال رد شدن از محل بودم که با مقتول شانه به شانه و درگیر شدم . مست بود می خواست مرا بزند که من دستش را گرفتم اما به زمین خورد و حالش بد شد. همان موقع به اورژانس زنگ زدم. شکافی که در سرش ایجاد شده ربطی به من ندارد مربوط به ضربه قمه ای است که قبلاً به سرش خورده بود.»

در بررسی های بعدی مشخص شد که تعدادی عکس و فیلم خصوصی از زن عموی متهم در تلفن همراه مقتول وجود داشته است.

در ادامه زن عموی متهم احضار شد و در توضیح ماجرا گفت: «مقتول مزاحم من می شد. او تلفنم را دزدیده بود و عکس و فیلم های خصوصی ام را کپی کرده بود و مدام ما را با انتشار عکس و فیلم‌ها تهدید می کرد.»

با تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به شعبه ۹ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای جلسه ۴ فرزند مقتول درخواست قصاص کردند. سپس متهم به جایگاه رفت و با تکرار اظهاراتش گفت: «روز درگیری من کاری با او نداشتم خودش درگیری را شروع کرد.»

قاضی پرسید: «اختلاف شما با مقتول سر زن عمویت بوده؟»

متهم جواب داد: «اختلاف عمویم با مقتول ربطی به من نداشت.»

پسر مقتول که در لحظه درگیری شاهد ماجرا بود به قضات گفت: «متهم می گوید به من ربطی نداشت اما مدام خودش را دخالت می داد. پدرم و عموی متهم هر دو از هم شکایت کرده بودند. بعد هم متهم گفته شیار روی سر پدرم مربوط به ضربه قمه بوده در حالی که مربوط به جراحی کاشت مو بوده او پدرم را با ضربه مشت به قتل رساند. من چند ساعت پیش از درگیری شاهد بودم که فرزاد تلفنی با پدرم قرار دعوا گذاشت اما حالا می گوید من کاری به او نداشتم.»

متهم در پایان گفت: «من قصدی برای کشتن خسرو نداشتم.» بعد از اظهارات متهم قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

سقوط مرگبار زن سالخورده از تخت بیمارستان

گروه حوادث/ خانواده زن سالخورده‌ای که در بیمارستان بر اثر ضربه مغزی جان باخته است از کادر درمان شکایت کردند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، روز ۲۴ آبان‌ماه، پرونده مرگ زن سالخورده‌ای برای رسیدگی به بازپرس محسن اختیاری سپرده شد. دختر این زن ۷۶ ساله گفت: «مادرم بیماری کلیه داشت و به خاطر عفونت کلیوی به او سوند وصل شده بود، اما باید هر چند وقت یک‌بار به بیمارستان مراجعه می‌کردیم تا سوند او تعویض شود. روز حادثه وقتی پرستاران در حال تعویض سوند بودند، برای چند دقیقه از اتاق بیرون رفتم اما وقتی برگشتم مادرم روی تخت نبود. از پرستار سراغ او را گرفتم که به من گفت مادرم از تخت پایین افتاده است. همین موضوع باعث ضربه مغزی مادرم و مرگ او شد. حالا از کادر درمان شکایت داریم که چرا مراقب مادرم نبودند.»

با شکایت خانواده زن سالخورده، بازپرس شعبه اول دادسرای امور جنایی پایتخت دستور تحقیق از کادر درمان را در خصوص مرگ زن سالخورده و علت اصلی مرگ صادر کرد.

رهایی از کابوس مرگ با رضایت خانواده مقتول

گروه حوادث/ مرد ضایعات جمع کن که به جرم قتل همکارش به قصاص محکوم شده بود با بخشش خانواده مقتول از مرگ نجات یافت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، یک مرداد سال ۹۹، در یکی از خیابان‌های جنوب تهران مردی حدوداً ۵۰ ساله که در کار جمع‌آوری ضایعات بود به دست همکارش به قتل رسید. با بدست آمدن هویت متهم، کارآگاهان راهی خانه مرد میانسال شدند. اما همسر وی مدعی بود که شوهرش در خانه نیست اما وقتی کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی پایتخت به بازرسی از خانه پرداختند مرد میانسال را داخل حمام پیدا کردند. متهم در تحقیقات گفت: «روز حادثه مقتول به من تهمت زد که ضایعات و مقداری سیم از وسایل او برداشته‌ام. بعد گونی‌ام را خالی کرد و متوجه شد که وسایل او داخل گونی‌ام نیست. اما به من حمله کرد من هم برای اینکه او را بترسانم، با چاقوی میوه خوری که همراهم بود او را زدم و فرار کردم اما چند خیابان آن طرف‌تر با خودرویی تصادف کردم و آسیب دیدم.» با تکمیل پرونده او در شعبه ۱۱ دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه رفت و به درخواست اولیای دم قضات دادگاه رأی بر قصاص صادر کردند. با تأیید این حکم، پرونده مرد میانسال به شعبه چهارم اجرای احکام دادسرای جنایی ارجاع شد. دو هفته قبل با تعیین وقت اجرا، مرد میانسال پای چوبه دار رفت اما اولیای دم به او دو ماه مهلت برای جلب رضایت دادند. سپس تلاش واحد صلح و سازش دادسرا به ریاست قاضی امین کرمانی نژاد برای جلب رضایت آغاز شد و درنهایت اولیای دم به خاطر رضای خدا و با دریافت دیه از قصاص گذشت کردند.

تصمیم بازپرس جنایی مرد زندانی را از مرگ نجات داد

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ دستور بازپرس جنایی تهران برای باز کردن پابند الکترونیکی یک زندانی، وی را از خطر مرگ حتمی نجات داد.

به گزارش «ایران»، ساعت ۹ شب شنبه ۲۴ آبان، حراست بیمارستانی در پایتخت در تماس با بازپرس محسن اختیاری از حضور مردی با پابند الکترونیکی در بیمارستان خبر داد و گفت: «مرد جوانی با پابند الکترونیکی به بیمارستان مراجعه کرده که از ناحیه پا دچار آسیب‌دیدگی شدیدی شده و پزشک معالجش تشخیص آمبولی داده است. اگر خیلی سریع عمل جراحی نشود مرگش حتمی است. پزشک معالج گفته در پای بیمار که پابند دارد لخته خونی بوجود آمده که در حال حرکت به سمت قلب و عناصر حیاتی بدن است و اگر سریع عمل نشود مرگ او را رقم خواهد زد. اما برای عمل جراحی باید پابند الکترونیکی باز شود و این کار نیاز به دستور قضایی دارد. از آنجایی که این ساعت شب امکان دسترسی به قاضی پرونده‌اش وجود ندارد، با بازپرس کشیک قتل پایتخت تماس گرفتیم تا طبق دستور شما و زیر نظر شما پابند باز شود تا پزشک بتواند عملش کند.»

بازپرس شعبه اول دادسرای امور جنایی پایتخت نیز با پزشک معالج مرد زندانی مشورت کرد و از آنجایی که پزشک نیز اعلام کرد که از دست دادن زمان احتمال مرگ مرد جوان را زیاد می‌کند، دستور باز کردن پابند صادر شد تا وی با نظارت مأمور مراقب عمل شود.

در ادامه تحقیقات نیز مشخص شد مرد ۳۰ ساله به خاطر حمل مواد مخدر سه سال زندان بوده و چند ماه قبل درخواست آزادی مشروط با پابند الکترونیکی داده است. از آنجا که در زمان زندان رفتار مناسبی داشته و با حفظ قرآن و کمک به دیگر زندانیان باعث جلب رضایت مسئولان زندان شده بود، قاضی پرونده‌اش با آزادی مشروط وی با وثیقه موافقت کرد و قرار شد مدت زمان باقی مانده از حبسش را با پابند الکترونیکی سپری کند. اما چند روز قبل وقتی برای خالی کردن آب کولر خانه‌اش به پشت بام رفته بود وقتی روی چهارپایه ایستاده بود ناگهان تعادلش را از دست داده و روی مقداری وسایل فلزی و آجر که در گوشه‌ای از پشت بام بود، سقوط کرده و پایش بشدت آسیب دیده بود.

از گوشه و کنار ایران

پلیس در جست‌وجوی «ستاره» گمشده

پرونده گم شدن مرموز دختر ۱۸ ساله آبادانی با دستور ویژه دادستان عمومی و انقلاب آبادان در دستور کار نیروی انتظامی قرار گرفت.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، ساعت ۸ شب پنجشنبه ۱۵ آبان‌ماه ستاره حیدری، دختر ۱۸ ساله آبادانی از خانه خارج شد تا از مغازه لوازم تحریری که در نزدیکی خانه‌شان بود، خرید کند. به گفته پدرش، هرچند فاصله خانه تا مغازه ۱۰ دقیقه بیشتر زمان نداشت اما وقتی ساعتی طول کشید و ستاره به خانه برنگشت، خانواده‌اش نگران شده و با او تماس گرفتند که هر دو خط او خاموش بود. این آغاز ماجرای مرموز ناپدید شدن ستاره بود. بررسی تصاویر دوربین‌های مداربسته و تراکنش صورت گرفته از کارت بانکی او نشان می‌داد وی بعد از خرید از مغازه خارج شده و به سمت خانه حرکت کرده اما هنگام عبور از پارکی که در مسیرش بوده ناگهان ناپدید شده است.

روح‌الله زندی، دادستان آبادان در این‌باره گفت: «با اعلام موضوع ناپدید شدن این دختر که ساکن شهرستان آبادان است، پرونده قضایی تشکیل شده است. با توجه به نقطه‌زنی‌های انجام شده و رصد دوربین‌های مداربسته، مشخص شد این فرد در حوالی یکی از مناطق این شهرستان ناپدید شده؛ به همین دلیل پرونده با دستور قضایی برای رسیدگی به پلیس آگاهی آبادان ارجاع شده است. پلیس آگاهی از بدو تشکیل پرونده اقدامات و تحقیقات گسترده‌ای در این زمینه انجام داده و این پرونده به صورت ویژه در حال رسیدگی است که به محض پیدایش فرد مورد نظر، نتیجه اعلام خواهد شد. وی خطاب به شهروندان گفت: «به اخبار کذب توجه نکنند و خبرهای واقعی را از طریق منابع رسمی دنبال کنند.»

خانواده این دختر جوان نیز از شهروندان درخواست کردند کسانی که در آن ساعت شب در آن محل بوده‌اند هر گونه اطلاعات یا سرنخ درباره این موضوع را به مراجع انتظامی اطلاع دهند.

عروس ۱۶ ساله قربانی خشونت همسر شد

مرد خشمگین که همسر ۱۶ ساله‌اش را با ضربات چوب به قتل رسانده بود، پس از ۳ ساعت از سوی پلیس دستگیر شد. سرهنگ ستار داداشی، فرمانده انتظامی شهرستان عجب‌شیر آذربایجان شرقی گفت: «در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر فوت مشکوک خانمی ۱۶ ساله در بیمارستان عجب‌شیر، بلافاصله مأموران انتظامی شهرستان برای بررسی در محل حاضر شدند. در تحقیقات مأموران پلیس آگاهی مشخص شد مقتول به علت اختلافات خانوادگی توسط شوهر ۲۷ ساله خود به قتل رسیده و قاتل پس از رساندن وی به بیمارستان از محل فرار کرده است. وی با بیان اینکه مأموران با اشراف اطلاعاتی و انجام اقدامات فنی و پلیسی، قاتل را در کمتر از ۳ ساعت دستگیر کردند، ادامه داد: «قاتل در تحقیقات اولیه با اعتراف به قتل همسرش اعلام کرد به دلیل اختلاف خانوادگی، همسر خود را با ضربات چوب‌دستی مورد ضرب و جرح قرار داده و پس از بی‌هوش شدن، او را برای مداوا به بیمارستان منتقل کرده، ولی همسرش به علت شدت ضربات وارده فوت کرده است.»

واژگونی سرویس مدرسه با ۶ دانش‌آموز

یک دستگاه خودروی سواری تاکسی پژو که به عنوان سرویس مدارس فعالیت می‌کرد، در محور زرامین به گیان شهرستان نهاوند واژگون شد و ۶ پسربچه مصدوم شدند.

داوود گمار، رئیس مرکز اورژانس ۱۱۵ و مدیریت حوادث دانشگاه علوم پزشکی همدان گفت: «این حادثه روز یکشنبه رخ داد و ۶ دانش‌آموز پسر ۷ تا ۹ ساله دچار آسیب شدند. مصدومان حادثه به بیمارستان علیمرادیان نهاوند منتقل و پس از بررسی‌های پزشکی و اقدامات درمانی تمامی دانش‌آموزان ترخیص شدند و فقط یک نفر به دلیل شکستگی دست همچنان تحت درمان قرار دارد.»

جدول سودوکو ۴۸۹۱

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچك ۳ در ۳ یکبار دیده شود

آسان

۵		۳	۲	۴			۹	
				۳		۵	۶	
	۱		۵		۹			۲
	۲	۵			۳	۸		
	۴			۲			۷	
		۷	۶			۲	۱	
۳			۸		۵		۲	
	۶	۸		۹				
	۵			۷	۱	۶		۳

متوسط

	۸		۴	۵				
۱	۹		۳		۲	۶		
۴				۶				
۷				۳	۹	۸		
		۸	۶		۵	۷		
		۶	۱	۷				۲
				۱				۷
		۲	۸		۳		۴	۶
				۲	۴		۳	

سخت

		۸				۶		۵
		۵	۴				۸	
			۵		۱		۳	
			۸		۴			۱
۲			۱		۶			۷
۴			۲		۳			
	۶		۹		۲			
	۵				۸	۴		
۸		۷				۹		

خیلی سخت

				۹			۲	۶
			۷			۹		
			۵		۱	۷	۸	
		۶	۸					۱
		۹				۴		
۱					۵	۳		
	۴	۸	۱		۶			
		۱			۷			
۶	۲			۴				

حل جدول سودوکو شماره ۴۸۹۱

یک جدول با دو شرح ۸۸۸۸

جدول روزنامه ایران دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

جدول عادی

افقی:

۱- میوه‌ای نوبر برای فصل بهار - پرستار
۲- از رودهایی که به دریای خزر می‌ریزند - بی‌باک - کیف اداری
۳- زیبا - فیلم رحیم بهبودی‌فر - وسیله تنیس
۴- نماد سال ۱۴۰۰ بود - ضد «هیچ» - بی‌ریا - جامه زنانه
۵- بردگی - وسیله توزین - مشهور
۶- مشاور - یکی از گونه‌های لبنیات - پایه
۷- ماه میلادی - جمع ودیعه - بام دنیا
۸- سمت چپ - متحیر - مجموعه حرکات رزمی
۹- رغبت، گرایش - لاجرم - فیلم کابویی
۱۰- خیسی اندک - فیلمی با بازی اکبر عبدی - هفتمین ماه سال میلادی
۱۱- سودمند - آشیانه - ضمیر خودخواه
۱۲- مخفیانه - فسخ شدن - مظهر لاغری - صدا
۱۳- دوال چرمی - خشک - پرده نقاشی
۱۴- کشور «سقراط» - رنگی نزدیک به سبز - فرزند پسر
۱۵- برنج شوشتر - از خلفای عباسی

عمودی:

۱- یکی از تجهیزات جانبی رایانه - ورزش المپیکی پایه
۲- توقف مسافر وسط راه - جمیل - بی‌آبرو
۳- نعره و فریاد - واحد پول خودمان! - خجستگی
۴- بوم - پوشش چرخ خودرو - پیچیدن - حرف جمع
۵- هزینه استفاده از خدمات یک مؤسسه - برند البسه ورزشی - پاسخ دلگیرکننده
۶- نفس چاق - حرف ناگفتنی - جاوید و پایدار
۷- همان «بوته» - فیلم سعید روستایی (روی پرده سینما) - دیگر
۸- بایگانی - زیرکی، هوشمندی - بی‌نظمی و آشوب
۹- دفتر بغلی - ابزاری تفریحی - همان «یاسمن» است
۱۰- سنگ خارا - ثقل - حرف ربط
۱۱- یار پت! - پهناور - فرمانروایی
۱۲- پرحرفی - شمار - بازار بی‌رونق - ماه آتشین
۱۳- گیاهی - راه رفتن کودک نوپا - وسیله آشپزخانه
۱۴- مایع ظرفشویی - مقطوع‌النسل - شاعر ایرانی
۱۵- رده‌ای از بندپایان غالباً آبزی که با آبشش تنفس می‌کنند - نبرد و مبارزه

جدول ویژه

افقی:

۱- اثر «زیگموند موریچ» - از صور فلکی
۲- از خودروهای ایرانی - شهر استان اردبیل - کتاب «مو یان» چینی
۳- بخش پرطرفدار پلو - به طور لزوم - بیابان، دره
۴- طریق - جنس پُر زورا! - واهمه - همگی
۵- یکی از ضمایر شخصی پیوسته - پرنده‌ای محبوب - ورزشی خشن
۶- ضربه و شوک - پول «عربستان» - محبت
۷- سال جدولی! - مورد پسند - سخن به‌موقع
۸- شهر «آلاله سرخ» - بزرگ ایل - نرم کننده
۹- میغ - نادانی - رود مرزی «صربستان»
۱۰- پسوند نظیر - به معنی کلاه - سنگی قیمتی
۱۱- فیلم مسعود مددی - جریب - نشانه وجود مفعول
۱۲- بعد از آن - بیماری تتانس - دهن‌کجی - جغد
۱۳- قانون مغولی - نخ‌نورد آسانسور صفت - خویشی
۱۴- ساز هندی - عدد پیشرفت محصل - دیوار
۱۵- چراغ آسمان - خانواده‌ای از گیاهان

عمودی:

۱- فیلم کابویی - مکتب سنت‌گرایی در ادبیات و هنر
۲- پهلوان ایران در زمان کاووس - والد - راهکاری برای انتقال انبوه پول
۳- نظر - ماشین کشاورزی - پاره شده
۴- نوعی کبک - پدربزرگ بخاری - حرف ندا - دو یار هم‌قد!
۵- بندر بوشهر - نوعی از پرش - گذرگاه خون
۶- تیم اروپایی - آیین و سنت - بالا بردن کیفیت
۷- سلاح مخرب - پیروز و موفق - واحد وزن
۸- جار و جنجال - کشتن - شکست دشمن
۹- تابناک - علم طراحی و ساخت روبات - پشت و عقب
۱۰- نامی مردانه - مستقبل - گربه عربی
۱۱- بزرگ - اندیشه - دقیقه‌ها
۱۲- قسمی قارچ خشک کرده - مخترع تلفن - نگاه گذرا - امید
۱۳- بسیار ضروری - پته - نوعی قایق
۱۴- اندک و کم - پاکسازی گیاهان هرز از زمین زراعت - مظهر حیله
۱۵- کارگردان فیلم «آسیب دیده» (۲۰۲۴) - بهتان زدن

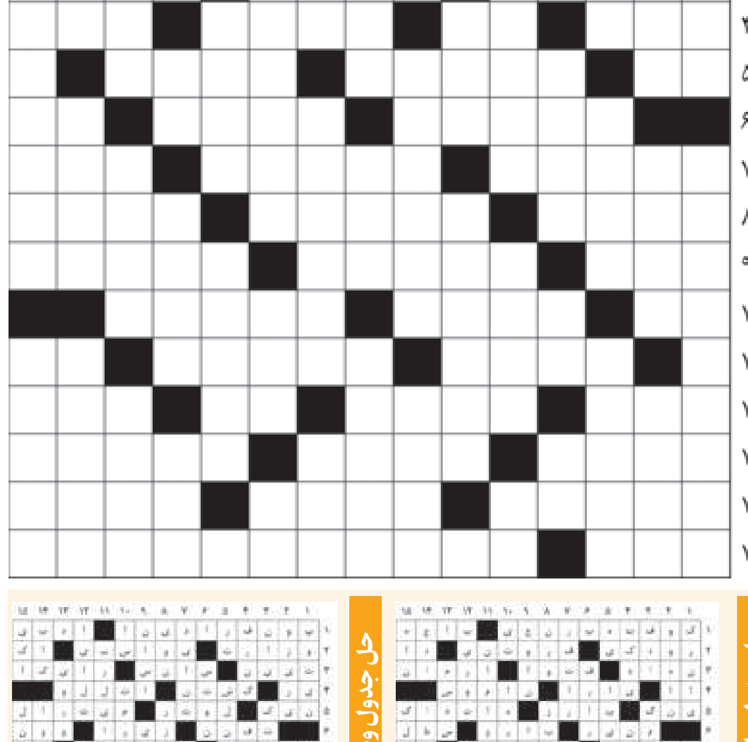

حل جدول عادی شماره ۸۸۸۷

حل جدول ویژه شماره ۸۸۸۷

«ایران» بررسی می‌کند: عملکرد تیم تنیس روی میز ایران در بازی‌های ریاض و چالش‌های پیش‌رو در جهانی و آسیایی

دستگرمی برای طلسم شکنی بزرگ

گروه ورزشی / تیم ملی تنیس روی میز ایران در بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی با کسب پنج مدال رنگارنگ، در میان رشته‌های موفق این دوره قرار گرفت. در این رشته، دختران عملکرد برجسته‌تری داشتند؛ به‌طوری که دو مدال طلا و یک برنز حاصل تلاش بانوان و یک مدال نقره و یک برنز سهم ملی‌پوشان مرد بود. بر همین اساس، تیم ملی ایران در پایان رقابت‌های تنیس روی‌میز پس از ترکیه، بر سکوی دوم جدول رده‌بندی قرار گرفت.

یکی از نکات قابل توجه در رقابت‌های تنیس روی میز ریاض، کاهش قابل‌ملاحظه میانگین سنی بسیاری از تیم‌های شرکت‌کننده بود. تیم‌ها با اعزام بازیکنان جوان و مستعد، فرصتی ارزشمند برای ظهور، تجربه‌اندوزی و ارزیابی نسل جدید این رشته فراهم کردند. در ترکیب اعزامی تیم ملی تنیس روی میز ایران نیز بنیامین فرجی، ستایش ایلوخانی و محمد موسوی طاهر به ترتیب با ۱۶، ۱۸ و ۲۱ سال سن به عنوان استعدادهای آینده‌دار راهی این رقابت‌ها شدند. حضور امیرحسین هدایی، شیما صفایی و ندا شهسواری با سنین ۲۷، ۲۲ و ۳۸ سال نیز هرچند میانگین سنی تیم را افزایش داد، اما ترکیب تجربه و جوانی موجب شد تا تیم ملی عملکردی قابل‌تحسین از خود به نمایش بگذارد. اکنون باید دید با این موفقیت، ملی‌پوشان تنیس روی میز ایران در بازی‌های آسیایی نیز قادر به تکرار این درخشش خواهند بود یا اینکه طلسم کسب موفقیت در قاره کهن همچنان پابرجا می‌ماند.

آزمون بزرگ تنیس روی میز در سرزمین سامورایی‌ها

سینا حسینی/ موفقیت ملی‌پوشان تنیس روی میز ایران در بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی، بدون تردید یکی از اتفاقات خوب کاروان ایران رقابت‌های ریاض به شمار می‌رود. کسب دو نشان طلا، یک نقره و دو برنز نشان می‌دهد دختران و پسران تنیس روی میز ایران از توانمندی و پتانسیل لازم برای موفقیت در میادین بزرگ و بین‌المللی برخوردارند. با این حال، در کنار این روزنه امید، پرسشی از سوی منتقدان مطرح است؛ آیا این موفقیت صرفاً در غیاب مدعیان شرق آسیا رقم خورده یا اینکه شاگردان لطف‌الله نسبی و لیموچی قادر خواهند بود در بازی‌های آسیایی نیز مقابل حریفان نام‌آشنا همانند ریاض بدرخشند و مدال‌های خوشرنگ را از آن خود کنند؟

تیم ملی تنیس روی میز ایران در ریاض پس از ترکیه، بیشترین تعداد مدال را کسب کرد؛ اما نگرانی‌هایی وجود دارد که با حضور مدعیان شرق آسیا در بازی‌های آسیایی ناگویای ژاپن، چنین موفقیتی تکرار نشود. بی‌شک رقابت با تیم‌هایی نظیر چین، ژاپن، کره‌جنوبی، هنگ‌کنگ و سایر کشورهایی که در رنکینگ آسیایی بالاتر از ایران قرار دارند، بسیار دشوار خواهد بود. از همین رو انتظار می‌رود کادر فنی تیم‌های مردان و زنان با بررسی تخصصی ساختار موجود و رفع ضعف‌ها، مقدمات تحقق رویای مدال‌آوری در ناگویا را فراهم کنند.

هرچند شرایط تیم بانوان تا حدودی بهتر از مردان به نظر می‌رسد، اما بررسی وضعیت هر دو تیم نشان می‌دهد شرط اصلی موفقیت در بازی‌های آسیایی ناگویا، برنامه‌ریزی استاندارد، هدفمند و بلندمدت برای کسب مدال است. به اعتقاد کارشناسان، جایگاه به دست آمده در بازی‌های همبستگی کشورهای اسلامی نباید موجب اعتمادبه‌نفس کاذب شود؛ چرا که اگر صرفاً به موفقیت دختران و مدال نقره تیم مردان تکیه کنیم، مرتکب اشتباه محاسباتی بزرگی خواهیم شد. این رقابت‌ها تنها یک تورنمنت تدارکاتی برای ارزیابی ملی‌پوشان بود و میدان اصلی نبرد در ناگویای ژاپن خواهد بود.

بدون تردید حضور چهره‌هایی همچون ندا شهسواری، شیما صفایی، برادران عالمیان، امیرحسین هدایی و همچنین بنیامین فرجی که امروز در نقش یک استعداد برجسته در ترکیب تیم ملی قرار گرفته، می‌تواند عامل مهمی در موفقیت باشد. اما باید توجه داشت رقبای آسیایی نیز با تمام توان وارد میدان خواهند شد تا مدال‌های ارزشمند قاره کهن را تصاحب کنند. بی‌شک غرور کاذب و تکیه صرف بر نتایج ریاض می‌تواند به پاشنه‌آشیل ملی‌پوشان در سرزمین سامورایی‌ها تبدیل شود.

نتایج تیم ملی مردان ضعیف بود

افشین نوروزی
کارشناس
تنیس روی میز

با اینکه تیم ملی زنان تنیس روی میز در بازی‌های کشورهای اسلامی دو مدال طلای ارزشمند کسب کرد، نتایج تیم مردان ناامیدکننده بود. در دوره گذشته، تیم مردان موفق به کسب مدال طلای تیمی و مدال‌های طلا و نقره انفرادی شده بود، اما این بار تنها توانست مدال‌های برنز و نقره تیمی و دوبل را به دست آورد.

تیم ملی مردان در مسابقه تیمی مقابل قزاقستان، رقیب سنتی خود، با نتیجه ۳-۰ شکست خورد؛ دو بازیکن این تیم همواره در رقابت‌های آسیای میانه مقابل ایرانی‌ها بازی می‌کنند.

این در حالی است که تیم زنان با تلاش شهسواری با تجربه، دو مدال طلا به دست آورد، اما اکنون پشتوانه‌ای برای انفرادی ندارد.

غیبت نوشاد و نیما در تیم مردان نشان داد که تیم بیش از حد متکی به بازیکنان کلیدی است، در حالی که موفقیت باید بر پایه مسائل فنی و ساختار تیمی باشد. به همین دلیل، بدون حضور برادران عالمیان، مدال تیمی از دست رفت.

هرچند فرجی در تیم ملی مردان در مسابقات قهرمانی آسیا درخشید، اما هنوز به ثبات لازم نرسیده است؛ به طوری که می‌تواند مقابل بازیکن چینی با رنکینگ بالا پیروز شود، اما در برابر بازیکن قزاق شکست بخورد، که این به تجربه و سن او برمی‌گردد.

نکته مهم دیگر، نقش جمیل لطف‌الله‌نسبی است که طی ۱۰ سال گذشته، مانند «آچار فرانسه» تیم ملی مردان عمل کرده است، در حالی که منصور علوی یا میدیا لطف‌الله‌نسبی صرفاً روی کاغذ به عنوان مربی تیم مطرح هستند و در اردوها تنها سرمربی رسمی محسوب می‌شوند.

شاید اکنون وقت آن رسیده باشد که کمیته فنی فدراسیون دوباره فعال شود تا با نظارت دقیق بر عملکرد سرمربیان و تحلیل عملکرد تیم، راهکارهای بهبود ارائه دهد.

وقت آن است که سرمربیگری تیم ملی از حالت سنتی خارج شده و فرد جدیدی کنار تیم قرار گیرد.

سن فقط یک عدد است

پیمان حسنی
کارشناس
تنیس روی میز

رشته تنیس روی میز از سال ۱۳۸۲ ورود خود را به رقابت‌های کشورهای اسلامی آغاز کرد و تا سال ۱۴۰۴ با کسب ۱۰ مدال طلا، ۶ نقره و ۵ برنز در بخش زنان و مردان، عنوان سرآمد کشورهای اسلامی را حفظ کرده است.

در آخرین دوره و در عربستان، بانوان ایران با هدایت سیما لیموچی با کسب ۲ مدال طلا و یک برنز عملکردی درخشان ثبت کردند. ندا شهسواری کاپیتان باتجربه تیم، در کنار شیما صفایی و ستایش ایلوخانی نمایش قابل‌قبولی داشتند. شهسواری ۴۰ ساله با عملکردش بار دیگر نشان داد که جمله «سن فقط یک عدد است» واقعیتی باورپذیر است و او همچنان می‌تواند امید ایران در رقابت‌های جهانی لندن ۲۰۲۶ و المپیک لس‌آنجلس ۲۰۲۸ باشد.

حضور رقبای قدرتمندی از جمله مصر، ترکیه و آذربایجان و نیز چهره‌های شاخصی همچون هند زازا از سوریه و ساهاکیان از لبنان، مسیر دختران ایران را دشوار کرده بود؛ با این حال، کاروان بانوان با پایان‌بندی شیرین و موفق مسابقات را ترک کرد.

اما در اردوی مردان شرایط متفاوت بود؛ غیبت برادران عالمیان تأثیر محسوسی بر ترکیب و نتایج تیم داشت. ناکامی در بخش انفرادی، شکست تیم دو نفره مقابل ترکیه و باخت سنگین در فینال تیمی برابر قزاقستان، مانع از رسیدن تیم ایران به مدال‌های درخشان‌تر شد. در بخش انفرادی، امیرحسین هدایی در آستانه کسب مدال قرار داشت؛ اما در حالی که با نتیجه ۳-۰ پیش بود، در نهایت بازی را ۴-۳ به بولوسا از الجزایر واگذار کرد. هدایی همراه با بنیامین فرجی در بخش دو نفره نیز با وجود توانایی پیروزی بر ترکیه، شکست خوردند و به مدال برنز بسنده کردند.

در میان چهره‌های برجسته انفرادی مسابقات، می‌توان به عمر عصار از مصر با رنکینگ جهانی ۳۲، گراسیمنکو از قزاقستان با رتبه ۷۴ جهان و مهدی بولوسا از الجزایر اشاره کرد که سطح رقابت‌ها را بسیار بالا برده بودند.

لیموچی: عملکرد دختران در ریاض عالی بود

مهری رنجبر / سرمربی تیم ملی تنیس روی میز زنان ایران، از کسب دو مدال طلا و یک برنز توسط شاگردانش در بازی‌های کشورهای اسلامی ریاض ابراز رضایت کرد. به گفته او، سطح رقابت‌های تنیس روی میز اصلاً پایین نبود: «عملکرد بچه‌ها با دو مدال طلا و یک برنز واقعاً عالی بود. امسال به دلیل اینکه فدراسیون جهانی امتیاز خوبی برای رقابت‌های ریاض تعیین کرده بود، کشورها با بهترین بازیکنان خودآمده بودند، در حالی که قبلاً این طور نبود. تیم‌های ترکیه، قرقیزستان، آذربایجان، لبنان و حتی عربستان هم بازیکنان مطرح و جوانی آورده بودند که نشان می‌دهد همه کشورها در این رشته سرمایه‌گذاری کرده‌اند.

به گفته لیموچی، شهسواری با تحمل فشار زیاد دو مدال طلا کسب کرد: «ندا به عنوان نفر اول و بازیکن با تجربه تیم، فشار زیادی را تحمل کرد. او در دو فینال انفرادی و مسابقات دوبل شرایط سخت و سنگینی داشت و با ورزشکارانی رقابت کرد که از نظر سنی از او کوچکتر بودند، اما از نظر بدنی در شرایط بسیار خوبی قرار داشتند. حتی بازیکن سوری که زیر پرچم فدراسیون جهانی تمرین می‌کند و در کمپ‌های فدراسیون جهانی آماده شده بود، نیز حضور داشت. ندا تنها ورزشکار ایرانی است که دو مدال طلا در ریاض گرفت و عملکرد فوق‌العاده‌ای داشت.»

سرمربی تیم ملی، بازی‌های کشورهای اسلامی را محک خوبی برای ملی‌پوشان دانست: «ریاض میدان بسیار خوبی برای بچه‌ها بود. آنها در این رقابت‌ها یاد گرفتند

که حتی اگر عقب هستند، پا پس نکشند و تا آخرین لحظه بجنگند و اگر جلو هستند، نباید رقبا را دست کم بگیرند. همچنین یاد گرفتند تکنیک‌ها و استراتژی‌ها را در شرایط حساس به درستی اجرا کنند. شک نکنید، بچه‌های ما حتی در بازی‌های آسیایی ناگویا هم می‌توانند از تیم‌های تنیس روی میز چین و ژاپن عبور کنند.»

هدایی: باخت مقابل بلوسا بدشانسی محض بود

پریسا غفاری/ امیر حسین هدایی این بار در غیاب برادران عالمیان، کاپیتان تیم ملی دربازی‌های کشورهای اسلامی شد و دو مدال نقره و برنز تیمی و دوبل را به گردن انداخت. او ولی هیچ‌گاه شکست مقابل مهدی بلوسا از الجزایر را فراموش نمی‌کند: «این بازیکن فرانسوی است و در کمپ فرانسه تمرین می‌کند. مقابل او سه دست متوالی را بردم اما در دست‌های بعدی با کارهای غیراخلاقی که در زدن سرویس‌های فول و وقفه انداختن بازی انجام داد و اشتباه داوران غیرحرفه‌ای هم به کمکش آمد و در یک بدشانسی محض و غافلگیر کننده، باختم.»

لژیونر کشورمان در خصوص سطح بازی ها هم توضیح می‌دهد: «در این بازی‌ها نفر اول قزاقستان بود که در المپیک پاریس به جمع ۱۶ نفر برتر رسید. عمرعصار نفر هشتم المپیک نیز بود که دارنده جایگاه ۲۰ جهان است. الجزایر هم فقط اسم کشور آفریقایی را یدک می‌کشد در حالی که سه نفرش فرانسوی بودند. آنها به‌دلیل امتیاز بالای فدراسیون جهانی در این دوره به ریاض آمدند و همین مسأله سطح رقابت‌ها را بالاتر برد. با این‌حال فکر می‌کنم در فینال تیمی می‌توانستیم بهتر باشیم ولی توپ نچرخید و نایب قهرمان شدیم. معتقدم نتیجه بدی نگرفتیم.»

اما هدایی از میزبانی عربستان گلایه‌مند است: «تیم ایران سه روز زودتر از آغاز رقابت‌های تنیس روی میز به ریاض رسید ولی تا صبح روز بازی به ما سالن تمرین ندادند و همین مسأله فشار زیادی به تیم آورد. زمان بندی هم خوب نبود. من دو ساعت مسابقه انفرادی را پشت سرگذاشتم ۱۰ دقیقه بعد در دوبل شرکت کردم.»

موسوی: بد بودیم و طلا را از دست دادیم

گروه ورزشی / سید محمد موسوی طاهر، لژیونر حاضر در سوپرلیگ تنیس روی میز اتریش، در ترکیب تیم ملی برای حضور در بازی‌های کشورهای اسلامی قرار گرفت. او در جدول ۳۲ نفره بخش انفرادی و در دومین دیدار خود برابر «آلان کورمانگالیف» از قزاقستان قرار گرفت و با نتیجه ۴ بر یک شکست خورد و از دور رقابت‌ها کنار رفت. با این حال، در بخش تیمی، جسارت و عملکرد خوب موسوی باعث شد ایران با شکست الجزایر به دیدار فینال برسد. او درباره فینالیست شدن تیم ملی در بازی‌های ریاض به خبرنگار «ایران» می‌گوید: « به دلیل امتیاز جهانی، سطح این رقابت‌ها بسیار بالا بود. تیم الجزایر هم بازیکنان لژیونرش را همراه خود آورده بود که یکی از آنها در فرانسه بازی می‌کند و بازیکن مطرحی هم است. در مسابقه نیمه‌نهایی، تیم ما می‌توانست زودتر بازی را به نفع خود تمام کند، اما در بازی سوم برابر الجزایر با وجود برتری، امتیاز از دست دادیم و بازی به دست بعدی کشیده شد. دست سرنوشت‌ساز به من رسید و خدا را شکر از تجربه بازی در اروپا استفاده کردم و حریف را شکست دادم.» او سپس درباره دیدار فینال نیز توضیح می‌دهد: «فینال مقابل قزاق‌ها خیلی سخت بود. اصلاً قابل پیش‌بینی نبود و به نظرم هیچ‌کدام از نفرات تیم خوب ظاهر نشدیم و مدال طلا را از دست دادیم.»

این لژیونر کشورمان که به تمرکز بالا، تکنیک‌های فنی و روحیه جنگندگی در زمین مسابقه شناخته می‌شود، امیدوار است بتواند در ترکیب بازی‌های آسیایی حضور داشته باشد: « سطح رقابت‌ها در این بازی‌ها همیشه وحشتناک بالاست، چون تمامی بازیکنان دارای عناوین برتر رنکینگ جهانی شرکت می‌کنند و قابل پیش‌بینی نیست.»

جوانان تنیس روی میز تجربه‌های بیشتری از ما دارند

شهسواری: امیدوارم مدال‌ها را در ناگویا تکرار کنیم

گروه ورزشی/ تیم ملی تنیس روی میز زنان در بازی‌های کشورهای اسلامی خیره‌کننده ظاهر شد که اوج آن کسب مدال طلای انفرادی توسط کاپیتان ندا شهسواری بود. او در دیداری نفس‌گیر موفق شد هند زازا، نماینده سوریه را شکست دهد. شهسواری پس از این موفقیت و درخشش در ریاض به خبرنگار «ایران» می‌گوید: «برخلاف دوره‌های گذشته، سطح این مسابقات بسیار بالا بود؛ زیرا فدراسیون جهانی امتیازات ویژه‌ای برای بخش انفرادی در رده‌بندی جهانی در نظر گرفته بود و همین موضوع باعث شد بازیکنان سطح بالا در این دوره شرکت کنند. به عنوان مثال، کشوری مانند مصر که معمولاً در این مسابقات شرکت نمی‌کرد، بهترین نفرات خود را اعزام کرده بود.»

اما این تنها مدال ندا شهسواری نبود؛ او به همراه شیما صفایی با شکست تیم قهرمان اروپا موفق به کسب مدال طلای دوبل نیز شد: «در فینال دوبل، تیم ترکیه که دو بار قهرمان اروپا شده بود را مغلوب کردیم. هرچند ست اول را واگذار کردیم اما هماهنگی من و شیما موجب شد نتیجه بازی به سود ما تغییر کند. این دیدار نیز بسیار سخت بود. نکته جالب این بود که در بخش تیمی، در مرحله نیمه‌نهایی مقابل همین تیم شکست خورده بودیم و مدال برنز گرفتیم.»

شهسواری درباره امکان تکرار این مدال‌ها در بازی‌های آسیایی ناگویا نیز توضیح داد: «هرچند رقبای اصلی ما در سطح جهانی و آسیایی کشورهای شرق آسیا هستند، ولی هیچ چیز دست‌نیافتنی نیست. اگر با جذب اسپانسر بتوانیم در تورنمنت‌های بیشتری شرکت کنیم، با سبک بازی حریفان آشنایی بیشتری پیدا خواهیم کرد و این تجربه می‌تواند کمک بزرگی به ما باشد. البته همه اینها بستگی کامل به جذب اسپانسر دارد. باور کنید بازیکنان جوان ما اکنون به دلیل حضور در مسابقات بیشتر، تجربه‌شان از ما نیز بالاتر رفته است. امیدوارم بتوانیم این مدال‌ها را دوباره تکرار کنیم.»

رقیب سوری در انفرادی بیش از انتظار ظاهر شد

صفایی: با تیم کامل، شانس مدال‌آوری زنان بالا می‌رود

گروه ورزشی/ شیما صفایی، لژیونر تنیس روی میز کشورمان، پس از کسب مدال طلای دوبل و برنز تیمی در بازی‌های کشورهای اسلامی، به تهران بازنگشت و مستقیماً راهی پاریس شد تا با تیم کوئیمپر در لیگ پرو A فرانسه به میدان برود. این بازیکن درباره کسب دو مدال در این بازی‌ها به «ایران» می‌گوید: «پیش از آغاز مسابقات، روی تیم‌های مصر و ترکیه حساب باز کرده بودیم؛ اما مصری‌ها در یک‌چهارم نهایی به مالدیو باختند و ما در فینال به ترکیه رسیدیم. ترک‌ها نیز تیم جوانان و قهرمان اروپا را به ریاض آورده بودند. جدال سختی بود، اما باید گفت شکست در نیمه‌نهایی تیمی مقابل این تیم، کمک شایانی به پیروزی ما در فینال کرد.»

با این حال، بازیکن مستعد کشورمان در انفرادی نتوانست روی سکو برود: «در یک‌چهارم نهایی به رقیب سوریه، فینالیست این بازی‌ها، برخورد کردم که عالی و بیش از حد انتظار ظاهر شد. در گیم پنجم ۹-۸ جلو بودم اما دو اشتباه مکرر باعث باختم شد. ضمن اینکه دو گیم را با نتیجه ۱۱-۶ و ۱۱-۷ بردم و دو دست دیگر را با ۱۱-۹ و ۱۱-۱۰ واگذار کردم. خیلی حیف شد، ولی از عملکردم راضی‌ام.»

صفایی امیدوار است این‌بار طلسم مدال نگرفتن بانوان در ناگویا شکسته شود: «نباید فراموش کرد که در بازی‌های آسیایی بهترین‌های جهان حضور دارند و حتی مسابقات جهانی برای ما راحت‌تر است. نکته مهم، اعزام تیم با نفرات کامل است؛ دوره قبل در هانگژو تنها فرد اعزامی بودم و در همان دور اول به نفر دوم جهان برخورد کردم. اگر با تیم کامل برویم، شاید بتوانیم در دوبل یا تیمی مدال کسب کنیم.»

به ترکیه نمی‌خوردیم، فینالیست می‌شدیم

ایلوخانی: دوست دارم مثل بنیامین باشم

گروه ورزشی / ستایش ایلوخانی، ملی‌پوش ۱۸ ساله تنیس روی میز ایران، برای اولین بار توانست در کنار بزرگان این رشته قرار بگیرد و در بازی‌های کشورهای اسلامی مدال برنز تیمی کسب کند.

او پس از بازگشت به تهران به خبرنگار «ایران» می‌گوید: « تیم‌های بسیار قدرتمندی از قزاقستان، ترکیه، مصر و نیجریه حضور داشتند و با وجود اینکه عملکرد خوبی در بخش تیمی داشتیم، اما در نهایت مقابل ترکیه شکست خوردیم و به مقام سوم رضایت دادیم. به نظرم اگر در نیمه‌نهایی به ترک‌ها نمی‌خوردیم، می‌توانستیم فینالیست شویم.»

او با وجود کسب مدال برنز این رقابت‌ها، نگران مسابقات انتخابی ۱۶ آذر تیم ملی است: «این رقابت‌ها برای انتخابی مسابقات لندن است که به مناسبت صدمین سالگرد تأسیس فدراسیون جهانی برگزار می‌شود. دوست دارم در این رویداد پیراهن تیم ملی را بر تن کنم، چون رقابت با بزرگان دنیا لذت خاص خود را دارد و سطح بازی در رده بزرگسالان با جوانان متفاوت است.»

ایلوخانی حضور در بازی‌های کشورهای اسلامی را تجربه‌ای ارزشمند می‌داند: « قرار گرفتن در فهرست نهایی اعزامی‌ها برایم بسیار خوشحال‌کننده بود، کنار شهسواری و صفایی تجربیات گرانبهایی آموختم و این موضوع برایم حس خوبی داشت. حالا آرزو دارم مثل بنیامین فرجی، بزرگان تنیس روی میز جهان را شکست بدهم. البته در رده جوانان با شکست دادن نفر ۲۸ جهان از کره، این حس را تجربه کرده‌ام اما غلبه بر بزرگان در رده بزرگسالان طعم دیگری دارد.»

با چشم‌انداز یک انقلاب سبز و برای نسل‌های آینده میسر می‌شود

«سویا» جایگزین سوخت‌های فسیلی در باتری‌ها

محیط زیست

آرزوکیهان
گروه علم و فناوری

با شدت گرفتن بحران‌های زیست‌محیطی از جمله تغییرات اقلیمی، کاهش ذخایر سوخت‌های فسیلی و افزایش آلودگی هوا، نگاه جهان به سمت راه‌حل‌های پایدار برای تأمین انرژی معطوف شده است. در این میان، سوخت‌های زیستی به‌عنوان یکی از گزینه‌های نویدبخش برای جایگزینی سوخت‌های فسیلی، مطرح است. با توجه به این دیدگاه، پژوهشگران دانشگاه ملی «تسینگ‌هوا» پکن موفق شده‌اند از پروتئین سویا، ماده‌ای نوآورانه بسازند که می‌تواند در تولید نسل تازه‌ای از باتری‌های جامد به کار برود؛ باتری‌هایی که علاوه بر کارایی بالا، عمر طولانی‌تر و اثر زیست‌محیطی بسیار کمتری نسبت به نمونه‌های فعلی دارند. این تغییر به ظاهر ساده، تحولی عظیم در عملکرد باتری از سرعت شارژ گرفته تا بالا رفتن ظرفیت انرژی، ایجاد می‌کند.

جهشی سبز در دنیای باتری‌ها

پروفسور «یانگ شن» در این باره می‌گوید: «آزمایش‌های ما نشان می‌دهد باتری ساخته‌شده با سویا حتی در دمای بالای ۱۲۰ درجه هم می‌تواند تا حدود ۷۵ درصد از ظرفیت خود را در بیش از ۸۰۰ چرخه شارژ حفظ کند. همین ویژگی، این باتری را برای بسیاری از کاربردهای صنعتی و خودروهای برقی در دماهای بالا مناسب می‌سازد. در مقابل، باتری‌های لیتیوم‌یونی رایج معمولاً در دمای بالای ۶۰ درجه دچار ناپایداری می‌شوند و خطر نشت یا انفجار دارند.» این محقق می‌افزاید: «نتایج آزمایش‌ها نشان می‌دهد مواد مبتنی بر سویا، ظرفیت بالایی برای ذخیره‌سازی انرژی دارند و می‌توانند مسیر جدیدی به‌سوی توسعه الکترولیت‌های زیستی و پایدار باز کنند.»

پروتئین سویا که ماده‌ای ارزان، در دسترس و تجدیدپذیر است، ساختاری طبیعی دارد که به یون‌ها اجازه می‌دهد به‌راحتی درون آن حرکت کنند. دانشمندان با استفاده از همین ویژگی، رسانایی طبیعی آن را افزایش دادند تا کاربرد آن در باتری‌ها مناسب باشد. نتیجه، ماده‌ای با ساختار سه‌بعدی از لایه‌های سخت و نرم بود که هم مقاوم و هم انعطاف‌پذیر است. درواقع پروتئین‌های سویا پس از فرآوری می‌توانند به فیبر کربن تبدیل شوند که در ساخت الکترودها کاربرد دارد.

باتری‌هایی پاک و بادوام‌تر

یکی از چالش‌های بزرگ باتری‌ها، تشکیل لایه‌ای شیمیایی در محل تماس الکترود و الکترولیت است. در بیشتر باتری‌ها این لایه با هر بار شارژ، رشد می‌کند و به مرور زمان کارایی باتری را کاهش می‌دهد. اما در نسخه ساخته‌شده با پروتئین سویا، این لایه بسیار نازک، یکنواخت و پایدار باقی می‌ماند و حتی خاصیت انعطاف‌پذیری آن، باعث می‌شود هنگام انبساط و انقباض باتری، ترک نخورد. باتری‌هایی که با سویا ساخته شده، اثرات زیست‌محیطی کمتری نیز دارند و میزان انتشار ترکیبات سمی یا قابل اشتعال در این نوع باتری‌ها به‌مراتب کمتر است. هرچند این فناوری هنوز نیازمند اصلاح و بهینه‌سازی برای تولید در مقیاس صنعتی است، اما پژوهشگران امیدوارند روزی پروتئین سویا به پایه اصلی باتری‌های سازگار با محیط زیست تبدیل شود. این باتری‌های نو می‌توانند انقلابی در خودروهای برقی، تجهیزات الکترونیکی و حتی زیرساخت‌های ذخیره‌سازی انرژی در دماهای بالا ایجاد کنند. در آینده‌ای نه چندان دور، شاید همان دانه‌های ساده سویا که امروزه غذای میلیاردها انسان است، به نیروی محرکه سبزترین فناوری‌های بشر تبدیل شود.

تلاش‌های پژوهشگران ژاپنی نتیجه داد

رمزگشایی هوشمند میکروبیوم روده

علم

برسام جنتی
گروه علم و فناوری

باکتری‌های روده نقش عمده‌ای در سلامت انسان دارند ولی تعداد زیاد گونه‌های باکتریایی و تعامل آنها با شیمی بدن انسان، دانشمندان را برای درک اثر آنها بر بدن با چالش‌هایی مواجه می‌کند. به همین دلیل هم دانشمندان ژاپنی در یک حرکت نوآورانه، از هوش مصنوعی Bayesian neural network بهره گرفته‌اند تا میکروبیوم روده را فراتر از روش‌های سنتی، مورد بررسی قرار دهند و درنهایت بتوانند براساس آرایش میکروبی روده هر فرد، درمان‌های شخصی‌سازی شده ارائه دهند.

درحالی که بدن انسان تقریباً ۳۰ تا ۴۰ تریلیون سلول دارد، روده‌ها به تنهایی حدود ۱۰۰ تریلیون سلول باکتریایی را در خود جای داده‌اند. این میکروب‌ها علاوه بر نقش آفرینی در هضم غذا، متابولیت‌ها را تولید می‌کنند. این مولکول‌های کوچک با گردش دربدن به عنوان پیام‌رسان‌های شیمیایی، بر متابولیسم، میزان ایمنی و حتی عملکرد مغز تأثیر می‌گذارند.

«تونگ دانگ» محقق علوم زیستی در این باره می‌گوید: «مشکل این است که ما تازه شروع به درک این موضوع کرده‌ایم که کدام باکتری‌ها کدام متابولیت‌های انسانی را تولید می‌کنند و چگونه این روابط در بیماری‌های مختلف تغییر می‌کنند. با نقشه‌برداری دقیق از ارتباط باکتری-شیمیایی میکروب‌های روده، می‌توانیم به طور بالقوه درمان‌های شخصی‌سازی‌شده‌ای را توسعه دهیم. به این ترتیب می‌توان یک باکتری خاص برای تولید متابولیت‌های مفید انسانی پرورش داد یا این متابولیت‌ها را برای درمان بیماری‌ها تغییر داد.»

او چالش اصلی را مقیاس وسیع داده‌ها می‌داند و می‌افزاید: «با وجود تعداد بی‌شماری از باکتری‌ها و متابولیت‌هایی که به روش‌های پیچیده با هم تعامل دارند، شناسایی الگوهای معنادار بسیار دشوار است. برای مقابله با این مشکل، به هوش مصنوعی پیشرفته روی آوردیم. سیستم VBayesMM که می‌تواند تشخیص دهد کدام گروه‌های باکتریایی به طور قابل توجهی بر متابولیت‌های خاص تأثیر می‌گذارند، استفاده می‌کند.

با استفاده از این هوش مصنوعی روی داده‌های واقعی از مطالعات اختلال خواب، چاقی و سرطان، موفق شدیم خانواده‌های باکتریایی خاصی را شناسایی کنیم که با فرآیندهای بیولوژیکی شناخته‌شده، همسو هستند. تجزیه‌وتحلیل مجموعه داده‌های میکروبیوم همچنان از نظر محاسباتی دشوار است. با این حال، انتظار می‌رود با گذشت زمان و افزایش قدرت پردازش، این مشکل کاهش یابد.»

اولین ایستگاه روبات انباردار

محبوبه ستارزاده/ یکی از بخش‌های فناوری که این روزها در جهان بسیار مورد توجه قرار گرفته، هوش مصنوعی عاملی (Agentic AI) است و حالا شرکت لهستانی Robotec.ai اعلام کرده که با کمک این فناوری نوظهور موفق به تولید روباتی شده است که می‌تواند به صورت کاملاً خودکار و بدون نیاز به اپراتورهای انسانی، در انبارها فعالیت کند. درواقع هوش مصنوعی عاملی برخلاف سایر مدل‌ها می‌تواند تصمیم‌گیری مستقل داشته باشد و حتی رفتار خود را با توجه به محیط تغییر دهد. گفته می‌شود این روبات قرار است در یک انبار با کالاهای متفاوت فعالیت کند و وظایف مشخص شده توسط انسان‌ها را انجام دهد. همچنین علاوه بر انبارگردانی و شمارش کالا می‌تواند ایمنی انبار را هم رصد کند. این روبات به عنوان یک عامل بازرسی عمل می‌کند و هر زمان که اتفاقات غیرمنتظره یا مشکلات ایمنی در منطقه انبار شناسایی شود، به اپراتورها هشدار می‌دهد. به عنوان مثال می‌تواند خطرات ایمنی مانند نشت گاز یا مواد آتش‌زای احتمالی در انبار یا مسدود شدن خروجی‌ها را تشخیص و به طور خودکار اقدامات اصلاحی را انجام دهد. درواقع می‌توان گفت که این روبات استدلالی، به محیط در حال تغییر اطراف خود پاسخی هوشمندانه می‌دهد.

اولین روبات انباردار کاملاً خودکار که منحصراً توسط پردازنده‌های هوش مصنوعی AMD Ryzen پشتیبانی می‌شود، از قابلیت‌های هوش مصنوعی عاملی برای برنامه‌ریزی پویا و اجرای وظایف درلحظه و بدون وابستگی به اسکریپت‌های کدگذاری شده، استفاده می‌کند. شرکت Robotec.ai مدعی شده است که این روبات همچنین می‌تواند با ترکیب ادراک، استدلال و درک زبان طبیعی و پشتیبانی از مدل‌های زبان بینایی (Vision Language) نسل بعدی LFM2 Liquid AI، دستورها را تفسیر کند. کمپانی سازنده، برای اطمینان از عملکرد موفق این روبات، آزمایش گسترده‌ای در محیط های شبیه‌سازی شده ایجاد شده توسط کمپانی Open 3D Engine انجام داده است تا آزمایش، کم خطرتر و هزینه آن کمتر باشد.

حوزه فاوا

■ بر پایه گزارش تازه «الزویر» که در سال ۲۰۲۵ میلادی منتشر شده است، نام ۲۷۷۲ پژوهشگر از ایران در میان فهرست دو درصد برتر پژوهشگران جهان جای گرفته‌اند و بیشترین تحقیقات آنها در حوزه‌های پزشکی، شیمی، مهندسی و فناوری‌های توانمندساز و راهبردی بوده است. بیشتر پژوهشگران ایرانی در این فهرست در حوزه‌های پزشکی، شیمی، مهندسی و فناوری‌های توانمندساز و راهبردی پژوهش کرده‌اند. در فهرست عملکرد سالانه، حوزه پزشکی با ۸۵۳ پژوهشگر ایرانی و در فهرست عملکرد شغلی، حوزه مهندسی با ۲۸۷ پژوهشگر ایرانی در صدر قرار دارند.

■ مهدی خراسانچی، دبیر برنامه ملی توسعه اقتصاد دریامحور معاونت علمی از اجرای پایلوت هوشمندسازی بنادر در بندر بوشهر با هدف خروج فرآیندهای زائد از چرخه و روان‌سازی ورود و خروج کالا خبر داد.

■ پژوهشگران یزدی با طراحی و ساخت داربستی نوین، امکان رشد سلول‌های آندومتر رحم در شرایط آزمایشگاهی را فراهم کردند. در این پژوهش حبیب نیکوکار، محمد خواجه مهریزی و مهدیه دهقان از پژوهشکده علوم تولیدمثل یزد با همکاری گروهی و پیوند نانو و مهندسی، بافت داربستی را طراحی کرده‌اند که قابلیت نگهداری، حفظ و حتی انتقال سلول‌ها به بدن را داراست.

کوتاه از فناوری

■ گوگل در حال توسعه قابلیتی مشابه NameDrop اپل برای اندروید است که ابتدا در iOS 17 معرفی شد و امکان اشتراک‌گذاری ساده اطلاعات تماس با نزدیک‌کردن دو دستگاه را فراهم می‌کند.

■ محققان MIT یک پچ پوشیدنی و برنامه همراه برای آن با عنوان «اسکین‌سایت» ساخته‌اند که پیری پوست را تجزیه و تحلیل می‌کند و براساس نتایج، محصولات و یک برنامه مراقبت از پوست را پیشنهاد می‌دهد.

تازه‌های موبایل

■ دومین گوشی اندرویدی الهام‌گرفته از طراحی آیفون ۱۷ پرومکس، با نام ایتل A90 و قیمت ۸۲ دلار در هند عرضه شد.

ازهوش مصنوعی چه خبر؟

■ هواوی با سرمایه‌گذاری عمده در استارتاپ هوش مصنوعی GigaAI، حضور خود را در حوزه روباتیک و خودروهای خودران پررنگ‌تر می‌کند.

نماینده یزد در مجلس شورای اسلامی:

مشارکت مردم در تعیین محل مالیات منتج به نظام مالیاتی عادلانه و شفاف خواهد شد

رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس گفت: نشان‌دار کردن مالیات‌ها، گامی بزرگ در راستای تحقق مشارکت مردم در اقتصاد، اقتصاد مقاومتی و همچنین تقویت سرمایه‌گذاری به نفع تولید با هدایت منابع مالیاتی با نظر مستقیم مردم به سمت تولید و توسعه بیشتر کشور با محوریت تحقق عدالت است.

محمد صالح جوکار رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس شورای اسلامی، با اشاره به اهمیت مشارکت یافتن مردم در تعیین محل مصرف مالیات، گفت: نشان‌دار کردن مالیات یقینا در پیشبرد اهداف دولت و تکمیل پروژه‌های عمرانی سرعت می‌بخشد. این طرح در بهبود روند پروژه‌های عام المنفعه‌ای که چندین سال نیمه کاره مانده اثر مثبتی می‌گذارد. این طرح امکان توسعه هدفمند را فراهم می‌کند زیرا افراد پروژه‌هایی را که با رفع نیازهایشان همسو است، برای صرف مالیات پرداختی انتخاب کنند.

نماینده مردم یزد در مجلس درخصوص مزایای طرح نشان‌دار کردن مالیات‌ها بیان کرد: افرادی که در جامعه مالیات و عوارض می‌پردازند تمایل دارند تا نتیجه و آثار پرداخت خود را در کشور شاهد باشند. موضوع مالیات مربوط به پروژه‌های مختلف کشوری و عوارض به مباحث مرتبط با شهرداری اختصاص می‌یابد. این موضوع که مؤدیان مالیاتی با تصمیم خود بتوانند پروژه‌ای را انتخاب کنند و آگاه باشند مالیات پرداختی‌شان در چه کجا هزینه می‌شود درواقع حس مسؤولیت‌پذیری و مشارکت را در آن‌ها چند برابر می‌کند.

جوکار در ادامه افزود: یکی از اقدام‌های خوب دولت موضوع نشان‌دار کردن مالیات‌هاست که در آن مؤدیان مالیاتی نحوه مصرف مالیات پرداختی را انتخاب می‌کنند. یعنی این افراد می‌توانند به‌طور دقیق پیگیری کنند که هزینه پرداخت شده صرف چه کاری می‌شود. از دیگر مزیت‌های طرح نشان‌دار کردن مالیات‌ها افزایش شفافیت و توسعه مشارکت مردم در اقتصاد کشور است.

رئیس کمیسیون امور داخلی کشور و شوراهای مجلس در ادامه عنوان کرد: طبق اطلاعات موجود در سال ۱۴۰۳ با استفاده از طرح نشان‌دار کردن مالیات حدود دو هزار پروژه به اتمام رسیده که بخشی از این رقم مربوط به پروژه‌های بر زمین مانده‌ای بوده که امروزه با استفاده از این طرح تکمیل شده است. آمار گفته شده سبب ایجاد انگیزه در پرداخت به موقع مالیات و افزایش مشارکت مردم در همکاری با دولت بسیار مؤثر است. نماینده یزد در مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: نشان‌دار کردن مالیات یقینا در پیشبرد اهداف دولت و تکمیل پروژه‌های عمرانی سرعت می‌بخشد. این طرح در بهبود روند پروژه‌های عام‌المنفعه‌ای که چندین سال نیمه کاره مانده اثر مثبتی می‌گذارد. درواقع می‌توان گفت این طرح امکان توسعه هدفمند را فراهم می‌کند.

جوکار در ادامه متذکر شد: کشور با انواع مختلف ناترازی در بحث انرژی مواجه است به‌عنوان مثال در فصول مختلف سال با ناترازی برق، گاز، آب و... روبه رو هستیم. هریک از موارد ذکر شده به‌عنوان زیرساخت‌های اساسی و نیازهای مردم می‌تواند سرلوحه پروژه‌های نشان‌دار کردن مالیات قرار گیرد. انرژی یکی از عوامل مهم در اقتصاد کشور است که می‌توان برای رفع ناترازی آن از طرح نشان‌دار کردن مالیات استفاده کرد.

وی در ادامه افزود: برای نجات اقتصاد باید از مشارکت مردم و سرمایه‌های خرد آن‌ها استفاده کرد. بخشی از این سرمایه‌ها همان مالیات است و بخش دیگر مشارکت داوطلبانه آن‌ها در تکمیل پروژه‌های عمرانی و فعالیت‌های عام المنفعه‌ای که به‌منظور پیشبرد اهداف ملی، ایجاد شده است.

نماینده یزد در مجلس شورای اسلامی در پایان بیان کرد: نشان‌دار کردن مالیات‌ها، گامی بزرگ در راستای تحقق مشارکت مردم در اقتصاد، اقتصاد مقاومتی و همچنین تقویت سرمایه‌گذاری به نفع تولید با هدایت منابع مالیاتی با نظر مستقیم مردم به سمت تولید و توسعه بیشتر کشور با محوریت تحقق عدالت است.

نماینده فلاورجان در مجلس شورای اسلامی:

طرح نشان‌دار کردن مالیات‌ها راهگشای پروژه‌های نیمه‌تمام در استان‌ها است

عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی، اجرای طرح نشاندار کردن مالیات‌ها را اقدامی مؤثر برای تکمیل پروژه‌های عمرانی دانست و گفت: همکاری همه‌جانبه دستگاه‌های اجرایی و تسهیل فرآیندها برای مؤدیان مالیاتی، شرط اصلی موفقیت این طرح در استان‌ها است.

رمضان رحیمی دشتلوئی، نماینده مردم فلاورجان در مجلس شورای اسلامی، درباره طرح نشاندار کردن مالیات‌ها اظهار داشت: این طرح از جمله ابتکارات مثبت در حوزه مالیاتی کشور است که می‌تواند به شکل‌گیری انگیزه در میان مؤدیان و تسریع در روند اجرای پروژه‌های عمرانی در مناطق مختلف کمک شایانی کند.

وی با اشاره به اینکه منابع تخصیصی به این طرح در سال جاری با رشد ۵۰ درصدی به ۱۸ هزار میلیارد تومان رسیده، افزود: در سال گذشته حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان برای این طرح در نظر گرفته شد. امسال این رقم افزایش قابل توجهی داشته و همچنین ۱۵۰ طرح عمرانی جدید، به‌ویژه در حوزه آب و عمران، به مجموعه پروژه‌های مشمول این طرح افزوده شده است.

رحیمی شرط اصلی موفقیت این طرح را همکاری مسؤولان اجرایی و مدیران استانی دانست و تصریح کرد: نکته کلیدی در اجرای موفق طرح، همکاری مسؤولانی است که آیین‌نامه اجرایی آن را تنظیم می‌کنند. باید توجه داشت که مجوزهای مربوط به ماده ۲۳ قانون برنامه‌وبودجه برای پروژه‌هایی که قرار است از محل این منابع تأمین شوند، به‌درستی صادر شود و مسیر برای مشارکت مؤدیان هموار شود.

عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس تأکید کرد: مؤدیان مالیاتی باید با اطمینان خاطر بدانند که مالیاتی که برای اجرای این پروژه‌ها پرداخت می‌کنند، به‌حساب پرداخت رسمی مالیات آن‌ها منظور می‌شود. وقتی این اطمینان حاصل می‌شود، انگیزه مشارکت مؤدیان در پروژه‌های عام‌المنفعه افزایش می‌یابد.

وی با اشاره به ظرفیت‌های این طرح در حل مشکلات پروژه‌های نیمه‌تمام خاطرنشان کرد: در حوزه‌های مختلف مانند آب، آموزش، بهداشت و ورزش پروژه‌های بسیاری وجود دارند که به دلیل کمبود منابع نیمه‌تمام مانده‌اند. اجرای این طرح مسیر تکمیل این پروژه‌ها را هموار می‌کند، مشروط بر اینکه مسؤولان استانی با جدیت موضوع را پیگیری کرده و تصویب‌های لازم را انجام دهند.

نماینده مردم فلاورجان در مجلس افزود: از طرفی، مردم هم وقتی ببینند مالیاتی که پرداخت می‌کنند، در برابر چشمشان صرف پروژه‌های عمومی می‌شود، احساس مشارکت و رضایت بیشتری پیدا می‌کنند. این موضوع نه‌تنها به افزایش اعتماد عمومی کمک می‌کند، بلکه روحیه همکاری و امید به آینده را نیز تقویت می‌کند.

رحیمی در پایان با بیان اینکه استان‌ها و شهرستان‌ها باید از فرصت تخصیص منابع جدید به خوبی استفاده کنند، گفت: اکنون که سقف بودجه این طرح افزایش یافته و مجوز لازم نیز صادر شده است، مسؤولان در استان‌ها و شهرستان‌ها باید با پیگیری مستمر، اجرای موفق آن را تضمین کنند. در این صورت، بدون تردید شاهد آثار مثبت و ملموسی در توسعه مناطق محروم خواهیم بود.

مدیرکل امور مالیاتی استان مازندران خبر داد:

تأمین اعتبار ۴۷ میلیارد تومانی دو پروژه آموزشی در مازندران با مشارکت مؤدیان

مدیرکل امور مالیاتی استان مازندران گفت: دو پروژه ساختمان آموزشی پسران بابل و دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر دانشگاه صنعتی نوشیروانی با اعتبار ۴۷ میلیارد تومان از طریق مشارکت مؤدیان در طرح نشان‌دار کردن مالیات تأمین اعتبار شد.

بهرام سلطانی مدیرکل امور مالیاتی استان مازندران درخصوص تأمین اعتبار پروژه‌های استانی از طریق طرح نشان‌دار کردن برای دومین سال متوالی، اظهار داشت: پروژه احداث ساختمان آموزشی پسران بابل با اعتبار ۲۰۰ میلیارد ریال به‌طور کامل با مشارکت ۵۷۸ مودی از محل این طرح تأمین اعتبار شده است.

وی افزود: این پروژه یکی از طرح‌های اولویت‌دار حوزه آموزش و پرورش عمومی و مهارتی بوده و تمامی هزینه‌های آن بدون هیچ‌گونه اتکا به منابع بودجه عمومی، توسط مؤدیان مالیاتی استان تأمین شده است.

مدیرکل امور مالیاتی استان مازندران در ادامه درخصوص تأمین اعتبار دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل از طریق مشارکت مؤدیان، گفت: برای احداث و تجهیز این دانشکده، مبلغ ۲۷۱ میلیارد ریال نیاز بود که خوشبختانه تمام این اعتبار توسط ۷۱۲ مؤدی تأمین شد.

سلطانی گفت: دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل، نقش بسیار مهمی در تربیت نیروی متخصص، توسعه فن‌آوری و افزایش ظرفیت علمی استان دارد و حمایت مستقیم مردم از این طرح، نشانه توجه جامعه به اهمیت آموزش عالی و آینده‌سازان کشور است.

مدیرکل امور مالیاتی استان مازندران در پایان گفت: طرح نشان‌دار کردن مالیات‌ها به مؤدیان این امکان را می‌دهد که مالیات پرداختی خود را به‌صورت شفاف در مسیر پروژه‌های آموزشی، عمرانی و زیرساختی استان مشاهده کرده و از ثمره پرداخت‌شان بهره‌مند شوند.

استاندار سیستان و بلوچستان در گفت و گو با «ایران» از توافق مشترک با افغانستان برای مبادلات اقتصادی می گوید

چابهار و «میلک» مسیر کم هزینه تجارت با شرق

گزارش خبری

شیما جهان‌بخش
گروه ایران زمین

افغانستان پس از سال‌ها بی‌ثباتی داخلی اکنون به دنبال مسیرهای امن، کم‌هزینه و قابل پیش‌بینی برای واردات و صادرات خود است. چابهار و مرز میلک ظرفیت‌های کلیدی در این راستا محسوب می‌شوند؛ مسیرهایی که امکان انتقال کالا با سرعت بیشتر، هزینه کمتر و ظرفیت بالاتر را فراهم می‌کنند و به بخشی حیاتی از راهبرد اقتصادی این کشور تبدیل شده‌اند. اما نگاه دو کشور به توسعه مرزی، فراتر از عبور کالاست. توسعه صنعتی، لجستیک، انرژی و اشتغال نیز جزو محورهای اصلی همکاری قرار دارد. افغانستان در حال بازسازی صنایع خود است و ایران با توان فنی و ظرفیت‌های بندری، می‌تواند نقش تأمین‌کننده تجهیزات، مواد اولیه و مسیر انتقال را ایفا کند. این همکاری می‌تواند زنجیره ارزش مشترکی ایجاد کند که منافع آن به هر دو طرف برسد.

جنوب‌شرق ایران در آستانه یک جهش تازه اقتصادی و منطقه‌ای قرار گرفته است. تکمیل پروژه‌های زیرساختی و توسعه مسیرهای ترانزیتی، بویژه در چابهار و مرز میلک، این منطقه را از گذرگاه تجاری ساده فراتر برده و به محور توسعه مشترک ایران و افغانستان بدل کرده است. این تحولات، همسو با سیاست دولت جمهوری اسلامی ایران در تقویت روابط با کشورهای همسایه، نشان‌دهنده تلاش دو کشور برای تعریف مدلی تازه در تجارت، ترانزیت و توسعه مشترک است؛ مدلی که پس از سال‌ها محدودیت‌های عملیاتی، مسیر جدیدی برای توسعه اقتصادی و همکاری‌های منطقه‌ای باز می‌کند.

توسعه جاده‌ها، پل‌ها، مسیرهای ترانزیتی، حمل‌ونقل هوایی و دریایی و مناطق آزاد، فرصتی بی‌سابقه برای ایجاد اشتغال، گسترش صنایع و سرمایه‌گذاری مشترک فراهم کرده و همسو با سیاست دولت برای تقویت روابط با همسایگان، نشان‌دهنده تمرکز استان بر توسعه اقتصادی پایدار و همکاری منطقه‌ای است.

> اقدامات عملیاتی شامل توسعه جاده‌ها و پل‌ها، حمل‌ونقل هوایی و دریایی، سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد، بسته‌بندی محصولات، ایجاد گذرگاه‌های مرزی و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، همگی با هدف تقویت روابط ایران و افغانستان انجام می‌شود

سفر هیأت اقتصادی افغانستان به سیستان و بلوچستان، در روزهای اخیر بار دیگر جایگاه این مناطق را در شبکه ترانزیت منطقه‌ای برجسته کرد و نشان داد که دو کشور به اجرای یک مدل تازه در تجارت و توسعه مشترک مصمم هستند.

آمادگی سیستان و بلوچستان برای تبدیل شدن به هاب اقتصادی و صنعتی شرق کشور

زمینه‌سازی برای تجارت ۱۰ میلیارد دلاری میان ایران و افغانستان، توسعه زیرساخت‌های جاده‌ای، پل‌ها، فرودگاه‌ها و مناطق آزاد و ظرفیت‌های حمل‌ونقل هوایی و دریایی، تصویر روشنی از آمادگی استان برای تبدیل شدن به هاب اصلی همکاری اقتصادی و صنعتی در شرق کشور است که «منصور بیجار» استاندار سیستان و بلوچستان در گفت‌وگو با «ایران» ارائه می‌کند و از چشم‌انداز روشن توسعه مشترک دو کشور می‌گوید.

استاندار سیستان و بلوچستان با تأکید بر دسترسی منحصربه‌فرد مرز میلک به بندر چابهار در این زمینه اظهار کرد: «این نقطه ظرفیت مدیریت بخش عمده‌ای از مبادلات دو کشور را دارد و می‌تواند جریان تجارت ۱۰ میلیارد دلاری میان ایران و افغانستان را به واقعیت بدل کند.»

وی با اشاره به پروژه‌های زیرساختی استان افزود: «راه‌آهن چابهار-زاهدان با ۸۰ درصد پیشرفت، جاده‌های دوبانده زاهدان-میلک و پل‌های جدید، ظرفیت عبور روزانه هزاران کامیون را فراهم کرده و با هماهنگی طرف افغانستانی، روند اجرایی آنها با سرعت ادامه دارد. علاوه بر این، پنج فرودگاه فعال استان آماده برقراری پروازهای مستقیم با شهرهای افغانستان هستند تا مسیر تازه‌ای برای حمل‌ونقل کالا و رفت‌وآمد تجار ایجاد شود.»

استاندار سیستان و بلوچستان، مسیر زمینی دوم مرز میلک را نمونه‌ای روشن از عملیاتی شدن اراده دو کشور برای توسعه مشارکت اقتصادی خواند و افزود: «این مسیر ظرفیت عبور روزانه حدود هزار خودرو را دارد و بزودی ظرفیت آن افزایش خواهد یافت تا جریان تجاری دو کشور روان‌تر و سریع‌تر شود.»

بیجار همچنین به برنامه‌های عملیاتی استان برای توسعه زیرساخت‌ها اشاره کرد و گفت: «افزایش ظرفیت عبور کامیون‌ها، بهبود جاده‌ها، احداث پل دوم ابریشم و استفاده از مناطق آزاد سیستان و چابهار در حوزه ترانزیت و صادرات کالاهای اساسی، فرصت‌های بی‌نظیری برای سرمایه‌گذاری مشترک فراهم کرده است.»

نماینده دولت در سیستان و بلوچستان با تأکید بر توانمندی فرودگاه‌ها، بنادر و انرژی‌های تجدیدپذیر استان ادامه داد: «این زیرساخت‌ها می‌توانند حمل‌ونقل کالا، تجارت و حتی تولید مشترک انرژی را تسهیل کنند. استان ما آماده است تا نقش عملیاتی خود را در توسعه اقتصادی و ترانزیتی ایران و افغانستان ایفا کند.»

ایجاد تیرپارک‌های ویژه کامیون‌ها

استاندار سیستان و بلوچستان به اقدامات انجام شده برای تسهیل تردد کامیون‌ها و حمل‌ونقل کالا اشاره کرد و افزود: «با پیگیری‌های انجام شده در حال حاضر جاده خاکی مرز میلک آماده شده و اقدامات ترمیمی جزئی نیز در صورت نیاز انجام می‌شود. در واقع هدف ما افزایش ظرفیت تردد از یک‌هزار کامیون در روز به سه هزار کامیون و حتی بیشتر است. با توجه به فعالیت‌های اقتصادی گسترده در مناطق آزاد سیستان و چابهار، این هدف کاملاً قابل تحقق است.»

وی همچنین از ایجاد تیرپارک‌های ویژه کامیون‌ها خبر داد و افزود: «این تیرپارک‌ها از مرز میلک تا نزدیک چابهار، مراکز استراحت رانندگان خواهند بود و امکان سرمایه‌گذاری مشترک با تجار افغانی را فراهم می‌کنند.»

این مقام مسئول در خصوص احداث پل دوم جاده ابریشم گفت: «این پل با هدف توسعه مسیرهای ترانزیتی و اتصال اقتصادی دو کشور طراحی شده است. پیمانکاران توانمند آماده اجرای پروژه هستند و در صورت موافقت طرف افغانستانی، عملیات اجرایی ظرف یک هفته آغاز خواهد شد.»

«بیجار» با بیان ظرفیت‌های حمل‌ونقل هوایی استان اظهار کرد: «سیستان و بلوچستان با پنج فرودگاه فعال شامل زاهدان، سراوان، ایرانشهر، زابل و چابهار آماده است تا پروازهای تجاری مستقیم به مقاصد افغانستان برقرار کند و تسهیل تردد تجار و جابه‌جایی کالاهای سبک و ضروری را فراهم کند. در حوزه دریایی نیز بندر چابهار به عنوان نقطه اتصال با جهان، امکان پذیرش کشتی‌های حامل کالاهای افغانستان و ایجاد خطوط کشتیرانی به عمان و دبی را دارد.»

استاندار سیستان و بلوچستان همچنین افزود: «کشتی مسافری بین چابهار و مسقط هفته‌ای دو بار در حال انجام است و می‌تواند نیازهای مسافری و تجاری را تأمین کند.»

استاندار با اشاره به تخفیفات ویژه بندری برای کالاهای افغانی افزود: «این اقدام باعث افزایش جذابیت تجارت دو طرف و رقابت‌پذیری اقتصادی خواهد شد و زمینه توسعه صادرات، واردات و ترانزیت کالا را فراهم می‌کند.»

مناطق آزاد و فرصت‌های سرمایه‌گذاری مشترک

بیجار درباره ظرفیت سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد گفت: «مناطق آزاد سیستان و چابهار فرصت بسیار مناسبی برای سرمایه‌گذاری مشترک با تجار افغانستان فراهم کرده‌اند. بسته‌های ویژه سرمایه‌گذاری ارائه شده و امکان بسته‌بندی محصولات خشکبار افغانستان نیز در صنایع مستقر استان وجود دارد.»

وی ادامه داد: «استان سیستان و بلوچستان دارای بیشترین ظرفیت تولید انرژی‌های تجدیدپذیر از جمله انرژی بادی و خورشیدی است و امکان تولید و صادرات انرژی به افغانستان از طریق سرمایه‌گذاری مشترک فراهم شده است.»

استاندار سیستان و بلوچستان با تأکید بر اهمیت توسعه مرزهای رسمی و گذرگاه‌های محلی گفت: «مرز میلک ظرفیت محدودی برای مدیریت مبادلات ۱۰ میلیارد دلاری دارد و آمادگی توسعه مرزهای رسمی و بهره‌برداری مشترک از مرز گرمشاد و دیگر نقاط مرزی وجود دارد. همچنین ایجاد گذرگاه‌های محلی مانند شاهگل و تخته عدالت برای مردم محلی، بهبود معیشت و اقتصاد محلی را به همراه خواهد داشت.»

«بیجار» به ضرورت هماهنگی‌های اجرایی اشاره کرد و افزود: «تمام اختیارات لازم برای اجرای پروژه‌ها در استان وجود دارد و تصمیم‌گیری‌ها به سرعت انجام می‌شود. همچنین تعیین یک نماینده مشترک برای هماهنگی بین دو طرف تضمین می‌کند که مشکلات احتمالی در کمترین زمان ممکن حل شده و ظرفیت‌های تجاری و اقتصادی به بهره‌برداری برسند.»

استاندار سیستان و بلوچستان در پایان خاطرنشان کرد: «اقدامات عملیاتی شامل توسعه جاده‌ها و پل‌ها، حمل‌ونقل هوایی و دریایی، سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد، بسته‌بندی محصولات، ایجاد گذرگاه‌های مرزی و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، همگی با هدف تقویت روابط ایران و افغانستان انجام می‌شود. این برنامه‌ها نه‌تنها تجارت دو طرف را توسعه می‌دهد بلکه معیشت مردم محلی را بهبود می‌بخشد و اشتراکات فرهنگی و دینی تاریخی را تقویت می‌کند.»

برش

چشم‌اندازی روشن از توسعه مشترک ایران و افغانستان

سفر هیأت اقتصادی افغانستان به سیستان و بلوچستان نشان داد که دو کشور به توسعه پایدار روابط اقتصادی و ترانزیتی مصمم هستند. پروژه‌های عملیاتی استان، از جمله توسعه جاده‌ها، پل‌ها، مسیر زمینی دوم، حمل‌ونقل هوایی و دریایی، مناطق آزاد و انرژی‌های تجدیدپذیر، استان را به هاب اصلی تجارت ایران و افغانستان تبدیل کرده است.

توسعه گذرگاه‌های محلی و توجه به معیشت مردم، ترکیب شده با ارتقای زیرساخت‌های اقتصادی، سیستان و بلوچستان را در موقعیت راهبردی منطقه‌ای قرار می‌دهد و به عنوان پلی برای ارتباطات تجاری و انسانی میان ایران و افغانستان عمل می‌کند. تجربه اخیر نشان می‌دهد که با اراده سیاسی، برنامه‌ریزی عملیاتی و همکاری مستمر، مرز میلک و بندر چابهار می‌توانند مسیر اصلی ترانزیت کالا و نقطه‌ای برای توسعه صنعتی، سرمایه‌گذاری و تعاملات اقتصادی و اجتماعی دو کشور شوند. این روند، علاوه بر تقویت تجارت دوجانبه، نقش سیستان و بلوچستان را در سیاست‌های اقتصادی و منطقه‌ای ایران برجسته کرده و چشم‌اندازی روشن از توسعه مشترک دو کشور را نشان می‌دهد.

نبض تهران با برق می‌زند — بهینه مصرف کنیم

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای

نوبت دوم

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ (سهامی خاص)

شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ در نظر دارد نسبت به خرید کنتور هوشمند سه فاز غیر مستقیم فهام ۱ مورد نیاز خود از تولیدکننده داخلی واجد شرایط اقدام نماید.

شرح مختصری از کالا (نوع، کمیت و کیفیت کالا):

شماره مناقصه سامانه ستاد	۲۰۰۴۰۹۲۷۳۴۰۰۰۱۲۹
شماره مرجع مناقصه	۱۴۰۴۱۰۰۱۱۴۱۷
موضوع مناقصه	خرید کنتور هوشمند سه فاز غیر مستقیم فهام ۱
تعداد	۵۰۰۰ دستگاه
مبلغ ضمانت‌نامه فرایند ارجاع کار (ریال)	۱۳،۷۵۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال
مهلت فروش اسناد	از روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۶ لغایت روز یکشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۲
تاریخ انتشار مناقصه در سامانه	دوشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۶
تاریخ تحویل اسناد به دستگاه مناقصه‌گزار	تا ساعت ۹ روز دوشنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۷
تاریخ بازگشایی اسناد مناقصه	ساعت ۱۰ روز سه‌شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۸
ارزیابی کیفی	دارد
صلاحیت و گواهی‌نامه لازم	احراز حداقل استانداردهای تولید برای محصول مطابق با مشخصات فنی و الزامات پیوست اسناد قرارداد (دستورالعمل ویرایش ۲ ابلاغی شرکت توانیر) الزامی است. در این خصوص ارائه تأییدیه معتبر درخصوص کالای موضوع مناقصه از شرکت توانیر با حضور در لیست شرکت‌های دارای گواهی مطابقت موجود در سایت آن شرکت درخصوص کالای موضوع مناقصه معتبر در تاریخ ارزیابی کیفی الزامی است. تبصره: ارائه یک دستگاه نمونه کنتور، نرم‌افزار تنظیم و قرائت کنتورها نسخه local ویندوز و اندروید (درصورت وجود) و قفل سخت افزاری (درصورت وجود) همزمان با ارائه پیشنهاد ازطرف مناقصه‌گران الزامی است. نمونه دریافتی از برنده مناقصه اعاده نخواهد شد.
محل تحویل و بازگشایی اسناد	تهران - خیابان شیخ بهایی جنوبی - شهرک والفجر - انتهای کوچه سوم - اداره دبیرخانه شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ محل بازگشایی: سالن جلسات

نوع سپرده فرایند ارجاع کار: به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی و یا چک تضمین شده بانکی یا واریز وجه به‌حساب جاری شماره ۰۱۰۸۱۱۷۱۰۰۴ به‌نام شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ بانک صادرات شعبه ملاصدرا و یا بلوکه از حساب مطالبات تأیید شده نزد شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ ارائه نمایند.
_به پیشنهادهای فاقد سپرده، سپرده‌های مخدوش، سپرده‌های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایرآن ترتیب اثر داده نخواهد شد.

مبلغ فروش اسناد:
_جهت شرکت در هر مناقصه، مبلغ ۱،۵۰۰،۰۰۰ ریال به‌صورت الکترونیکی صرفاً از طریق درگاه پرداخت اینترنتی سایت سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی: www.setadiran.ir اقدام به خرید اسناد نمایند. ضمناً کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران، بازگشایی پاکت‌ها و اعلام و قبول برندگی از طریق همین درگاه انجام خواهد شد و مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.
_به پیشنهادهای فاقد امضا، مشروط، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از انقضای مدت مقرر در فراخوان واصل می‌شود، مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

شرایط متقاضیان جهت شرکت در مناقصه:
_سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه مندرج است.

نشانی‌های کسب اطلاعات بیشتر:
_سایت شبکه اطلاع‌رسانی معاملات شرکت توانیر: www.tavanir.org.ir
_سایت پایگاه ملی مناقصات: http://iets.mporg.ir
_سایت شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ: http://www.tbtb.ir
_کانال اطلاع‌رسانی فراخوان معاملات شرکت در پیام رسان بله به نشانی: ble.ir/join/EUhUVVuZvC

امور بازرگانی شرکت توزیع نیروی برق تهران بزرگ (سهامی خاص)

مزایده عمومی ۱۴۰۴/۰۹

شرکت صنایع معدنی نوظهور کویر بافق (سهامی خاص)

شرکت صنایع معدنی نوظهور کویر بافق (سهامی خاص) در نظر دارد بخشی از محصول سنگ آهن دانه بندی خود در معدن سنگ آهن آنومالی شمالی را از طریق مزایده عمومی و تشریفات قانونی به شرکت‌های واجد صلاحیت و با شرایط به‌شرح ذیل، به‌فروش برساند.

۱- موضوع مزایده: فروش محصول سنگ آهن مگنتیت ریز دانه (فاین) به مقدار ۱۰۰ هزارتن با عیار آهن ۱±۴۱ درصد به‌صورت تحویل درب معدن سنگ آهن آنومالی شمالی و براساس مشخصات فنی مندرج در اسناد مزایده.
۲- مدت قرارداد: ۳ ماه شمسی و قابل تمدید براساس شرایط مزایده.
۳- زمان دریافت اسناد مزایده: از روز دوشنبه ۲۶ آبان ماه سال ۱۴۰۴ لغایت پایان وقت اداری روز سه‌شنبه ۴ آذر ماه سال ۱۴۰۴.
۴- مدارک مورد نیاز جهت تحویل اسناد مزایده: واریز مبلغ ۱۱،۰۰۰،۰۰۰ (یازده میلیون) ریال به‌شماره شبای IR۹۶۰۱۳۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۲۷۵۰۱۴۲۶۵ بانک رفاه کارگران به‌نام شرکت صنایع معدنی نوظهور کویر بافق به‌همراه معرفی‌نامه از طرف شرکت کنندگان.
۵- نحوه دریافت اسناد:
- آدرس دفتر مرکزی: بافق - شهرک آهنشهر- میدان توحید -پلاک ۱۳۷ به کدپستی ۸۹۷۵۱۳۳۱۹۲ به‌شماره تماس ۰۳۵۳۸۴۲۱۰۰۰۹
- آدرس دفتر تهران: خیابان شریعتی- خیابان معلم -روبه‌روی مرکز جغرافیایی- برج فردوسی طبقه ششم واحد ۱ به کدپستی ۱۶۳۹۶۸۵۱۶۵ به‌شماره تماس ۰۲۱۰۸۸۳۹۷۴۲۷
همچنین جهت دریافت اوراق مزایده و سایر شرایط به آدرس www.nomico.co ویا از طریق ایمیل سازمانی cs@nomico.co مراجعه نمایید.
۶- آخرین مهلت تسلیم پیشنهادها: ساعت ۱۶:۰۰ روز شنبه مورخ ۸ آذر ماه سال ۱۴۰۴.
۷- این آگهی هیچ گونه تعهدی برای دستگاه مزایده‌گزار ایجاد نمی‌نماید و این شرکت براساس قانون برگزاری مناقصات در رد یا قبول کلیه پیشنهادها و نیز ابطال مزایده با رعایت مقررات مربوطه مختار می‌باشد.

آگهی فراخوان جذب سرمایه‌گذار

نوبت دوم

تکمیل و بهره‌برداری از تأسیسات فاضلاب شهر چمران به روش بیع متقابل (مزایده)

شرکت آب و فاضلاب خوزستان در نظر دارد براساس ماده ۳۹ قانون برنامه هفتم پیشرفت کشور مبنی بر لزوم تأمین آب صنایع از منابع آب نامتعارف و ماده ۲ قانون تشکیل شرکت‌های آب و فاضلاب مصوب سال ۱۳۶۹، **تکمیل و بهره‌برداری از تأسیسات جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب شهر چمران را در ازای تخصیص پساب تصفیه شده به‌منظور کاربری معین و با حجم مشخص برای دوره زمانی محدود و معین به روش بیع‌متقابل و با شرایط ذیل،** به سرمایه‌گذار واجد شرایط واگذار نماید.

الف) شرح مختصری از پروژه:
• موضوع پروژه: تأمین مالی جهت تکمیل تأسیسات فاضلاب شهر چمران شامل:
۱. تکمیل بخشی از شبکه فرعی، اصلی و انتقال فاضلاب و ایستگاه‌های پمپاژ
۲. تکمیل تصفیه‌خانه فاضلاب شامل تأمین برق، ساختمان و تجهیزات کلرزنی، هوادهی و محوطه سازی
سرمایه‌پذیر: شرکت آب و فاضلاب خوزستان
دوره بهره‌برداری تجاری: با ارائه مدل مالی
ظرفیت تصفیه‌خانه: ۲۰۰۰۰ مترمکعب در روز
کیفیت پساب خروجی: براساس استاندارد سازمان حفاظت محیط زیست و به‌شرح جدول ذیل، مد نظر است.

شرح	BOD_5 (mg/L)	COD (mg/L)	TSS (mg/L)	TKN (mg/L)	TP (mg/L)
کیفیت پساب خروجی	۳۰	۶۰	۴۰	۱۶	۶

ب) شرایط کلی برای سرمایه‌گذاری:
• سرمایه‌گذار به‌صورت شخص حقیقی یا حقوقی با داشتن سابقه مدیریت قابل قبول، تأمین و تخصیص سرمایه مورد نیاز را به‌عهده خواهد داشت.
• مهلت ارائه پیشنهاد: تا ساعت ۱۰:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۲ می‌باشد.
• هزینه شرکت در مزایده: ۲۰ میلیون ریال
• شماره حساب واریز هزینه شرکت در مزایده: سیبا بانک ملی به‌شماره ۰۱۰۵۰۶۴۲۰۲۰۰۳ شعبه فلکه اول کیانپارس (کد شعبه ۶۵۰۷)
• محل ارائه پیشنهاد: دفتر سرمایه‌گذاری، تجهیز منابع مالی و توسعه مشارکت شرکت آب و فاضلاب خوزستان واقع در اهواز، فلکه اول کیانپارس

شناسه: ۲۰۴۸۶۶۲

فراخوان مناقصه عمومی هم‌زمان با ارزیابی (یکپارچه) یک مرحله‌ای

نوبت دوم

احداث نیروگاه خورشیدی ستاد مرکزی منطقه دو عملیات انتقال گاز

آگهی شماره: ۸۷۳۴۰۰۵۵

شرکت انتقال گاز ایران - منطقه دو عملیات انتقال گاز

شرکت انتقال گاز ایران/منطقه دو عملیات انتقال گاز در نظر دارد مناقصه عمومی هم‌زمان با ارزیابی کیفی (یکپارچه) موضوع فوق به‌شماره ۲۰۰۴۰۹۲۶۷۸۰۰۰۰۵۰ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.
کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.
متقاضیان شرکت در فراخوان درصورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به‌صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به‌عمل آورند.
مواعد زمانی:
• تاریخ انتشار فراخوان: روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۵
• مهلت دریافت اسناد فراخوان تا: ساعت ۱۲:۰۰ روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۲
• مهلت ارسال پیشنهادات تا: ساعت ۱۲:۰۰ روز یک‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۶
• زمان گشایش پاکت‌ها: ساعت ۱۵:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۲۵
نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار:
نوع: به‌صورت یک یا ترکیبی از تضامین مورد اشاره در ماده۶ آیین‌نامه تضمین در معاملات دولتی مورخ ۱۳۹۴/۹/۲۲
مبلغ: ۱۴/۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
اطلاعات تماس و آدرس دستگاه:
آدرس: اصفهان/کیلومتر ۱۷ جاده اصفهان- نجف‌آباد/منطقه دو عملیات انتقال گاز/ کدپستی: ۸۴۳۴۱۱۴۹۶۲
شماره تماس: ۰۳۱۳۴۰۴۳۴۸۶ و ۰۳۱۰۳۴۰۴۳۴۱۹
ضمنا آگهی فوق در سایت‌های زیر قابل مشاهده می‌باشد:
http://iets.mporg.ir | http://district2.nigtc.ir | WWW.SHANA.IR
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۸/۲۵ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۸/۲۶
روابط عمومی منطقه دو عملیات انتقال گاز
شناسه ۲۰۴۸۴۷۴

چاپخانه مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران

مشاور و مجری کلیه خدمات چاپی
چاپ افست ۲ ورقی ۴ رنگ
پلیت ستر ۴/۵ ورقی/ برش و تاکنی روزنامه
۸۴۷۱۱۵۰۵-۷

آدرس دفتر:
تهران، خیابان قنبرزاده، ابتدای خیابان خرمشهر، پلاک ۲۰۸

آدرس چاپخانه:
چهاردانگه، انتهای خیابان سینجرگاز

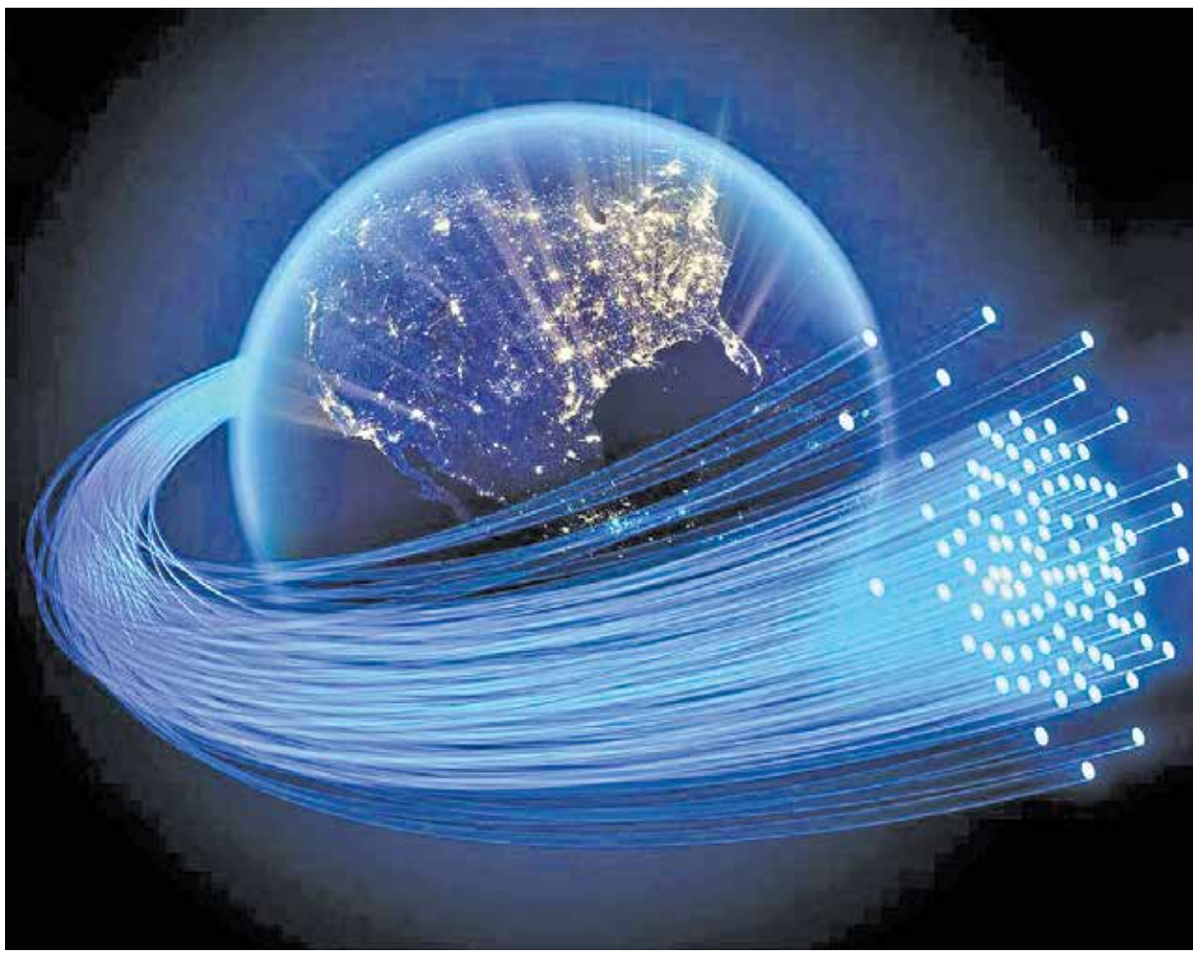

مدیرعامل شرکت مخابرات در گفت‌وگو با «ایران»:

رقابت واقعی در سرویس‌دهی است نه در ایجاد زیرساخت

فیبر نوری، زمینه‌ساز تحقق عدالت آموزشی و ارتباطی است

گفت‌وگو

میترا جلیلی
دبیر گروه علم و فناوری

تکنولوژی در جهان روندی پرشتاب دارد و ایران هم برای ورود به عصر دیجیتال، نیازمند یک جهش ملی بوده که اجرای پروژه برگردان فیبر نوری (سوآپ) توسط شرکت ملی مخابرات به‌عنوان نقطه عطف تاریخ ارتباطات کشور، این جهش را رقم زده است؛ راهی که کشورهای موفق جهان و منطقه پیموده‌اند و نتیجه آن را نیز در سهم بالای اقتصاد دیجیتال از تولید ناخالص داخلی، توسعه کسب‌وکارهای اینترنتی، مدارس هوشمند و خانه‌ها و شهرهای هوشمند و... دیده‌اند.
هماهنگی و تطبیق با تغییرات جهانی، یک ضرورت است که مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری هم برآن تأکید جدی دارد. رئیس جمهوری در کنفرانس ملی مخابرات (۴ و ۵ آبان‌ماه) که آغازگر اجرای رسمی جایگزینی کابل‌های مسی با فیبر نوری بود، با بیان اینکه اکنون دنیا با سرعت نور حرکت می‌کند و ما باید به برنامه‌های خود سرعت بخشیم، یادآور شد: «باید برای پیشرفت‌های جهانی در آینده آماده باشیم و راهی برای تطبیق با آن در نظر بگیریم. گذار از کابل مسی به فیبر نوری، یکی از پروژه‌های ملی عظیم است که در دولت چهاردهم کلید خورده و قرار است مردم، اینترنت باکیفیت و خدمات پایدار آن را به صورت ملموس حس کنند.
درباره جزئیات پروژه «مهاجرت از کابل مسی به فیبر نوری»، تأمین مالی، تأثیر تحریم‌ها، نقش شرکت‌های دانش‌بنیان، برنامه‌های توسعه هوش مصنوعی و چشم‌انداز اتصال کامل کشور به فیبر نوری، با مهندس «محمد جعفرپور»، مدیرعامل و عضو هیأت‌مدیره شرکت مخابرات ایران به گفت‌وگو نشستیم تا تصویری روشن از مسیر تحول دیجیتال در کشور ارائه شود. این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

حدود ۱۰ سال از آغاز اجرای طرح فیبر نوری در کشور می‌گذرد اما همچنان ما در اوایل این مسیر هستیم. کما اینکه مدت‌ها تنها ۳۸۰ هزار اتصال فعال وجود داشت، چرا این پروژه مهم به کندی پیش رفته است؟ اصولاً و چگونه پروژه ملی «برگردان فیبر نوری» شکل گرفت؟

در تغییر تکنولوژی، وجود یک طرح کلان و جامع ضروری است و البته جامعه نیز باید برای پذیرش آن آماده باشد. پیش از این، اتصال فیبر نوری تنها بر اساس تقاضای مشترک و در قالب On Demand انجام می‌شد. به عبارتی فقط تقاضامحور بود، اما حسب ضرورت و تحولات این فناوری در دنیا، از ابتدای دولت چهاردهم رویکردی تهاجمی اتخاذ کردیم و از آبان‌ماه ۱۴۰۳ تا پایان سال، همین روند را با سرعت بیشتری ادامه دادیم. هرچند تعداد اتصالات رشد داشت اما همچنان پاسخگوی فیبر مورد نیاز در کشور نبود.
در نهایت با بررسی تجربه کشورهای اروپایی، آسیایی و برخی کشورهای موفق منطقه، به این نتیجه رسیدیم که تغییر تکنولوژی باید به صورت مهاجرت انجام شود. برنامه‌ریزی‌های اولیه از ابتدای سال جاری با وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، بویژه سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی انجام شد و سرانجام پروژه ملی «مهاجرت از کابل مسی به فیبر نوری» در کنفرانس ملی مخابرات با حضور رئیس جمهوری رسماً کلید خورد.

شما بهتر از من می‌دانید که سرمایه‌گذاری در این پروژه عظیم و مشخصاً سرمایه‌گذاری خارجی چه نقش کلیدی و مهمی دارد. برای تأمین مالی آن چه برنامه‌ای دارید؛ اصولاً آیا ورود سرمایه‌گذار خارجی ممکن است؟

بله. برای دسترسی ۲۷ میلیون خانوار و کسب‌وکار به فیبر نوری در قالب پروژه ملی «مهاجرت از کابل مسی به فیبر نوری»، حدود ۵ میلیارد دلار سرمایه نیاز است. بخشی از این منابع از طریق آزادسازی دارایی‌های باارزشی مانند کابل‌های مسی و مراکز مخابراتی قدیمی در طول مهاجرت تأمین می‌شود. در واقع این منابع با جایگزینی کابل‌های مسی در کشور با فیبر نوری آزاد می‌شوند. با این حال این منابع به تنهایی کافی نیست. خوشبختانه استقبال مناسب از این پروژه ملی باعث شده است که بتوانیم بخشی از سرمایه مورد نیاز را از طریق مشارکت و سرمایه‌گذاری داخلی جذب کنیم. در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی، شرایط سیاسی منطقه و جنگ تحمیلی ۱۲روزه اخیر، کار را دشوار کرده اما معتقدم با توجه به جذابیت پروژه، ورود سرمایه‌گذار خارجی در ادامه مسیر رخ خواهد داد. هم‌اکنون نیز در حال مذاکره جدی با یک سرمایه‌گذار خارجی برای مشارکت، ایجاد خط تولید و سرمایه‌گذاری هستیم.

> حدود ۷۰ درصد تجهیزات مورد نیاز پروژه ملی فیبر نوری، تولید داخل است و تنها ۳۰ درصد شامل تجهیزات خاصی مانند چیپ‌ست‌ها وارد می‌شود. البته تلاش داریم سهم تولیدات داخلی را در این پروژه بالا ببریم و هدف‌گذاری ما این است که سهم تولید داخلی را تا ۸۵ درصد افزایش دهیم

ولی ما تحت تحریم هستیم و ناگفته پیداست که اسنپ‌بک و مسائلی از این دست حکم سرعت‌گیر برای ورود سرمایه خارجی دارند؟

تأثیرگذاری وجود دارد اما مدیریت شده است. حدود ۷۰ درصد تجهیزات مورد نیاز پروژه ملی «مهاجرت از کابل مسی به فیبر نوری»، تولید داخل است و تنها ۳۰ درصد شامل تجهیزات خاصی مانند چیپ‌ست‌ها از خارج وارد می‌شود. حتی تلاش داریم سهم تولیدات داخلی را در این پروژه بالا ببریم و هدفگذاری ما این است که سهم تولید داخلی را تا ۸۵ درصد افزایش دهیم. بنابراین وابستگی ما به واردات بسیار محدود شده و اثر تحریم‌ها به حداقل رسیده است.

پس از تکمیل مهاجرت از کابل مسی به فیبر نوری، کاربر نهایی چه تغییری را لمس خواهد کرد؟

بر بستر کابل مسی حداکثر سرعت قابل ارائه ۱۶ مگابیت بر ثانیه است و بسیاری مناطق حتی همین سرعت را نیز دریافت نمی‌کنند. اما امروز اغلب سرویس‌ها ویدیومحور شده‌اند و در حوزه‌هایی مانند هوش مصنوعی، آموزش هوشمند، اینترنت اشیا، پزشکی از راه دور، خانه و شهر هوشمند نیازمند سرعت‌های بسیار بالاتر هستیم. این درحالی است که در اینترنت فیبر نوری، سرعت اسمی هزار مگابیت بر ثانیه (یک گیگابیت بر ثانیه) را داریم که این رقم حدود ۷۰ تا ۸۰ برابر سریع‌تر از اینترنت ADSL است.
نگاهی به همین امر نشان می‌دهد با اجرای پروژه، کاربران یک جهش واقعی در کیفیت سرویس، سرعت دانلود، آپلود، تماس تصویری و... احساس خواهند کرد. همچنین با توسعه شبکه انتقال شهری و استانی، تلاش داریم تجربه‌ای یکسان و باکیفیت برای تمام نقاط کشور فراهم شود که خود زمینه‌ساز ایجاد عدالت ارتباطی خواهد شد. از سوی دیگر باید گفت مهاجرت به فیبر نوری تنها محدود به اینترنت پرسرعت نیست؛ این تحول زیرساختی، منجر به توسعه کسب‌وکارهای دیجیتال، ایجاد اشتغال، افزایش امنیت و ارائه سرویس‌های ویژه صنعتی بویژه در شهرک‌های صنعتی نیز خواهد شد.

همه ما انتظار داریم اجرای پروژه فیبر نوری به بهبود کیفیت خدمات شود و این خدمات در زندگی روزمره ما کاملاً محسوس باشد.

قطعاً. برای ارائه سرویس دیجیتال، دو عامل سرعت ارتباط کاربران و سرعت و ظرفیت سرورهای سرویس‌دهنده مهم است. در حالی که سرعت ارتباط از طریق فیبر نوری به طور چشمگیر افزایش می‌یابد، بسیاری از دستگاه‌های دولتی و عمومی نیز به سمت ارتقای سرورها و ظرفیت زیرساخت‌های دیجیتال حرکت کرده‌اند. ترکیب این دو عامل تجربه‌ای یکپارچه و مطلوب برای مردم ایجاد خواهد کرد.

البته گفته می‌شود اینترنت فیبر نوری به مراتب گران‌تر از اینترنت فعلی است که البته همین نرخ فعلی نیز چندان ارزان نیست.

خیر. تعرفه اینترنت تغییر نکرده است. تنها به دلیل کیفیت بالا و راحتی استفاده، ممکن است کاربران مصرف بیشتری داشته باشند و این افزایش مصرف باعث احساس افزایش هزینه شود. اما مشتری می‌تواند مصرف و هزینه را مدیریت کند تا هزینه او بیشتر نشود.

حتماً به خاطر دارید که پیش‌تر اعلام کرده‌اید ایران ارزان‌ترین اینترنت دنیا را دارد.

در شرکت مخابرات ایران فعلاً برنامه‌ای برای افزایش قیمت نداریم و تمرکز ما توسعه سرویس‌های جدید است. اما یک اصل اقتصادی وجود دارد که گریزی از آن نیست: اگر قیمت تمام‌شده خدمات بالاتر از قیمت فروش باشد، در بلندمدت کیفیت این خدمات کاهش می‌یابد یا ارائه خدمات متوقف می‌شود. هرچند امروز صنعت آی سی تی (ICT) به دلیل افزایش نرخ ارز، تجهیزات و هزینه‌های پرسنلی تحت فشار است، اما ما تا حد امکان از افزایش تعرفه اجتناب کرده‌ایم.

مخابرات ایران اعلام کرده از اپراتور تلکام به اپراتور سرویس حرکت می‌کند چرا که محور اصلی آینده، هوش مصنوعی است. خوانندگان ما خیلی مشتاقند در جریان قرار بگیرند که تا کنون چه اقداماتی در این مسیر انجام شده؟

در دی‌ماه ۱۴۰۳، سرویس ابر ما (CloudMA) را با دو رویکرد B۲B (ارائه خدمات به مشترکین نهایی) و B۲C (ارائه سرویس به بیزینس‌ها) راه‌اندازی کردیم. با توجه به موقعیت شرکت مخابرات، بخش B۲B را تقویت کرده‌ایم و اکنون بخش زیادی از کاربران صنعتی و دولتی از این ابر استفاده می‌کنند.
علاوه بر این، در کنار توسعه فیبر نوری، سرویس‌های جدید مبتنی بر اینترنت اشیا (IOT) و هوش مصنوعی را برای منازل و کسب‌وکارها ارائه خواهیم کرد. همچنین مسیر ما در توسعه اقتصاد دیجیتال ادامه دارد و طی ماه‌های آینده، شاهد افتتاح سرویس‌های جدید خواهید بود. قول می‌دهم تا پایان دولت چهاردهم، تحول جدی در ارائه خدمات دیجیتال رقم بخورد. درواقع ما با توسعه مشارکت‌ها سعی می‌کنیم اپراتور سرویس واقعی باشیم.

پروژه فیبر نوری چقدر اشتغال ایجاد می‌کند؟ و آیا جایگزینی فیبر نوری تغییری در کیفیت مکالمات تلفن ثابت هم ایجاد می‌کند؟

به ازای هر یک میلیون اتصال فیبر نوری، حدود ۴۰ هزار شغل شامل ۱۰ هزار شغل مستقیم و ۳۰ هزار شغل غیرمستقیم ایجاد می‌شود. البته اشتغال‌زایی گسترده‌تر از این است و قابل تعیین به‌صورت عدد دقیق نیست. چرا که توسعه اینترنت پرسرعت همه ارکان اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ازجمله کسب و کارهای اینترنتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
ضمن اینکه با جایگزینی کابل مسی، مشکل سرقت کابل و قطع ارتباط برطرف می‌شود و دیگر کاربران با قطعی ناشی از سرقت کابل مواجه نمی‌شوند.
همچنین کیفیت صوت تماس‌ها افزایشی چشمگیر می‌یابد. مکالمات درون شبکه برای مشترکان فیبر نوری هم به مدت یک سال رایگان است و بر بستر فیبر نوری، سرویس‌های جدید صوتی نیز ارائه خواهد شد.

با وجود تأکید وزارت ارتباطات بر رقابت در کنفرانس ملی مخابرات هنوز که هنوز است برخی اپراتورهای کوچک از انحصار مخابرات گلایه دارند و می‌گویند از مداخلات فراوان مخابرات مستأصل شده‌ایم. پاسخ شما چیست؟

به هیچ‌وجه به انحصار اعتقاد نداریم. رقابت واقعی در ارائه سرویس است، نه در ایجاد زیرساخت. براساس مصوبه وزارت ارتباطات، باید ۳۰ درصد ظرفیت فیبر نوری را با سایر اپراتورها به اشتراک بگذاریم. اگر مشارکت خوبی شکل بگیرد، آمادگی داریم که بیش از این مقدار را هم در اختیار اپراتورها قرار دهیم. در سراسر دنیا هم ایجاد زیرساخت بر عهده یک یا دو اپراتور ملی است و نمی‌توان توسعه کشور را فدای نگرانی اپراتورهای کوچک کرد. علاوه بر این اپراتورهای کوچک بی‌شک برای توسعه، نیازمند مشوق‌های دولتی هستند.

ظاهراً اعتبارات صندوق توسعه فیبر نوری منبعی در اختیار است که دست شما را در اجرای پروژه باز می‌گذارد؛ اگر مشکلی در این زمینه ایجاد شود، از چه محلی استفاده می‌کنید؟

ما از هر منبعی که به توسعه سریع‌تر پروژه کمک کند استفاده خواهیم کرد و صندوق توسعه فیبر نوری نیز یکی از این منابع است. اما حتی اگر مشکلی برای صندوق ایجاد شود، پروژه را متوقف نخواهیم کرد.

آماری هم از میزان اتصال فیبر نوری در منطقه دارید؟

اگرچه آمار دقیق جهانی وجود ندارد اما معمولاً کشورهای توسعه‌یافته دارای نرخ نفوذ بالاتر فیبر نوری هستند. برای مثال، امارات بالای ۹۰ درصد اتصال فیبر نوری دارد، در حالی که میزان پیشرفت این پروژه در کشورهایی مانند ترکمنستان تقریباً صفر درصد است.

نکته دیگری که برای بسیاری از شهروندان جای سؤال است اینکه در شرایط سخت اقتصادی، هزینه‌ای هم جهت تهیه مودم متناسب با فیبر نوری به آنها تحمیل خواهید کرد.

> با اجرای فیبر نوری، کاربران یک جهش واقعی در کیفیت سرویس، سرعت دانلود، آپلود، تماس تصویری و... احساس خواهند کرد. این تحول زیرساختی همچنین منجر به توسعه کسب‌وکارهای دیجیتال، ایجاد اشتغال، افزایش امنیت و ارائه سرویس‌های ویژه صنعتی به‌ویژه در شهرک‌های صنعتی خواهد شد

هیچ کاربری را مجبور به خرید مودم از مخابرات نکرده‌ایم اما با توجه به اینکه برای دریافت بهترین خدمات، کاربران باید مودم‌های باکیفیت و با استاندارد مشخص مورد استفاده قرار دهند، به کاربران هنگام ثبت‌نام فهرستی از مودم‌ها ارائه می‌شود که از میان آنها انتخاب کنند. کاربر در طول استفاده از این مودم‌ها اگر با مشکلی مواجه شود، نیازی به مراجعه به مخابرات ندارد و می‌توان رفع خرابی، تنظیم یا جابه جایی آن را از داخل سیستم و با سرویس بومی از راه دوری که در حال راه‌اندازی است، انجام داد. گاه مشترک با خرید مودم‌های فیک یا دست دوم به جای سرعت ۷۰۰ مگابیت بر ثانیه، سرعت ۷۰ مگابیت را دریافت می‌کند و از سرعت کم شکایت دارد. به همین دلیل تلاش داریم تنها مودم‌های باکیفیت و استاندارد بتوانند در شبکه ما متصل شوند و برنامه‌ریزی اولیه هم انجام شده است.

چقدر از توان تولیدکنندگان داخلی، دانش‌بنیان‌ها و استارتاپ‌ها در زمینه مودم‌ها یا فیبر نوری و سایر تجهیزات مورد نیاز در پروژه برگردان بهره گرفته شده است؟

رویکرد ما در اجرای این پروژه، استفاده از حداکثر ظرفیت بوده است. هم در حوزه سخت‌افزار و مودم و هم در حوزه نرم‌افزار، دانش‌بنیان‌ها مشغولند. در حوزه پشتیبانی و نگهداری شبکه فیبر نوری و خدمات پس از فروش هم به همت یک شرکت دانش‌بنیان، یک سامانه مناسب ایرانی داریم.
در این مسیر از دستیار هوش مصنوعی تولید شده توسط دانش‌بنیان‌ها استفاده می‌کنیم و پاسخگویی، مبتنی بر هوش مصنوعی خواهد بود. درمجموع باید گفت که تولیدکننده مودم و تجهیزات انتقال و.. همه در این پروژه درگیر هستند.

برنامه‌ریزی شما برای اتصال کامل شهرها به فیبر نوری چیست؟ کدام شهرها یا استان‌ها در این زمینه در اولویت هستند؟

تا شهریورماه سال آینده منازل مراکز ۳۱ استان به فیبر نوری مجهز می‌شوند با توجه به اینکه ۵۰درصد جمعیت کشوردر مراکز استان سکونت دارند جمعیت مناسبی تحت پوشش قرار خواهند گرفت. همچنین درنظر داریم که تا پایان دولت چهاردهم، ۶۰درصد پوشش جمعیتی کشور به فیبر نوری متصل شوند.
از استان‌های پیشرو در زمینه اتصال به فیبر نوری هم می‌توان به خراسان رضوی اشاره کرد ولی رقابتی جدی بین مراکز استان شکل گرفته تا خود را به عنوان اولین شهر کاملاً فیبر نوری معرفی کنند. درحال حاضر شهرهای اهواز، خرم آباد، اراک و بجنورد هم در حال تلاشند تا این عنوان را کسب کنند که بی‌شک برای مردم شیرین خواهد بود.

برش

برنامه شما در شرکت ملی مخابرات برای اتصال مدارس به فیبر نوری و تحقق عدالت آموزشی چیست؟

اتصال مدارس به فیبر نوری یکی از محورهای جدی برنامه‌های ماست. در این زمینه توافقات خوبی با وزارت آموزش و پرورش انجام شده و به‌زودی اخبار خوشی اعلام خواهد شد. هدف ما فقط رساندن اینترنت پرسرعت به مدارس نیست؛ بلکه ایجاد بستر ارائه سرویس‌های آموزشی برابر برای همه دانش‌آموزان است تا عدالت آموزشی در عمل محقق شود.
در همین راستا و در ادامه رویکرد دولت، رئیس جمهوری نیز بر ضرورت توسعه زیرساخت‌های ارتباطی به‌عنوان پایه‌ای برای عدالت آموزشی تأکید کرده و معتقد است که دستیابی به آینده‌ای روشن با وحدت، انسجام و آمادگی برای تغییر ممکن می‌شود. بر همین مبنا، اتصال مدارس به فیبر نوری نه‌تنها یک پروژه فنی، بلکه گامی مهم برای برابر شدن سطح آموزش در مناطق برخوردار و کمتر برخوردار است. به نظر ما تغییرات و کاربردها در این حوزه بسیار زیاد است که به تدریج توسط آموزش و پرورش با بهره‌گیری از زیرساخت‌های ارتباطی اعمال می‌شود.

فلسفه علم

حمیدرضا حبیبی
گروه اندیشه

در همایش «مبانی علمی و فلسفی هوش مصنوعی» در فرهنگستان علوم تبیین شد

غافلگیری جامعه علمی با هوش مصنوعی

سید مصطفی محقق داماد: هوش مصنوعی «تفکر» می‌کند اما از «تعقل» ناتوان است

همایش «مبانی علمی و فلسفی هوش مصنوعی» در فرهنگستان علوم، علاوه بر یک گردهمایی علمی، آوردگاهی برای رویارویی چشم‌اندازهای متفاوت درباره ماهیت و آینده هوش مصنوعی در ایران بود؛ از «فلسفه اسلامی و مفهوم تعقل انسانی» تا «الگوریتم‌پذیری ذهن»، از «ضرورت اخلاق و حکمرانی فناوری» تا «نیاز به ارائه تصویر کلان و واقع‌بینانه از این علم جوان اما پرشتاب». نقطه مشترک سخنرانان آنجا بود که ایران، برای حضور معنادار در جهان هوش مصنوعی، باید همزمان به سه ضلع «اندیشه»، «فناوری» و «راهبرد» توجه کند؛ وگرنه این فناوری به جای آنکه ابزاری برای تعالی باشد، به منبعی برای توسعه‌نیافتگی و سردرگمی بدل خواهد شد. این همایش نقشه‌ای از چالش‌ها و فرصت‌های ایران در عصر هوش مصنوعی ترسیم کرد؛ عصری که در آن، اندیشه، اخلاق، حکمرانی و فناوری باید در کنار هم قرار گیرند.

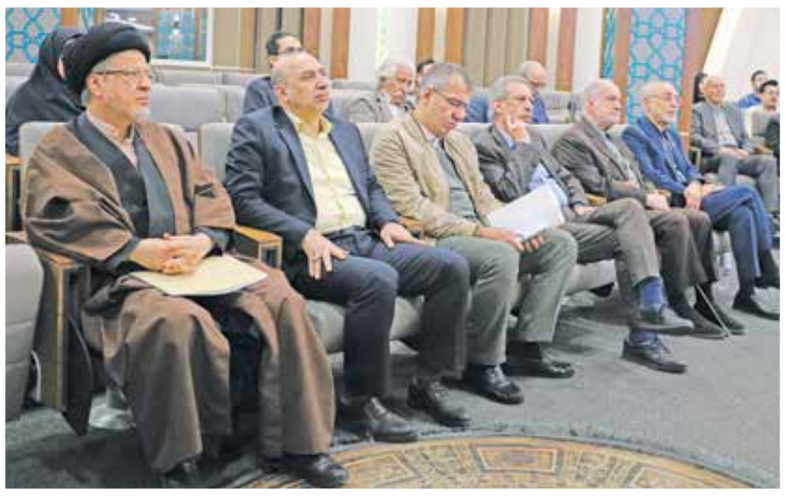

هوش مصنوعی هنوز وارد قلمرو عقل انسانی نشده است

دکتر سیدمصطفی محقق داماد، رئیس گروه علوم‌اسلامی فرهنگستان علوم، سخنان خود را با تأکید بر تمایز اساسی میان «تفکر» و «تعقل» آغاز کرد. به باور او، سرعت شتابان پیشرفت هوش مصنوعی، جامعه علمی ایران را غافلگیر کرده، اما این پیشرفت هنوز به قلمرو «تعقل انسانی» وارد نشده است.

او با اشاره به سنت فلسفه اسلامی، از ابن‌سینا تا خواجه‌طوسی و ملاصدرا، توضیح داد که هر یک از این متفکران «صاحب مکتب» بوده‌اند؛ یعنی مکتبی که حتی قرن‌ها پس از آنان نیز توان پاسخ‌گویی به پرسش‌های جدید را دارد. در همین چهارچوب، محقق داماد پرسش بنیادین خود را طرح کرد: «آیا هوش مصنوعی می‌تواند به حوزه غیرمادی نفس انسان نزدیک شود؟» به باور او، بر اساس سنت فلسفه اسلامی، هستی تنها متشکل از موجودات مادی نیست. انسان دارای دو بخش مادی و غیرمادی است؛ بخش غیرمادی - نفس و روح - اداره‌کننده انسان است و مغز ابزاری برای آن.

ملاک اصلی اثبات تجرد نفس، «علم و اندیشه» است، اموری که ذاتاً غیرمادی‌اند و از نظر فلسفی قابل تقلیل به ماده نیستند. محقق داماد با این تفکیک، تفاوتی روشن میان توانایی‌های ماشین و انسان ترسیم کرد.

او گفت: «هوش مصنوعی می‌تواند تفکر کند؛ یعنی از داده‌ها نتیجه بگیرد. اما تعقل یعنی درک کلیات و استخراج قواعد فلسفی، امری که ماشین هنوز از آن ناتوان است.» به باور او، تا زمانی که هوش مصنوعی تنها درگیر پردازش داده و استنتاج آماری باشد و به تولید «ابداع» یا «کلیت‌سازی عقلانی» دست نیابد، هنوز تهدیدی برای بنیان‌های حکمت اسلامی نیست. او در پایان تأکید کرد: اگر روزی فناوری به قلمرو تعقل وارد شود، آنگاه مباحث تازه‌ای در قلمرو فلسفه اسلامی گشوده خواهد شد.»

هوش مصنوعی، بازتولیدکننده هوش انسانی است، نه جایگزین آن

دکتر سید سعیدرضا عاملی، رئیس گروه مطالعات جهان فرهنگستان علوم، با رویکردی علمی- فلسفی به موضوع هوش‌مصنوعی پرداخت و تلاش کرد نسبت عقلانیت انسانی و هوش مصنوعی را در چهارچوبی کل‌نگر بررسی کند. او در ابتدای سخنان خود گفت: «ذهن انسان ذاتاً الگوریتمی است و هوش مصنوعی توانایی بازتولید این الگوریتم‌ها را دارد.» تشبیه او قابل توجه بود: «همان‌گونه که پرواز پرندگان الهام‌بخش هواپیما شد، تحلیل الگوریتم‌های ذهن می‌تواند الهام‌بخش نسل‌های جدید هوش مصنوعی باشد.» عاملی در ادامه، پنج مؤلفه اصلی هوش انسانی - یادگیری از تجربه، تفکر انتزاعی، انطباق‌پذیری، انگیزش و ظرفیت ادراکی-احساسی- را معرفی کرد و گفت: «هوش‌مصنوعی هنوز فاقد ساحت هیجان، ادراک چندلایه و تعقل انسانی است، هرچند در حوزه تفکر و پردازش داده، توانمند شده است.»

عاملی در بخش مهمی از سخنان خود، سه سنت فلسفی را برای تحلیل هوش‌مصنوعی کنار هم قرار داد: «فلسفه قاره‌ای»؛ برای درک کلیت پدیده‌ها و پرسش‌های هستی‌شناختی، «فلسفه تحلیلی» برای بررسی دقیق زبان، محاسبات و منطق و «فلسفه صدرایی» برای تبیین وجود، حرکت جوهری و مبانی هستی‌شناختی هوش. به باور او، هیچ‌یک از این سه نگاه به‌تنهایی کافی نیست و ترکیب آنها می‌تواند راهی برای فهم جامع‌تر هوش‌مصنوعی باشد. عاملی سپس به مسأله مهم اخلاق اشاره کرد و هشدار داد که هوش‌مصنوعی می‌تواند «ابزار تعالی» یا «ابزار تخریب» باشد. او گفت: «هوش مصنوعی جدای از انسان طبیعی نیست؛ همان‌طور که انسان می‌تواند سالم یا درنده‌خو باشد، این فناوری نیز می‌تواند به دو مسیر متفاوت کشیده شود.» او با اشاره به اهمیت آزادگی و کرامت انسانی، تأکید کرد: هوشی که آزادی انسان را محدود کند یا به سلطه و استیلا بینجامد، در خدمت انسان نیست. به باور عاملی، آینده مطلوب فناوری تنها زمانی تحقق می‌یابد که هوش مصنوعی در مسیر فضیلت، اخلاق و تعالی انسان هدایت شود.

هوش مصنوعی فقط با فلسفه، اقتصاد و حکمرانی قابل توسعه است

دکتر حمیدرضا ربیعی، عضو وابسته فرهنگستان علوم، با تمرکز بر جنبه‌های اقتصادی، حکمرانی و فنی، تصویری چندرشته‌ای از هوش‌مصنوعی ارائه کرد. او با انتقاد از رویکردهای سطحی و تبلیغاتی، گفت که بسیاری از اظهارنظرها درباره هوش‌مصنوعی بدون توجه به ملزومات واقعی این فناوری بیان می‌شود.

او تأکید کرد که توسعه هوش مصنوعی بدون چهارچوب فلسفی، اقتصادی و حکمرانی ممکن نیست و کشورهایی که چنین ساختارهایی نداشته‌اند، در تجربه «زمستان‌های هوش مصنوعی» ناکام مانده‌اند. ربیعی توضیح داد که هوش‌مصنوعی حاصل هم‌افزایی رشته‌های گوناگون از فلسفه، اقتصاد، هوش محاسباتی، علوم اعصاب، داده، ریاضی و علوم اجتماعی است. به باور او، ایران هنوز در بسیاری از این حوزه‌ها، زیرساخت‌های لازم را فراهم نکرده است. او با اشاره به نبود برنامه‌های راهبردی منسجم در سازمان‌های کشور، گفت که بسیاری از فناوری‌های هوش‌مصنوعی برای سازمان‌های دیجیتال طراحی شده‌اند، اما ایران هنوز به چنین ساختاری نزدیک نشده است.

> سید سعیدرضا عاملی: هوش مصنوعی هنوز فاقد ساحت هیجان، ادراک چندلایه و تعقل انسانی است، هرچند در حوزه تفکر و پردازش داده، توانمند شده است

ربیعی چالش‌های این فناوری را چنین برشمرد: ۱. فقدان استدلال واقعی و عقل سلیم ۲. سوگیری و تبعیض داده‌ها ۳. عدم شفافیت و توصیف‌پذیری ۴. مصرف انرژی بالا ۵. ناکارآمدی در داده‌های کم ۶. تهدیدهای امنیتی و حریم خصوصی.

او همچنین افزود: «برای غلبه بر این چالش‌ها باید روش‌های نمادین منطقی با روش‌های داده‌محور ترکیب شوند و حضور انسان در حلقه تصمیم‌گیری حفظ شود.» در پایان نیز تأکید کرد، آینده هوش مصنوعی بر چهار رکن تکیه دارد: «فلسفه، علم، مهندسی و حکمرانی.»

ایران به تصویر کلان و واقع بینانه از هوش مصنوعی نیاز دارد

دکتر احمدرضا شرافت، عضو وابسته گروه کوانتوم و هوش‌مصنوعی، سخنان خود را با انتقاد از نبود تصویر کلان و واقع‌بینانه در سیاست‌گذاری هوش مصنوعی آغاز کرد. او تأکید کرد که در ایران، اغلب هر نوآوری دیجیتال با عنوان «هوش‌مصنوعی» معرفی می‌شود و این امر باعث سردرگمی مفهومی شده است. شرافت برای نشان دادن فاصله ایران با استانداردهای جهانی، به آمار مؤسسات بین‌المللی اشاره کرد: «۲۵۸ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری جهانی در سال ۲۰۲۴ و ۲۴۲ هزار مقاله علمی تنها در یک سال.» او گفت که ایران در بخش پژوهش و آموزش فعال است اما در حوزه‌هایی چون ثبت اختراع، سرمایه‌گذاری، زیرساخت و فضای کسب‌وکار با شکاف جدی مواجه است.

او همچنین بر این نکته تأکید کرد که کشورهای موفق در هوش‌مصنوعی، محدودیت‌های افراطی ایجاد نکرده‌اند و این مسیر برای کشورهایی که هنوز در مرحله رشد هستند، می‌تواند عقب‌ماندگی را تثبیت کند. او در پایان با تأکید بر هوش‌مصنوعی به‌عنوان ابزار حل مسائل واقعی، حوزه‌هایی چون درمان، آب، کشاورزی و آموزش را از اولویت‌های کشور دانست و گفت: «بدون تعامل بین‌المللی، بازار و چشم‌انداز کلان، پیشرفت پایدار ممکن نیست. شرافت همچنین بر ثبات سیاست‌ها، پرهیز از سیاست‌زدگی و هدفگذاری واقع‌بینانه به‌عنوان راه اصولی توسعه هوش‌مصنوعی در ایران تأکید گذاشت.

آگهی مناقصه عمومی
نوبت دوم
با اخذ سپرده
درخواست شماره: RHP-7302507626&7302507628-T19
موضوع آگهی:
خرید تجهیزات اعلام حریق و دتکتور
برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت این شرکت WWW.BAORCO.IR مراجعه نمایید.
روابط عمومی و امور بین‌الملل

آگهی مناقصه عمومی
نوبت دوم
با اخذ سپرده
درخواست شماره: RHP-7302514185-T17
موضوع آگهی:
خرید دستگاه آزمایشگاهی جذب اتمی
برای کسب اطلاعات بیشتر به سایت این شرکت WWW.BAORCO.IR مراجعه نمایید.
روابط عمومی و امور بین‌الملل

آگهی فراخوان مناقصه عمومی دو مرحله ای فشرده
نوبت دوم
شرکت ملی نفت ایران
شرکت ملی حفاری نفت و گاز جنوب
شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون
(سهامی خاص)
شماره مناقصه عمومی ۱۸/ م خ /۱۴۰۴ شماره تقاضا: ۰۴۰۰۴۸۵-۴۸
شرح تقاضا: کمپرسور شارژ سیلندر تنفسی
شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون در نظر دارد کالای مشروحه ذیل را از طریق برگزاری مناقصه عمومی دو مرحله‌ای فشرده تهیه نماید. لذا با توجه به الزام درج مناقصات در سامانه ستاد ایران، مناقصه‌گران می‌بایست اسناد مناقصه را در مهلت تعیین شده از سامانه ستادایران (www.setadiran.ir) دریافت نموده و تا قبل از پایان مهلت ارسال پاسخ، اسناد و پاکات خواسته شده را (اسناد ارزیابی کیفی و پاکات الف، ب و ج) طبق مدارک اعلام شده در اسناد مناقصه بارگذاری نمایند.
•• مدارک مورد نیاز جهت ارزیابی کیفی(طبق فرم ارزیابی کیفی و توضیحات اسناد مناقصه)
۱- مبلغ برآورد مناقصه: ۲۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
۲- مبلغ تضمین: ۱۰/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ریال (ضمانت‌نامه بانکی حداقل ۳ ماه یا واریز وجه، با توجه به توضیحات شرایط مناقصه)
۳-آخرین مهلت تقاضای شرکت در مناقصه و بارگذاری مدارک ارزیابی کیفی و پاکات فنی، مالی و ضمانت‌نامه طبق زمان بندی در سامانه ستادایران می‌باشد.
۴- مناقصه‌گرانی که اسناد مناقصه را در مهلت تعیین شده در سامانه ستادایران (مهلت دریافت اسناد) دانلود ننمایند، قادر به بارگذاری (اسناد ارزیابی کیفی و پاکات الف،ب و ج) نخواهند بود.
آدرس جهت ارسال ضمانت‌نامه: اهواز- منطقه برومی- کیلومتر ۱۲ جاده اهواز- سربندر- ترسیده به پلیس راه - شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون - ساختمان دو طبقه (ستادی) -طبقه همکف- کمیسیون مناقصات -تلفن: ۰۶۳۴۱۸۸۳۳۴
۵- بارگذاری پاکات ضمانت‌نامه(الف)، پاکات فنی(ب) و مالی(ج) همزمان با اسناد ارزیابی کیفی می‌باشد.
۶- تاریخ و محل گشایش پاکات مالی: متعاقبا اعلام خواهد شد.
۷- حداکثر زمان تحویل کالا: ۱۵۰ روز پس از عقد قرارداد
۸- محل تحویل کالا: اهواز- شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون
۹- ارائه ضمانت حسن انجام تعهدات به میزان۱۰٪مبلغ مورد معامله توسط برنده مناقصه قبل از سررسید ضمانت‌نامه فرآیند ارجاع کار ضروری می‌باشد.
شرح کالا
کمپرسور شارژ سیلندر تنفسی
(مشخصات تکمیلی در سامانه ستاد و سایت شرکت مارون)
۶قلم - ۶عدد
تمامی اطلاعات بعدی و آگاهی‌سازی مناقصه در سامانه ستاد بارگذاری خواهد شد.
برای دریافت اطلاعات تکمیلی به سایت‌های ذیل مراجعه شود.
آدرس سایت ستادایران: http://setediran.ir روابط عمومی شرکت بهره‌برداری نفت و گاز مارون http://mogpc.nisoc.ir
شماره ۲۰۴۷۱۳۲

آگهی تجدید فراخوان
مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
نوبت اول
وزارت راه و شهرسازی
شرکت عمران شهر جدید اندیشه
شرکت عمران شهر جدید اندیشه وابسته به وزارت راه و شهرسازی در نظر دارد به‌منظور واگذاری وظایف پشتیبانی و خدماتی جهت انجام امور نظافت، آبدارچی، باغبان و ... در محل شرکت عمران شهر جدید اندیشه واقع در استان تهران و شهر جدید اکباتانا واقع در استان همدان و شهر جدید اینچه برون واقع در استان گلستان را براساس مشخصات و شرایط کلی ذیل به شرکت‌های خدماتی، پشتیبانی دارای مجوز و گواهی صلاحیت معتبر از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی واگذار نماید.
نام و نشانی کارفرما: شرکت عمران شهر جدید اندیشه واقع در استان تهران شهر جدید اندیشه فاز ۳ بلوار آزادی تلفن تماس: ۲و۶۵۵۵۳۵۵۱ و با نمابر: ۶۵۵۶۳۵۱۱ نشانی تارنما : https://andisheh.ntdc.ir
موضوع فراخوان: واگذاری وظایف پشتیبانی و خدماتی جهت انجام امور نظافت، آبدارچی، باغبان و ... درمحل شرکت عمران شهر جدید اندیشه واقع در استان تهران و شهر جدید اکباتانا واقع در استان همدان و شهر جدید اینچه برون واقع در استان گلستان به تعداد ۲۰ نفر نیروی انسانی
شرایط: کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهادات قیمت و بازگشایی پاکات نیز از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس https://www.setadiran.ir به‌شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۰۱۰۳۵۰۰۰۰۰۴ انجام خواهد شد.
محل، زمان و مهلت دریافت اسناد: متقاضیان می‌توانند از روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۶ تا ساعت ۱۵:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۱ نسبت به دریافت اسناد مذکور از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت اقدام نمایند.
محل، زمان و مهلت تحویل اسناد: متقاضیان پس از دریافت اسناد و تکمیل آن‌ها باید مدارک و مستندات را حداکثر تا ساعت ۱۵:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت بارگذاری نمایند.
محل و زمان بازگشایی پاکت‌های حاوی اسناد: جلسه بازگشایی پاکات مذکور در ساعت:۹:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۲ در محل شرکت عمران شهر جدید اندیشه (طبقه اول سالن کنفرانس) به نشانی مندرج در بند فوق تشکیل می‌گردد.
مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار ۴/۸۴۷/۴۱۸/۹۸۰ ریال بوده که به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی به نفع کارفرما و یا ارائه فیش واریز نقدی به‌حساب شبا شماره IR ۳۰۰۱۰۰۰۰ ۴۰۰۱۰۳۷۶۰۷۱۴۴۱۸۸ به‌نام تمرکز وجوه سپرده شرکت عمران شهر جدید اندیشه نزد بانک مرکزی قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی ایران قابل قبول می‌باشد و درصورت ارائه ضمانت‌نامه بانکی مدت اعتبار آن بایستی حداقل سه ماه پس از تاریخ افتتاح و گشایش پاکات پیشنهاد بوده و برای مدت سه ماه دیگر نیز قابل تمدید باشد.
روابط عمومی شرکت عمران شهر جدید اندیشه
تاریخ چاپ اول ۱۴۰۴/۰۸/۲۶
تاریخ چاپ دوم ۱۴۰۴/۰۸/۲۷

آگهی تجدید فراخوان
مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
نوبت اول
وزارت راه و شهرسازی
شرکت عمران شهر جدید اندیشه
شرکت عمران شهر جدید اندیشه وابسته به وزارت راه و شهرسازی در نظر دارد به‌منظور واگذاری خدمات خودرویی جهت ماموریت‌های اداری،ایاب و ذهاب درون شهری و برون شهری شرکت عمران شهر جدید اندیشه را براساس مشخصات و شرایط کلی ذیل به شرکت‌های دارای مجوز معتبر از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌همراه پروانه کسب از اتحادیه صنف مؤسسات توریستی و اتومبیل کرایه واگذار نماید.
نام و نشانی کارفرما: شرکت عمران شهر جدید اندیشه واقع در استان تهران شهر جدید اندیشه فاز ۳ بلوار آزادی تلفن تماس: ۲و۶۵۵۵۳۵۵۱ و با نمابر: ۶۵۵۶۳۵۱۱ نشانی تارنما: https://andisheh.ntdc.ir
موضوع فراخوان: واگذاری خدمات خودرویی جهت مأموریت‌های اداری،ایاب و ذهاب درون شهری و برون شهری شرکت عمران شهر جدید اندیشه جهت تأمین ۴ دستگاه خودروسواری پژو پارس مدل ۱۴۰۰ به بالا با تأیید کارفرما به‌همراه راننده
شرایط: کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت اسناد تا ارائه پیشنهادات قیمت و بازگشایی پاکات نیز از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) به آدرس https://www.setadiran.ir به‌شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۰۱۰۳۵۰۰۰۰۰۵ انجام خواهد شد.
محل، زمان و مهلت دریافت اسناد: متقاضیان می‌توانند از روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۶ تا ساعت ۱۵:۰۰ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۱ نسبت به دریافت اسناد مذکور از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت اقدام نمایند.
محل، زمان و مهلت تحویل اسناد: متقاضیان پس از دریافت اسناد و تکمیل آنها باید مدارک و مستندات را حداکثر تا ساعت ۱۵:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۱ در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت بارگذاری نمایند.
محل و زمان بازگشایی پاکت‌های حاوی اسناد: جلسه بازگشایی پاکات مذکور در ساعت: ۱۰:۰۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۹/۱۲ در محل شرکت عمران شهر جدید اندیشه (طبقه اول سالن کنفرانس) به نشانی مندرج در بند فوق تشکیل می‌گردد.
مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار ۱/۵۶۷/۲۹۱/۶۲۰ریال بوده که به‌صورت ضمانت‌نامه بانکی به نفع کارفرما و یا ارائه فیش واریز نقدی به‌حساب شبا شماره IR ۳۰۰۱۰۰۰۰ ۴۰۰۱۰۳۷۶۰۷۱۴۴۱۸۸ به‌نام تمرکز وجوه سپرده شرکت عمران شهر جدید اندیشه نزد بانک مرکزی قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی ایران قابل قبول می‌باشد و درصورت ارائه ضمانت‌نامه بانکی مدت اعتبار آن بایستی حداقل سه ماه پس از تاریخ افتتاح و گشایش پاکات پیشنهاد بوده و برای مدت سه ماه دیگر نیز قابل تمدید باشد.
روابط عمومی شرکت عمران شهر جدید اندیشه
تاریخ چاپ اول ۱۴۰۴/۰۸/۲۶
تاریخ چاپ دوم ۱۴۰۴/۰۸/۲۷

عاری از کلیشه و شعار

نگاهی به کتاب هیرو
نوشته فرناز خطیبی جعفری

رمان ایرانی

پیام ابراهیمی
نویسنده و مترجم

کتاب «هیرو» داستانی است که در آن یکی یا هر دو طرف یکی از هنجارهای اجتماعی را نقض می‌کنند. «داستان عاشقانه» با «عشق ممنوع» تفاوت دارد. هر دو داستان قدمتی چندین هزار ساله دارند و نمونه‌های درخشانی از آنها در ادبیات موجود است. در یک داستان عاشقانه، عشاق با موانعی روبه‌رو هستند. موانعی از جنس سوءتفاهم، حماقت، مسائل و مشکلات اجتماعی و... همیشه مشکلی هست، چرا که در ادبیات عشق به سادگی به دست نمی‌آید. اما در یک داستان عاشقانه، عشاق برای رسیدن به هدف که همان معشوق است برای خود شانسی قائل هستند و در همان راستا تلاش خواهند کرد. یک داستان عاشقانه ممکن است با ناکامی، شکست، وصال یا بازپس گرفتن عشق تمام شود. اما در عشق ممنوع، جامعه (هنجارهای اجتماعی) عشق بین دو نفر را نمی‌پذیرد، چرا که عشقِ ممنوع خلاف آداب و قوانین و سنن جامعه است. برای همین شانسی که دو طرف برای خود قائل هستند هم کمتر است. این هنجارها نیز ممکن است جنس مختلفی داشته باشند، پیری یا جوانی، موقعیت اجتماعی، دشمنی‌های خانوادگی یا قومی و چیزهایی از این دست. در داستانی با موضوع عشق ممنوع بر خلاف داستان عاشقانه، عشاق باید منتظر مجازاتی سخت باشند. مجازاتی که نتیجه تخطی کردن آنها از هنجارهای جامعه است و گاهی حتی مرگ یکی از طرفین، هر دو یا افرادی دیگر است. داستان «هیرو» اما داستانی است که بین یک عشق ممنوع و یک داستان عاشقانه حرکت می‌کند. موانعی از جنس هنجارهای اجتماعی جلوی رابطه طرفین را می‌گیرد، اما جدای این موانع مشکلاتی که ریشه در خود شخصیت‌های اصلی دارد و از جنس اجتماعی نیست نیز در داستان خودنمایی می‌کند.

پرهیز از احساساتی‌گری

می‌گویند عشق با پیشنهاد از سمت یک نفر و پذیرش توسط طرف دیگر آغاز می‌شود. «هیرو» نیز از این قانون تبعیت می‌کند. در «هیرو» هم یکی از عشاق جسورتر است. البته شاید چون ما با روایت او همراه می‌شویم او را جسورتر می‌بینیم. پیرنگ داستان عاشقانه پیرنگی متکی به شخصیت‌پردازی است. تنها با شخصیت‌پردازی دقیق است که داستان از احساساتی‌گری اجتناب می‌کند و می‌تواند احساسات درستی به مخاطب القا کند. «هیرو» داستانی عاشقانه است که «عشق»، «دوستت دارم» و کلماتی از این دست بسیار بسیار کم در آن به چشم می‌خورد. در حقیقت نویسنده اولین و مهم‌ترین اصل داستان‌نویسی را به درستی رعایت کرده: عشق را به ما نشان داده است؛ نه اینکه در موردش حرف بزند. حرف زدن بسیار از عشق، تکرار کلمات عاشقانه، استفاده از کلمات و جملات اغراق شده و تکرار و تکرار در حرف زدن از عشق، چیزی است که به آن احساساتی‌گری می‌گوییم. نتیجه احساساتی‌گری این است که نویسنده به جای خلق یک اثر در مورد عشق همه چیز را به تجربیات خواننده واگذار می‌کند. خواننده به هیچ وجه همراه شخصیت‌های اصلی نمی‌شود، پا را از تجربیات خود فراتر نمی‌گذارد و داستان هیچ اندوخته جدیدی برایش ندارد. شاید برای همین باشد که داستان‌هایی که احساساتی‌گری زیادی دارند در دسته کتاب‌های عامه‌پسند بسیار موفق هستند. داستان‌هایی که بار احساسی را بر دوش خود خواننده می‌اندازند و نویسنده با کمترین مهارت قصه‌گویی و گاهی حتی بدون شخصیت‌پردازی دقیق و با استفاده از تیپ‌های مشخص، تنها دنبال دستکاری کردن خاطرات خواننده است تا با کمک آنها بتواند مخاطب را به وجد بیاورد. آنچه «هیرو» انجام می‌دهد یقیناً کاری بسیار متفاوت از داستان‌های عامه‌پسند عاشقانه است. «هیرو» بر شخصیت‌پردازی دقیق طرفین سوار است و احساسات موجود در آن به شخصیت‌ها، مکان‌ها و موقعیت‌های داستان وابسته است.

داستان هیرو داستانی است که باید دو بار آن را خواند. این را نمی‌دانم ضعف داستان بدانم یا نقطه قوت. چون در قدم اول با پول یک کتاب دو بار کتاب خوانده‌ام که از نظر مالی در حد دو باک بنزین من را جلو می‌اندازد. از طرف دیگر اما سردرگمی در بعضی مواقع ممکن است خواننده را آزار دهد. خواننده‌ای ممکن است به خاطر سردرگمی و ابهاماتی که در داستان دارد کتاب را نیمه‌کاره رها کند (یک باک بنزین عقب می‌افتد) یا اینکه تا پایان در این سردرگمی بماند یا برای درک بهتر ماجرا مجبور باشد بیش از هر داستان معمول انرژی صرف کند. البته شاید هم این از کم‌هوشی من باشد و خواننده‌های دیگر همان بار اول تمام و کمال با ماجرا همراه شوند. اما برای خود من این آشفتگی (که نمی‌دانم عامدانه بوده یا نه) بخشی از جذابیت داستان بود. چرا که فکر می‌کنم آشفتگی بخشی از یک روایت عاشقانه است. وقتی به داستان‌ها و روایت‌های عاشقانه‌ای که برای اطرافیان‌مان تعریف می‌کنیم نگاه کنیم، متوجه می‌شویم این روایت‌ها چه از نظر ترتیب زمانی، چه از نظر تأثیر ذهنی و خیلی چیزهای دیگر همه دچار نوعی آشفتگی هستند. انگار عشق، یک خط ساده را طی نمی‌کند. در جای‌جای داستان زندگی‌مان سرش را بالا می‌آورد. «هیرو» هم دقیقاً به همین شیوه روایت شده است. داستانی که هرچند خطی مشخص دارد اما خطی روایت نمی‌شود و مثل داستان‌های عاشقانه خودمان مدام همه ما را با خود جلو و عقب می‌برد. داستان «هیرو» چیزهایی فراتر از یک داستان عاشقانه هم دارد. مهم‌ترین آنها مهاجرت است. مهاجرت مسأله‌ای است که جامعه ما سال‌های سال با آن درگیر بوده است. همه ما، یا شاید بیشترمان، شاهد مهاجرت دوستان، اقوام و اطرافیان بوده‌ایم. بعضی به بهانه درس خواندن، بعضی‌ها با پیشنهاد کاری و خیلی‌های دیگر فقط و فقط برای رفتن. در حالی که سایه مهاجرت بر زندگی بسیاری از ما سنگینی می‌کند، ادبیات ایران اما از داستان‌هایی با این موضوع خالی است. صد البته که داستان‌هایی از تقابل فرهنگی یا مشکلات مهاجرت در ادبیات ایران به چشم می‌خورد (هرچند بسیار کم) اما جدای از کم بودن حجم این داستان‌هایی که سایه بزرگی بر زندگی‌مان دارند، کمتر پیش می‌آید که پیرنگ مهاجرت پیرنگ فرعی یک داستان باشد. در «هیرو» هم شاید با اغراق بشود مهاجرت را یک پیرنگ فرعی دانست، بلکه شخصیت‌ها و رفتارهایشان ریشه در مهاجرت یکی از طرفین دارد. گویا وقتی می‌خواهیم از مهاجرت بنویسیم، به چیزی جز مهاجرت فکر نمی‌کنیم و تمام جملات و خط خط داستان‌های‌مان تکرار و تکرار کلمه مهاجرت است. بی‌خبر از اینکه آنها که رفته‌اند (یا اندک کسانی که به ایران آمده‌اند) جدای از مهاجر بودن، مثل هر انسان دیگری هزاران مسأله دیگر دارند. «هیرو» از این جهت داستانی قابل اعتناست. داستانی که بر عشق سوار است اما ما را با زندگی یک مهاجر و تفاوت‌های فرهنگی و بعضاً حتی بخشی از فرهنگ کشور ژاپن آشنا می‌کند.

هیرو
- نویسنده: فرناز خطیبی جعفری
- انتشارات: پایان
- تعداد صفحات: ۱۴۰ صفحه
- قیمت: ۱۳۰۰۰۰ تومان

> «هیرو» داستانی عاشقانه است که «عشق»، «دوستت دارم» و کلماتی از این دست بسیار کم در آن به چشم می‌خورد. در حقیقت نویسنده اولین و مهم‌ترین اصل داستان‌نویسی را به درستی رعایت کرده: عشق را به ما نشان داده است؛ نه اینکه در موردش حرف بزند

خالی از ابتذال کپشن‌نویسی

آنچه در جامعه امروز ما رخ می‌دهد اصرار عجیب هر کسی، در هر نقشی برای درس اخلاق یا درس زندگی دادن به دیگران است. یک قهوه‌فروش خود را موظف می‌داند روی لیوانی که به مردم می‌دهد یک درس زندگی، یک پیام امیدوارکننده، یک جمله (به قول خودشان) حال خوب کن، یا چیزهایی از این دست بنویسند. جملاتی بی‌سروته، بی‌پشتوانه، دور از جامعه، دور از فردیت کسی که قهوه را می‌خرد و... یک بستنی‌فروش هم روی لیوان بستنی‌اش یک پیام می‌نویسد. فارغ از اینکه بعضی‌ها بستنی‌شان را در نان می‌خورند و ممکن است آن راز بزرگ زندگی که بستنی‌فروش به آن رسیده را از دست دهند. این اتفاق هرچند شاید در ادامه پشت وانت‌نویسی‌هایی باشد که سال‌های سال در جامعه رواج داشته، اما آن‌قدر زیاد و مبتذل شده است که باعث شده جامعه پر از شعارهای زیبا اما توخالی شود. اما از قهوه‌فروش و بستنی‌فروش و راننده نیسان که بگذریم، اینکه نویسنده‌ها هم خود را در چنین جایگاهی می‌بینند آسیبی بسیار جدی است. نویسنده‌های امروز بیش از اینکه به قصه‌گویی وفادار باشند، کپشن‌نویس شده‌اند. یک داستان ۱۰۰ صفحه‌ای گاهی ۱۸۰ جمله قصار دارد. جملات قصاری که حتی با شخصیت‌پردازی کاراکترها تناسبی ندارند و فقط و فقط شعارهای توخالی نویسنده هستند که هر جا اجازه داده شود به زور توی دهان یکی از شخصیت‌ها چپانده می‌شود. همان‌طور که کار قهوه‌فروش فروش قهوه است و باید سعی کند هر آنچه دارد را در کیفیت و طعم خود قهوه به مشتری ارائه کند، کار نویسنده هم داستان‌نویسی است. باید داستانی بنویسد با اصول داستانی که خواننده را از ابتدا تا انتها با خود همراه کند و اگر پیامی دارد در دل داستان نهفته باشد؛ نه در بلندگوهایی که شخصیت‌های عموماً لنگ در هوای داستانی دست‌شان گرفته‌اند و البته راوی داستان که گویی استادتمام فلسفه است و هر آنچه از علوم انسانی در جهان بوده و هست را به انتها رسانده. (اگر می‌خواستم پیامی برسانم تلگراف می‌زدم-ارنست همینگوی) یکی از مشخصه‌های رمان مدرن ناپیدا بودن راوی در آن است. اتفاقی که شاید از گوستاو فلوبر به بعد رسمیت پیدا کرد. (فلوبر همان نویسنده «مادام بوآری» است. داستانی در مورد عشق ممنوعه که پایانش مرگ است.) آنچه در شعار دادن‌های امروز اتفاق می‌افتد اما پیدا بودن بیش از اندازه راوی در حالی است که راوی حالا دیگر نه فقط کسی که داستان را تعریف می‌کند بلکه یک استادتمام اخلاق و فلسفه و زندگی سعی می‌کند چیزهایی به مخاطب درس بدهد. این اتفاق هرچند (نه با این شدت) در رمان‌های پیش از فلوبر اتفاق می‌افتاد اما مقایسه شدت این پیام‌های اخلاقی و همچنین جایگاه نویسندگان آن دوران با حال حاضر نشان می‌دهد چقدر راه را اشتباه رفته‌ایم. کدام یک از نویسندگان این نسل جایگاهی در شأن ویکتور هوگو دارند (نه از نظر خودشان، بلکه از نظر کارشناسان) که به خود اجازه می‌دهند از مخیله‌شان بگذرد راز زندگی را کشف کرده‌اند و وقت آن است آن را در این کتاب با دیگران به اشتراک بگذارند؟ «هیرو» اما خالی از این تکبر است. خالی از این ابتذال است. خالی از شعارهای زیبا اما توخالی، به دردنخور، وصله شده به داستان و دور از جهان واقعی است. فرناز خطیبی جعفری نه راز زندگی را کشف کرده و نه رمز موفقیت و زندگی شاد را می‌داند. یا اگر می‌داند هم آن را به ما نمی‌گوید، فقط قصه‌اش را می‌گوید. یک داستان عاشقانه از دختری که مهاجرت کرده. بی‌هیچ حرف اضافه‌ای. این دقیقاً همان چیزی است که جامعه ما به آن نیاز دارد. همان چیزی که ادبیات بر آن سوار است. داستان برای داستان. پندی اگر هست، درسی اگر قرار است بگیریم در دل ماجرا و در مواجهه خود ما با داستان اتفاق می‌افتد. هیچ معلمی در کار نیست، بلکه اگر دنبال درسی هستیم مجبوریم عقل‌مان را به کار بیندازیم، از تجربیات‌مان بهره ببریم، ذکاوت به خرج دهیم و خودمان چیزی از داستان به دست بیاوریم. نویسنده «هیرو» فارغ از تمام نقاط مثبت و منفی داستان از همین جهت بسیار قابل احترام است؛ نویسنده‌ای که فقط آمده یک قصه بگوید.

نقاشی «بانو موراساکی پشت میزش می‌نویسد» اثر توسا میتسوکی. موراساکی شیکیبو (۹۷۳-۱۰۱۴ یا ۱۰۲۵) رمان‌نویس و شاعرِ ژاپنی و ندیمه دربارِ امپراتوری در کیوتو در دوره هی‌آن بود. آوازه او بیشتر به دلیل نوشتن داستانِ گِنجی (در اوایلِ قرنِ یازدهمِ میلادی) است

مقاومت در برابر گم‌گشتگی

تجربه زیستن در ژاپن
زمینه شکل‌گیری رمان سوگا را فراهم کرد

فرناز خطیبی جعفری
نویسنده سوگا و هیرو

سال‌ها تدریس در حوزه‌هایی مانند هویت، فلسفه ذهن و آگاهی در دانشگاه‌های ژاپن، مرا با مسأله‌ای تکرارشونده در نسل‌های جوان‌تر روبه‌رو کرد: نبودِ امکان تجربه کردن «خود». دانشجویانم با مفاهیمی مانند فردیت، انتخاب شخصی، و آگاهی از هویت درونی اغلب نه از سر مقاومت، بلکه از سر ناآشنایی درگیر می‌شدند. بسیاری از آنها سال‌ها با نظامی رشد کرده‌اند که در آن هماهنگی با گروه، سکوت، و حذف تفاوت‌های فردی به‌عنوان ارزش شناخته شده‌اند. در چنین بستری، پرسش «من کیستم؟» نه فقط سخت، بلکه گاهی بی‌معنا جلوه می‌کند. در کلاس‌هایم تلاش می‌کردم خلاف این جریان حرکت کنم. سعی داشتم دانشجویان را با این سؤال روبه‌رو کنم که بیرون از ساختار، بیرون از نقش و وظیفه، چه چیزی از آنها باقی می‌ماند. آموزش برای من فقط انتقال اطلاعات نبود، بلکه نوعی مقاومت در برابر روندی بود که ذهن را در ساختار بزرگ‌تر حل می‌کرد، تا جایی که فرد نه خودش را بشناسد، نه جرأت کند که بشناسد. من این فرسایش هویت را در محیط‌های کاری و اجتماعی نیز بارها دیده بودم؛ از مدرسه تا شرکت، از اجرا تا رفتار روزمره. سیستمی که در آن، فرد بودن اغلب مساوی با مزاحمت تلقی می‌شود، و هماهنگ بودن، تنها معیار بقاست. رمان «سوگا» از همین واقعیت الهام گرفته است. شخصیت اصلی داستان، «سوگا»، نماینده فردی است که برخلاف بسیاری، از نابودی هویت درونی‌اش آگاه است. او این گم‌گشتگی را حس می‌کند، با آن می‌جنگد، و در نهایت در برابر ساختاری که از او فقط یک چهره قابل‌قبول می‌خواهد، دست به مقاومت می‌زند. او برخلاف دانشجویان من که اغلب هنوز نمی‌دانستند چه چیز در وجودشان سرکوب شده، دقیقاً می‌داند چه چیزی را از دست داده و این آگاهی، دردناک‌ترین بخش ماجراست. تجربه زیستن در ژاپن، با تمام جزئیات فرهنگی‌اش، زمینه شکل‌گیری این رمان را فراهم کرد. من در جایگاه کسی که سال‌ها مشاهده‌گر و آموزش‌دهنده بود، سعی کردم تصویری واقع‌گرایانه از آنچه معمولاً به چشم نمی‌آید را روایت کنم؛ از سکوتی که ساخته‌شده است، از ذهنی که در ساختار حل می‌شود، و از فردی که هنوز برای بازگشت به درون خودش دیر نشده است. من هیچ‌وقت تصمیم نگرفتم نویسنده شوم. فقط به نقطه‌ای رسیدم که دیگر نتوانستم سکوت کنم.

سوگا
- نویسنده: فرناز خطیبی جعفری
- انتشارات: پایان
- تعداد صفحات: ۲۲۴ صفحه
- قیمت: ۳۳۰۰۰۰ تومان

نوشتن راهی برای حرف زدن

رمان «هیرو» از دل یک تجربه عاطفی و زیسته بیرون آمد. تجربه‌ای که در آن، زبان برای بیان آنچه درونم می‌گذشت، دیگر کافی نبود، یا شاید کارایی نداشت. «هیرو» برای من آغاز نبود؛ ادامه بود. ادامه تمام آن چیزهایی که در من انباشته شده بودند؛ تنهایی، مشاهده‌گری، و ناتوانی از بیان آنچه در ذهنم می‌گذشت. من از سال‌ها زندگی در کشورهای مختلف بویژه ژاپن در موقعیت‌هایی می‌نوشتم که در آنها فقط می‌توانستم ببینم، اما نمی‌توانستم عمل کنم. نوشتن برایم راهی شد برای حرف‌زدن، بدون آنکه نیاز باشد از کسی اجازه بگیرم. در «هیرو»، صدای دختری را نوشتم که دوست‌داشتن را بلد است، اما ابراز آن را نه؛ که فاصله را می‌شناسد، اما راه عبور از آن را نمی‌داند؛ و در جامعه‌ای بی‌صدا، دنبال راهی برای شنیده‌شدن می‌گردد، حتی اگر با سکوت خودش. من نمی‌دانم داستان بعدی‌ام چه زمانی یا کجا نوشته خواهد شد، چون برای «داستان‌پردازی» نمی‌نویسم. چیزی باید شکل بگیرد، دیده شود؛ نظمی که ترک برداشته، تجربه‌ای که با بافت موجود هماهنگ نیست، یا حقیقتی که جایی پنهان مانده است. اینها هستند که داستان را شکل می‌دهند، نه طرح و نقشه. من فقط سعی می‌کنم روایتی تازه به آنچه نادیده مانده یا شنیده نشده، بدهم.

مهاجرت ذهن

آنچه درباره‌اش می‌نویسم با آنچه معمولاً «ادبیات مهاجرت» نامیده می‌شود، تفاوت ماهوی دارد. اگر مقصود از مهاجرت صرفاً جابه‌جایی فیزیکی و زندگی در کشوری دیگر باشد، آثاری مانند «سوگا» یا «هیرو» را نمی‌توان به سادگی در این طبقه‌بندی گنجاند. من بسیار کم درباره مواجهه مستقیم فرهنگ‌ها یا مشکلات قابل‌درک تطبیق فرهنگی نوشته‌ام. به نظرم این نوع مهاجرت، هرچند گاهی دشوار و پیچیده، در نهایت قابل توضیح و تا حدی قابل حل است. من خودم را یک مهاجر فیزیکی نمی‌دانم. در ژاپن زندگی می‌کنم، اما هنوز در ایرانم؛ نه از نظر جغرافیایی، بلکه از نظر ذهن، زبان، و زیست فکری. با ادبیات ایرانی سر و کار دارم و با جهان‌بینی ایرانی فکر می‌کنم. البته سال‌ها زندگی در ژاپن، لایه‌هایی از ذهن من را تغییر داده و بافت پایه‌ای از تفکر من را تحت‌تأثیر قرار داده است؛ تا جایی که گاهی فاصله گرفتن از آن برایم آسان نیست. اما مهاجرت، آن‌گونه که من می‌فهمم، نه به معنای عادت کردن یا مراعات فرهنگی، بلکه بیشتر شبیه یک فرسایش تدریجی است؛ شبیه تحلیل رفتن آرامِ هویت در دل ساختاری بزرگ‌تر. من مهاجرت را در معنای دیگری به کار می‌برم: «مهاجرت ذهن». آن زمانی که فرد از خودش دور می‌شود؛ نه از سر انتخاب، بلکه از سر فشار ساختار. مهاجرتی در سطح روان و هویت، که در آن، آنچه فرد بوده یا می‌خواسته باشد، به تدریج خاموش می‌شود و چیزی دیگر، که هرچند پذیرفته شده، اما واقعی نیست، جایش را می‌گیرد. این جابه‌جایی درونی، نامرئی اما عمیق است، و بازگشت از آن همیشه ممکن نیست. آن ساختار الزاماً کشور نیست. می‌تواند باور، دین، نهاد اجتماعی، یا حتی فرهنگ غالب باشد؛ هر نظمی که از انسان فقط عملکرد و نقش بخواهد، نه خودبودن. در چنین نظام‌هایی، تفاوت شخصی نوعی مزاحمت تلقی می‌شود و هماهنگی، یک فضیلت. ذهن به‌تدریج خاموش می‌شود، و جای خود را به انطباق می‌دهد. این نوع مهاجرت نهادینه می‌شود، بی‌آنکه دیده شود. من در محیط‌های کاری، دانشگاهی و زیست روزمره‌ام در ژاپن، بارها شاهد این وضعیت بوده‌ام. در کلاس‌ها، بویژه در درس‌هایی مثل فلسفه ذهن و هویت، تلاش می‌کنم دانشجویان را با این پرسش بنیادی روبه‌رو کنم: «اگر هیچ نقش و ساختاری بر شما تحمیل نمی‌شد، چه کسی بودید؟» همین پرسش ساده، برای بسیاری چالش‌برانگیز است، چون بسیاری از آنها از کودکی یاد گرفته‌اند آنچه «هستند» را پنهان کنند. رمان‌های من، بویژه «سوگا»، دقیقاً از همین تجربه درونی می‌گویند. از شخصیت‌هایی که کشور را ترک نکرده‌اند، اما از خود فاصله گرفته‌اند. آنها درون ساختارند، اما بی‌جایگاه. نه از بیرون آمده‌اند، نه در درون پذیرفته شده‌اند. اگر بخواهیم نامی برای این جنس نوشتن بگذاریم، شاید بهتر باشد آن را «ادبیات مهاجرت ذهنی» بنامیم. آیا من مهاجرم؟ نمی‌دانم. سعی می‌کنم نباشم. اما در نهایت، آنچه می‌نویسم، درباره همین کشمکش است: لحظه‌ای که ذهن در برابر ساختار ایستادگی می‌کند تا خودش را گم نکند؛ حتی اگر بخشی از آن، پیش‌تر گم شده باشد.

رازآلودگی روایت

معصومه اسماعیلی
پژوهشگر و روزنامه‌نگار

بیش از یک‌سال از انتشار کتاب «هیرو» نوشته فرناز خطیبی جعفری توسط نشر پایان می‌گذرد. نویسنده که استاد دانشگاه یوکوهاما در ژاپن است از سال‌های گذشته تاکنون، در روزنامه‌ها و مجلات، مقالاتی در حوزه‌های اندیشه و فرهنگ نوشته و کتاب «هیرو» اولین تجربه داستان‌نویسی اوست و امسال هم کتاب داستان دیگری از او با نام «سوگا» توسط نشر پایان منتشر شده است. رمان «هیرو»، اثر تازه‌ای است. این رمان، داستانی عاشقانه و چندلایه است که با پرداختن به موضوعاتی چون مهاجرت، تضادهای فرهنگی، هویت چندگانه و معنای قهرمانی در برابر سختی‌ها، خواننده را به سفری احساسی و فکری دعوت می‌کند. داستان هیرو درباره دختری تهرانی و مهاجر در ژاپن است که هویت رازآلودش یکی از گره‌های اصلی روایت را شکل می‌دهد. او عاشق مربی بوکس خود، هیروسان، مردی ژاپنی با شخصیتی منظم و پایبند به اصول، می‌شود. اما قوانین سخت‌گیرانه باشگاه، که هرگونه رابطه عاطفی بین شاگرد و مربی را ممنوع کرده، مانعی بزرگ پیش روی عشق آنها می‌سازد. هیروسان نمی‌تواند از این خط قرمز عبور کند و دختر قصه، در تصمیمی دردناک، با کمک متخصصان اعصاب خاطراتش از هیروسان را پاک می‌کند. او سپس برای کار با صلیب سرخ راهی مناطق جنگی آفریقای جنوبی می‌شود. با این حال، داستان در اینجا پیچی می‌یابد: با وجود فاصله هزاران کیلومتری و خاطرات پاک‌شده، انگار ارتباطی تله‌پاتیک بین این دو حفظ شده است. وقتی هیروسان حس می‌کند معشوقش در خطر است، سفری پرمخاطره به آفریقا را آغاز می‌کند تا او را بیابد، در حالی که همه معتقدند او دیگر هیچ خاطره‌ای از هیروسان ندارد. عنوان هیرو، که هم به نام هیروسان اشاره دارد و هم به معنای «قهرمان» در زبان انگلیسی است، لایه‌ای نمادین به داستان می‌افزاید. این بازی زبانی هوشمندانه، شخصیت‌های اصلی — دختر تهرانی مهاجر و هیروسان — را به‌عنوان قهرمانانی در برابر نیروهای بیرونی و درونی معرفی می‌کند. راوی با تلاش برای غلبه بر دردهای عاطفی و فرهنگی، و هیروسان با خروج از محدوده امن قوانین و سفر به ناشناخته‌های آفریقا، هر دو نمادی از قهرمانی در مواجهه با چالش‌های زندگی هستند. استفاده از واژه‌ای خارجی در عنوان، انتخابی جسورانه است که هویت چندگانه شخصیت‌ها و جهانی بودن موضوعات داستان را برجسته می‌سازد و هیرو را به اثری جذاب برای مخاطبان ایرانی و بین‌المللی تبدیل می‌کند. هیرو در حوزه ادبیات مهاجرت جای می‌گیرد، چرا که تجربه زیستن بین دو فرهنگ را با ظرافت به تصویر می‌کشد. تضاد میان احساسات پرشور ایرانی و نظم قانون‌مدار ژاپنی، کشمکشی درونی برای شخصیت اصلی ایجاد می‌کند که برای بسیاری از مهاجران آشناست. تلاش او برای پاک کردن خاطرات و رهایی از گذشته، همراه با سفر هیروسان به آفریقا، پرسش‌هایی عمیق درباره هویت، تعلق و امکان گریز از ریشه‌های عاطفی مطرح می‌کند. این رمان نه‌تنها روایت یک عشق ممنوعه است، بلکه هجویه‌ای مدرن بر چالش‌های هویتی و معنای عشق در دنیای معاصر به شمار می‌رود. گره‌های داستانی هیرو شامل عشق ممنوعه، تصمیم به پاک کردن خاطرات، ارتباط تله‌پاتیک بین دو عاشق، و سفر پرمخاطره هیروسان به آفریقا، داستان را به اثری چندلایه و تأمل‌برانگیز تبدیل کرده است. شباهت‌هایی با فیلم «درخشش ابدی یک ذهن پاک» در ایده پاک کردن خاطرات دیده می‌شود، اما خطیبی جعفری با افزودن عناصر مهاجرت، تله‌پاتی و بازی‌های زبانی، روایتی بدیع خلق کرده که خواننده را به تفکر درباره مفاهیمی چون هویت، عشق و مبارزه دعوت می‌کند.

پرسش کلیدی داستان این است: آیا می‌توان ریشه‌های عشق و هویت را از وجود انسان جدا کرد؟ با وجود نقاط قوت بسیار، گنگ بودن برخی جنبه‌های شخصیت‌پردازی دختر قصه، مانند گذشته و انگیزه‌هایش، ممکن است برای برخی خوانندگان سؤال‌برانگیز باشد. با این حال، «هیرو» به‌عنوان اولین اثر فرناز خطیبی جعفری، رمانی پرماجرا، هوشمندانه و غنی از نظر معنایی است.

نمایی از فیلم «درخشش ابدی یک ذهن پاک» به کارگردانی میشل گوندری و با بازی جیم کری و کیت وینسلت، محصول سال ۲۰۰۴

«ایران» از گسترش اورژانس بانوان گزارش می‌دهد

پالس امید

گزارش

مرجان قندی
گروه گزارش

صدای آرام اما قاطع اپراتور از پشت خط می‌آید: «اورژانس ۱۱۵، بفرمایید». پشت این جمله کوتاه، دنیایی از اضطراب و امید جریان دارد. زمانی که ثانیه‌ها حکم مرگ و زندگی دارند. اپراتور در حالی که با دقت مشکل تماس‌گیرنده را ثبت می‌کند، همزمان تلاش دارد با راهنمایی تلفنی نفس نوزادی را برگرداند یا قلب سالخورده‌ای را دوباره به تپش بیندازد. در همان لحظه نزدیک‌ترین آمبولانس به سمت آدرس تماس‌گیرنده روانه می‌شود. صدای آژیر در بزرگراه لحظه‌های حساس را برای همه یادآوری می‌کند، ثانیه‌های سرنوشت‌ساز که با چابکی، آرامش و مهارت تیم اورژانس به کمک جانی که در خطر است، می‌شتابند. اما همه مأموریت‌ها یکسان نیستند، برخی تماس‌ها نیازمند حضور نیروهای زن در فضاهای خاص یا خانواده‌هایی با شرایط فرهنگی ویژه‌اند. همین ضرورت بود که باعث شد در اردیبهشت ۱۳۹۷ اولین پایگاه اورژانس بانوان در تهران راه‌اندازی شود. پایگاهی که روزی تنها مرکز در تهران بود، امروز به ۳۲ نقطه در سراسر کشور گسترش یافته است. این پایگاه‌ها حضور زنان در عملیات‌های اورژانس را از یک انتخاب ساده فراتر برده و به ضرورتی حیاتی برای پاسخگویی کامل به نیازهای جامعه بدل کرده‌اند.

در جامعه ما حضور زنان در میدان‌های عملیاتی گاهی با نگاه‌های تردیدآمیز همراه است، اما زنانی هستند که با هر مأموریت نشان می‌دهند توان، جسارت و تخصص، جنسیت نمی‌شناسد. آنها با حضور خود، پالس امید را در زندگی به جریان می‌اندازند و ثابت می‌کنند امدادگری، بیش از هر چیز، به انسانیت و تعهد وابسته است. سعیده مساح سال‌ها تجربه سخت پرستاری را پشت سر گذاشت و در میانه بحران‌ها و لحظه‌های مرگ و زندگی، راه خود را به بخش فوریت‌های پزشکی باز کرد. او با ۴۷ سال سن، بیش از دو دهه، تجربه در حوزه فوریت‌های پزشکی دارد و از شهریور ۱۳۹۹ به‌عنوان مسئول اورژانس بانوان استان تهران، مدیریت یکی از حساس‌ترین حوزه‌های امدادی کشور را برعهده گرفته است. مسیر او گواهی روشنی بر عشق، جسارت و پایداری در خدمت به انسان‌هاست. با توجه به اینکه حضور مردان در اورژانس سابقه‌ای ۵۰ ساله دارد، نمی‌توان انتظار داشت اورژانس بانوان در مدت کوتاه به همان سطح برسد. اما حمایت‌های مدیریتی، جذب نیروهای متخصص زن و توسعه زیرساخت‌های فیزیکی، نویدبخش آینده‌ای روشن برای این بخش از خدمات درمانی است. مساح با اشاره به ضرورت شکل‌گیری این پایگاه‌ها می‌گوید: «سال‌ها بود که نیاز به راه‌اندازی اورژانس بانوان احساس می‌شد. تماس‌های زیادی داشتیم که به‌دلیل شرایط خاص محل حادثه یا حضور مددجوی زن، امکان اعزام همکاران مرد محدود می‌شد. مکان‌هایی مانند آرایشگاه‌ها، استخرها در سانس بانوان یا خانواده‌هایی که به دلایل اعتقادی تمایلی به پذیرش کارشناسان مرد نداشتند، نمونه‌ای از این شرایط بودند. البته باید تأکید کنم که هیچ منعی برای حضور همکاران مرد وجود ندارد، چراکه همه نیروهای ما متعهد به اخلاق حرفه‌ای و وظایف‌شان هستند.»

ترکیب تیمی و تکمیل توان امدادی

مسئول اورژانس بانوان استان تهران با بیان اینکه در پایگاه اورژانس بانوان اولویت با مددجویان زن است، اما در صورت نیاز و شرایط خاص، خدمات به بیماران مرد هم ارائه می‌شود، توضیح می‌دهد: «با افزایش تعداد نیروهای زن آموزش‌دیده در حوزه فوریت‌های پزشکی، بویژه از سال ۱۴۰۰ که آموزش کاردان‌ها و کارشناسان فوریت به‌طور جدی‌تری دنبال شد، زمینه برای گسترش اورژانس بانوان فراهم شد. این پایگاه با هدف رعایت بیشتر حریم شخصی مددجویان زن، بویژه در فضاهایی که این موضوع اهمیت بیشتری داشت، فعالیت می‌کند. در حال حاضر، اورژانس بانوان در چهار ناحیه شهر تهران شامل شمال، جنوب، شرق و غرب فعال است. اولویت اصلی این پایگاه‌ها ارائه خدمات به بانوان است، به‌طوری که در فرآیند تقسیم مأموریت‌ها در اداره ارتباطات اورژانس، اگر درخواست‌کننده یا مددجو زن باشد، در اولویت قرار می‌گیرد. با این حال، اگر پایگاه اورژانس بانوان به بیمار، چه زن و چه مرد نزدیک باشد، تیم ما بدون هیچ تعللی وارد عمل می‌شود و تلاش می‌کند بدون کوچک‌ترین آسیبی، خدمات لازم را ارائه بدهد. حتی در مواردی که بیمار مرد نیاز به احیای قلبی داشته، همکاران ما بلافاصله اقدام کرده‌اند. بنابراین بین خدماتی که زنان در نقش کارشناس فوریت یا کاردان فوریت ارائه می‌دهند، هیچ تفاوتی با همکاران مرد وجود ندارد. فقط تفاوت در نحوه واگذاری مأموریت‌هاست، به‌طوری که اولویت اصلی در تخصیص مأموریت‌ها با زنان است، بویژه زمانی که مددجو یا تماس‌گیرنده زن باشد.»

تقسیم مأموریت‌ها براساس جنسیت نیست

مساح با اشاره به شرایط خاص برخی مأموریت‌ها توضیح می‌دهد: «در مواردی که حادثه‌ای مانند آوار، تیرخوردگی یا شرایط مشابه رخ داده باشد، همکاران مرد در اولویت قرار می‌گیرند. دلیل این موضوع، فضای حادثه و شرایط آن است. بنابراین، تقسیم مأموریت‌ها بر اساس جنسیت نیست، بلکه بر اساس نوع حادثه انجام می‌شود.» مسئول اورژانس بانوان استان تهران به ساختار تخصصی نیروهای اورژانس بانوان و فرآیند جذب آنها اشاره می‌کند و می‌گوید: «کارشناس یا کاردان فوریت، فردی است که پس از ورود به دانشگاه، یک بیوگرافی اولیه از او تهیه می‌شود، این اطلاعات شامل شاخص‌هایی مانند شاخص توده بدنی (BMI) و قد است که برای ارزیابی‌های اولیه اهمیت زیادی دارند. همچنین، این افراد در زمان پذیرش، تست‌های روان‌شناسی می‌دهند و آموزش‌های تخصصی لازم در حوزه فوریت‌های پزشکی را دریافت می‌کنند.» او با اشاره به تنوع تخصص‌ها در تیم‌های اورژانس بانوان می‌گوید: «در حوزه پرستاری، رشته‌های مختلفی مانند کارشناس پرستاری، کاردان پرستاری، کاردان فوریت و بیهوشی وجود دارند که می‌توانند در ارائه خدمات مورد نیاز به‌کار گرفته شوند. در مجموعه اورژانس بانوان، تعداد کارشناسان پرستاری قابل توجه است و ترکیب این نیروها باعث می‌شود توانمندی‌های لازم برای ارائه خدمات بهتر فراهم شود.» مساح به ساختار معمول تیم‌های اعزامی اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «تیم بانوان معمولاً شامل دو کارشناس یا کاردان زن و یک همکار مرد است که ممکن است کاردان، کارشناس فوریت یا امدادگر باشد. این ترکیب به ما امکان می‌دهد تا در شرایط مختلف، خدمات مؤثر و متناسب با نیاز مددجو ارائه دهیم.» مسئول اورژانس بانوان استان تهران درباره حجم مأموریت‌های اورژانس بانوان در تهران می‌گوید: «میانگین تعداد مأموریت‌هایی که هر پایگاه بانوان در طول ۱۲ ساعت انجام می‌دهد، حدود ۵ تا ۶ مأموریت است. البته این عدد در برخی پایگاه‌ها ممکن است به ۹ یا ۱۰ مأموریت هم برسد و در برخی دیگر کمتر باشد. همان‌طور که گفتم این تفاوت بیشتر از اینکه به جنسیت کارکنان مربوط باشد به عوامل محیطی و شرایط منطقه‌ای مربوط است. فعالیت‌های بانوان در شیفت‌های ۱۲ ساعته، حتی اگر تا ساعت ۷:۳۰ شب ادامه داشته باشد، تأثیری بر کاهش مأموریت‌های‌شان ندارد. برعکس، چون ما در پایگاه بانوان روزکار هستیم، معمولاً در همان ساعات بیشترین فعالیت را داریم.» مساح می‌گوید: «در دوران کرونا، تعداد مأموریت‌ها به‌شدت افزایش یافته بود، اما با کاهش وضعیت بحرانی و آرام‌تر شدن شرایط شهر، این عدد کاهش پیدا کرد. همچنین در روزهای تعطیل یا هنگام برگزاری مراسم و جشن‌های خاص، تعداد مأموریت‌ها در ساعات مشخصی بیشتر می‌شود. از سوی دیگر، در تعطیلات چندروزه که شهر خلوت‌تر است، مأموریت‌ها کاهش می‌یابد. در نهایت، تعداد مأموریت‌ها کاملاً وابسته به وضعیت شهر و رویدادهای محلی است.»

> تیم بانوان معمولاً شامل دو کارشناس یا کاردان زن و یک همکار مرد است که ممکن است کاردان، کارشناس فوریت یا امدادگر باشد. این ترکیب به ما امکان می‌دهد تا در شرایط مختلف، خدمات مؤثر و متناسب با نیاز مددجو ارائه دهیم

مشکلات ساده‌ای که به فوریت نیاز ندارند

مشکلات اصلی اورژانس شامل تناسب نداشتن ناوگان با حجم بحران‌ها، درک نادرست مردم از اورژانس و فشارهای اقتصادی و اجتماعی است که بر عملکرد تیم‌های اورژانس تأثیر منفی می‌گذارد. مساح با بیان این موضوع می‌گوید: «یکی از مهم‌ترین چالش‌ها به اولویت‌بندی مأموریت‌ها مربوط می‌شود. در موارد اورژانسی و فوری که نیاز به واکنش سریع هست، برچسب فوریت به مأموریت‌ها داده می‌شود و این موارد در اولویت قرار می‌گیرند. اما اغلب ما در ترافیک می‌مانیم و گاهی رانندگان حتی به آژیر آمبولانس هم توجهی نمی‌کنند. این موضوع باعث می‌شود تیم‌های اورژانس در لحظات حساس دیرتر به محل برسند و گاهی همان زمان طلایی برای نجات جان بیمار از دست می‌رود.» او با اشاره به برداشت نادرست برخی شهروندان از مفهوم اورژانس توضیح می‌دهد: «در بسیاری از موارد، مأموریت‌هایی که به تیم‌های اورژانس واگذار می‌شود، اولویت اورژانسی ندارند. متأسفانه برخی مردم نیازهای غیر اورژانسی مانند چک کردن قند خون یا گرفتن فشار خون را هم اورژانسی تلقی می‌کنند، در حالی که این خدمات در حیطه وظایف اورژانس نیست.» مساح می‌گوید: «ناوگان اورژانس در شهر تهران، به‌دلیل حجم بالای بحران‌ها و جمعیت زیاد، کافی نیست و نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای روزمره و اضطراری باشد. فشار کاری بر همکاران ما، بویژه در شرایط اقتصادی فعلی، افزایش یافته است. با افزایش نیاز مردم به خدمات اورژانس و کاهش رعایت استانداردهای بهداشتی، مراجعه به اورژانس ۱۱۵ بیشتر شده و این موضوع باعث کاهش کیفیت خدمات و تأخیر در پاسخگویی می‌شود.»

به‌گفته مساح اورژانس بانوان هنوز در مراحل اولیه توسعه قرار دارد و در حال شکل‌گیری است: «این روند به لطف حمایت‌های ریاست اورژانس ممکن شده که فرصت‌های بیشتری برای گسترش فعالیت‌ها و جذب نیرو فراهم شود. در این مدت، مدیران و مسئولان حاضر در اورژانس کمک کرده‌اند تا شرایط برای فعالیت‌های بیشتر فراهم شود و بتوانیم خدمات بهتری ارائه دهیم.» مسئول اورژانس بانوان استان تهران به گسترش فعالیت این بخش در سراسر کشور اشاره می‌کند و می‌گوید: «در بسیاری از شهرهای کشور از جمله رشت، ساوه و دیگر مناطق، اورژانس بانوان به‌طور فعال و جدی مشغول به کار است. اما نیاز اصلی ما در ابتدا، فراهم شدن فضای فیزیکی مناسب برای استقرار پایگاه‌های اورژانس است. شهرداری‌ها و نهادهایی که فضای مناسب دارند، می‌توانند در این زمینه کمک کنند. هدف ما این است که نهادها، سازمان‌ها و مکان‌هایی که فضای فیزیکی مناسب و تمایل به همکاری دارند، وارد عمل شوند تا بتوانیم پایگاه‌هایی برای بانوان و حتی مردان راه‌اندازی کنیم. این پایگاه‌ها می‌توانند به‌عنوان مراکزی برای اورژانس بانوان عمل کنند و در نتیجه، خدمات‌رسانی بهتر و جامع‌تری ارائه دهند.»

زنان هم‌پای مردان

مسئول اورژانس بانوان استان تهران درباره انگیزه‌های شخصی‌اش برای پذیرش مسئولیت اورژانس بانوان توضیح می‌دهد: «این موضوع به شخصیت من برمی‌گردد، همیشه تمایل داشتم در حوزه عملیات هم تجربه کسب کنم. در دوره طرح، به‌عنوان پرستار در اورژانس تهران شروع به کار کردم و در اداره ارتباطات اورژانس تهران (دیسپچ)، فعالیت داشتم. در دوره‌ای وارد بخش عملیات شدم، اما تجربه مسئولیت در این حوزه کاملاً متفاوت و چالش‌برانگیز بود. اما از آنجایی که همیشه دوست دارم چیزهای بیشتری یاد بگیرم، خودم را درگیر این چالش کردم و آن را فرصت خوبی برای یادگیری و توسعه مهارت‌هایم می‌دانم. این تجربه باعث شد فضای کاری بهتری را تجربه کنم و در کنار آموزش‌هایی که در اداره ارتباطات دیدم، توانستم فضای عملیات را هم تجربه کنم. در نهایت می‌توانم بگویم که هر دو حوزه، ارتباطات و عملیات، کارهایی بسیار سخت و پرچالش هستند.» مساح به موضوع توانمندی‌های زنان و باورهای نادرستی که در جامعه نسبت به آنها وجود دارد، اشاره می‌کند و می‌گوید: «متأسفانه زنان در بسیاری از موارد به توانمندی‌های خود باور ندارند و این کمبود اعتمادبه‌نفس از دوران کودکی در آنها شکل گرفته است. اغلب زنان به‌عنوان مادر یا والد، در اولویت دوم قرار می‌گیرند و نقش اصلی آنها نادیده گرفته می‌شود. با این حال، زنان همیشه در عمل نشان داده‌اند که توانایی‌های بسیار بالایی دارند و حتی در برخی موارد، نتایج بهتری از مردان ارائه داده‌اند.» او با نگاهی انتقادی به فضای نابرابر کاری میان زنان و مردان می‌گوید: «مردان همواره فضای بهتری برای کار داشته‌اند و اعتمادبه‌نفس بیشتری هم در آنها تقویت شده، در حالی که زنان در جامعه و خانواده کمتر مورد باور قرار گرفته‌اند، اما در عمل ثابت کرده‌اند که می‌توانند هم‌پای مردان فعالیت کنند. حتی ترکیب همکاری زن و مرد می‌تواند فضای بهتری برای ارائه خدمات و پیشبرد امور جامعه ایجاد کند.» مساح با تأکید بر اهمیت تقویت باور به توانمندی‌های زنان می‌گوید: «امیدوارم دختران این سرزمین بیش از پیش به توانایی‌های خود باور داشته باشند و در عرصه‌های مختلف، چه در دانشگاه و چه در جامعه، با قدرت بیشتری ظاهر شوند. باورهای نادرست و کمبود امکانات، گاهی مانع از بروز کامل توانمندی‌های زنان می‌شود. به همین دلیل، حمایت مدیران و مسئولان از زنان بسیار حیاتی است چراکه بدون این حمایت، مسیر پیشرفت برای زنان بسیار دشوار خواهد بود.»

دلایلی برای تغییر الگوی سنی در ازدواج زنان و مردان میانسال

سن تنها یک عدد است؟

گزارش

نیلوفر منصوری
گروه گزارش

آمار رسمی سازمان ثبت احوال کشور نشان می‌دهد، به غیر از افزایش میانگین سن ازدواج، الگوهای سنی و جنسیتی نیز تغییر کرده‌اند. چندی پیش بهمن عبدی، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی جوانان وزارت ورزش و جوانان در گفت‌وگو با «ایران» از تغییر الگوی سنی ازدواج در کشور خبر داده بود. او با اشاره به ثبت برخی ازدواج‌های خاص در داده‌های رسمی گفته بود: «در بین آمارها یک مورد ازدواج زن ۶۰ تا ۶۴ساله با مردی در گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ساله دیده می‌شود. همچنین ۳۴ ازدواج میان زنان ۵۰ تا ۵۴ساله با مردان ۳۰ تا ۳۴ساله ثبت شده است. در گروه زنان ۴۰ تا ۴۴ ساله، ۶۱۷ ازدواج با مردان ۳۰ تا ۳۴ساله انجام شده و ۲۶۵۱مورد نیز میان زنان ۳۵ تا ۳۹ساله با مردان رده سنی ۳۰ تا ۳۴ساله به ثبت رسیده است.
این داده‌ها بیانگر آن است که الگوی سنی ازدواج در کشور در حال تغییر است.» تغییر در الگوی ازدواج نشان می‌دهد که زوجین کمتر به اختلاف سنی یکدیگر توجه می‌کنند و تمایل جوان‌ها به ازدواج با مسن‌ترها و همینطور مسن‌ترها با جوانان یکی از گونه‌های رایج ازدواج است که نه تنها در کشور ما بلکه در دنیا نیز وجود دارد. جامعه‌شناسان و روانشناسان معتقدند، نمی‌توان با قطعیت گفت که این نوع ازدواج‌ها موفق نخواهد بود، اما قطعاً پیامدهایی دربر دارد و آسیب‌های فردی و اجتماعی آن را نباید نادیده گرفت؛ چون با هنجارها و سنت‌های جامعه ایران سازگاری ندارد.

ناهید دهه شصت عمر خود را سپری می‌کند. او مدرک دکتری دارد و استاد دانشگاه است. چند سالی می‌شود که با مردی که ۱۰ سال از خودش کوچک‌تر است ازدواج کرده. ناهید معتقد است: «اختلاف سن نمی‌تواند معیاری برای عدم گزینش همسر باشد و با قطعیت نمی‌توان گفت که حتماً زن باید کوچک‌تر از مرد باشد. بسیاری از زنان و مردان بوده‌اند که با اختلاف سنی معکوس، سال‌های سال با کمال آرامش کنار هم زندگی کرده و هیچ‌گونه مشکلی هم نداشته‌اند، پس این مسأله قطعی و حتمی نیست. تشکیل خانواده در شرایط امروز با سال‌های گذشته متفاوت است و نمی‌توان با الگوهای سنتی خانواده‌های قدیمی شریک زندگی خود را انتخاب کرد. مهم‌ترین نکته از دید من راحتی و آرامش و مسئولیت پذیری است که موقعیت‌های فردی و اجتماعی خدشه‌دار نشود و بتوان مثل گذشته فعالیت‌های خودمان ادامه داشته باشد.» بابک جوان ۳۵ ساله‌ای است که یک‌بار ازدواج ناموفق داشته، اما او حالا با زنی ۴۷ ساله ازدواج کرده. او می‌گوید: «واقعاً سن یک عدد است. هرچند این موضوع در جامعه ما خیلی عرف نیست که زن از مرد بزرگ‌تر باشد و خانواده‌ها اصولاً با این موضوع کنار نمی‌آیند؛ اما تجربه من ثابت کرده که این موضوع برای همه صدق نمی‌کند. من و همسرم که اختلاف سنی بالایی هم داریم، سال‌هاست که در کنار هم زندگی و کار می‌کنیم و مشکلی هم برای ما پیش نیامده است.» همسر او هم همین عقیده را دارد، الهام می‌گوید: «من هم در گذشته فکر می‌کردم که هرگز با مردی که از خودم کوچک‌تر باشد ازدواج نخواهم کرد و از جدایی و به تفاهم نرسیدن هراس داشتم. اما شرایط جامعه و نگاه به زندگی تغییر کرده و این موضوع بسته به خصوصیات اخلاقی و ذاتی طرفین، می‌تواند متفاوت باشد. مهم تفاهم و توافق بین زن و مرد است.»

میل به جهش طبقاتی

از نظر جامعه‌شناسان و روانشناسان، اما و اگرهای زیادی برای این نوع ازدواج‌ها وجود دارد. جامعه‌شناسان معتقدند این موضوع با فرهنگ جامعه همخوانی ندارد و خانواده متعارفی شکل نمی‌گیرد. برخی دیگر معتقدند سبک زندگی تغییر کرده و اختلاف سنی در ازدواج دیگر اهمیتی ندارد و آن‌چه اهمیت دارد توافق بین زوج‌هاست. آن‌طور که شهلا کاظمی‌پور، جامعه‌شناس و جمعیت‌شناس به «ایران» می‌گوید: «این موضوع در کشور خودمان به نوعی رواج پیدا کرده و با گذشت زمان گستردگی بیشتری یافته که متأسفانه ارتباط نزدیکی با مادی گرایی، مسائل اقتصادی و تغییرات ارزشی در سطح اجتماع دارد. فرهنگ جامعه در حال تغییر است. افراد به دنبال حساب و کتاب و کسب درآمد هستند و این موضوع به سمت خانواده‌ها هم آمده است، حتی در بعضی از ازدواج‌هایی که با نظارت والدین انجام می‌شود این موضوع دیده می‌شود. در مراسم قبل و حین ازدواج چانه‌زنی‌هایی وجود دارد که به دنبال کسب امتیاز و درآمد هستند. زمانی که جوان ۲۵ ساله چنین تمکن مالی را نداشته باشد، از این ازدواج منصرف و راه دیگری که امروزه باب شده را برای خود انتخاب می‌کند.»
اما چرا برخی از مردان تمایل دارند با زنانی ازدواج کنند که از نظر سنی از آنان کوچک‌تر است. کاظمی‌پور می‌گوید: «معمولاً مردان سالمند در هر شرایطی که مجرد هستند (طلاق گرفتن، فوت همسر یا ازدواج دیرهنگام) به دنبال همسر جوان‌تر از خود هستند. هرچه مردان پیرتر می‌شوند این فاصله هم بیشتر می‌شود زیرا آنان تمایل دارند که از همسرشان فرزندی داشته باشند. همچنین بعضی از مردان معمولاً با زنان جوان‌تر احساس می‌کنند، دوباره جوان شده‌اند. به نوعی احساس قدرت می‌کنند، چون فکر می‌کنند هنوز می‌توانند یک زن جوان را جذب کنند. برخی از این مردان دوست دارند در رابطه نقش یک حامی و پشتیبان را بازی کنند. همچنین بعضی از مردها از دوران پیری می‌ترسند و برای همین زن جوان‌تری انتخاب می‌کنند تا در دوران کهنسالی و کهولت در کنارشان بماند.» اما این موضوع یعنی ازدواج زنان جاافتاده با مردان کوچک‌تر از خود نیز وجود دارد.
این جامعه شناس می‌گوید: «بعضی از زنان میانسال یا سالمند اغلب به دنبال حمایت عاطفی و تفریحات هستند. محدودیت‌ها و مسائل شخصی در زندگی گذشته افرادی که از همسران خود جدا شده یا فوت کرده‌اند، باعث شده است که برای برخی، رابطه با مردان جوان‌تر راهی برای تجربه سفر و تفریح و حمایت باشد. حس جوانی، نشاط و انرژی خوب پیدا می‌کنند زیرا ارتباط با یک مرد جوان می‌تواند به آنها این حس را منتقل کند که هنوز در اوج انرژی و سرزندگی هستند.
همراهی با یک فرد جوان به آنها کمک می‌کند تا همچنان خود را توانمند و شاداب ببینند. از سوی دیگر از کلیشه‌های فرهنگی فرار می‌کنند و به شیوه‌ای آزادتر و با انعطاف بیشتری به زندگی خود ادامه می‌دهند. بنابراین برای عشق و سفر تمایل دارند که با مردان کوچک‌تر از خود ازدواج کنند.»

> در سنین بالاتر و سالمندی، نیاز به پذیرش، آرامش و صمیمیت اهمیت پیدا می‌کند. در نتیجه، تمایل به انتخاب همسر جوان‌تر در هر دوره می‌تواند نشانه پاسخ به یکی از این نیازها باشد؛ گاهی سالم و طبیعی، گاهی جبرانی و ناپایدار

ثابت نبودن الگوی انتخاب همسر در طول زندگی

ریحانه صبوری‌نژاد، روانشناس معتقد است تمایل افراد به انتخاب همسر جوان‌تر، در سنین مختلف یکسان نیست و بسته به مرحله رشد روانی، نیازهای عاطفی و شرایط زندگی، تغییر می‌کند. این روانشناس با بیان اینکه الگوهای انتخاب همسر در دوران جوانی، میانسالی و سالمندی دچار دگرگونی می‌شود به «ایران» می‌گوید: «در جوانی معیار انتخاب همسر بیشتر تحت تأثیر جاذبه‌های ظاهری و هیجانات قرار دارد و جوانان معمولاً به دنبال عشق و صمیمیت و تجربه احساسی هستند. در میانسالی افراد معمولاً تجربه زندگی بیشتری دارند و از مرحله هیجان‌محور عبور کرده و انتخاب همسر بیشتر بر پایه درک متقابل، ثبات روانی، نیاز به رشد، همفکری و حمایت عاطفی و احساس مفید بودن است. در سنین بالاتر و سالمندی، نیاز به پذیرش، آرامش و صمیمیت اهمیت پیدا می‌کند. در نتیجه، تمایل به انتخاب همسر جوان‌تر در هر دوره می‌تواند نشانه پاسخ به یکی از این نیازها باشد؛ گاهی سالم و طبیعی، گاهی جبرانی و ناپایدار.»
با این وجود او می‌گوید: «از دیدگاه زیستی و نظریه‌های تکاملی، تمایل بعضی از مردان به انتخاب همسر جوان‌تر، ریشه در جست‌وجوی ویژگی‌هایی دارد که نشانه سلامت و باروری بیشتر هستند. این تمایل، نوعی گرایش طبیعی برای حفظ نسل تلقی می‌شود. در مقابل، زنان معمولاً به دنبال مردانی هستند که بتوانند حمایت اقتصادی و عاطفی بیشتری فراهم کنند.
مردان بزرگ‌تر معمولاً از نظر تجربه زندگی، ثبات شغلی و موقعیت اجتماعی در سطح بالاتری قرار دارند، از این‌رو زنان در انتخاب همسر، ناخودآگاه به سمت مردان مسن‌تر گرایش پیدا می‌کنند. بنابراین، می‌توان گفت که الگوی انتخاب همسر در طول زندگی ثابت نیست و با تغییر سن، تجربه و نیازهای روانی فرد، دگرگون می‌شود. اگر انتخاب بر اساس رشد عاطفی، شناخت و احترام متقابل انجام شود، تفاوت سنی اهمیت چندانی نخواهد داشت؛ اما اگر صرفاً برای جبران کمبودها یا ترس از پیری باشد، احتمال ناپایداری رابطه بیشتر خواهد بود.» از نظر این روانشناس، بلوغ عاطفی و استقلال فکری زنان در انتخاب همسر هم بسیار تأثیرگذار است. به گفته او، زنان امروزی نسبت به گذشته استقلال فکری و عاطفی بیشتری دارند. بسیاری از آنان از نظر روانی و فکری به درجه‌ای از بلوغ رسیده‌اند که می‌توانند با مردی کوچک‌تر از خود رابطه‌ای برابر و پخته برقرار کنند. گاهی زنانی که از نظر روحی فعال و پرانرژی هستند، با مردان جوان‌تر احساس هم‌خوانی و شادابی بیشتری می‌کنند. این تفاوت سنی می‌تواند رابطه را پویاتر و پرنشاط‌تر کند. در برخی موارد، زنان مطلقه یا بیوه تمایل دارند با فردی کوچک‌تر ازدواج کنند که پذیرای تجربه‌های گذشته آنان باشد و با دید بازتری وارد رابطه شوند. البته نمایش چهره‌های موفق از بعضی زنان و مردان در روابطی با تفاوت سنی معکوس (مثلاً زن بزرگ‌تر) باعث شده این نوع ازدواج‌ها در ذهن جامعه طبیعی‌تر جلوه کند.

در ۲ پنل تخصصی در اجلاس بین‌المللی ایران‌شناسی مورد تأکید قرار گرفت

ایران همواره با فرهنگ خود جهانداری کرده است

گروه فرهنگی/ دو پنل تخصصی «ایران جهانی در بستر جهانی شدن» و «ایران‌شناسی، دیپلماسی فرهنگی و تعاملات بین‌المللی» با حضور مسئولان فرهنگی ایران و ایران‌شناسان ایرانی و خارجی، در اجلاس بین‌المللی ایران‌شناسی برگزار شد.

معماری، ادب و هنر ایرانی پیام‌هایی فرامنطقه‌ای دارند

در پنل تخصصی اول با عنوان «ایران جهانی در بستر جهانی شدن»، دکتر مهدی آهویی، معاون پژوهشی بنیاد ایران‌شناسی، محور اصلی نشست را به پرسش بنیادین «نسبت ایران‌شناسی با جهانی شدن چیست؟» معطوف کرد. او با اشاره به فرصت‌ها و تهدیدهایی که جهانی شدن برای فرهنگ‌های بومی ایجاد می‌کند، توضیح داد که فرهنگ و تمدن ایرانی محدود به جغرافیای خاصی نیست و همواره از تعامل گسترده با سرزمین‌ها و فرهنگ‌های پیرامونی نیرو گرفته است. به گفته دکتر آهویی، معماری، ادب و هنر ایرانی پیام‌هایی فرامنطقه‌ای دارند و از همان ابتدا بر اساس گفت‌وگو و تبادل فرهنگی شکل گرفته‌اند. او با ذکر نمونه‌هایی از معماری ایرانی مانند تاج‌محل، مسجد شیخ لطف‌الله و گنبد سلطانیه تأکید کرد که تمدن ایرانی با بهره‌گیری از ساختار فراملی و ارتباط مداوم با فرهنگ‌های دیگر، همواره در معرض غنای فرهنگی و هنری بوده است. آهویی همچنین به مؤلفه‌های اصلی شکل‌دهنده جهان ایرانی اشاره کرد که شامل اندیشه خداباورانه و یکتاپرستی، تداوم اندیشه سیاسی ایرانشهری، زبان فارسی، عرفان و تصوف و جلوه‌های عینی فرهنگ و هنر ایرانی است. آهویی توضیح داد که اندیشه اخلاقی و دینی ایران از دوران زرتشت تا امروز پیوندی میان دین، اخلاق و سیاست ایجاد کرده است و اندیشه سیاسی ایرانشهری بر عدالت، خرد و رعایت نظم و قانون تأکید دارد.

دکتر عظمت ضیا، مدیر مؤسسه تاریخ آکادمی علوم ازبکستان بر اهمیت منابع تاریخی و خطی فارسی در مطالعه تاریخ ملت و دولت‌داری ازبکستان تأکید کرد و توضیح داد که این منابع شامل آثار کهن ایرانی، کتیبه‌ها و کتاب‌های تاریخی دوره سامانیان، غزنویان و سلجوقیان، اطلاعات ارزشمندی درباره تاریخ، جغرافیا، اقتصاد و جامعه توران ارائه می‌دهند. او همچنین بر ضرورت تربیت کارشناسان متخصص در این حوزه و مشارکت پژوهشگران بین‌المللی در بررسی این منابع تأکید کرد.

دکتر ولادیمیر ایوانوف، استاد زبان فارسی دانشگاه دولتی مسکو، با اشاره به توسعه کرسی‌های فارسی در روسیه، توضیح داد که در دوران شوروی تنها سه کرسی فارسی در مسکو وجود داشت، اما با گسترش روابط ایران و روسیه، تعداد کرسی‌ها و دانشگاه‌های تدریس زبان فارسی افزایش یافته است.

او همچنین به برنامه‌های تبادل دانشجو و اعزام دانشجویان روس به ایران، برگزاری المپیاد زبان و ادبیات فارسی و نقش مؤسسات فرهنگی ایران در حمایت از آموزش فارسی اشاره کرد و اهمیت کتاب‌های درسی و آموزش رسمی زبان فارسی در تقویت روابط فرهنگی دو کشور را برجسته ساخت.

دکتر مایا کاپانادزه، رئیس مرکز علمی روابط گرجستان و ایران در دانشگاه بین‌المللی قفقاز، به فعالیت‌های پژوهشی ایران‌شناسان گرجی و اهمیت منابع تاریخی و فارسی ایران برای ایران‌شناسی در گرجستان پرداخت. او اشاره کرد که از بدو تأسیس رشته ایران‌شناسی در دانشگاه‌های گرجستان، ترجمه و انتشار منابع تاریخی فارسی نقش کلیدی در مطالعه روابط تاریخی و فرهنگی ایران و گرجستان داشته و ادامه فعالیت‌های علمی و تحقیقاتی در این حوزه ضروری است.

اونگلوس ونتیس، استاد مطالعات اسلامی و خاورمیانه در دانشگاه پانتئون یونان، با ارائه پژوهشی درباره تاریخ ایران از دوره صفویه تا مدرنیته، بر اهمیت منابع تاریخی و سفرنامه‌ها در شناخت تحولات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران تأکید کرد و توضیح داد که اسناد تاریخی، سیاست‌نامه‌ها و منابع مکتوب فارسی چشم‌اندازی جامع از ساختار حکومتی، نظام مالی، ارتش و جامعه ایران ارائه می‌دهند و نقش مؤثری در تحقیقات ایران‌شناسی دارند.

دکتر محمد کمال‌الدین، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه راجشاهی بنگلادش، با موضوع «بازتاب ایران‌شناسی در دیپلماسی فرهنگی ایران و بنگلادش؛ از میراث تاریخی تا تعاملات معاصر» سخن گفت.

او با تأکید بر اهمیت قدرت نرم و نقش فرهنگ در عرصه جهانی، توضیح داد که دیپلماسی فرهنگی ایران بر عناصر کلیدی مانند اندیشه‌های اسلامی-ایرانی، میراث تمدنی کهن، سنت‌های اصیل و آثار باستانی ارزشمند استوار است و از طریق مشارکت نهادهای دولتی و غیردولتی در سطح دو و چندجانبه، تحقق می‌یابد.

دکتر کمال‌الدین به سابقه تاریخی زبان فارسی در گستره وسیعی از جهان، بویژه در بغداد که بیش از سیصد سال زبان رایج بود، اشاره کرد و افزود که آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های خارجی، حتی پیش از تأسیس دانشگاه‌های معاصر آغاز شده است. او نمونه موفق کرسی ایران‌شناسی در دانشگاه بنگلادش را معرفی کرد که زیر نظر نمایندگی فرهنگی ایران فعالیت می‌کند و با برگزاری برنامه‌های تاریخی، فرهنگی و ادبی، نقش مهمی در معرفی فرهنگ و ادبیات ایران دارد. وی در پایان تأکید کرد که تقویت دیپلماسی فرهنگی از طریق توسعه آموزش زبان فارسی، برگزاری هفته‌های فرهنگی و نمایشگاه‌های هنری، گسترش همکاری‌های دانشگاهی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی مشترک، می‌تواند راهی مؤثر برای ایجاد تعاملات سازنده و پایدار میان ملت‌ها باشد.

> تقویت دیپلماسی فرهنگی از طریق توسعه آموزش زبان فارسی، برگزاری هفته‌های فرهنگی و نمایشگاه‌های هنری، گسترش همکاری‌های دانشگاهی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی مشترک، می‌تواند راهی مؤثر برای ایجاد تعاملات سازنده و پایدار میان ملت‌ها باشد

محمدجواد ظریف، عضو هیأت علمی دانشگاه تهران و وزیر سابق امور خارجه، در این اجلاس سخنرانی خود را با گرامیداشت یاد زنده‌یاد دکتر حسن حبیبی آغاز کرد و گفت: «این بنیاد میراث فکری و فرهنگی ایشان است و ما امروز گرد هم آمده‌ایم تا نقش ایران در جهان معاصر را در پرتو تاریخ و فرهنگ بازخوانی کنیم.»

ظریف با تحلیل تاریخ اخیر جهان پس از فروپاشی نظم دوقطبی، بر جایگاه فرهنگی ایران و قدرت نرم آن تأکید کرد و افزود: «ایران هیچ‌گاه به دنبال فتح جهان با قدرت نظامی نبوده؛ بلکه همواره این هدف را از طریق زبان، فرهنگ و هنر محقق کرده است.»

او نقش ایران‌شناسان در افشای روایت‌های نادرست علیه ایران و تقویت تصویر واقعی کشور در جهان را برجسته دانست و خاطرنشان کرد: «اگر اجازه ندهیم روایت‌های دروغین پرده‌ای بر فرصت‌ها و امکان‌های آینده بیفکنند، راه بسیار روشنی برای توسعه ایران و جهان باز خواهد شد.»

بررسی جایگاه ایران‌شناسی در توسعه دیپلماسی فرهنگی

در پنل دوم با محوریت «ایران‌شناسی، دیپلماسی فرهنگی و تعاملات بین‌المللی»، اساتید و پژوهشگران برجسته از عراق، اندونزی، ترکیه، چین، هند و ایران به بررسی جایگاه ایران‌شناسی در توسعه دیپلماسی فرهنگی پرداختند.

دکتر مجید انورعباس، استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بغداد، با اشاره به هم‌زیستی زبان فارسی و عربی و نقش آنها در تعاملات تمدنی، آموزش زبان را به‌عنوان ابزاری برای گفت‌وگوی میان دو جهان فکری معرفی کرد. او افزود: «یادگیری زبان فارسی توسط جوانان عراقی و زبان عربی توسط ایرانیان، مسیر مؤثری برای فهم عمیق‌تر فرهنگ‌ها و ایجاد تعامل مثبت فرهنگی است و می‌تواند جایگزین رقابت‌های خصمانه شود.»

دکتر عفیفه احمد، پژوهشگر حوزه ادبیات فارسی از اندونزی، با بررسی آموزه‌های مولانا و تأثیر آن بر تعامل فرهنگی میان ایران و اندونزی، نقش شعر و ادبیات فارسی را در نزدیکی ملت‌ها برجسته کرد و به انتشار بیش از ۵۶ مقاله و ۱۰۰ پایان‌نامه درباره مولانا در اندونزی اشاره کرد.

دکتر علی تمیزال، رئیس دانشکده ادبیات سلجوق قونیه، به سابقه بیش از دو هزار ساله روابط فرهنگی ایران و ترکیه و آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های ترکیه پرداخت و بر نقش آن در تقویت تعاملات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی میان دو ملت تأکید کرد. همچنین دکتر جی کی‌یون از چین و دکتر سید اختر حسین از هند، بر اهمیت ایران‌شناسی در ایجاد فهم عمیق‌تر از فرهنگ، ادبیات و تمدن ایران و تأثیر آن در تقویت روابط بین‌المللی و توسعه همکاری‌های علمی و فرهنگی تأکید کردند.

دکتر محمدکاظم سجادپور، استاد دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، جمع‌بندی پنل را با تأکید بر پیوند میان ایران‌شناسی و دیپلماسی فرهنگی ارائه کرد و افزود که ایران‌شناسی می‌تواند تصویری واقعی و جامع از ایران ارائه دهد و زمینه تعامل، احترام و همکاری میان ملت‌ها را فراهم سازد.

در پایان، شرکت‌کنندگان با تبادل نظر درباره تجربه‌های پژوهشی و فرهنگی خود بر اهمیت ایران‌شناسی و دیپلماسی فرهنگی در ترویج گفت‌وگو، صلح و تعامل میان ملت‌ها تأکید کردند و نقش زبان و ادبیات فارسی را به عنوان ابزار اصلی این تعامل برجسته دانستند.

اخبار

معرفی مدیر و داوران بخش عکس جشنواره تئاتر فجر

نیلوفر جوانشیر به عنوان مدیر بخش عکس و محمود کلاری، سیامک زمردی‌مطلق و مریم قهرمانی‌زاده به عنوان داوران بخش عکس چهل‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر معرفی شدند. نیلوفر جوانشیر، دارای مدرک کاردانی عکاسی و کارشناسی تدوین سینما و عضو انجمن عکاسان خانه تئاتر ایران است. چهل‌وچهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر به دبیری سید وحید فخر موسوی در بهمن ماه ۱۴۰۴ برگزار و بخش عکس این دوره از جشنواره دی ماه ۱۴۰۴ در کرمان برگزار خواهد شد./ **سایت جشنواره تئاتر فجر**

ارسال ۴۰۶ اثر به «جشنواره موسیقی بیت و حیران»

بخش رقابتی یازدهمین جشنواره موسیقی بیت و حیران با حضور علی اکبر مرادی، اردشیر کامکار، مجتبی قیطاقی، محمدعلی مرآتی و حیدر کاکی داوری می‌شود. طبق اعلام ناصح بهرام‌بیگی دبیر اجرایی جشنواره، تا تاریخ ۲۰ آبانماه سال جاری مجموعاً تعداد ۴۰۶ اثر به دبیرخانه یازدهمین جشنواره موسیقی بیت و حیران ارسال شده است. این ۴۰۶ اثر در بخش‌های تک‌نوازی، دونوازی، گروه‌نوازی بخش‌های رقابتی و جنبی در سه رده سنی به ثبت رسیده‌اند. یازدهمین جشنواره موسیقی بیت و حیران توسط مؤسسه فرهنگی هنری شاور و به دبیری حسن حسن‌زاده و دبیری اجرایی ناصح بهرام بیگی از ۱۰ تا ۱۳ آذرماه ۱۴۰۴ در سالن یادمان شهدای شیمیایی ۷ تیر سردشت برگزار می‌شود./ **ایران**

بهره‌برداری از سینما مهر شهرستان کوهچنار

حبیب ایل بیگی مدیرعامل مؤسسه سینماشهر در جریان سفری یک‌روزه به استان فارس، با دیدار و گفت‌وگو با مسئولین استانی و شهری پیرامون توسعه فضاهای فرهنگی و سینمایی، از ظرفیت‌ها و امکانات فرهنگی شهرستان‌های کوهچنار و کازرون بازدید کرد. ایل‌بیگی، در بازدید از شهرستان کوهچنار و سینما مهر این شهرستان واقع در استان فارس، با ابراز خرسندی از آغاز فعالیت این سینما پس از سال‌ها انتظار، اظهار کرد: «خوشبختانه پس از سال‌ها در شهر کوهچنار سالن نمایش فیلم راه‌اندازی شده و آرزوی دیرینه جوانان و علاقه‌مندان به سینما در این شهر تحقق پیدا کرده است. سینما مهر شهرستان کوهچنار با نمایش آثار روز سینمای ایران به شکل غیررسمی فعالیت خود را آغاز کرده است و به‌زودی و با حضور مسئولان استانی و مدیران سازمان سینمایی، این مجموعه به‌صورت رسمی افتتاح خواهد شد.» / **ایران**

«بُن‌سای» در یک قدمی حضور در جشنواره‌های جهانی

فیلمبرداری فیلم سینمایی «بن‌سای» به کارگردانی علی بهراد و تهیه‌کنندگی رضا فتح‌اللهی‌پور به روزهای پایانی نزدیک شده است. برای این فیلم پریناز ایزدیار، پیمان معادی، ستاره پسیانی، مهتاب ثروتی، محمدرضا فتحی و محمد عاقبتی بازیگرانی هستند که تاکنون جلوی دوربین رفته‌اند و طبق اعلام روابط عمومی فیلم، «بن‌سای» یک چهره مطرح دیگر نیز دارد که بزودی معرفی می‌شود. سازندگان «بن‌سای» پس از پایان فیلمبرداری، فیلم را برای حضور در فستیوال‌های بین‌المللی آماده نمایش می‌کنند./ **ایسنا**

نگاهی به نمایش «هیولاکش» که این روزها در تئاتر شهر مشهد روی صحنه رفته است

تماشای نبرد انسان با سایه‌هایش

نقد

رامونا میرحاجیان
نویسنده و پژوهشگر حوزه کودک و نوجوان

نمایش «هیولاکش» به نویسندگی مهدی سیم‌ریز و کارگردانی محمد جهان‌پا، اقتباسی آزاد از داستان گشتاسب در شاهنامه است. این اثر سه‌پرده‌ای با عنوان‌های «عزم قدرت»، «آزمون ایمان» و «نبرد نهایی»، مسیر قهرمانی را روایت می‌کند که از وطن می‌گریزد تا خود را بیابد، اما در نهایت درمی‌یابد که راه بازگشت، در درون اوست.

نمایش در آغاز با تصویری چشم‌نواز از سفر گشتاسب به روم شروع می‌شود. او از پدرش شاه لهراسب، از برادرش زریر و از سرزمین خویش جدا می‌شود. در صحنه‌ای شاعرانه و سرد، گشتاسب بر عرشه کشتی‌ای ایستاده است، در حالی که هوهوی باد از بلندگوها و موج دریا بر پرده ویدیووال جان گرفته‌اند. نور آبی و سپید، حس جدایی و تنهایی را تقویت می‌کند و موسیقی، آغاز سفری درونی را نوید می‌دهد. همین مقدمه مسیر کلی نمایش را روشن می‌کند: گشتاسب به دنبال تاج است، اما در مسیر تاج با هیولاهایی روبه‌رو می‌شود که هر یک از درون او برخاسته‌اند.

از همان ابتدا، نمایش با زبانی امروزی اما روحی اسطوره‌ای ساخته شده است. حضور خواننده‌ای که شعرهای شاهنامه را با صدای گرم و عمیق می‌خواند، پلی میان سنت‌های دیروز و دنیای امروز می‌سازد. این خوانش زنده با موسیقی درهم می‌آمیزد و به هر صحنه عمق و شکوه می‌دهد. طراحی صحنه و لباس از نقاط قوت اثر است. ویدیووال عظیم، کوه‌ها و صخره‌های سُقیلا را بر صحنه می‌آورد و بستری می‌سازد برای حضور هیولاهایی که هرکدام تجسمی از ضعف‌های درونی انسان‌اند. استفاده از رنگ‌های لاجوردی، خاکی و طلایی در لباس‌ها، با اسطوره پیوند دارد.

دو جهان، دو نظم

یکی از هوشمندانه‌ترین طراحی‌های بصری نمایش، تقابل دربار ایران با دربار روم است. در ایرانِ شاه لهراسب، رنگ‌های گرم، پارچه‌های بافته و بافت‌های طبیعی دیده می‌شود؛ نشانه‌ای از پیوند با خاک و سنت. در مقابل، دربار قیصر روم با لباس‌های براق، روپوش‌های رومی، اشربه و... صحنه‌ای نشان داده می‌شود که در آن قدرت، بیشتر نمود بیرونی دارد تا درونی. این تفاوت در طراحی صحنه و نور، تضادی نمادین میان «فرهنگ درون‌نگر ایرانی» و «جهانِ ظاهربین و قدرت‌محور رومی» می‌سازد.

گشتاسب با ترک ایران و ورود به آن دربار، در واقع از درون‌گرایی به بیرون‌گرایی می‌گریزد. این تضاد تنها در سطح تصویر نمی‌ماند، بلکه بذر بحران درونی قهرمان را می‌کارد؛ او میان دو جهان در نوسان است: جهانی که از او هویت می‌خواهد و جهانی که از او جاه‌طلبی.

عشق گشتاسب و کتایون

در میان نبردها و آزمون‌های قهرمان، خط عاشقانه ظریفی نیز در نمایش وجود دارد: عشق گشتاسب و کتایون. این عشق در روایت، نقطه تلاقی ایمان و شک است. کتایون، دختر قیصر روم، در این بازآفرینی، چهره‌ای از باور و روشنایی دارد. در صحنه اول دیدار آن دو، نور طلایی از پس پرده بر صورت کتایون می‌تابد و رنگ‌های سرد دربار روم را می‌شکند. این رابطه، بخشی از تحول گشتاسب است. در حضور کتایون، میان قدرت و عشق، میان سلطه و آرامش، مردد می‌شود. به نظر می‌رسد رابطه گشتاسب و کتایون می‌توانست در لایه عاطفی پررنگ‌تر شود تا پیوند قهرمان با جهان انسانی باورپذیرتر گردد.

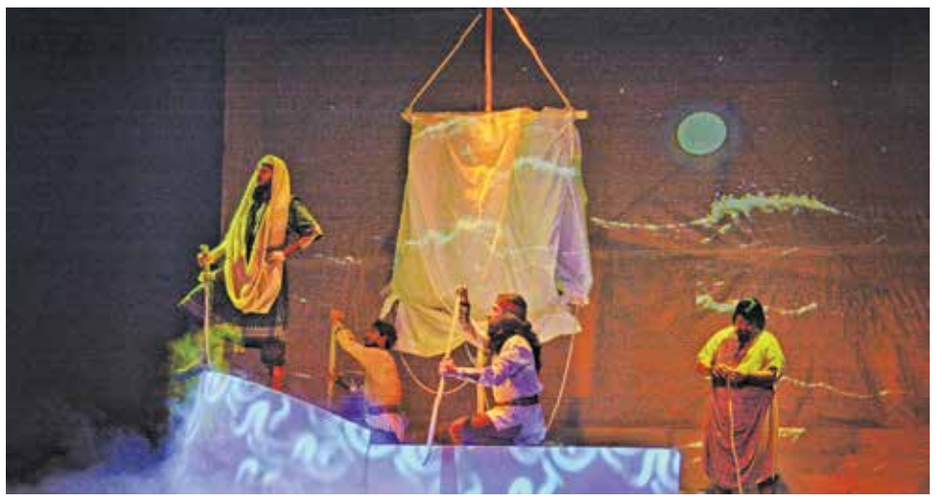

نبرد با گرگِ پیل‌پیکر و اژدهای کوه سُقیلا

بازآفرینی داستان گشتاسب در قالب تئاتر صحنه‌ای کاری دشوار است. آوردن اژدها، گرگ پیل‌پیکر و کوه‌های سُقیلا در فضای محدود صحنه نیازمند خلاقیت و تسلط فنی است. با این حال، «هیولاکش» از پس این چالش برآمده است. در اولین پرده، گشتاسب با گرگِ پیل‌پیکر روبه‌رو می‌شود؛ موجودی میان سایه و جسم که در میان نورهای سرد و صدای ناله‌گر باد پدیدار می‌شود. گرگ نماد وسوسه و خشم درونی قهرمان است. حرکات دقیق بازیگران، استفاده از فرم گروهی و سایه‌های متحرک باعث می‌شود گرگ حضوری ملموس بیابد، بدون آن‌که به جلوه بصری صرف فروکاسته شود. در پرده دوم، نبرد با اژدهای سُقیلا شکل می‌گیرد؛ اژدهایی که از چند بدن انسانی ساخته شده و با نورهای سرخ و ریتم تند موسیقی جان می‌گیرد. این صحنه از نظر هماهنگی بدن‌ها و نورپردازی از نقاط اوج فنی نمایش است. اژدها صرفاً دشمنی بیرونی نیست، بلکه تصویر تردید و ترس درونی قهرمان است. نبرد میان آن دو، یادآور جدال انسان با تاریکی درون خویش است.

نبرد با زریر و بازگشت به وطن

در پرده پایانی، گشتاسب به ایران بازمی‌گردد و در برابر سپاه وطن و برادرش زریر می‌ایستد. زریر در نمایش، نماد عقل، وفاداری و نظم است؛ در حالی که گشتاسب نماینده شور و خودباوری است. تقابل این دو، نه نبردی برای کشتن که جدالی برای فهمیدن است. نور زرد و خاکستری، فضای نبرد را از حماسه به تأمل می‌کشاند. سکوت پیش از برخورد شمشیرها از هر ضربه‌ای اثرگذارتر است.

درون‌مایه و لایه‌های تفسیری

نمایش به چند محور کلیدی می‌پردازد: ایران و وطن، هویت ملی، بازگشت به ریشه، رابطه پدر و فرزند، و مبارزه خیر و شر. در ظاهر، گشتاسب درگیر نبردهایی بیرونی با هیولاهاست، اما در لایه‌ای عمیق‌تر، او با سایه‌های درون خود می‌جنگد. در سطحی دیگر، نمایش نگاهی تازه به مفهوم پدر و پسر دارد. گشتاسب با ترک پدرش، در واقع از نظم کهن جدا می‌شود تا خود معنای پادشاهی را بیابد، اما در پایان درمی‌یابد که قدرت بدون ریشه و ایمان، پوچ است. در همین‌جا باید گفت که «هیولاکش» نه‌فقط برای مخاطب بزرگسال، بلکه برای نوجوانان نیز اثری قابل‌درک و جذاب است. صحنه‌های نبرد، تصویرسازی پرتحرک و موسیقی زنده باعث می‌شود نوجوان امروزی هم با جهان نمایش ارتباط برقرار کند. در عین حال، لایه‌های فلسفی‌تر و پرسش‌های هویتی آن برای مخاطب بزرگسال معناهایی تازه می‌سازد. به همین دلیل، نمایش پلی است میان نسل‌ها؛ هم ذهن نوجوان را درگیر می‌کند و هم ذهن پدران و مادرانی که در کنار او نشسته‌اند.

بازیگری؛ بدن به‌جای کلام

یکی از امتیازهای برجسته «هیولاکش»، بازی‌های فیزیکی و منسجم آن است. بازیگران در این نمایش، نه‌تنها با دیالوگ بلکه با بدن و میزانسن معنا می‌آفرینند. حرکت‌ها دقیق، کنترل‌شده و در عین حال سرشار از انرژی‌اند؛ گویی هر ژست و چرخش، بخشی از واژگان بصری نمایش است. در صحنه‌های گروهی، بدن‌ها درهم می‌آمیزند و هیولاها، امواج، یا سایه‌های ذهنی قهرمان را می‌سازند؛ و در صحنه‌های دونفره، سکوت و ایستایی بدن‌ها جایگزین گفت‌وگو می‌شود.

این رویکرد یادآور تئاتر آیینی و حماسی ایران است؛ تئاتری که در آن حرکت و ریتم، جان روایت را می‌سازند. نکته قابل‌توجه در میزانسن‌ها، شیوه حضور بازیگران زن است: آنان نمی‌رقصند، بلکه با حرکات فرم‌دار و نمادین، احساسات و دگرگونی‌های درونی شخصیت‌ها را بیان می‌کنند. این انتخاب آگاهانه، با حفظ شأن و فضای اسطوره‌ای اثر، زیبایی‌شناسی حرکتی را در چهارچوبی فرهنگی بازآفرینی کرده است.

به‌ویژه در صحنه‌های رؤیا و نبرد، اجزای بدن بازیگران بدل به زبان ناخودآگاه می‌شود؛ گشتاسب وقتی در تردید و خشم است، حرکاتش زاویه‌دار و تند است، اما در لحظات روشنایی و ایمان، نرم و چرخان. چنین جزئیاتی نشان می‌دهد که گروه بازیگری به درک عمیقی از معنا و ساختار حرکت رسیده است؛ بی‌آن‌که نیاز باشد کلامی اضافه گفته شود.

> یکی از امتیازهای برجسته «هیولاکش»، بازی‌های فیزیکی و منسجم آن است. بازیگران در این نمایش، نه‌تنها با دیالوگ بلکه با بدن و میزانسن معنا می‌آفرینند

نور، صحنه و طراحی فضا

یکی از ویژگی‌های چشم‌گیر «هیولاکش»، هماهنگی کامل میان نور و درون‌مایه صحنه‌هاست. نور نه صرفاً برای روشن‌کردن فضا، بلکه به‌عنوان عنصر روایی به‌کار گرفته شده است. در هر پرده، رنگ نورها بر تحولات درونی گشتاسب تأکید دارد: آبی و سپید در آغاز سفر، نشانه پاکی و فاصله‌گیری؛ سرخ در نبردها، نماد خشم و میل به قدرت؛ و طلایی در پایان، نشانه روشنایی و بازگشت به ایمان.

طراحی صحنه، با بهره‌گیری از ویدیووال، پرده‌های نیمه‌شفاف و لایه‌های دود، عمق بصری و حالتی رویایی به فضا می‌دهد. دود در صحنه‌های نبرد و رؤیا، مرز واقعیت و خیال را درهم می‌ریزد و به تماشاگر حس حضور در جهان اسطوره می‌دهد. لباس‌ها نیز با بافت‌های متفاوت و رنگ‌های سنجیده طراحی شده‌اند؛ تفاوت رنگ و نوع لباس نه‌فقط نشانه تمایز جغرافیایی، بلکه بازتابی از دو نوع جهان‌بینی است؛ جهانی پیوندخورده با خاک و ایمان، و جهانی درگیر با زر و قدرت.

مرز خواب و بیداری در رؤیاهای کتایون و گشتاسب

برش

در میانه نمایش، دو صحنه رویایی تکرارشونده وجود دارد: خواب کتایون و خواب گشتاسب. این دو صحنه در میزانسن مرز میان خواب و بیداری را مبهم جلوه می‌دهد و در پایان این مرز را مشخص می‌کند. در رویای کتایون، رنگ‌های صورتی و سوسنی و بنفش صحنه را دربرمی‌گیرند، سایه‌ها به‌آرامی حرکت می‌کنند و گل‌ها به حرکت درمی‌آیند. این صحنه‌ها تنها جلوه‌ای بصری نیستند، بلکه بازتابی از درون‌مایه اثرند: گشتاسب و کتایون هر دو در جست‌وجوی تصویری از حقیقت‌اند، اما ابتدا در رویا به هم می‌رسند، نه در بیداری. رویا در این نمایش جایی است که «حقیقت» خود را نشان می‌دهد، در حالی که جهان بیداری پر از تردید و غرور است. «هیولاکش» تلاشی است برای گفت‌وگوی دوباره با اسطوره، آن‌هم با زبانی نمایشی و امروزی. در این نمایش، حماسه از سطح روایت بیرونی عبور می‌کند و به درامی انسانی تبدیل می‌شود. گشتاسب در اینجا نه قهرمان شاهنامه، بلکه آینه‌ای از انسان معاصر است؛ انسانی میان قدرت و ایمان، عشق و شک، وطن و غربت. نمایش برای نسل نوجوان، فرصتی است تا از مسیر خیال، با اسطوره‌ها و ارزش‌های فرهنگی خود آشنا شود؛ و برای بزرگسالان، یادآوری است از ریشه‌هایی که هنوز می‌توان از آنها نیرو گرفت. «هیولاکش» نشان می‌دهد اسطوره وقتی زنده است که بتوان با زبان امروز و تخیل نمایشی به آن جان دوباره داد.

irannewspaper.ir

دوشنبه ۲۶ آبان ۱۴۰۴ • سال سی‌و یکم • شماره ۸۸۸۸
• اذان ظهر ۱۱/۴۹ • اذان مغرب ۱۷/۱۶ • نیمه شب شرعی ۲۳/۰۶ • اذان صبح فردا ۰۵/۱۶ • طلوع آفتاب فردا ۰۶/۴۳

«ایران» را در صفحه‌های مجازی دنبال کنید

ایران

• **صاحب امتیاز:**
خبرگزاری جمهوری اسلامی

• **مدیر مسئول:**
صادق حسین جابری انصاری

• **سردبیر:**
هادی خسروشاهین

مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران
• **رئیس هیأت مدیره:** صادق حسین جابری انصاری
• **مدیرعامل:** علی متقیان
• **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ • **نمابر:** ۸۸۷۶۱۲۵۴ • **ارتباط مردمی:** ۸۸۷۶۹۰۷۵ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
• **پیامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی • **صندوق پستی:** ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
• **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • **توزیع:** نشر گستر امروز • **چاپ:** چاپخانه‌های همشهری
• **سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• **پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷ • **انتشارات مؤسسه فرهنگی- مطبوعاتی ایران:** ۸۸۵۰۴۱۱۳

سخن روز

حضرت امیرالمؤمنین (ع):
نه مرگ آنقدر ترسناک است و نه زندگی آنقدر شیرین که انسان برای هر دو شرفش را به باد دهد.

غررالحکم

فیلمسازان تصمیم گیرنده نیستند

نقل قول

انگار این فیلمسازان نیستند که تصمیم می‌گیرند چه چیزی بسازند، بلکه شرایط تصمیم می‌گیرد. این همه فیلمساز نوجوان و جوان داریم یا فیلمسازانی که سال‌هاست کار نکرده‌اند و هر کدام باید روزی دَم به تله یکی از این وضعیت‌ها بدهند. پس از جشنواره چند مدل فیلمنامه کمدی بفروش به من پیشنهاد شد که گفتم من اصلاً نه این کار را بلدم نه نیت ساختش را دارم؛ این مدل فیلم ساختن بلدی می‌خواهد. بعد از آن فیلم یا سریال‌هایی پیشنهاد شد که طرح و قصه‌ای را که پیشنهاد شده بود، نپسندیدم. لزوماً اقبال از فیلم در جشنواره، امکان ویژه‌ای به فیلمساز برای ساخت فیلم دلخواهش نمی‌دهد. امیدوار بودم این فیلم مسیری را روشن کند اما اکنون از همیشه گم و گیج‌ترم چرا که وقتی به اکران می‌رسید متوجه شرایط می‌شوید؛ خصوصاً برای فیلم‌هایی از این دست که از ابتدا احتیاج به کمک دارند.

از صحبت‌های محمود کریمی کارگردان فیلم «بچه مردم» از آثار تحسین شده جشنواره فیلم فجر با ایرنا

مراسم بزرگداشت شمس لنگرودی در ۲۶ آبان

همزمان با هفتاد و ششمین سالروز تولد شمس لنگرودی، مراسم بزرگداشت این شاعر و هنرمند ساعت ۲۰ دوشنبه ۲۶ آبان ماه در خانه هنر صوفی برگزار می‌شود. اجرای این مراسم را داوود حیدری برعهده دارد و احمد پوری و شمس لنگرودی نیز در این مراسم سخن خواهند گفت.
همچنین دو گروه موسیقی نیز در این مراسم قطعاتی را اجرا خواهند کرد. /**ایرنا**

۱۰ میلیاردی شدن نمایش رضا گوران

نمایش «رامسس دوم» به کارگردانی رضا گوران که از روز هفتم مهرماه اجرای خود را در تالار اصلی تئاترشهر با ظرفیت ۵۷۹ نفر و قیمت بلیت ۵۰۰ هزار تومان آغاز کرده تاکنون با مجموع ۴۰ اجرا، میزبان ۲۳ هزار و ۷ تماشاگر بوده و فروشی معادل ۱۰ میلیارد و ۵۱۲ میلیون و ۶۰ هزار تومان داشته است.
سحر دولتشاهی، سعید چنگیزیان، علی شادمان و حدیث میرامینی از بازیگران این نمایش هستند. /**خبرآنلاین**

پارک چان ووک به دنبال سرمایه‌گذار برای کار در هالیوود

پارک چان ووک با تحسینی که برای ۳ فیلم آخرش یعنی «کنیز»، «تصمیم به رفتن» و «انتخاب دیگری نیست» و همچنین سریال «همدرد» برای اچ‌بی‌او که با بازی رابرت داونی جونیور ساخته شد به دست آورد، در حال نزدیک شدن هر چه بیشتر به جریان اصلی سینما است. با این حال او برای تأمین مالی فیلم بعدی‌اش با مشکل مواجه شده است. او گفته در حال حاضر فیلمنامه کره‌ای در دست ندارد و می‌خواهد در هالیوود کار کند و برای این کار به پول نیاز دارد. /**مهر**

آسیب‌شناسی یک مراسم فرهنگی

کتاب در محاصره شهرت

یادداشت

محسن سلیمانی فاخر
روزنامه‌نگار

در این گزارش بنا نداریم به تمجید یا تقبیح اسمی از کسی ببریم؛ آنچه اهمیت دارد و نیازمند یک آسیب‌شناسی است، روند نامیمونی است که در چند سال اخیر در عرصه فرهنگی شاهدش بوده‌ایم؛ روندی که مصادیق آن را مشخصاً در «رونمایی»ها می‌بینیم.
رونق کتاب در ذات خود رویدادی فرهنگی است، اما آنچه این روزها زیر عنوان «رونمایی» برگزار می‌شود بیشتر به جشنواره‌ای برای چهره‌ها شباهت دارد تا پاسداشت متن. صف‌های طولانی برای امضاگرفتن از نویسندگان مشهورِ غیرادبی و آیین‌های پرزرق‌وبرق، مسیر کتاب را از فرهنگ به نمایش می‌کشانند.
صف صدمتری برای کتاب تاکسی سواری یکی از «کارگردان-بازیگر»های شهره، تصویری گویا از وضعیت تازه بازار کتاب است. کتابی معمولی با استانداردهای متوسط ادبی، چنان ازدحامی برای امضاگرفتن دارد که گویی با کشف ادبی بزرگی مواجهیم. این صف طولانی تنها یک نشانه است؛ نشانه تغییری که کتاب را از حوزه بحث و تأمل به میدان مصرف نمایشی می‌برد. در چنین فضایی، ارزش اثر نه از متن، بلکه از چهره صاحب آن استخراج می‌شود.
نمونه دیگر، جشن رونمایی پرزرق و برق کتاب شعر یکی از چهره‌های تلویزیونی است؛ مجموعه‌ای که احتمالاً شامل یادداشت‌ها و شعرهای دوران جوانی است، اما به مراسمی پرنور و هیاهو تبدیل می‌شود؛ پر از بازیگر، چهره‌های فضای سرگرمی و حاشیه و آیینی نزدیک به یک بزم رسانه‌ای. اصل ماجرا کتاب نیست؛ شبکه‌ای از نمایش است که از یک دفتر شعر، رویدادی پرحاشیه می‌سازد. شات‌های دونفره و حلقه‌های عکس یادگاری تبدیل می‌شود به بخش جدایی‌ناپذیر رونمایی. نان قرض دادن، همراهی دوستان و عکس گرفتن به‌خودی‌خود اشکال ندارد، اما هر رفتاری نیاز به موقعیت متناسب دارد. وقتی آیین رونمایی به جای محتوا قرار می‌گیرد، مخاطب در برابر نمایشی قرار می‌گیرد که کتاب تنها ابزار آن است.
در حاشیه این موج، برخی چهره‌های شناخته شده‌تر نیز وارد چرخه تازه شده‌اند. در گوشه‌ای از شهر، یکی از بازیگران سینمای غیرتجاری که از نزدیک دستی بر آتش کتاب و ترجمه دارد، تلاش دارد ترجمه اخیرش را با مراسمی پرجزئیات عرضه کند، انگار رونمایی جدا از متن، رویداد اصلی است. همین روند درباره شمس لنگرودی نیز دیده می‌شود؛ حضور بلاگری که بخش عمده فروش کتاب را از مسیر امضا و عکس هدایت می‌کند. بلاگری که حالا نه واسطه اطلاع‌رسانی، بلکه به عامل فروش تبدیل شده است. مخاطبانی که امضا می‌خرند الزاماً کتاب نمی‌خوانند؛ آنان تنها بخشی از مناسک شهرت را مصرف می‌کنند.
ماجرایی که بیش از همه شگفتی ایجاد کرد، حضور یکی از چهره‌های استخوان خرد کرده ادبیات معاصر ایران، در همین مناسبات بود. نویسنده‌ای که چندین دهه در ادبیات ایران صاحب جایگاه است و آثارش بدون تبلیغات گسترده راه خود را پیدا می‌کند، ناگهان در صفحه همان بلاگر دیده می‌شود. در ظاهر هیچ اشکالی ندارد، اما از دید جامعه‌شناسی، چنین رفتاری نشانه جابه‌جایی معیارهای ارزشگذاری است. کتاب این نویسنده نیاز به این شکل از نمایش واقعاً ندارد؛ خوانندگانش او را پیدا می‌کنند، نه فروش امضا. وقتی نویسنده‌ای بزرگ وارد این مناسک نمایشی می‌شود، مرز میان اثر ادبی و نمایش تجاری کمرنگ می‌شود.
از منظر مکتب انتقادی، چنین پدیده‌ای به مفهوم «صنعت فرهنگ» نزدیک است. صنعت فرهنگ، هنر و اندیشه را از مسیر تولید فردی و خلاقانه جدا می‌کند و آن را در مدار تولید انبوه، مصرف سریع و نمایش محور قرار می‌دهد. کتاب نیز در همین وادی قرار گرفته است. رونمایی، امضا، حضور چهره‌ها و ازدحام، جای تحلیل و نقد را می‌گیرد. در این ساختار، کتاب ارزش ذاتی خود را از دست می‌دهد و بیشتر وسیله‌ای برای حفظ دیده‌شدن تولیدکنندگان محتوا و صاحبان شهرت می‌شود. در واقع، نمایش مهم‌تر از اندیشه است.
این نمونه‌ها نشان می‌دهد شهرت، کتاب را به عرصه تبلیغاتی تازه‌ای تبدیل کرده است. افرادی که در حرفه اصلی خود درآمد بالا دارند، با انگیزه‌های غیرادبی وارد بازار کتاب می‌شوند. مسأله نه شعر نوشتن است و نه ترجمه‌کردن؛ مسأله این است که فرآیند نوشتن نیازمند زمان، تمرکز، تجربه و فاصله‌گیری از هیاهوست. فردی که در طول سال ده‌ها پروژه سینمایی تبلیغاتی و هنری دارد، چگونه می‌تواند در سکوت و تمرکز، به ترجمه یا تولید ادبی بپردازد؟
در این میان، خواننده آسیب‌پذیرترین عنصر است. او که انتظار دارد کتاب دریچه‌ای به تأمل و اندیشه باشد، با صحنه‌ای مواجه می‌شود که در آن متن کمترین نقش را دارد. شهرت، به معیار انتخاب کتاب بدل می‌شود.

> **وقتی آیین رونمایی به جای محتوا قرار می‌گیرد، مخاطب در برابر نمایشی قرار می‌گیرد که کتاب تنها ابزار آن است.**

عکس تزئینی است

مخاطب میان دو گزینه قرار می‌گیرد: کتابی پرهیاهو و کتابی جدی اما بی‌سروصدا. چرخه نمایش، انتخاب اول را تقویت می‌کند و گزینه دوم را حذف. نتیجه، کمرنگ شدن فضای نقد، اندیشه و ادبیات است.
هیچ‌کس مخالف ورود چهره‌های مشهور به جهان کتاب نیست [که اگر باشد، چنین آدمی مطلقاً ره به خطا برده است] اگر آن ورود نتیجه علاقه واقعی به ادبیات، زبان و ترجمه باشد. اما استفاده ابزاری از شهرت برای تبدیل کتاب -و هر اثر فرهنگی دیگر که هر سلبریتی در هر عرصه‌ای عرضه کند- به کالای نمایشی، نه به سود فرهنگ، هنر و ادبیات است و نه به سود جامعه. فضای کتاب بویژه نیازمند آرامش، دقت و فاصله از هیاهوست. رونمایی و امضا اگر در خدمت متن نباشد، تنها نقش یک سایه را ایفا می‌کند؛ سایه‌ای که بر چهره اصلی کتاب می‌افتد و اجازه نمی‌دهد متن نفس بکشد. کتاب باید جای تأمل باشد، نه صحنه شو.

رونق کتاب در ذات خود رویدادی فرهنگی است، اما آنچه این روزها زیر عنوان «رونمایی» برگزار می‌شود بیشتر به جشنواره‌ای برای چهره‌ها شباهت دارد تا پاسداشت متن

نگاهی به اجرای ارکستر سمفونیک تهران به رهبری پانیذ فریوسفی

شمایلی از صلابت و لطافت زنانه

یادداشت

نسیم قاضی‌زاده
روزنامه‌نگار موسیقی

اولین بودن به تنهایی و الزاماً، اتفاق آنقدر مهمی در برابر اثربخشی یک اتفاق نیست. اما اینکه شما اولین زن رهبر ارکستر ملی یا ارکستر سمفونیک یا هر ارکستر مهم و جاندار دیگری در ایران باشی به تنهایی آنقدر اهمیت دارد که نامت برای همیشه در تاریخ موسیقی ایران ماندگار شود. خواه نزهت امیری و رهبری ارکستر موسیقی ملی ایران باشد خواه ارکستر سمفونیک تهران و رهبری پانیذ فریوسفی.
مسأله این است که در اجتماع بسیار گسترده و قدرتمند آهنگسازان، نوازندگان و موسیقیدانان مرد در ایران، همین که یک زن پاهایش را روی سکوی رهبری ارکستر می‌گذارد و جمعی از بهترین نوازندگان ایرانی را رهبری می‌کند، نشان از جایگاه هنری بسیار والای آن فرد دارد. طی چند شب گذشته، فریوسفی که از خانواده هنرمند فریوسفی برآمده بود و سال‌هاست که در ارکسترهای برجسته ایران همچون ارکستر سمفونیک تهران، ارکستر فیلارمونیک تهران و... ویولن نواخته است، چوب رهبری مهم‌ترین ارکستر موسیقی کلاسیک در ایران را به دست گرفت و قطعاتی از چند آهنگساز خانم نواخت.
او با این کار و اختصاص برنامه ارکستر به نواختن قطعاتی از آهنگسازان معاصر زن ایرانی، پیامی بسیار محکم و باصلابت را به تمام جهان مخابره کرد.
او با انتخاب آثاری از آفتاب درویشی و گلفام خیام که هر دو از آهنگسازان درخشان ایرانی در عرصه بین‌المللی هستند در کنار رهبری خودش به عنوان اولین بانوی ایرانی رهبر ارکستر نشان داد که توجه ویژه به جایگاه زنان لطفی نیست که در حق آنها شده باشد، بلکه صرفاً بهره‌مند کردن جامعه از لطف حضور آنهاست. چه بسیار زنان و دخترانی که با همین میزان تبحر و تخصص در انتظار این هستند که نوبت به آنها برسد و سالن‌های درجه یکی همچون وحدت بتواند شاهد درخشش آنها باشد. از این نظر، ورای وجه بسیار بالا و کیفیت مثال‌زدنی اجرا، همچنین حضور نوازندگان حرفه‌ای ارکستر، نور امیدی بوده و خواهد بود بر دل تمامی دختران و زنان این سرزمین تا آنها که هنری در چنته دارند، با دلخوشی بیشتری به آینده بنگرند.
نام اجرای دو شب گذشته ارکستر سمفونیک تهران «دیار سیمرغ» بود و اجرای آن به مادران ایرانی تقدیم شد. هدیه‌ای که در دل خود، ارزشی مضاعف داشت چرا که کدام موسیقیدان خانمی‌ست که نداند چقدر رسیدن به جایگاه رهبری ارکستر سمفونیک ایران پس از هفتادواندی سال از تأسیس‌اش تا به امروز دشوار است.
قطعه «دیار» اثر آفتاب درویشی (برای تکنوازی ویولن و ارکستر) و دو موومان «سیمرغ» و «زمزمه» از مجموعه «هفت شهر عشق عطار» اثر گلفام خیام، از جمله آثار اصلی این کنسرت بودند که با استقبال تماشاگران روبه‌رو شدند. فریوسفی در حالی روی صحنه تالار وحدت چوب رهبری را در دست گرفت که بیش از ۴۵ سال از حضور زنان در بزرگ‌ترین و قدیمی‌ترین ارکستر ایران می‌گذرد؛ اتفاقی که در کشورهای اروپایی هم چندان مرسوم نیست.
فریوسفی که پیش‌زمینه خانوادگی بسیار قوی در حوزه موسیقی دارد و پدر و برادرش نیز در زمره استادان موسیقی هستند و برادرش پدرام فریوسفی در این برنامه نیز به عنوان سولیست ویولن نوازندگی کرد، این کنسرت را با گفتن این جمله که: «آرزوی مادرم همیشه این بود که روزی مرا در لباس رهبری ارکستر ببیند» فضای برنامه را با لطافتی زنانه پس از اجرایی قدرتمند و شجاعانه به پایان رساند. بیش باد.

پیشخوان فرهنگی

روایت اندوه تا رهایی در دومین «شبِ باخ»

دومین برنامه از سری اجراهای «شبِ یوهان سباستین باخ» با عنوان «از اندوه تا رهایی» و روایتی از رنج، امید و رهایی به رهبری سحر انزلی ۲۶ تا ۲۸ آبان ماه ساعت ۲۰ در تالار رودکی به روی صحنه می‌رود. در این برنامه با همراهی گروه کر، نوازندگی پیانو آیناز قدیری‌نژاد و نوازندگی فلوت راژان بیات، کانتاتِ «BWV ۲۱ - Ich hatte viel Bekümmernis» به معنای «من بسیار رنج کشیدم» اجرا می‌شود.
صبا عطوف‌نیا، ساقی حق‌پرست، مارال نادری، صبا دربانی، پانته‌آ حسن شعبانی، حدیثه کریمی، شکیبا قلی‌زاده، لیلا آقاسی، نازنین زمانی (سوپرانو)، سعیده عبائیان، بهناز امینی، یاسمن محسنی، بنفشه عطرسایی، زهرا قادری، پریا یاراحمدی (آلتو)، احسان تاجیک، محمد ولیان، امیرمحمد غفوری، امید صالحی‌فر (تنور)، کیارش مطیع الحق، سروش دریایی، امیر مطهری و بنیامین بیگلری (باس) اعضای گروه کر را تشکیل می‌دهند. آبان ماه سال گذشته، اولین کنسرت از مجموعه «شبِ باخ» با اجرای قطعاتی کلاسیک از یوهان سباستین باخ آهنگساز آلمانی با همراهی گروه کر و آنسامبل زهی در تالار رودکی برگزار شد. سحر انزلی درباره جزئیات اجرای تازه خود به ایرنا گفته، امسال «کانتاتِ شماره ۲۱» باخ (BWV ۲۱ - Ich hatte viel Bekümmernis) به معنای «من بسیار رنج کشیده‌ام» اجرا خواهد شد و تلاش گروه این است که در یک روند مستمر، کانتاتِ‌های باخ را در تالار رودکی و دیگر تالارهای مشابه و در هر دوره، یک کانتاتِ از باخ با موضوع متفاوت را اجرا کنند.

روایت هنری از ایام فاطمیه در «سپیدتر از یاس»

نمایشگاه نقاشی «سپیدتر از یاس» که در آن ۱۰ اثر نقاشی رنگ‌روغن از حسین عینی بخش با موضوع زندگی حضرت فاطمه زهرا(س) به نمایش درآمده، روز دوشنبه ۲۶ آبان در نگارخانه ابوالفضل عالی افتتاح می‌شود. در بخشی از بیانیه این نمایشگاه به قلم حسین عینی بخش آمده است: «چگونه باید از شما گفت، از شما نوشت و شما را به تصویر کشید. قلم در ابهام‌تان وا مانده است و بوم در نقش حضورتان رنگ باخته. شما تنها بانویی هستی که زیر عبای یمانی حضور داشتی و خیرالعالمین را مادری کردی. بزرگان نجران به حضور آسمانی شما سر تعظیم فرود آوردند. آخرین نجوای رسول خدا در گوش شما زمزمه شد و بیت‌الاحزان شد قرارتان. همان شد که کینه‌ها از سینه بیرون زد و درِ خانه را سوزاندند و حیدرت را به بی‌رحمی بردند. خدایا شاهد باش شال کمر حیدر کرار پاره شد وگرنه زهرای اطهر تا آخرین لحظه پای ولی خود ایستاده بود. آه از کوچه بنی‌هاشم، آه از لحظه وداع، بعد از شما دیگر یاس‌ها سپید نیستند.»
مراسم افتتاحیه نمایشگاه «سپیدتر از یاس» روز دوشنبه، ۲۶ آبان ۱۴۰۴ ساعت ۱۵، با حضور جمعی از هنرمندان و علاقه‌مندان عرصه هنرهای تجسمی در نگارخانه عالی برگزار می‌شود. علاقه‌مندان برای بازدید از آثار می‌توانند تا ۱۲ آذر ۱۴۰۴، روزهای شنبه تا چهارشنبه، ساعت ۹ تا ۱۸ به نشانی خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ، حوزه هنری، طبقه همکف، مراجعه کنند.

یادمان علی قورچیان با اجرای حسام‌الدین سراج

یادمان زنده‌نام علی قورچیان هنرمند، نوازنده و مدرس موسیقی ایرانی با عنوان «یاد دوست»، روز سه‌شنبه ۲۷ آبان ساعت ۱۸ با حضور جمعی از هنرمندان موسیقی، خانواده و دوستان وی در فرهنگسرای ارسباران برگزار می‌شود. رضا مهدوی مجری این برنامه است و سهیل محمودی، عباس سجادی، مهرداد ترابی، حسام‌الدین سراج، حسن علی‌نژاد، گرشا قورچیان و نماینده فدراسیون سوارکاری سخنرانی خواهند کرد. در این برنامه گروه موسیقی «بیدل» به خوانندگی حسام‌الدین سراج با همراهی هنرمندانی چون هادی منتظری (کمانچه)، مسعود حبیبی (دف)، آرش فرهنگ‌فر (تنبک)، داوود ورزیده (نی)، حسن علی‌نژاد (سه‌تار) و پارسا علی‌نژاد (پارسه) و گروه سه‌تار «سارنگ» به سرپرستی مهرداد ترابی (سه‌تار) به همراه نیما شفیعی (سه‌تار)، سحر خدام (سه‌تار)، مزدا دامادی (تنبک) و علیرضا شفایی (آواز) به یاد علی قورچیان روی صحنه می‌روند. علی قورچیان، نوازنده سه‌تار و عود و قهرمان بین‌المللی کمان‌گیری سواره، در سن ۵۳ سالگی در آبان سال جاری بر اثر سکته قلبی دار فانی را وداع گفت.